



تالخیص مجموعہ

تقسیم

بہ کوشش : کلیم رضوانے نسب

سرشناسه: رضوانی نسب، کاظم، ۱۳۵۵
عنوان و نام پدیدآور: تلخیص ره توشه ۲/ به کوشش کاظم رضوانی؛ تهیه و تنظیم اداره تولیدات فرهنگی
آستان قدس رضوی؛ به سفارش معاونت تبلیغات و ارتباطات آستان قدس رضوی.
مشخصات نشر: مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص، ۱۴*۲۱.
شابک: ۹۷۸-۶۰-۲۹۹-۰۷۴-۷
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۲۰۳-۱۴۸ق.
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. اداره تولیدات فرهنگی
شناسه افزوده: آستان قدس رضوی. معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
شناسه افزوده: موسسه انتشاراتی قدس رضوی
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ر ۶۵ / ات ۴۷/ BP
رده بندی دیویی: ۹۵۷/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۵۰۵۰۷



تلخیص ره توشه

تهیه و تدوین: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی
به کوشش: کاظم رضوانی نسب
طراح گرافیک: محمود بازدار
ناشر: انتشارات قدس رضوی
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۲
شمارگان: ۳۰۰۰
چاپ: مؤسسه فرهنگی قدس
شابک: ۹۷۸-۶۰-۲۹۹-۰۷۴-۷

نشانی تهیه کننده: مشهد، حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، اداره تولیدات فرهنگی
تلفن: ۰۵۱۱-۲۰۰۲۵۶۷
صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵
حق چاپ محفوظ است.

فهرست

۱۳	مقدمه
۱۵	شرح بی نهایت
۱۶	پیش گفتار
۱۷	فصل اول: اقسام توحید
۱۷	مقدمه
۱۷	الف: توحید ذاتی
۱۸	ب: توحید صفاتی
۲۶	ج: توحید افعالی
۲۷	د: توحید عبادی
۲۸	فصل دوم: نشانه‌های خدا
۲۸	الف: نشانه‌های خدا در آسمان و زمین
۲۹	ب: دلایل خداشناسی
۳۱	ج: دلیل حدوث جهان
۳۱	فصل سوم: گفتگوهای توحیدی (مناظرات)
۳۳	فصل چهارم: شبهات خداشناسی و پاسخ‌ها
۳۹	فصل پنجم: پیامدهای توحید
۳۹	۱. تسلیم و رضا
۴۰	۲. پیامدهای اجتماعی
۴۳	آیین محبت
۴۴	پیش گفتار
۴۵	اول: ضرورت و لزوم پیشوای معصوم برای مردم
۴۵	۱. نقش امامت در دین
۴۶	۲. نقش امامت در عبادت
۴۶	۳. نقش امامت در جامعه
۴۸	۴. نقش امامت در رستخیز
۴۸	دوم. جایگاه امامت در جهان‌شناسی و انسان‌شناسی اسلام
۴۸	۱. امامت جانشین و امین خدا در زمین
۴۸	۲. مقام امامت، بالاتر از نبوت
۴۹	۳. مقام امام / مقام پیامبر
۴۹	۴. امام؛ حجت الهی
۴۹	۵. فرشتگان با امام سخن می‌گویند

۶. امام از مردم به مردم سزاوارتر است ۵۰
۷. امام، معصوم از گناه و نقص ۵۰
۸. دعای امام، مستجاب است ۵۰
۹. علم امام و آگاهی از امور غیبی و آینده ۵۰
۱۰. امام، میراث دار پیامبر ﷺ و امامان پیشین ۵۲
۱۱. امام تأیید شده‌ی روح القدس ۵۳
۱۲. امامت؛ نور جهان افروز و آب حیات ۵۳
۱۳. امام، رفیق مهربان و پناهگاه انسان‌ها ۵۴
۱۴. فضایل امام؛ موهبتی الهی ۵۴
۱۵. امام دارای شرح صدر الهامات علمی و توفیقات الهی ۵۴
- سوم: شیوه‌ی شناخت و تعیین امام معصوم** ۵۴
۱. تعیین امام با نصب الهی است ۵۴
۲. علم و استجابت دعا؛ دو راه اساسی شناخت امام ۵۵
۳. ناتوانی عموم مردم از شناخت صفات امام ۵۵
- چهارم: ویژگی‌های پیشوای امت** ۵۶
۱. آگاه‌ترین مردم (اعلم الناس) ۵۶
۲. داورترین مردم (احکم الناس) ۵۶
۳. با تقواترین مردم (اتقی الناس) ۵۶
۴. صبورترین مردم (احلم الناس) ۵۶
۵. شجاع‌ترین مردم (اشجع الناس) ۵۷
۶. بخشنده‌ترین مردم (اسخی الناس) ۵۷
۷. عابدترین مردم (اعبد الناس) ۵۷
۸. از پدر و مادر به مردم مهربان‌تر ۵۷
۹. فروتن‌ترین مردم نسبت به خدا ۵۷
۱۰. فرمانبردارترین مردم نسبت به دستورات الهی ۵۸
۱۱. امام نیز انسان است ۵۸
۱۲. امام، یگانه‌ی روزگار ۵۸
۱۳. امام از ستمکاران نیست ۵۸
۱۴. امام؛ آگاه به امور سیاسی ۵۹
- پنجم: امامت خاصه** ۵۹
۱. دین تمام و کامل؛ با امامت «امام علی (ع)» ۵۹
۲. امامت ائمه علیهم السلام به خاطر علم و ایمان و با نصب الهی بود ۶۰
۳. امامت؛ فقط در آل رسول ﷺ ۶۰
۴. امام مهدی (ع) خواهد آمد ۶۱

ششم: جدایی از امامت و پیامدهای آن.....	۶۱
۱. هر کس از امام جدا شد، به هلاک می‌افتد.....	۶۱
۲. جدایی از امام؛ موجب سرگردانی و گمراهی و گرفتاری در دام شیطان.....	۶۱
۳. پیامدهای غلو کردن در مورد امامان علیهم‌السلام.....	۶۱
جمع‌بندی و نتیجه.....	۶۲

جلوه وصال..... ۶۳

پیش‌گفتار.....	۶۴
گفتار اول: اهتمام به نماز در سیره و کلام امام رضا (ع)	۶۵
کیفر سستی در نماز.....	۶۶
اهتمام به نماز اول وقت.....	۶۶
رعایت آداب نماز.....	۶۸
الف. آداب باطنی.....	۶۸
ب. آداب ظاهری.....	۷۰
اهتمام به نماز شب.....	۷۱
گفتار دوم: اسرار و حکمت‌های نماز	۷۲
حکمت‌ها و اسرار مقدمات نماز.....	۷۲
الف: طهارت.....	۷۳
۱. وضو.....	۷۳
۲. غسل.....	۷۳
ب: اوقات نماز.....	۷۴
حکمت‌ها و اسرار نماز.....	۷۶
الف: وجوب نماز.....	۷۶
۱. اقرار به ربوبیت.....	۷۶
۲. خاکساری و تواضع.....	۷۷
۳. دوری از گناه.....	۷۷
۴. تعظیم خداوند.....	۷۸
۵. یاد خدا.....	۷۸
۶. طلب فزونی در دین و دنیا.....	۷۹
۷. طلب مغفرت.....	۸۰
ب: اجزای نماز.....	۸۰
۱. اذان و اقامه.....	۸۰
۲. قیام.....	۸۲
۳. تکبیر.....	۸۲

۸۳ قرائت
۸۴ جهر و اخفات
۸۵ ۵ . رکوع
۸۵ ۶ . سجود
۸۶ گفتار سوم: نماز جماعت، جمعه و عید
۸۶ نماز جماعت
۸۶ دو نکته درباره‌ی امام جماعت
۸۷ نماز جمعه
۸۷ نماز عید

۸۹ باران فضیلت

۹۰ پیش گفتار
۹۱ ۱. فضایل و مزایای زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small>
۹۱ ۱.۱. فضیلت بیشتر زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> از حج و عمره مستحبی
۹۲ گروه اول
۹۳ گروه دوم و سوم
۹۴ گروه چهارم و پنجم
۹۵ گروه ششم
۹۶ ۱.۲. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> همانند زیارت امام حسین <small>علیه السلام</small> در ثواب
۹۶ ۱.۳. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> همانند زیارت رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>
۹۷ ۱.۴. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> همانند زیارت خداوند در عرش
۹۸ ۱.۵. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> و شفاعت معصومان <small>علیهم السلام</small>
۹۹ ۱.۶. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> و از بین رفتن غم و اندوه
۱۰۰ ۱.۷. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> و به دست آوردن بهشت
۱۰۱ ۱.۸. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> و بخشش گناهان
۱۰۱ لطایف حدیث
۱۰۲ لطایف روایت
۱۰۲ ۹.۱. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> و کسب منبری کنار منبر پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و امیرالمومنین؛ علی <small>علیه السلام</small>
۱۰۳ ۱.۱۰. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> و استجاب دعا
۱۰۳ ۱.۱۱. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> و در امان بودن از آتش جهنم
۱۰۴ ۱.۱۲. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> و کمک و دستگیری در سه جای مهم
۱۰۵ لطایف روایت
۱۰۶ ۱.۱۳. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> و اعطای پاداش مجاهدان در راه خدا
۱۰۷ ۱.۱۴. زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> و اعطای پاداش شهید در راه خدا

- ۱۰۸..... لطایف حدیث.....
- ۱۱۰..... ۱۵.۱. زیارت امام رضا علیه السلام و همراه بودن با امام علیه السلام در قیامت.....
- ۱۱۰..... ۱۶.۱. ثواب دو رکعت نماز در کنار امام رضا علیه السلام.....
- ۱۱۰..... ۲. فضیلت بیشتر زیارت امام رضا علیه السلام از زیارت امام حسین علیه السلام.....

۱۱۵..... آستان دوست.....

- ۱۱۶..... پیش گفتار.....
- ۱۱۸..... بخش اول / مفهوم و حقیقت زیارت و اقسام آن.....
- ۱۱۸..... معنی و مفهوم زیارت.....
- ۱۱۸..... زیارت احیاء.....
- ۱۱۸..... زیارت گذشتگان.....
- ۱۱۹..... زیارت قبور علما و بزرگان.....
- ۱۲۰..... زیارت مقابر شهیدان.....
- ۱۲۰..... زیارت امامزادگان و الا مقام.....
- ۱۲۱..... ۱. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام.....
- ۱۲۱..... ۲. حضرت عبدالعظیم حسنی سلام الله علیه.....
- ۱۲۲..... ۳. سید امیر احمد بن موسی الکاظم (شاه چراغ) علیه السلام مدفون در شیراز.....
- ۱۲۳..... ۴. حضرت سید امیر محمد عابد.....
- ۱۲۴..... زیارت معصومین و امامان اهل بیت علیهم السلام.....
- ۱۲۴..... بخش دوم / نقش زیارت و آثار و برکات آن.....
- ۱۲۴..... مصداق بارز آیهی مودت، زیارت امامان است.....
- ۱۲۵..... زیارت امامان یا وفاداری به پیمان امامت.....
- ۱۲۵..... زیارت یا اقتدا به معصومین پاک.....
- ۱۲۶..... زیارت، عامل آشنایی بیشتر و عمیق تر با امامان.....
- ۱۲۷..... زیارت امامان و آشنایی با مکتب.....
- ۱۲۸..... ثواب زیارت هر یک از امامان علیهم السلام.....
- ۱۲۸..... زیارت امام حسین علیه السلام.....
- ۱۲۹..... بخش سوم / عنایات و کرامات حضرت رضا علیه السلام.....
- ۱۳۰..... بخش چهارم / آداب و شرایط زائر و زیارت.....
- ۱۳۰..... آداب زیارت.....
- ۱۳۴..... دیگر آداب مهم برای زائر.....
- ۱۳۶..... بخش پنجم / زیارتی مختصر و پر بار از حضرت رضا علیه السلام.....

نشانی بهشت

۱۳۹

- ۱۴۱..... پیش گفتار.....
- ۱۴۲..... دین و دین داری.....
- ۱۴۲..... ۱. ایمان.....
- ۱۴۲..... ۲. حقیقت ایمان.....
- ۱۴۳..... ۳. عمل بدون بینش.....
- ۱۴۴..... عقاید.....
- ۱۴۴..... ۴. توحید و شرک.....
- ۱۴۴..... ۵. شناخت؛ آغاز پرستش.....
- ۱۴۵..... ۶. عبادت و تفکر.....
- ۱۴۶..... حُسن ظن به خداوند.....
- ۱۴۷..... پیامبران اولوالعزم علیهم السلام.....
- ۱۴۸..... آیا معراج پیامبر صلی الله علیه و آله قابل تکذیب است؟.....
- ۱۴۹..... طراوت قرآن.....
- ۱۵۰..... امامت سررشته‌ی دین.....
- ۱۵۱..... شناخت امامان.....
- ۱۵۱..... گریه بر امام حسین علیه السلام.....
- ۱۵۲..... سه روز هولناک.....
- ۱۵۳..... زندگی و خانواده.....
- ۱۵۳..... هدف و زندگی.....
- ۱۵۴..... برنامه‌های اساسی زندگی.....
- ۱۵۵..... تلاش برای زندگی.....
- ۱۵۵..... مهربانی با خانواده.....
- ۱۵۶..... نیکی به پدر و مادر.....
- ۱۵۷..... ارتباط با خویشاوندان.....
- ۱۵۷..... اخلاق.....
- ۱۵۷..... فروتنی.....
- ۱۵۸..... نیمی از عقل.....
- ۱۵۸..... دوست و دشمن.....
- ۱۵۸..... سه چیز مبعوض خداوند.....
- ۱۵۹..... طرح دوستی و برادری.....
- ۱۵۹..... حیا و شرم.....
- ۱۶۰..... اندوه‌زدایی از قلب‌ها.....
- ۱۶۰..... گناه پنهان و آشکار.....

۱۶۱	سپاسگزاری در برابر دیگران
۱۶۱	نظافت و آراستگی
۱۶۲	سکوت مهر آور
۱۶۲	ثروت و انگیزه‌های جمع‌آوری آن
۱۶۳	کمک به ناتوان
۱۶۳	فلسفه‌ی احکام
۱۶۳	فلسفه‌ی خواندن نماز
۱۶۴	حکمت خواندن سوره مبارکه‌ی حمد در هر نماز
۱۶۵	چرا ارث زن نصف مرد است؟
۱۶۶	شرط امر به معروف و نهی از منکر
۱۶۶	فقر، مانع ازدواج نیست
۱۶۷	شراب، منشأ فساد

۱۶۹ صحیفه‌ی صحت

۱۷۰	پیش‌گفتار
۱۷۱	فصل اول: کلیات
۱۷۱	اول: لزوم توجه به هدف دین و امامت
۱۷۱	دوم: لزوم توجه به نقش زمان، مکان و مخاطب در فهم احادیث
۱۷۴	سوم: لزوم بررسی سندی و محتوایی احادیث طبی
۱۷۴	چهارم: سند نامه طلایی امام رضا <small>علیه السلام</small> «رساله ذهبیه»
۱۷۶	پنجم: گزارشی از محتوای نامه طلایی امام رضا <small>علیه السلام</small>
۱۷۷	ششم: فواید یادآوری و توجه به احادیث طبی
۱۷۸	هفتم: رابطه‌ی احادیث طبی و اعتقادات
۱۷۸	هشتم: مفهوم‌شناسی بهداشت و سلامت و درمان
۱۷۹	فصل دوم: بهداشت و پیشگیری
۱۷۹	مقدمه
۱۸۰	اول: بهداشت
۱۸۰	الف: بهداشت خواب
۱۸۱	ب: بهداشت دهان
۱۸۲	ج: بهداشت مسافرت
۱۸۳	د: بهداشت حمام کردن
۱۸۳	ه: بهداشت ازدواج
۱۸۵	دوم: غذاها (چه چیزی بخوریم و چه چیزی نخوریم)
۱۸۵	۱. غسل

۱۹۴	۲. آب‌های گوارا و ناگوار.....
۱۹۵	۳. شیر و ماست.....
۱۹۶	۴. ماهی تازه.....
۱۹۶	۵. تخم مرغ زیاد نخورید.....
۱۹۶	۶. گوشت گاو و شکار زیاد نخورید.....
۱۹۶	۷. سیر بخورید.....
۱۹۷	۸. سرکه بخورید.....
۱۹۷	۹. گوشت بخورید.....
۱۹۷	۱۰. برنج بخورید.....
۱۹۷	۱۱. کدو بخورید.....
۱۹۷	۱۲. بهتر است کلیه حیوانات را نخورید.....
۱۹۷	سوم: روش غذا خوردن.....
۱۹۷	۱. از کدام غذا شروع کنیم.....
۱۹۸	۲. قبل از غذا کمی نمک بچشید.....
۱۹۸	۳. چه موقع دست از غذا بکشیم.....
۱۹۸	۴. آب سرد بعد از غذای گرم ننوشید.....
۱۹۹	۵. در بین غذا، آب ننوشید.....
۱۹۹	۶. گوشت را با حیوانات و ادویه جات بخورید.....
۲۰۰	۷. بعد از غذا شربت شیرین بنوشید.....
۲۰۰	چهارم: رژیم غذایی متناسب با فصول و ماه‌های سال.....
۲۰۰	پنجم: غذای سازگار با بدن بخورید تا سالم باشید.....
۲۰۱	ششم: غذا و آب به اندازه‌ی نیاز (نه افراط) بخورید تا سالم بمانید.....
۲۰۲	فصل سوم: درمان
۲۰۲	مقدمه.....
۲۰۲	اصول کلی درمان.....
۲۰۲	۱. هر دردی، دارویی دارد.....
۲۰۲	۲. دستورات پزشکی و بهداشتی را از افراد متخصص بگیرید نه پزشک‌نماها.....
۲۰۳	۳. بیماری‌های کوچک را به خوبی معالجه کنید تا بیماری‌های بزرگ از راه نرسد.....
۲۰۳	۴. سلامت و بیماری بدن وابسته به غذای آن است.....
۲۰۳	۵. حرکت و کار و ورزش زیاد پسندیده است.....
۲۰۴	۶. کم خوردن غذای شب، راهکار سلامتی و مبارزه با چاقی.....
۲۰۴	۷. تأخیر در دست‌شویی عامل بیماری.....
۲۰۵	۸. خوردن گوشت نپخته عامل بیماری.....
۲۰۵	۹. درمان ضعف حافظه.....
۲۰۵	۱۰. حجامت.....

مقدمه

اهل بیت علیهم السلام گنجوران دانش‌اند که مزرعه‌ی جان انسان را در چهارده قرن اخیر سیراب و شاداب ساخته‌اند. دانش اهل بیت علیهم السلام از جنس دریافتنی است نه آموختنی، علم حضوری است نه حصولی و این از آن جهت است که آنان حقیقت علم را با جان آسمانی خویش دریافته‌اند.

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله سرسلسله‌ی این خاندان نور و روشنایی، هرچند که خود درس ناخوانده و مکتب‌نرفته بود، اما پیام و رسالت او، تلاوت، خواندن، آموختن، فراگرفتن و علم و آگاهی بود.

خاندان آن حضرت نیز که از چشمه‌ی حیات او سیراب بودند؛ همانند آن بزرگ، خورشید دانش و آگاهی را درگذرگاه اعصار فرا راه جویندگان دانش و بصیرت، تابان و فروزان نگه داشتند و با بهره‌مندی از انوار الهی او، مسیر پویندگان را روشن و جان جویندگان را تابناک و سرشار ساختند.

بی‌تردید کاوش در سرچشمه‌های نور اهل بیت علیهم السلام و بازخوانی سیره و آموزه‌های آن بزرگواران در روزگار ما- مانند همه‌ی روزگاران- خدمتی بزرگ به انسانیت است. خدمتی که فراتر از آن، خدمتی متصور نیست و از این روی بر تمامی کسانی که دل آنان برای انسان می‌تپد فرض است که با ژرف‌اندیشی و ژرف‌کاوی در معارف اهل بیت علیهم السلام گوهرهای ناب و آموزه‌های رهایی‌بخش این گنجینه‌ی عظیم و الهی را استخراج کنند و به بشر تشنه و جگر سوخته‌ی عصر حاضر ارائه نمایند.

مجموعه‌ی دوازده جلدی ره‌توشه به همت علما، اندیشمندان و محققان دینی کشور عزیزمان در سال‌های گذشته تألیف و چندبار تجدید چاپ شده است. این مجموعه، در برگیرنده‌ی موضوعات متعددی پیرامون زندگی و سیره‌ی عالم‌آل محمد صلی الله علیه و آله؛ حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام است. نظر به حجم بالای صفحات این مجموعه تصمیم بر این شد که کل مجلدهای آن در قالب دو جلد، خلاصه و تقدیم خوانندگان گرامی شود.

در تلخیص این اثر ضرورت ایجاد می‌کرد که بخش‌هایی از مطالب تکراری در این کتاب‌ها حذف شود. همچنین فهرست منابع کتاب‌ها از پایان آن حذف شده است. لذا تمامی دوستداران و اندیشمندان مبانی ناب اسلامی در صورت احساس ضرورت به توضیح مفصل‌تر مطالب، می‌توانند به کتب اصلی مراجعه و مطالب



کامل را با منابع مستند آن مطالعه نمایند.
امید است زایران عزیز و تمامی مخاطبین ارجمند، کلام و سیره‌ی ائمه معصومین علیهم‌السلام
را وسیله‌ای برای تأمین نیازهای معنوی و فکری خود قرار دهند و با مطالعه این
اثر، توشه‌های سعادت و کمال را بگیرند و نیز خدمتگزاران خود در این آستان
مقدس را از دعا فراموش نفرمایند!



شرح بی نظیرها

خداشناسی از منظر امام رضا علیه السلام
دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

پیش گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم
و صلى الله على محمد و آله الطاهرين سيما مولانا على بن موسى الرضا عليه آلف
التحية و الثناء
درآمد:

خداشناسی و توحید اساسی‌ترین اصل اسلام است، اسلام همه مردم را به سوی
توحید فرا می‌خواند و از شرک باز می‌دارد، از این روست که از امام رضا علیه السلام
روایت شده که: «التوحید نصف الدين»^۱ اصولاً اساس دعوت همه‌ی انبیا الهی
توحید بوده است.

توحید محور معارف قرآن است به صورتی که می‌توان گفت همه معارف قرآن
از توحید سرچشمه می‌گیرد و اگر معارف قرآن را بخواهیم به یک اصل بازگردانیم
همان توحید است.

محور اساسی آموزه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز توحید است و مردم را به
توحیدگرایی و شرک‌گریزی سفارش کرده‌اند. مطالبی که در پی می‌آید، بخشی از
مضامین احادیث نقل شده از امام رضا علیه السلام درباره‌ی توحید است که به زبان روز
و در قالب‌های جدید دسته‌بندی شده است.



۱۶

بِسْمِ
اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ

فصل اول: اقسام توحید:

مقدمه:

واژه‌ی «توحید» به معنای «یگانه دانستن و یکتا شمردن» است. اما از نظر اصطلاح در نزد متکلمان (دانشمندان عقاید) و فلاسفه و عرفا معانی گوناگونی دارد. هر چند که مقصود همگی بیان یگانگی خداست.^۱ معمولاً توحید را به چهار قسم: «توحید ذاتی، صفاتی، افعالی، و عبادی» تقسیم می‌کنند، البته برخی صاحب نظران معاصر اقسام دیگری برای توحید ذکر کرده‌اند که عبارتند از:

۱. توحید در وجوب وجود، ۲. توحید در خالقیت، ۳. توحید در تدبیر و ربوبیت تکوینی، ۴. توحید در ربوبیت تشریحی، ۵. توحید در اولویت و معبودیت، ۶. توحید در عبادت، ۷. توحید در استعانت، ۸. توحید در هراس از خدا، ۹. توحید در امیدواری به خدا، ۱۰. توحید در مبحث، ۱۱. توحید استقلالی (عالم هستی عین ربط است).^۲

الف: توحید ذاتی:

توحید ذاتی به معنای آن است که ذات خدای متعال یکتاست و شریکی برای او نیست نه ترکیبی در درون ذاتش هست و نه خدای دیگری بیرون از ذات او وجود دارد.

۱. خدا یکتا و یگانه (واحد و أحد) است:

از امام رضا علیه السلام روایت شده که:

«او (خدای متعال) لطیف، دانا، شنوا، بینا، یکتا، یگانه، مقصود است و نه فرزندی

می‌آورد و نه زاده شده و هیچ کس مانند او نیست».^۳

۲. خدا مثل و مانند ندارد:

از امام رضا علیه السلام روایت شده که تفسیر آیه‌ی «برای خدا همانند قرار ندهید!»،^۴

فرمودند: «یعنی شبیه‌ها و همانندهایی از بت‌ها (برای خدا) قرار ندهید، که تفکر

۱. معارف قرآن، آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، ج ۱، صص ۸۷ - ۷۹.

۲. همان، صص ۵۱ - ۴۹.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، صص ۹۸ - ۹۷.

۴. بقره/ ۲۲.



نمی‌کنند و نمی‌شنوند و نمی‌بینند و توانای بر چیزی نیستند، در حالی که شما می‌دانید که آن‌ها توانای بر چیزی نیستند»^۱.

ب: توحید صفاتی:

مقصود از توحید صفاتی آن است که صفاتی را که به خدا نسبت می‌دهیم چیزی غیر از ذات خدا نیست و صفاتی مثل قدرت، علم و ... موجوداتی غیر از ذات خدا نیستند. یعنی خدای متعال مثل انسان نیست که نخست جاهل است سپس عالم می‌شود.

۱. صفات خدا عین ذات اوست:

۲. اولین نام و صفت خدا چیست؟

از امام رضا علیه السلام روایت شده که:

«پس اولین چیزی که خدای متعال برای خودش انتخاب کرد نام «علیّ عظیم» (بزرگ برتر) بود، چرا که از همه نام‌های او بالاتر است. پس معنای آن این است که خدا و نام او برتر و بزرگ است. آن اول نام‌های اوست چرا که (صفت) «علیّ» از همه چیز برتر است»^۲.

۳. نام و صفت خدا همسان است.

«محمد بن سنان می‌گوید از امام رضا علیه السلام در مورد اسم پرسیدم که چیست؟ حضرت فرمود: (اسم) صفتی برای موصوف است».

توضیح: قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾^۳ «و نام‌های نیکو فقط از آن خداست؛ پس او را با آن‌ها بخوانید»

۴. خدا دیده نمی‌شود:

امام رضا علیه السلام فرمودند: «در حقیقت خدای متعال به مکان وصف نمی‌شود و به وسیله چشم و وهم درک نمی‌شود»^۴.

۵. خدا شبیه مردم نیست و مثل ندارد:

۶. خدا مکان ندارد:

امام رضا علیه السلام فرمودند: «ای اباصلت، در حقیقت خدای متعال به محل و مکان



۱۸

ن
ت
ن

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۱۰۶.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۹۹.

۳. اعراف، ۱۸۰.

۴. توحید، ص ۸۹.

وصف نمی‌شود (مکان ندارد).^۱

۷. توضیح صفات الهی از زبان امام رضا علیه السلام:

حسین بن خالد گوید: امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند دانایت کند! بدان که خداوند قدیم است (یعنی از ازل بوده است) و ازلی بودن صفتی است که به آدم عاقل می‌فهماند که چیزی قبل از او نبوده است و در بقایش نیز چیزی با او و همراه او نخواهد بود، با اقرار عامّه و معجزه‌ی صفت برای ما روشن می‌شود که چیزی قبل از خدا نبوده و در بقایش نیز چیزی به همراهش نخواهد بود، و گفتار کسانی که گمان می‌کنند قبل از او و یا همراه او چیزی بوده است، باطل می‌گردد. زیرا اگر چیزی به همراه او می‌بود، نمی‌بایست خداوند خالق او باشد زیرا آن چیز، همیشه از ازل با خدا بوده است پس خدا چگونه می‌تواند خالق چیزی باشد که همیشه به همراهش بوده است و اگر آن شیء قبل از خدا بوده باشد، آن شیء سرآغاز خواهد بود نه این (خدا): و شایسته آن خواهد بود که آن اول، خالق این دوم، باشد.

سپس خداوند خود را با نام‌هایی وصف نموده است و آن زمان که خلق را آفرید از آن‌ها خواست و آن‌ها را بر این عبادت واداشت که خدا را با نام‌ها بخوانند، او خود را با این نام‌ها نامیده است: شنوا، بینا، قادر، قاهر، زنده، قیوم و پا برجا، ظاهر و آشکار، باطن و پنهان، لطیف و دقیق، خبیر و آگاه، قوی، با عزت، حکیم، علیم و امثال این اسامی و آن زمان که غلو کنندگان تکذیب کنندگان این اسامی را دیدند و شنیدند که ما درباره‌ی خدا می‌گوییم: چیزی مثل خدا نیست و هیچ چیز به حالت و کیفیت خدا وجود ندارد، گفتند: شما که می‌گویید هیچ چیز مثل و شبیه خدا نیست، چطور شما، در اسماء حسنی با خدا شریک هستید؟ و به تمامی آن نام‌ها نامیده می‌شوید؟ پس این خود دلیلی است بر این که شما در تمام حالات خدا یا حداقل در بعضی از آن‌ها مثل خدا هستید، زیرا هم شما و هم او دارای یک سری نام‌های نیکو هستید.

به آن‌ها باید گفت: خداوند تبارک و تعالی، نام‌هایی از نام‌های خود را به بندگانش نهاده، ولی معانی آن‌ها با هم متفاوت است، مانند مواردی که یک اسم، دو معنی مختلف دارد، دلیل بر این مدعی، زبان و گفتار شایع میان مردم است - و خداوند - هم با همین زبان و روش با آن‌ها صحبت کرده، به گونه‌ای که بفهمند، تا دلیل و حجتی باشد بر آن‌ها در تزییع آن‌چه تزییع کرده‌اند.



۱۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ما خدا را عالم می‌نامیم اما عالم بودن او به این صورت نیست که او را علمی که نبوده اکنون به دستش آورده، چیزی را بداند و به کمک آن علم، آنچه را بعداً بدان برخورد می‌کند حفظ نماید، و در خلقت مخلوقاتش فکر و اندیشه کند، چطور چنین چیزی ممکن است و حال آن که گذشتگانی را که خود نابود ساخته، همه برای او حاضرند و در محضرش هستند.

و نیز پروردگار ما، شنوا است ولی نه با عضوی از بدنش که با آن بتواند بشنود ولی نتواند ببیند (مثل گوش درما) کما این که ما با آن عضوی که می‌شنویم نمی‌توانیم ببینیم ولی خداوند عزوجل فرموده است که هیچ صدایی بر او پوشیده نیست و مثل ما نیست. حال اسم شنوا بر ما و خدا اطلاق می‌شود ولی معنی و مصداق آن با هم فرق دارد.

و همچنین است بصیر (بینا) ولی نه با عضو، برعکس ما که با چشم می‌بینیم و استفاده دیگری از آن نمی‌توانیم ببریم، ولی خداوند، بینا است و به هیچ شیء دیدنی، جهل ندارد.

او قائم است اما نه به معنی ایستادن روی پا با زحمت و سختی و خستگی مثل ایستادن سایر اشیا ولی وقتی می‌فرماید خدا قائم است معنایش این است که حافظ و قیّم اشیاء است.

خداوند عزوجل حافظ و قیّم هر کسی است در کارهایی که می‌کند.

اما لفظ لطیف به معنی کمی، کوچکی و نازکی نیست، بلکه به معنی «نفوذ در اشیاء» و «درک نشدن» می‌باشد، مثل این جمله: «لَطْفٌ عَنِّي هَذَا الْأَمْرُ» (یعنی: فلان امر از من پنهان شد) و «لَطْفٌ فُلَانٌ فِي مَذْهَبِهِ وَ قَوْلِهِ» (یعنی: فلانی در روش و گفتارش لطیف و ظریف است) به این معنی که او روش و گفتاری پیچیده دارد و عقل را متعجب می‌سازد و از دسترس به دور است و بسیار عمیق و ظریف بوده و فکر و اندیشه به او نمی‌رسد. و همچنین است خداوند، دقیق‌تر و پیچیده‌تر از آن است که با حد و وصفی درک شود.

و اما خبیر، کسی است که چیزی از نظر او پنهان نیست و هیچ چیز از دسترسش دور نمی‌ماند، ولی نه با تجربه و آزمایش به این صورت که این آزمایش به او چیزی بیاموزد، خداوند تبارک و تعالی از ازل به آنچه می‌خواسته خلق کند، خبیر و آگاه بوده است، اما در میان مردم، به کسی خبیر گفته می‌شود که جاهل باشد ولی در صدد یادگیری و آگاهی یافتن برآید. در این مورد هم اسم ما و خدا مشترک است ولی معنای آن متفاوت.



و اما ظاهر، به این معنی نیست که با سوار شدن بر اشیاء و نشستن بر آن‌ها، از آن‌ها بالا رفته است بلکه به این خاطر به او ظاهر گفته می‌شود که بر همه چیز چیره و قاهر است و بر همه چیز غلبه یافته و نسبت به همه چیز قادر است. وجه دیگری نیز برای ظهور خداوند هست و آن اینکه: او برای هر کس که او را بخواهد ظاهر و هیچ چیز بر خدا پوشیده نیست و تدبیر هر چه دیده می‌شود، به دست اوست، پس چه ظاهری از خداوند ظاهرتر و آشکارتر است؟

و اما باطن، به معنی «درون اشیاء بودن» نیست به این معنی که درون اشیا غور و نفوذ کند. بلکه به این معنی است که به درون اشیا اطلاع و آگاهی دارد و تدبیر آن به دست اوست.

و اما قاهر به ممارست کردن و رنج کشیدن و نیرنگ و فریب زدن و یکدیگر را کنار زدن نیست و آن چنان که بعضی مردم، بر بعضی دیگر چیره و قاهر و غالب می‌شوند و لکن در مورد خداوند به این معنی است که تمام آنچه را خلق کرده، همه در مقابل ایجاد کننده‌شان ذلیل و خوار هستند و در مقابل خواسته‌های او نمی‌توانند خودداری و امتناع نمایند و از حیطه‌ی قدرت او یک چشم بر هم زدن هم نمی‌توانند خارج شوند. و او فقط یک فرمان «ایجاد شو» می‌دهد و آن مخلوق، ایجاد می‌شود.

۸. سخنرانی امام رضا علیه السلام در توحید صفاتی:

قاسم بن ایوب گوید: وقتی مأمون خواست حضرت رضا علیه السلام را به ولایت عهدی منصوب کند بنی‌هاشم را جمع کرده، به آنان چنین گفت: من تصمیم دارم پس از خود «رضا» را به خلافت برگزینم. بنی‌عباس از روی حسادت گفتند: آیا می‌خواهی مردی نادان را که هیچ‌آشنایی با خلافت و سیاست ندارد، ولی عهد خود کنی؟! کسی را نزد او بفرست تا به این‌جا بیاید و نمونه‌هایی از جهالت او را که دلیل خوبی بر علیه او خواهد بود ببینی! مأمون نیز حضرت علیه السلام را فرا خواند. بنی‌عباس گفتند: یا ابا الحسن! به منبر برو و ما را راهنمایی کن تا خداوند را به‌طور صحیح شناخته و بر آن اساس عبادت نماییم.

حضرت علیه السلام به منبر رفته، سر به زیر انداختند و بدون این‌که صحبتی کنند مدتی به همان حالت نشستند، سپس حرکتی کرده، از جای برخاستند. (محمد بن یحیی بن عمر بن علی بن ابی‌طالب - از سادات - نیز گوید: من خود شاهد سخنان حضرت علیه السلام در آن مجلس بودم).

حضرت، حمد و ثنای الهی به جای آورده و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیتش علیهم السلام



درود فرستادند آن‌گاه فرمودند:

مرحله اول در عبادت خدا، شناخت اوست، و پایه و اساس شناخت خداوند منحصر به فرد دانستن اوست و قوام و اساس توحید این است که صفات (زاید بر ذات) را از ذات خداوند منتفی بدانیم زیرا عقل انسان خود گواهی می‌دهد که هر چیزی که از صفت و موصوفی ترکیب شده باشد، مخلوق است و هر مخلوقی نیز خود شهادت می‌دهد که خالق دارد که نه صفت است و نه موصوف. و هر صفت و موصوفی همیشه باید با هم همراه باشند و همراهی دو چیز با هم، نشانه‌ی حادث بودن آن‌هاست و حادث بودن هم با ازلی بودن منافات دارد، پس کسی که بخواهد ذات خدا را با تشبیه نمودن او به مخلوقاتش بشناسد، در واقع خدا را نشناخته است و کسی که بخواهد کنه ذات خدا را دریابد، در واقع قایل به توحید نیست (زیرا با این کار عملاً قایل شده است که خداوند نیز مثل سایر موجودات است و می‌توان به کنه اودست یافت، و حال آن که خداوند «تک» است و مثل و مانند ندارد) و کسی که برای او مثل و مانند قایل شود، به حقیقت او آگاهی نیافته است، و کسی که برای او نهایی فرض کند او را تصدیق ننموده است، و کسی که بخواهد به او اشاره کند (یا در جهتی خاص به او اشاره کند) در واقع به سوی خدا نرفته، بلکه به سمتی دیگر توجه نموده است و به موجودی دیگر اشاره کرده است (زیرا خداوند در جهت خاصی نیست تا بتوان به او در آن جهت اشاره کرد) و هر کس او را تشبیه کند در واقع خداوند را قصد نکرده (بلکه به سراغ موجودی دیگر رفته است)، و هر کس برای خداوند اجزا و ابعاض قایل شود، در واقع در مقابل او تذلل و خواری نکرده است و هر کس بخواهد با قوه‌ی فکر خود او را توهم نماید، در حقیقت به سراغ خدا نرفته است، هر آن‌چه که به همراه نفس و ذات خود شناخته شود، مصنوع و ساخته شده است، و هر آن‌چه در چیز دیگری (یا به چیز دیگری) غیر از خود، قائم و پابرجا باشد، معلول است و نیاز به علت دارد، به وسیله‌ی مخلوقات و ساخته‌های خدا، می‌توان بر وجود او استدلال کرد و توسط عقل است که معرفت و شناخت او پا می‌گیرد، و به وسیله‌ی فطرت، حجت بر مردم تمام می‌شود، آفرینش مخلوقات توسط خداوند، حاجبی است بین او و آن‌ها، دوری و جدایی او از بندگانش، مکانی و مادی نیست بلکه تفاوت وجودی اوست با نحوه‌ی وجود آن‌ها، و آغاز داشتن خلقت مخلوقات، دلیلی است برای ایشان بر این که خدا آغاز و ابتدا ندارد، چون هر چیز که آغاز و ابتدا داشته باشد، نمی‌تواند آغازگر چیز دیگر باشد، و نیز آلات و ادوات دادن خدا به آنان دلیلی



۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

است بر این که در خداوند آلات و ادوات وجود ندارد. زیرا آلات و ادوات شاهد عجز و فقر صاحب آنهاست، اسماء او محض عبارت و تعبیر است، و افعال و کردار او مجرد تفهیم است، ذات او حقیقت است و کنهش، جدایی او از خلق، بقای او حد و مرز سایر پدیده‌هاست، هر کس بخواهد اوصاف خدا را دریابد، او را نشناخته است، و هر کس بخواهد با فکر خود بر او احاطه پیدا کند در واقع از او گذشته و او را پشت سر نهاده و بر چیز دیگری (که ساخته‌ی فکر او است) احاطه پیدا کرده است، و هر کس بخواهد کُنه او را دریابد به خطا رفته است.

هر که بگوید: چگونه است؟ او را (به مخلوقاتش) تشبیه نموده است، و هر که بگوید: چرا و از چه راهی موجود شده است؟ در واقع برای او علت تصور کرده است و هر کس بگوید: از چه موقع بوده است؟ برای او وقت و زمان تصور کرده است، و هر کس بگوید: در کجا قرار دارد؟ برای او جا و مکان خیال کرده است، و هر که بگوید: حدش تا کجاست؟ برای او نهایی فرض کرده است، و هر کس بگوید: تا چه زمانی خواهد بود؟ برای او غایت و انتهایی قرار داده است، و هر کس چنین کند بین او و سایر موجودات حد مشترک قرار داده است، و هر کس بین او و مخلوقاتش حد مشترک قرار دهد برای او اجزا پنداشته است، و هر کس او را دارای اجزاء تصور کند او را وصف نموده، و هر که او را وصف نماید، در مورد خداوند به خطا رفته و کارش به الحاد و کفر می‌انجامد.

و خداوند با تغییر یافتن مخلوقین، تغییری نمی‌کند، کما این که با حد و حدود مخلوقین (که همگی محدود هستند) محدود نمی‌شود، احد است ولی نه به عنوان عدد (ی در مقابل دو، سه و...) ظاهر و آشکار است ولی نه به این صورت که قابل لمس باشد، آشکار و هویداست ولی نه به این معنی که دیده شود، باطن و پنهان است ولی نه این که از مخلوقات غایب باشد، دور است ولی نه از نظر مسافت، نزدیک است ولی نه از جهت مکانی، لطیف است ولی نه از نظر، جسم، موجود است ولی نه بعد از عدم، (قبل از او عدم نبوده بلکه او همیشه موجود بوده است)، فاعل است و کار انجام می‌دهد ولی نه از روی اجبار، بلکه با اختیار تام، می‌سنجد و تصمیم می‌گیرد ولی نه با نیروی فکر، تدبیر می‌کند ولی نه با حرکت، اراده می‌کند ولی نه با آهنگ، مشیت و اراده دارد ولی نه با عزم و تصمیم، درک می‌کند ولی نه با آلت و وسیله‌ی حس، می‌شنود و می‌بیند ولی نه با گوش و چشم و یا وسیله‌ی دیگر.

زمان و مکان ندارد، چرت و پینکی و خواب او را فرا نمی‌گیرد، صفات مختلف





او را محدود نمی‌سازد، آلات و ادوات نیز او را مقید و محدود نمی‌کند، او قبل از زمان بوده است، و قبل از عدم وجود داشته است، و ازلیتیش از هر آغاز و ابتدایی فراتر بوده است، از خلقت حواس توسط او معلوم می‌شود که خود فاقد این حواس (باصره، سامعه، لامسه، ذائقه، ...) می‌باشد، و از ایجاد عناصر معلوم می‌شود که عنصر ندارد، و از آنچه بین اشیاء ضدیت برقرار کرده است دانسته می‌شود که خود، ضد ندارد، و با ایجاد مقارنه و هماهنگی بین امور، دانسته می‌شود که قرین و هم‌اورد ندارد، بین نور و ظلمت، آشکاری و گنگی، خشکی و تری و سرما و گرما ضدیت برقرار کرده است، امور نامساعد و دور از هم آن‌ها را به دور هم جمع کرده، و امور نزدیک را از هم جدا نموده است، و پراکندگی این‌ها و اجتماع آن‌ها، دلیلی است بر وجود پراکنده کننده و گردآورنده‌اشان، و این آیه‌ی شریفه اشاره به همین معنی دارد: ﴿وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾؛ و از هر چیز جفتی آفریدیم، باشد که شما متذکر شوید، بین «قبل» و «بعد» در این مخلوق جدایی و فرق افکند تا همه بدانند او خود، قبل و بعد ندارد، غرایز این موجودات نشان می‌دهد که غریزه‌دهنده‌ی به آنان، خود غریزه ندارد، و تفاوت یا نقص آن‌ها دلیلی است بر این که تفاوت دهنده‌ی به آنان، نقصی ندارد و تفاوتی در ذاتش نیست، زمان‌دار بودن آنان بیان‌کننده‌ی این واقعیت است که زمان دهنده‌ی به آنان، فاقد زمان و فراتر از آن است، بعضی را از بعضی دیگر پنهان کرده تا دانسته شود، غیر از آن مخلوقات، حجاب دیگری بین او و آن‌ها نیست. آن زمان که مربوط و مخلوقی وجود نداشت، او رب بود (یعنی مقام ربوبیت برایش ثابت بود)، و آن زمان که مملوک و مخلوقی نبود، او مالک علی‌الاطلاق و مستولی بر همه چیز بود.

(یعنی مقام مالکیت علی‌الاطلاق و قدرت مطلقه برایش ثابت بود).

و آن زمان که هیچ موجودی نبود تا معلوم واقع شود، او عالم بود، و آن زمان که مخلوقی در جهان نبود، او خالق بود، و نیز آن زمان که مسموعی وجود نداشت، معنای سمع (شنیدن) در مورد او صادق بود، این طور نیست که فقط از نداشتن، معنای سمع (شنیدن) در مورد او صادق بود، این طور نیست که فقط از وقتی دست به خلقت و آفرینش زد، خالق محسوب شود، بلکه قبل از شروع به خلقت نیز، خالقیت در مورد او مصداق داشته است.

چگونه می‌توان غیر از این را تصور کرد؟ حال آن که ابتدا و آغازی ندارد و

نمی‌توان با کلمه‌ی «از» که ابتدا و آغاز را نشان می‌دهد او را در برخی زمان‌ها غایب فرض کرد، بلکه همیشه و در همه‌ی اوقات بوده است (بلکه او فراتر از زمان است نه محدود به زمان).

و کلماتی مثل «قَدْ» (در زبان عربی) که نشان دهنده‌ی نزدیکی زمان مورد نظر به زمان دیگری است (مثل فعل ماضی نقلی در فارسی) نمی‌تواند نشان دهنده‌ی نزدیکی زمان او باشد (چون تمام ازمه چه دور و چه نزدیک همه نسبت به او یکسان هستند) و کلماتی مثل «لَعَلَّ» (به معنی شاید) که نشانگر احتمال و عدم قطعیت است و در مورد مخلوقین، خبر از وجود مانع یا موانعی برای حصول کاری می‌دهد در مورد او چنین مفهومی را نمی‌رساند بلکه امر به اراده‌ی خدا قطعی الحصول است.

و کلمه‌ی «مَتَى» (کی؟ چه زمانی؟)، اگر چه در مورد خدا به کار می‌رود ولی نشان دهنده‌ی وقت معینی برای او نیست، و به کار بردن کلمه‌ی «زمان» در مورد او به این معنی نیست که خداوند مظرورف است و در محدوده‌ی زمان قرار گرفته است.

و نیز کاربرد کلمه‌ی «مع» (به معنی «با») در مورد او به این معنی نیست که خداوند با چیزی قرین و همراه است.

ادوات، امثال خود را محدود می‌سازد (یعنی در حق تعالی تأثیری ندارد)، و آلات، متناسب با امثال و نظایر خویش است، و اینها، نه در خداوند بلکه در سایر اشیاء مؤثرند، ابتدای زمانی داشتن باعث شده است که اشیاء و موجودات قدیم نباشند، و قرب زمانی داشتن، آن‌ها را از ازلی بودن باز داشته، و فقدان بعضی از حالات و صفات، آن‌ها را از کمال دور ساخته است، افتراق و جدایی آن‌ها دلیل و نشانه‌ی وجود جداکننده‌ی آن‌هاست، تباین و تفاوت آن‌ها نشانه‌ی وجود تفاوت دهنده‌ی آن‌هاست، خالق اشیاء، توسط آن‌ها، بر عقول آدمیان تجلی کرده و به وسیله‌ی آن‌ها، از چشم‌ها پنهان گردیده است، ملاک استدلال افکار درباره‌ی خداوند، همین اشیاء و موجودات است، در اشیاء تغییرات را قرار داده و دلیلشان بر اساس اشیاء است، اقرار به وحدانیت خود را به سبب وجود این اشیاء به آن‌ها الهام فرموده است.

تصدیق و اقرار به خداوند توسط عقول صورت می‌پذیرد و با اقرار به خدا ایمان کامل می‌گردد، تا معرفت و شناخت نباشد دیانت کامل نمی‌شود در واقع قایل به تشبیه شده است، هر چیزی که در مخلوق یافت شود، در خالقش وجود نخواهد



داشت و هر آن‌چه در مورد او امکان داشته باشد، درباره‌ی صانعش محال و ممتنع خواهد بود، در مورد او حرکت و سکون وجود ندارد، چگونه امکان دارد، چیزی را که خود ایجاد کرده، در مورد خود او، مصداق یابد؟! یا آن‌چه را خودش آغاز کرده و به وجود آورده به سوی او بازگشته و در مورد او مصداق پیدا کند؟ اگر چنین بود، نقص و کاستی و کمبود در ذاتش راه می‌یافت و گنهش، از وحدت در آمده، دارای اجزا می‌شد، و ازلی بودن در موردش محال می‌گردید و خالق مثل مخلوق می‌شد.

اگر برای او پشت تصور شود، مقابل و روبه‌رو نیز تصور می‌شود، و اگر برای او تمام بودن فرض شود، نقصان هم فرض می‌شود، کسی که، حدوث درباره‌اش محال نیست، چگونه می‌تواند ازلی باشد؟ کسی که ایجاد شدن درباره‌اش محال نباشد چگونه می‌تواند ایجاد کننده‌ی اشیاء باشد؟ اگر چنین بود نشانه‌ی مخلوق و مصنوع بودن در او وجود می‌داشت و خود آیه و نشانه می‌شد (برای یک موجود ازلی دیگر) نه این که موجودات دیگر آیه و نشانه برای او باشند.

قول محال که مخالف حق و حقیقت است حجتی در بر ندارد، و سؤال درباره‌ی خدا، فاقد جواب است، و در غیر این صورت، خداوند تعظیم و احترام نشده است، و در عقیده به این که خداوند به کلی (چه در ذات، چه در صفات و افعال) با مخلوقین مبینت و غیریت دارد، ظلم و افتدایی نیست، موجود ازلی محال است که مرکب باشد یا دوئیت (دو تا بودن) در او راه یابد، و آن‌چه آغازی ندارد، محال است مخلوق باشد و آغاز و انجامی برایش تصور شود.

معبودی نیست، جز «الله» که بزرگ و بلندمرتبه است، کسانی که خدا را با دیگر موجودات یکسان می‌دانند، دروغ گفته‌اند و به ضلالت بزرگی دچار گشته‌اند و به وضوح و آشکارا زیان نموده‌اند. و درود خدا بر محمد و اهل بیت علیهم السلام پاکش باد! و تا اخلاص نباشد، معرفت و شناخت انجام نمی‌گیرد، و با اعتقاد به تشبیه، اخلاصی در بین نخواهد بود.

ج: توحید افعالی:

توحید افعالی چند گونه تقریر و بیان شده است، از جمله این که مقصود از توحید افعالی آن است که خدا در کارهایی که انجام می‌دهد نیازی به کمک ندارد و مستقل و یگانه است و اگر کاری به وسیله اسباب انجام می‌شود آن اسباب را



نیز خدا می‌آفریند و یا این که همه تأثیرات در جهان از خداست و هر کاری کار خداست.^۱

۱. کارهای مردم تقدیر شده است.

حمدان بن سلیمان نقل می‌کند که به امام رضا علیه السلام نامه نوشتم که کارهای بندگان (خدا) مخلوق است یا غیر مخلوق؟ حضرت در پاسخ نوشتند: کارهای بندگان (خدا) در علم خدای متعال دو هزار سال قبل از آفرینش آنها مقدر شده است.^۲ البته این مطلب به معنای مجبور بودن انسان نیست چرا که تقدیر کارها با لحاظ اراده و اختیار بشر تقدیر شده است.

د: توحید عبادی

مقصود از توحید عبادی آن است که انسان فقط خدا را بپرستد و غیر خدا را بپرستد و شریک در معبود نداشته باشد.

عن الرضا علیه السلام: «أول عبادة الله معرفته، و اصل معرفة الله توحیده»^۳

نخستین مرحله پرستش الهی، شناخت اوست و اصل شناخت خدا یگانه دانستن اوست.

ه: شاخه‌های فرعی توحید:

۱. توحید در وجوب وجود:

روایت شده که شخصی به نام فتح از امام رضا علیه السلام در مورد پایین‌ترین مرتبه معرفت پرسید. حضرت فرمودند:

«پائین‌ترین مرتبه معرفت به خدا آن است که اقرار شود به این که هیچ خدایی جز او نیست و شبیه و نظیری ندارد و او قدیم (ازلی) است و موجودی ثابت است که هیچ گاه از میان نمی‌رود، و هیچ چیزی مانند او نیست».

۲. توحید در خالقیت:

خدا ایجاد کننده همه چیزها و صورت‌گر همگان است.

او (خدای متعال) ایجاد کننده همه چیز و خالق اجسام و تصویرگر همه‌ی صورت‌هاست.^۴

۳. توحید در تدبیر (ربوبیت تکوینی)

۱. همان، ص ۹۵.

۲. همان، ص ۱۰۵.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۰.

۴. همان، ص ۱۲۷.



امام رضا علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کنند که: در حقیقت خدای متعال دو هزار سال قبل از آفرینش آدم اندازه‌ها را اندازه‌زنی کرد و تدبیر امور را مشخص کرد.^۱

فصل دوم: نشانه‌های خدا:

الف: نشانه‌های خدا در آسمان و زمین:

یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار از قول پدرانشان از امام عسکری علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت علیه السلام از امام هادی علیه السلام و ایشان از امام جواد علیه السلام و ایشان از امام رضا علیه السلام و آن حضرت علیه السلام از امام کاظم علیه السلام و ایشان از امام صادق علیه السلام و امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام و ایشان از امام سجاد علیه السلام نقل فرمودند که آن حضرت علیه السلام درباره‌ی آیه‌ی: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً﴾؛ (همان) کسی که زمین را بستری و آسمان را بنایی برای شما قرار داد، چنین فرمودند: یعنی خداوند زمین را متناسب با طبیعت، خوی و بدن‌های شما قرار داد. آن را نه چنان داغ و سوزان نمود که شما را بسوزاند و نه چنان سرد که در آن یخ بزنید، باد آن نه چنان خوشبو است که از آن سردرد بگیرید و نه آن چنان بد بو که شما را اذیت کند، (و زمین)، نه همچون آب نرم است که شما را غرق کند و نه آن چنان سخت که نتوانید در آن خانه بنا سازید و قبر بکنید؛ بلکه خداوند عزوجل، آن مقدار صلابت در آن نهاده است که برای شما مفید و نافع باشد و بتوانید خود و ساختمان‌هایتان را بر آن نگه دارید و در آن خاصیتی قرار داده است تا برای خانه‌سازی و قبر کردن و بسیاری از منافع دیگر شما مناسب باشد؛ پس به این دلیل زمین را برای شما همچون بستر گردانیده است. سپس خداوند می‌فرماید: ﴿وَالسَّمَاءَ بِنَاءً﴾؛ و آسمان را بنایی برای شما قرار داد، مراد از «بنا» در این جا «سقف» است؛ سقفی که ماه و آفتاب و ستارگانش را به‌خاطر منافع شما در حرکت و چرخش در آورده است. سپس می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً﴾؛ و از آسمان آبی فرو فرستاد.^۲ یعنی بارانی که از بالا فرو می‌فرستد تا به قله‌های کوه و تپه و قعر دره‌ها برسد، سپس این باران را به صورت‌های مختلف، ریز و تند، درشت و



۲۸

ن
ن
ن
ن

۱. همان، ص ۸-۱۰.

۲. بقره، ۲۲.

۳. همان.

۴. همان.

شدید و نم‌نم در آورد تا زمین‌ها این باران‌ها را در خود فرا گیرد و این باران را یکجا و یک پارچه نازل نفرمود که در این صورت تمام زمین‌ها، درختان، کشت و زرع و میوه‌های شما نابود می‌شد. و خداوند در ادامه می‌فرماید: ﴿فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾؛ و به وسیله‌ی آن آب از محصولات رزقی برای شما بیرون آورد، یعنی از آنچه از زمین می‌روید، برای شما رزق و روزی قرار داد. ﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا﴾؛ برای خدا همانندهایی (معبودگونه) قرار ندهید؛ یعنی از میان بت‌هایی که نه عقل دارند، نه می‌شنوند، نه می‌بینند و نه توانایی بر کاری دارند، شبیه قرار ندهید، و حال آن‌که خود شما هم می‌دانید که آن بت‌ها نمی‌توانند این نعمت‌های فراوان و بزرگی را که خداوند تبارک و تعالی به شما داده، به شما عطا کنند.^۳ (ند یعنی انباز و شریک)

ب: دلایل خداشناسی:

محمد بن عبدالله خراسانی، خادم حضرت رضا علیه السلام گوید: مردی زندق بر آن حضرت علیه السلام وارد شد، و گروهی نیز حضور داشتند، امام علیه السلام فرمودند: بگو ببینم، اگر حرف، حرف شما باشد (مطلب آن طور که می‌گویید باشد) - هر چند که این طور نیست - آیا ما و شما یکسان نیستیم؟ و نماز و روزه و زکات و اعتقادات ما ضرری به ما نرسانده است؟ مرد چیزی نگفت. امام علیه السلام فرمود: و اگر حرف، حرف ما باشد - که حق هم همین است - آیا در این صورت شما به هلاکت نیفتاده و ما نجات نیافته‌ایم؟ زندق گفت: خداوند به تو لطف و رحمت فرماید، برایم توضیح بده که خدا چگونه است؟ و کجاست؟ حضرت فرمود: وای بر تو! آنچه تو گمان کرده‌ای غلط است. او جا و مکان را ایجاد کرده است، او بود ولی هیچ جا و مکانی وجود نداشت، کیفیت را او ایجاد کرده است، و هیچ چگونگی و کیفیتی وجود نداشت، لذا با کیفیت یا جا و مکان و حواس قابل درک نیست و به هیچ چیز شبیه نمی‌باشد. مرد گفت: حال که با هیچ حسی از حواس پنجگانه قابل درک نیست پس، اصلاً نیست.

حضرت علیه السلام فرمود: وای بر تو! چون حواست از درک او عاجز است، ربوبیت او را نکار می‌کنی؟ و حال آن‌که ما وقتی از ادراکش عاجز می‌شویم یقین می‌کنیم

۱. همان.

۲. همان.

۳. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، ج ۱، ص ۲۷۸، ح ۳۶.



که او رب ما است، و او چیزی است بر خلاف سایر اشیاء، مرد گفت: پس بگو خدا چه زمانی، بوده است؟ حضرت ﷺ فرمود: تو به من بگو، خداوند کی نبوده است تا بگویم از کی بوده است، مرد پرسید: چه دلیلی بر وجود خدا هست؟ حضرت ﷺ فرمودند: وقتی به جسد می‌نگرم و می‌بینم نمی‌توانم در طول و عرض چیزی از آن کم کنم یا بر آن بیفزایم و سختی‌ها را از آن دفع کنم و چیزی به سود آن انجام دهم، می‌فهمم که این ساختمان بنا کننده‌ای دارد و به او معتقد می‌شوم، مضافاً به این که دوران فلک را به امر و قدرتش و ایجاد شدن ابرها و گردش بادها و حرکت ماه و خورشید و ستارگان و سایر آیات عجیب و متقن الهی را می‌بینم، و لذا می‌فهمم که این‌ها همه تقدیر کننده و ایجاد کننده‌ای دارد. مرد پرسید پس چرا پنهان است؟ حضرت ﷺ فرمود: در پرده بودن او از خلق به دلیل گناهان بسیار آن‌هاست، اما خود او هیچ چیز پنهانی در شب و روز، برایش پنهان نیست. پرسید: پس چرا چشم او را نمی‌بیند؟ حضرت ﷺ فرمود: برای این که فرقی باشد بین او و بین خلقش که قابل رؤیت هستند. مضافاً به این که شأن او اجل از این است که چشم او را ببیند و یا فکر او را درک نماید یا عقل، او را ادراک کند، مرد گفت: پس حد و وصفش را برابم بیان کن. امام فرمود: حد و وصفی ندارد. مرد پرسید: چرا؟ حضرت فرمود: زیرا هر چیزی که حدی دارد، وجودش تا همان حد امتداد دارد و چون حد و مرز پذیرفته، پس قابلیت زیاد شدن را نیز دارد و وقتی قابلیت زیاد شدن را داشته باشد قابلیت نقصان را نیز دارد، پس او نه حد دارد نه زیادی می‌پذیرد نه چیزی از او کم می‌شود نه قابل تجزیه است و نه با فکر درک می‌شود.

مرد پرسید: شما که می‌گویید: او لطیف، سمیع (شنوا)، حکیم، بصیر (بینا) و علیم است یعنی چه؟ آیا کسی می‌تواند بدون گوش، شنوا باشد، یا بدون چشم بینا باشد یا ظریف و دقیق باشد ولی دست نداشته باشد و یا حکیم باشد ولی صنعت‌گر و سازنده نباشد؟ حضرت فرمود: «لطیف» در بین آدمیان، موقعی اطلاق می‌شود که کسی بخواهد کاری یا صنعتی انجام دهد. آیا ندیده‌ای وقتی کسی می‌خواهد چیزی اتخاذ کند یا کاری کند اگر با دقت و ظرافت انجام دهد، می‌گویند فلانی چقدر با ظرافت و دقیق است؟ پس چطور به خداوند بزرگی که مخلوقات را ریز و درشت دارد و در جانوران روح‌هایی قرار داده و هر جنسی را از جنس دیگر متباین ساخته به طوری که هیچ شبیه یکدیگر نیستند، لطیف (دقیق و با ظرافت) گفته نشود؟ پس هر کدام از این مخلوقات در ترکیب ظاهری‌اش لطفی از خالق لطیف



و خبیر داراست، سپس در درختان و میوه‌های خوراکی و غیر خوراکی آن دقت کردیم و آن وقت گفتیم: خالق ما، لطیف است ولی نه مانند لطیف بودن مخلوقات در کارهایشان، و گفتیم: او شنوایی است که صدای تمام خلایق از عرش تا فرش از مورچه‌های ریز گرفته تا بزرگتر از آن، در دریا و خشکی بر او پوشیده نیست و زبان آن‌ها را با هم اشتباه نمی‌کند و در این موقع گفتیم: او شنواست ولی بدون گوش و گفتیم او بیناست ولی نه با چشم، زیرا او اثر دانه‌ی بسیار ریز و سیاه خردل را در شب ظلمانی بر روی سنگ سیاه می‌بیند و نیز حرکت مورچه را در شب تاریک می‌بیند و از نفع و ضرر آن مطلع است و آمیزش و بچه‌ها و نسل آن را می‌بیند، و در نتیجه گفتیم: او بیناست اما نه مانند بینا بودن مخلوقات. راوی گوید: و این سؤال و جواب به همین منوال ادامه داشت تا آن زندیق مسلمان شد.^۱ و مطالب دیگری غیر از این هم در حدیث هست.

ج: دلیل حدوث جهان:

حسین بن خالد گوید: روزی، مردی بر امام رضا علیه السلام وارد شد و سؤال کرد: یا ابن رسول الله! چه دلیل هست بر حدوث عالم؟ حضرت فرمودند: تو نبودی، سپس به وجود آمدی، و تو خود می‌دانی که نه تو خود خویش را ایجاد کردی و نه کسی که مانند تو است، تو را به وجود آورده است.^۲

فصل سوم: گفتگوهای توحیدی (مناظرات):

۱. ابو جعفر بزندی گوید: عده‌ای از ماوراء النهر خدمت امام رضا علیه السلام رسیدند و عرضه داشتند: ما برای پرسیدن سه مطلب به خدمت شما آمده‌ایم اگر در این سه مورد به ما جواب دادی، خواهیم دانست که تو دانشمند هستی. حضرت فرمودند، بپرسید. گفتند: خداوند در کجاست؟ چگونه است؟ و تکیه‌اش بر چیست؟ حضرت در جواب فرمودند: خداوند خود، کیفیت و چگونگی را خلق فرموده (و فراتر از کیفیت و چگونگی است) پس خودش اصلاً کیفیت (هستیش حد و اندازه و چگونگی) ندارد (و این سؤال در مورد او بی‌معنی است) و جا و مکان را خود خلق کرده (و فراتر از مکان است) پس خود بی‌نیاز از مکان است، و تکیه‌اش بر



۳۱

از
پنج
نفر

۱. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، ج ۱، ص ۲۶۵، ح ۲۸.

۲. همان، ص ۲۷۱، ح ۳۲.



۳۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قدرتش بوده و هست آنان گفتند: شهادت می دهیم که تو دانشمندی.
شیخ صدوق مؤلف کتاب، گوید: منظور حضرت از این که فرمودند: «تکیه‌اش بر قدرتش بوده و هست» این است که «تکیه‌اش بر ذاتش بوده و هست» زیرا قدرت جزء صفات ذات است.^۱

۲. محمد بن عرفة گوید: از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردم: خداوند اشیا را با قدرت خلق کرد یا بدون قدرت؟ حضرت در جواب فرمودند: نمی توان گفت اشیا را با قدرت (خارج و جدا) خلق کرده است. زیرا وقتی بگویی اشیا را با قدرت خلق کرده، گویا قدرت را چیزی غیر از خدا دانسته‌ای و آن را وسیله خلقت اشیا پنداشته‌ای و این خود شرک است، و اگر بگویی اشیا را به غیر قدرت دیگر خلق کرده است معنی این حرف این است که خداوند اشیا را با قدرتی که بر آن‌ها داشته خلق کرده است (و گویا خودش صرف نظر از این قدرت لازم برای خلق اشیا، ضعیف و ناتوان بوده است) لیکن خداوند نه ضعیف است، نه عاجز، و نه محتاج به چیز یا شخص دیگر، بلکه خداوند سبحان، قادر و تواناست و این قدرت و توانایی عین ذات اوست و بالذات قادر است نه به وسیله‌ی قدرتی خارج از ذات خود.^۲

۳. حسین بن بشّار گوید: از حضرت رضا علیه السلام سؤال کردم: آیا خداوند می داند چیزی که موجود نیست، اگر قرار بود موجود باشد، چگونه می بود؟ حضرت فرمودند: خداوند به همه چیز، قبل از این که موجود شوند، عالم است. خداوند می فرماید: ﴿إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾؛^۳ (در حقیقت ما آن چه را همواره انجام می دادید پیوسته رونوشت بر می داشتیم) و درباره‌ی اهل جهنم فرموده است: ﴿وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾؛ (و اگر (بر فرض به دنیا) باز گردانده شوند، حتماً به آن چه که از آن منع شده بودند بر می گردند؛ و قطعاً که آنان دروغگویانند) پس خدا می دانست که اگر آنان را به زندگی دنیا بازگرداند آن‌ها مجدداً به سراغ کارهایی که از آن نهی شده بودند می رفتند. و نیز (دلیل دیگر: در قصه خلق آدم) ملائکه چنین گفتند: ﴿أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ﴾؛^۴ (آیا در آن کسی را قرار می دهی که در آن

۱. همان، ص ۲۳۴، ح ۶.

۲. همان، ص ۲۳۵، ح ۷.

۳. جاثیه، ۳.

۴. انعام، ۲۸.

۵. بقره، ۳۰.

فساد کند و خون‌ها بریزد؟ در حالی که ما به ستایش تو تنزیه می‌گوییم، و تو را پاک می‌شماریم). و خداوند چنین فرمود: ﴿إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾؛^۱ (در واقع من آن‌چه را که [شما] نمی‌دانید، می‌دانم). پس خداوند همیشه قبل از اشیا و قبل از خلقت آن‌ها، به آن‌ها علم داشته است، پس پاک و منزّه است خداوند (از آن‌چه به جهل درباره‌اش گفته می‌شود) و بسی بلندمرتبه (تر) است و بالاتر، اشیا را خلق کرده است و قبل از خلق آن‌ها، به آن‌ها علم داشته همان‌گونه که می‌خواست است، این چنین است پروردگار ما، همیشه عالم، بینا و شنوا بوده است.^۲

۴. صفوان بن یحیی گوید: از امام رضا علیه السلام سؤال کردم: فرق بین اراده‌ی خدا و اراده‌ی مخلوقین چیست؟ حضرت فرمودند: اراده‌ی مخلوقین عبارتست از: فکر و اندیشه و سپس تصمیم به کاری که صحیح‌تر به نظر می‌آید، اما در مورد خداوند، اراده فقط عبارت است از ایجاد، و نه چیز دیگر.

فصل چهارم: شبهات خدانشناسی و پاسخ‌ها:

الف: شبهاتی پیرامون آیات قرآن:

۱. ابراهیم بن ابی محمود گوید: امام رضا علیه السلام آیه‌ی شریفه‌ی ﴿وَجُوهٌ يُّومِتُ نَاصِرَةٌ﴾ * ﴿إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾؛^۳ (چهره‌هایی که در آن روز شادابند * فقط به سوی پروردگارشان نظر می‌کنند). را چنین تفسیر کردند: یعنی این صورت‌ها درخشان بوده و منتظر ثواب پروردگارش بوده است.^۴

۲. محمد بن عبیده گوید: از امام رضا علیه السلام درباره‌ی این آیه‌ی شریفه سؤال کردم: ﴿مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيَدَيَّ﴾؛ (ای ابلیس! چه چیز تو را بازداشت که بر چیزی که با دستان (قدرت)م آفریدم، سجده کنی؟! سوره‌ی ص، آیه‌ی ۷۵) حضرت فرمود: منظور از دست، قدرت و نیرو است.^۵

۳. حسن بن سعید از امام رضا علیه السلام چنین نقل کرده است که حضرت آیه‌ی شریفه‌ی ﴿يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ﴾؛^۶ (روزی که (لباس) از ساق

۱. همان.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام ترجمه‌ی علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، ج ۱، ص ۲۲۶، ح ۸.

۳. قیامت، ۲۲ و ۲۳.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۲.

۵. همان، ص ۲۴۱، ح ۱۳.

۶. قلم، ۴۲.



۳۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(پا)ها برطرف شود (و کار مشکل گردد) و به سجده فراخوانده می‌شوند) را این‌گونه تفسیر فرمودند: روزی که حجابی از نور کنار می‌رود و مؤمنین به سجده می‌افتند ولی پشت منافقین سخت می‌شود و نمی‌توانند سجده کنند.^۱

۴. ابراهیم بن ابی محمود گوید: از حضرت رضا علیه السلام درباره‌ی این آیه سؤال کردم: ﴿وَتَرْكُهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ﴾^۲ (و در تاریکی‌ها رهایشان کرد در حالی که نمی‌بینند) حضرت فرمودند: برعکس مخلوقات که می‌توان درباره‌ی آن‌ها الفاظ «رهاکردن» و «ترک‌نمودن» را به کار برد نمی‌توان با این الفاظ خداوند را وصف کرد. (و صحیح نیست که بگوییم خداوند فلان کس را رها کرد یا ترک نمود و...) بلکه (مطلب از این قرار است که) وقتی می‌داند که آن‌ها از کفر و ضلالت دست بر نمی‌دارند، لطف و کمک خویش را از آن‌ها دریغ می‌دارد و آن‌ها را به حال خودشان رها می‌کند که هر کاری بخواهند انجام دهند.

راوی گوید: از حضرت درباره‌ی این آیه سؤال کردم: ﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ﴾^۳ (خدا بر دل‌های آنان و بر گوششان مهر نهاده) حضرت فرمودند: منظور از «ختم» (مهر زدن) مهری است که بر دل کفار به جزای کفرشان نهاده شده است. همان‌طور که خداوند می‌فرماید: ﴿بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا﴾^۴ (بلکه خدا به خاطر کفرشان، بر آن (دل)ها مهر نهاده؛ پس جز اندکی ایمان نمی‌آورند).

راوی گوید: از حضرت سؤال کردم: آیا خداوند بندگان را بر معصیت کردن مجبور می‌کند؟ حضرت فرمودند: خیر، بلکه آن‌ها را مختیر می‌کند (تا هر آنچه خواهند، انجام دهند) و مهلت می‌دهد تا توبه کنند.

گوید: پرسیدم آیا خداوند بندگان را به کارهایی که توان آن را ندارند، مکلف می‌کند؟ حضرت فرمودند، چگونه چنین کند و حال آن که خودش می‌گوید، ﴿وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾^۵ (و پروردگارت به بندگان بیدادگر نیست). سپس حضرت ادامه دادند: پدرم موسی بن جعفر علیه السلام از قول پدرشان جعفر بن محمد علیه السلام برایم نقل کردند که، هر کس گمان کند که خداوند بندگان را بر گناه مجبور می‌کند و یا بر کارهایی که طاقتش را ندارند مکلف می‌نماید، گوشت قربانی‌اش را نخورید،



۳۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، ص ۲۴۲، ح ۱۴.

۲. بقره، ۱۷.

۳. بقره، ۷.

۴. نساء، ۱۵۵.

۵. فصلت، ۳.

شهادتش را نپذیرید و پشت سرش نماز نخوانید و از زکات، چیزی به او ندهید.^۱

۵. عبدالعزیز بن مسلم گوید: از امام هشتم علیه السلام درباره‌ی این آیه سؤال کردم: **﴿نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ﴾**^۲ (خدا را فراموش کردند، پس (خدا نیز) آنان را به فراموشی سپرد)، حضرت فرمودند: خداوند نه سهو می‌کند و نه چیزی را فراموش می‌نماید، بلکه سهو و نسیان مربوط به مخلوقاتی که نبودند و خلق شدند است، آیا به این آیه برخورد نکرده‌ای: **﴿وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا﴾**^۳ (و پروردگارت فراموشکار نیست) بلکه معنی آیه چنین است: خداوند، کسانی را که او و قیامت را فراموش کرده‌اند این گونه جزا می‌دهد که خودشان را از یاد خودشان می‌برد، همان طور که در جای دیگر فرموده: **﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾**^۴ (و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند پس (خدا) خودشان را از یادشان برد؛ آنان به حقیقت بدکاران عالمند.) و نیز می‌فرماید: **﴿فَالْيَوْمَ نَنْسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا﴾**^۵ (پس همان‌گونه که ملاقات این روزشان را فراموش کردند و نشانه‌های ما را همواره انکار می‌نمودند، (ما هم) امروز آنان را به فراموشی می‌سپاریم.) یعنی ره‌ایشان می‌کنیم همان طور که آن‌ها، از آماده شدن برای چنین روزی طفره می‌رفتند و این کار را ترک کرده بودند.^۶

۶. علی بن حسن فضال از پدرش چنین نقل کرده است: که از امام هشتم درباره این آیه سؤال کردم: **﴿كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ﴾**^۷ (هرگز چنین نیست قطعاً در آن روز آنان از (ملاقات) پروردگارشان منع شده‌اند.) حضرت فرمودند:

معنی آیه این است که از ثواب پروردگار خویش محروم‌اند. و نیز راوی گوید: درباره‌ی این آیه سؤال کردم: **﴿وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾**^۸ حضرت فرمودند: خدا برتر از انتقال و جابه‌جایی است. معنی آیه این است که فرمان پروردگار آمد و فرشتگان صف به صف بودند، و درباره‌ی این آیه سؤال کردم: **﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ضُلُلٍ مِنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةُ﴾**^۹ (آیا

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، ج ۱، ص ۲۴۷، ح ۱۶.

۲. توبه، ۶۷.

۳. مریم، ۶۴.

۴. حشر، ۱۹.

۵. اعراف، ۵۱.

۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی علی اکبر غفاری و حمید رضا مستفید، ج ۱، ص ۲۵۰، ح ۱۸.

۷. مطففین، ۱۵.

۸. فجر، ۲۲.

۹. بقره، ۲۱۰.



انتظاری غیر از این دارند که خدا و فرشتگان، در سایبان‌هایی از ابرها به طرفشان آیند، (با این که چنین چیزی ممکن نیست). فرمود: «ایا منتظرند که خداوند ملائکه را در میان ابرها به سراغشان بفرستد» و همین‌گونه نیز این آیه نازل شده است. راوی گوید: درباره‌ی این آیات سؤال کردم: ﴿سَخَّرَ اللَّهُ مِنْهُمْ﴾؛^۱ (خدا آنان را (با کیفر خود) ریشخند کند) و ﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ﴾؛^۲ (و [دشمنان نقشه کشیدند و] فریبکاری کردند، و خدا ترفند کرد؛ و خدا، بهترین ترفندکنندگان است). و ﴿يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ﴾؛^۳ (به‌راستی که منافقان با خدا نیرنگ می‌بازند؛ در حالی که او به آنان ترفند می‌زند) حضرت فرمود: خداوند نه مسخره می‌کند، نه استهزاء، و نه نیرنگ و فریب به کار می‌برد، بلکه مطابق عمل مسخره و استهزاء و نیرنگ و فریب آنان به آن‌ها جزا می‌دهد، خداوند بسیار بسیار برتر از آن چیزهایی است که ظالمین می‌گویند و می‌پندارند.^۴

۷. ای‌ص‌لت ه‌روی گوید: روزی مأمون درباره‌ی این آیه از امام علیه السلام سؤال کرد: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾؛^۵ (و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [و دوره] آفرید؛ و تخت (جهانداری و تدبیر هستی) او بر آب بود؛ تا شما را ببازماید که کدامین شما نیکوکارتر است). حضرت فرمود: خداوند تبارک و تعالی، عرش (تخت پادشاهی)، آب و ملائکه را قبل از خلقت آسمان‌ها و زمین آفرید و ملائکه با توجه نمودن به خود و عرش و آب، بر وجود خداوند استدلال می‌کردند، سپس خداوند عرش خود را بر روی آب قرار داد تا بدین وسیله قدرت خود را به ملائکه نشان بدهد. تا ملائکه بفهمند که خداوند بر هر کاری تواناست، سپس با قدرت و توانایی خویش، عرش را بلند کرده و بر فراز آسمان‌های هفتگانه قرار داد، آن‌گاه، در حالی که بر عرش خود تسلط و استیلا داشت، آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، هر چند توانایی داشت که در یک چشم بر هم زدن این کار را انجام دهد، لکن آن‌ها را در شش روز آفرید تا با این کار، آن‌چه را که از آسمان‌ها و زمین می‌آفریند، کم‌کم و یکی یکی به ملائکه نشان دهد تا به وجود آمدن هر یک از آن‌ها، در هر مرتبه، برای ملائکه، دلیلی باشد بر (قدرت) خداوند و خداوند،



۳۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. بقره، ۱۵.

۲. آل عمران، ۵۴.

۳. نساء، ۱۴۲.

۴. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، ج ۱، ص ۲۵۲، ح ۱۹.

۵. هود، ۷.

عرش را به خاطر نیاز، نیافریده است زیرا او از عرش و تمام مخلوقات بی‌نیاز است. در مورد ذات اقدس او نمی‌توان گفت که: بر روی عرش نشسته است زیرا او جسم نیست. خداوند بسیار بسیار برتر و والاتر از صفات مخلوقین است. اما درباره‌ی این قسمت از آیه که می‌فرماید: ﴿لِيُنَبِّئُكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾؛ (تا شما را بیازماید که کدامین شما نیکوکارتر است.) منظور این است که خداوند آن‌ها را آفرید تا با طاعت و عبادت و تکایف خود، آن‌ها را بیازماید، اما نه به عنوان امتحان و آزمایش، زیرا او همیشه همه چیز را می‌دانسته است. مأمون در این جا گفت: مرا آسوده خاطر کردی یا ابالحسن! خداوند به تو آسودگی خاطر عنایت فرماید!

سپس مأمون ادامه داد: معنی این آیه چیست: ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ * وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^۱؛ (و اگر (بر فرض) پروردگارت می‌خواست، حتماً تمام کسانی که در روی زمین هستند، همگی آنان، ایمان می‌آوردند؛ و آیا تو مردم را و می‌داری تا این که مؤمن شوند؟! * و برای هیچ کس (ممکن) نیست که جز با رخصت خدا ایمان آورد) امام علیه السلام فرمود: پدرم موسی بن جعفر از پدرش جعفر بن محمد و او از پدرش محمد بن علی و او از پدرش علی بن الحسین و او از پدرش حسین بن علی و او از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرده است که: مسلمانان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرضه داشتند: یا رسول الله! اگر آن کسانی را که بر آن‌ها قدرت داشتی، مجبور می‌کردی مسلمان شوند، تعداد ما زیاد می‌شد و در مقابل دشمنان نیرومند می‌شدیم، حضرت فرمودند: من نمی‌خواهم با بدعتی که خداوند در مورد آن، دستوری به من نداده است، خداوند را ملاقات کنم و من کسی نیستم که بخواهم در کاری که به من مربوط نیست دخالت کنم و اما این قسمت از آیه که می‌فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ﴾^۲؛ (و برای هیچ کس (ممکن) نیست که جز با رخصت خدا ایمان آورد.) به این معنی نیست که انسان‌ها از ایمان آوردن محروم هستند بلکه به این معنی است که بدون خواست خدا نمی‌توانند ایمان آورند.



۳۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. همان، ص ۲۵۴، ح ۲۱.

۲. یونس، ۹۹ و ۱۰۰.

۳. همان.

ب: شبهاتی پیرامون احادیث:

حسین بن خالد گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: مردم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایتی نقل می‌کنند که حضرت فرموده: خداوند آدم را به شکل [خود]ش آفرید امام علیه السلام در جواب فرمودند: خدا آن‌ها را بکشد! اول حدیث را حذف کرده‌اند، (اصل حدیث چنین است)، روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله از مقابل دو تن که به یکدیگر دشنام می‌دادند می‌گذشتند، یکی از آن دو به دیگری می‌گفت: خدا چهره‌ی تو و چهره هر کس را که به تو شبیه است، قبیح و زشت گرداند! رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: ای بنده‌ی خدا این سخن را به برادرت نسبت مده زیرا خداوند آدم علیه السلام را به شکل او آفرید.^۱

ج: آیا توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و شفاعت و کمک خواستن از آن‌ها با توحید منافات دارد؟

توسل و شفاعت خواهی و کمک خواستن از دیگران می‌تواند به دو صورت انجام پذیرد:

اول: این که فرد توسل‌کننده و شفاعت‌خواه و مددجو اعتقاد داشته باشد که طرف مقابل او کسی است که به صورت مستقل قادر است حاجات او را برآورده کند و یا او را در رستخیز شفاعت نماید و نجات دهد و یا در دنیا به او کمک کند. یعنی قدرتی مستقل در برابر خدا تصور کند، که این اعتقاد با توحید افعالی منافات دارد و منتهی به شرک می‌شود چرا که در بحث توحید افعالی بیان شد که همه‌ی اسباب و وسایل و قدرت‌ها از خداست و خدا در انجام کارها مستقل است و همه‌ی تأثیرات از اوست.

برخی صاحب‌نظران و مفسران، این اعتقاد را معارض با آیات قرآن معرفی کرده‌اند.^۲

دوم: این که فرد توسل‌کننده یا شفاعت‌خواه و مددجو، اعتقاد داشته باشد که طرف مقابل او کسی است که قدرت مستقل ندارد بلکه سرچشمه همه قدرت‌ها و شفاعت‌ها خدای متعال است ولی خداوند بر اساس لطف و رحمت خویش در برخی موارد با شرایطی خاص اجازه شفاعت به برخی افراد مثل پیامبران، امامان معصوم علیهم السلام، شهداء و ... داده است.

برخی مفسران و صاحب‌نظران توسل به اولیای الهی را مصداق این آیه دانسته‌اند:



۳۸

ب
ن
ن
ن

۱. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱۲.
۲. از جمله با آیات: یونس، ۱۸ و غافر، ۶۰ و اعراف، ۱۷۹ و زمر، ۴۴؛ (رک: آیین واهبیت، صص ۲۷۱ تا ۲۸۴).

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾^۱

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان را (از عذاب) خدا حفظ کنید و به سوی خدا وسیله‌ای بجویید.)

در آیات قرآن می‌بینیم که هر چند گاهی شفاعت را برای خدا معرفی می‌کند^۲ ولی شفاعت را با رخصت الهی جایز می‌داند.

﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾^۳ (چه کسی است که نزد خدا شفاعت کند مگر با رخصت الهی.) و نیز در آیات مشابه شفاعت را برای کسانی روا می‌دارد که مورد رضایت باشند.^۴

فصل پنجم پیامدهای توحید:

۱. تسلیم و رضا:

از امام رضا علیه السلام از پدرانش حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله از قول خدای متعال نقل کرد که فرمود: هر کس به قضای الهی راضی نباشد و به تقدیرات الهی ایمان نیاورد، پس باید به دنبال خدای دیگری باشد.

و نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شد که فرمود: در هر قضای خدای متعال برای فرد مؤمن اختیار است.^۵

تذکر: قضا و قدر الهی به معنای اندازه داشتن امور در جهان است و این که کارها به دست خداست یعنی همان توحید افعالی. و این مطلب به معنای جبر نیست بلکه همان طور که ذیل حدیث آمده است، در اندازه زنی‌های الهی، اختیار انسان ملاحظه شده است.

ولی آنچه مهم است آن است که انسان بعد از آن که در زندگی تلاش خود را کرد، در مورد نتیجه کار راضی باشد و آن را تقدیر الهی بداند. این مطلب موجب امید به لطف الهی و مانع ناامیدی در شکست‌ها می‌شود.



۳۹

از

۱. مانده، ۳۴.

۲. قُلْ لِّلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا؛ (زمر، ۴۴).

۳. بقره، ۲۵۵.

۴. وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْضَاهُ؛ (النبیاء، ۲۸) و نیز مشابه دیگر در: یونس، ۳؛ (مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ).

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۴۱.

۲. پیامدهای اجتماعی:

فضل بن شاذان مطالبی را از امام رضا علیه السلام نقل کرده که از ایشان شنیده است از جمله می‌گوید:

پس اگر بگویند: اولین واجب کدام است؟ پاسخش آن است که آن اقرار به خدا و وحدانیت او عزوجل و رسول او و حجت‌هایی که از نزد او آمده است.

پس اگر بپرسد چرا خلق مأمور به اقرار به خدا و انبیا و حجت‌های او و دستورات نازل‌ه‌ی او شده‌اند؟ پاسخ داده می‌شود که برای علت‌هایی بسیار که از آن جمله این است که: هر کس اقرار به خداوند عزوجل نداشته باشد و از نافرمانی او اجتناب نرزد و از ارتکاب گناهان بزرگ خودداری ننماید و در آنچه شهوتش اقتضا می‌کند و لذت می‌برد از کسی هراس نکند و همچنین از فساد کردن و ستمکاری، و چون مردم چنین مفاسدی را بی‌پروا انجام دهند و هر شخصی مرتکب اعمالی که شهوتش را ارضا می‌کند و هوای نفس او آن را طلب می‌نماید بشود بدون این که برای خود مراقبی ببیندیشد و پاسبانی بر خود در نظر بگیرد، در این صورت نابودی همه‌ی مردم است، و (بالتیجه) بر یکدیگر برجهند، و به‌زور و تزویر از زنان کام‌گیرند به حرامی، و اموال و ثروت را به تاراج ببرند، و ریختن خون دیگران، و بهره‌گیری از زنان غیر را مباح شمرند و برخی برخی را بدون جرم و به ناحق به قتل رسانند، و در این خود خرابی دنیا و نابودی خلق و فساد و تباهی کشت‌ها و نسل‌ها است، و از جمله‌ی آن علل یکی این است که خداوند عزوجل حکیم و درستکار است، و حکیم نباشد و وصف به حکمت نگردد مگر آن کس که از فساد منع کند و به صلاح و درستی امر نماید، و از ظلم و ستم جلوگیری و از زشتکاری‌ها نهد، و منع از فساد و امر به صلاح و درستی و جلوگیری از زشتکاری‌ها ممکن نیست مگر پس از اقرار به خداوند عزوجل و شناخت و آگاهی از امر کننده و بازدارنده، و چنان‌چه مردم بدون اقرار و ایمان به خداوند عزوجل و شناخت او رها می‌شدند، امر به کار درست و نهدی از اعمال نادرست ثابت نبود، زیرا امر کننده و بازدارنده‌ای که بشناسند در کار نبود، و نیز ما می‌بایم که مردمی در نهانی و پنهان کارهای فاسد را دور از دیدهی دیگران انجام می‌دهند، پس اگر اقرار به پروردگار عزوجل و ترس از او در نهان نباشد هر کس در خلوت و نهان به شهوترانی خود و هر چه هواش طلب کند بدون مراقبت و ترس از احدی خود را اشباع می‌کند، و چون بداند کسی از او آگاه نیست، در هتک حرمت و ارتکاب گناهان کبیره تمادی می‌نماید، چون فعلش از دیدهی



۴۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیگران مستور است، و مراقبی ندارد، پس در آن هلاکت تمامی خلق خواهد بود، پس قوا و پابرجایی خلق و صلاح ایشان ممکن نبود مگر به اقرار گرفتن از ایشان به وجود خداوندعلیم و خبیر و دانای پنهان و پنهان‌تر، امر کننده‌ی به درستکاری و بازدارنده‌ی از فساد و تبه‌کاری، و آن که هیچ چیز نهانی بر او پوشیده نخواهد بود تا این که در این جلوگیری باشد از آنچه در پنهان مرتکب خواهند شد از هرگونه فساد و تباهی.^۱



۴۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محبت آپین

امام شناسی از منظر ثامن الائمه
علی ابن موسی الرضا علیه السلام
محمد علی رضایی اصفهانی

پیش‌گفتار

شناخت امام، از مهم‌ترین وظایف مسلمانان است؛ چرا که امام، نور جهان‌افروزی است که دنیا و آخرت بشر را نورانی می‌سازد و او را به مسیر سعادت رهنمون می‌شود.

شناخت ویژگی‌های امامت و مصادیق آن از مشکل‌ترین مسائل است و بهترین راه در این زمینه، استفاده از دلایل عقلی و نقلی است که یکی از مهم‌ترین منابع آن؛ احادیث اهل بیت علیهم‌السلام است.

نوشتاری که در پیش رو دارید، مجموعه‌ای از احادیث نقل شده از امام رضا علیه‌السلام است که به شیوه‌ای نوین دسته‌بندی و با توضیح مختصری ارائه می‌گردد.

در این احادیث، دلایل عقلی و نقلی در موارد زیر به چشم می‌خورد:

اول: ضرورت و لزوم پیشوای معصوم برای مردم.

دوم: جایگاه امامت در جهان‌شناسی و انسان‌شناسی اسلام.

سوم: شیوه‌ی شناخت و تعیین امام معصوم.

چهارم: ویژگی‌های پیشوای امت.

پنجم: امامت خاصه (انحصار امامت در آل رسول علیهم‌السلام و دلایل امامت امام

علی علیه‌السلام و اشاره‌ای به مهدویت).

ششم: جدایی از امامت و پیامدهای آن.^۱



۴۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱. نگارش این دفتر از تاریخ ۸۶/۵/۱ در صحن جامع رضوی (عَلَى صَاحِبِهِ السَّلَام) شروع شد. امید است مورد قبول حضرت حق و عنایت آن امام همام و مورد استفاده‌ی دوستداران ایشان قرار گیرد!

اول: ضرورت و لزوم پیشوای معصوم برای مردم

۱. نقش امامت در دین:

الف. امامت؛ اساس اسلام:

در حقیقت امامت و رهبری اساس تعالی اسلام و فرع عالی آن است.^۱ در این سخن به دو مطلب اساسی در مورد امامت اشاره شده است: اول این که امامت از اصول اساسی اسلام و ضامن بقا و رشد آن است. دوم این که امامت یکی از نتایج عالی تعالیم اسلام است که در مقام عمل بعد از پیدایش اسلام تحقق می یابد.

ب. امامت؛ رهبر دین:

إِنَّ الْإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ؛ امامت؛ پیشوایی و صاحب اختیاری دین است.^۲ یعنی امام، رهبری امور دینی مردم را از طرف خدا به دست می گیرد و بر اساس تعالیم الهی، عقاید و اخلاق مردم را جهت دهی و احکام الهی را بیان و اجرا می کند.

ج. امامت؛ سنگر دفاع از دین:^۳

«وَالْإِمَامُ يَذُبُّ عَنِ دِينِ اللَّهِ»، «وَالذَّابُّ عَنْ حَرَمِ اللَّهِ»^۴ و «الْإِمَامُ حَافِظٌ لِدِينِ اللَّهِ»^۵ در این سخنان بر سه نقش اساسی امامت تأکید شده است: اول این که امام، حافظ دین الهی است و با بیان، تقویت و اجرای آن، از اضمحلال دین جلوگیری می کند.

دوم این که در هنگام تهاجم فرهنگی به دین خدا، امامت سنگر دفاع از دین می شود و با سلاح منطقی و برهان از آن دفاع می کند.

سوم این که پیشوای مسلمانان، پاسدار حدود الهی است و اجازه نمی دهد که در جامعه‌ی اسلامی، حرمت احکام الهی، شکسته و حرام خدا حلال شود.

د. امامت مایه‌ی نظام‌مندی دین است.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶ و تحف العقول، ص ۴۳۶ و الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان و معانی الاخبار، ص ۹۶ و الکافی، همان و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷ و الغیبه، ص ۲۱۸ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۴ و بحار الانوار، همان.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۲۱۹ و کمال الدین، همان و معانی الاخبار، ص ۹۸ و الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸ و بحار الانوار، همان، ص ۱۲۴.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۲۲۰ و کمال الدین، همان و معانی الاخبار، ص ۱۰۰ و الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶ و بحار الانوار، همان.



«الإمامُ نظامُ الدِّينِ»^۱

یکی دیگر از نقش‌های امامت و رهبری آن است که به تنظیم امور دینی مردم می‌پردازد؛ یعنی نظام‌سازی می‌کند و امور دینی مردم را سامان می‌بخشد.

۲. نقش امامت در عبادت:

الف. امامت؛ مایه‌ی اتمام عبادت:

«به واسطه‌ی رهبری و امامت نماز، زکات، روزه، حج و جهاد کامل و تمام می‌شود و غنایم و صدقات ذخیره‌سازی می‌گردد»^۲.

امام از طرفی به بیان جزئیات احکام نماز، روزه، زکات، حج و جهاد می‌پردازد و زمینه‌ی کامل شدن آن‌ها را فراهم می‌کند؛ از طرف دیگر عبادت بدون اعتقاد به امامت صحیح است اما مقبول نیست.

ب. امام؛ الگوی اعمال عبادی:

«امام سرچشمه قداست، پاکی اعمال، زهد، علم و عبادت است»^۳.

امامت؛ سرچشمه‌ی کارهای نیک و الگوی افراد جامعه در این زمینه است و مردم از امام خود، اعمال و عبادت صحیح را می‌آموزند.



۴۶

و
ا
ل
م
ن
ا

۳. نقش امامت در جامعه: (نقش‌های سیاسی، اجتماعی، قانون گذاری و...)

الف. امامت؛ مایه‌ی نظام‌مندی جامعه‌ی اسلامی:

«ان الامامة... و نظام المسلمین»^۴

ب. امامت مایه‌ی اصلاح دنیای مردم:

«ان الامامة... و صلاح الدنيا»^۵

ج. امامت مایه‌ی سربلندی مسلمانان و مؤمنان:

«ان الامامة... و عز المؤمنین»^۶

۱. همان‌ها.

۲. معانی الاخبار، ص ۹۶ و عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶ و الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸ و تحف العقول، ص ۴۲۶ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۴ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۰ و معانی الاخبار، ص ۱۰۰ و الامالی الصدوق، ص ۶۷۷ و الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶ و معانی الاخبار، ص ۹۶ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷ و الامالی الصدوق، همان و الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان و معانی الاخبار، همان و کمال الدین، همان و الامالی الصدوق، ص ۶۷۴ و الکافی، همان.

۶. همان‌ها.

«الامام و عزّ المسلمین»^۱

د. امامت؛ ضامن اجرای قوانین:

«بالامامة... و امضاء الحدود و الاحکام»^۲

«و الامام... یقیم حدود الله»^۳

ه. امامت؛ نهاد قانون‌گذاری:

«امام، حلال الهی را جایز و حرام الهی را ممنوع می‌سازد».^۴

امام مسلمانان حق دارد در چهارچوب قوانین کلی الهی که در قرآن بیان شده است، برخی مقررات اجرایی را تشریح کند؛ یعنی برخی امور را حلال یا حرام اعلام نماید.

و. امامت؛ هدایتگر مردم:

«امام، با حکمت و نصیحت نیکو و دلایل قاطع، مردم را به سوی پروردگار فرا می‌خواند».^۵

«الامام الداعی الی الله»^۶

«الامام راع [داع] لا ینکل»^۷

از مهم‌ترین نقش‌های امام و پیشوای مسلمانان، راهنمایی مردم به سوی خداست. ز. امامت؛ دشمن‌شکن:

«الامام و غیظ المنافقین و بوار الکافرین»^۸

یکی از نقش‌های اجتماعی رهبری، مبارزه با دشمنان داخلی و دشمنان خارجی است. دشمنان داخلی همان منافقان هستند که به ظاهر مسلمان‌اند ولی در باطن همدست کفار هستند؛ دشمنان خارجی همان کافران هستند و رهبر اسلامی همچون سدی در برابر هر دو گروه ایستاده است.

ح. امام؛ رهبر سیاسی مردم:



۴۷

۱۳۳۳
۸
۳۰

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان و الکافی، همان و بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۲. همان‌ها.

۳. همان‌ها.

۴. همان‌ها.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷ و الامالی الصدوق، ص ۶۷۴ و الکافی، همان و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۴ و بحارالانوار، همان، ص ۱۲۰.

۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۱۹ و الاحتجاج، همان و بحارالانوار، همان، ص ۱۲۴.

۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۲۰ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷ و الامالی الصدوق، ص ۶۷۷ و الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱ و الاحتجاج، همان، ص ۴۳۶.

۸. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۱۹ و کمال الدین، همان، ص ۶۷۸ و الغیبة النعمانی، ص ۲۱۸، الکافی، همان، ص ۱۹۸.

«امام، از سیاست آگاه است و اطاعت او واجب است و بر پا دارنده‌ی دستورات الهی و خیرخواه بندگان خدا است».^۱

امام، رهبر سیاسی کلان جامعه‌ی اسلامی است. رهبر جامعه‌ی اسلامی سیاست‌های کلان نظام اسلامی را تعیین می‌کند.

۴. نقش امامت در رستاخیز:

اول. امامت؛ مایه‌ی شفاعت

«و یشفع»^۲

بر اساس آیات قرآن کریم، شفاعت با رخصت الهی انجام می‌شود^۳ و برای افرادی تحقق می‌یابد که رضایت الهی شامل حالشان شود.^۴

شفاعت امام در رستاخیز، تجلی هدایت او در دنیاست و شفاعت‌پذیری مردم در قیامت، تجلی هدایت‌پذیری آن‌ها در دنیاست.



۴۸

رَه تَوْشَه

دوم. جایگاه امامت در جهان‌شناسی و انسان‌شناسی اسلام

۱. امامت جانشین و امین خدا در زمین:

«در حقیقت امامت جانشینی خدای متعال (در زمین) است».^۵

«امام امین خدا در زمین اوست».^۶

«و خلیفته فی بلاده»^۷

«(امامت) جانشینی او در سرزمین‌های اوست».

۲. مقام امامت، بالاتر از نبوت:

عن الرضا علیه السلام: ان الامامه خصّ الله عزّ و جلّ بها ابراهيم الخليل عليه السلام بعد النبوه و الخله مرتبه ثالثه و فضيله شرفه بها و اشاد بها ذكره فقال عزّ و جلّ: اني جاعلك

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۲۰ و کمال الدین، همان و معانی الاخبار، ص ۱۰۰ و الکافی، همان، ص ۲۰۱.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۱۳ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۷.

۳. من ذالذی یشفع عنده آلا باذنه؛ (بقره، ۲۵۵) و مشابه آن: طه، ۱۰۹ و سبأ، ۲۳.

۴. و لا یشفعون الا لمن ارتضى؛ (انبیاء، ۲۸) و مشابه آن: مریم، ۸۷.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶ و الامالی الصدوق، ص ۶۷۴ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۱۹ و الامالی الصدوق، ص ۶۷۷ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۴ و بحار الانوار، همان.

۷. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ص ۲۱۹ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷ و معانی الاخبار، ص ۹۸ و الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸ و الغیبه النعمانی، ص ۲۱۸ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

للناس اماماً^۱.

«در حقیقت امامت مقامی است که خدای عزوجل به ابراهیم خلیل علیه السلام اختصاص داد».

در واقع مقام امامت بعد از امتحانات متعدد به این پیامبر الهی عطا شد، بنابراین مقام امامت؛ مقامی معنوی، سیاسی و اجتماعی است که از مقام نبوت بالاتر است.

۳. مقام امام؛ مقام پیامبر:

عن الرضا علیه السلام: ان الامامة هي منزلة الانبياء.^۲

«در حقیقت، امامت جایگاه پیامبران است».

همانطور که در قرآن بیان شده است، خدای متعال مقام امامت را به افرادی همچون ابراهیم علیه السلام داده است.^۳

بنابراین امامت مخصوص افرادی کمال یافته در حد پیامبران الهی است. البته امامت با نبوت ملازم نیست یعنی ممکن است امام، پیامبر باشد یا نباشد.

۴. امام؛ حجت الهی:

«و حجتة علی عبادة»^۴

«امام، حجت خدا بر بندگان اوست»؛ یعنی دستورات الهی به وسیله‌ی رهبر جامعه‌ی اسلامی به مردم ابلاغ می‌شود و بعد از آن عذری برای مخالفت با دستورات الهی وجود ندارد.

۵. فرشتگان با امام سخن می‌گویند:

«یکون محدثاً»^۵

«امام، مخاطب گفت‌وگوی فرشتگان الهی است. (مطالب را به او الهام می‌کنند)».

در آیات متعدد قرآن از سخن گفتن فرشتگان الهی با پیامبران و در چند مورد

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶ و معانی الاخبار، ص ۹۶ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵ و الامالی الصدوق، ص ۶۷۴ و کافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان و معانی الاخبار، همان و الامالی الصدوق، همان و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

۳. بقره، ۱۲۴.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۹ و مشابه آن در: ص ۲۲۲ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۴ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۱۲ و معانی الاخبار، ص ۱۰۲ و الخصال، ج ۲، ص ۵۲۷ و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶ و بحار الانوار، همان، ص ۱۱۶.



نیز از سخن گفتن فرشتگان با غیر پیامبران یاد شده است.

۶. امام از مردم به مردم سزاوارتر است:

«يكون أولى الناس بالناس منهم بأنفسهم»^۱

«امام سزاوارترین مردم نسبت به مردم است، به طوری که از خود مردم نسبت به آن‌ها سزاوارتر است»^۲.

۷. امام، معصوم از گناه و نقص:

«امام، از گناهان پاک و از عیب‌ها به دور است»^۳.

«امام، منبع پاکی و طهارت است»^۴.

«و هو معصوم مؤيد موفق مسدد قد امن الخطايا و الزلل و العثار يخرسه الله عزوجل بذلك ليكون حجة على عباده و شاهده على خلقه»^۵

«امام، معصوم و مورد تأیید و موفق (به انجام وظایف الهی) و استوار در انجام وظایف به تأیید الهی است که از خطاها و لغزش‌ها مصون است؛ خدای متعال این ویژگی را به امام بخشید تا حجت خدا بر بندگان و گواه بر آفریدگانش باشد».

۸. دعای امام، مستجاب است:

«دعای امام مورد قبول خدای متعال قرار می‌گیرد، به طوری که اگر (بر فرض) در مورد صخره‌ای بخواهد (و دعا کند) به دو نیم تقسیم می‌شود»^۶.

۹. علم امام و آگاهی از امور غیبی و آینده:

امامان معصوم علیهم‌السلام از چند طریق بر علوم اشراف یافتند؛ نخست از طریق پیامبر

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، همان، ص ۲۱۲ و من لا یحضره الفقیه، همان و کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۹۰ و بحار الانوار، همان.
۲. النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم؛ (احزاب، ۶).
۳. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۱۹ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸ و معانی الاخبار، ص ۹۸ و الامالی الصدوق، ص ۶۷۷ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۵ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.
۴. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، همان، ص ۲۲۰ و کمال الدین، همان و معانی الاخبار، ص ۱۰۰ و الامالی الصدوق، همان و الاحتجاج، همان، ص ۴۳۶ و بحار الانوار، همان و الغیبة النعمانی، ص ۲۲۱.
۵. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، همان و کمال الدین، همان و معانی الاخبار، همان و الکافی، ج ۱، ص ۲۰۳ و بحار الانوار، همان، ص ۱۲۷ و الغیبة النعمانی، همان.
۶. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، همان، ص ۲۱۲ و معانی الاخبار، ص ۱۰۲ و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶ و بحار الانوار، همان، ص ۱۱۶.



اکرم علیه السلام که بسیاری از مطالب ایشان نسل به نسل به امامان علیهم السلام منتقل شده است، دوم از طریق الهامات الهی و اتصال به عالم غیب و سوم از طریق قرآن کریم و تدبیر در آن.

الف. آگاهی از اسامی شیعیان تا روز رستاخیز

«نزد امام نوشته‌ای است که در آن نام‌های شیعیان تا روز رستاخیز ثبت شده و نیز نوشته‌ای است که اسامی دشمنان آن‌ها تا روز رستاخیز ثبت شده است».^۱

ب. اعمال بندگان را می‌بیند

«بین امام و خدای متعال، ستونی از نور است که در آن کارهای بندگان را مشاهده می‌کند و هرگاه نیازمند اطلاعاتی باشد، از آن‌ها آگاه می‌شود و (اطلاعات فشرده) برای او باز و گسترده می‌گردد و به آن‌ها علم می‌یابد و (گاهی) بسته می‌شود و از آن‌ها آگاه نمی‌شود».

ج. آگاهی از حوادث آینده از طریق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

«هر چه از حوادث آینده که امام علیه السلام قبل از وقوع آن‌ها خبر می‌دهد، از طریق مشخصات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به دست آورده؛ یعنی از پدران ارث برده و آن اخبار در اصل از [سوی] جبرئیل از خدای دانای اسرار رسیده است».^۲

د. امام از دل و ذهن مردم با خبر است

حکایت شده است که شخصی از امام رضا علیه السلام پرسید: «چگونه شما از دل‌های مردم خبر می‌دهید؟»

حضرت در پاسخ فرمودند: آیا سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: «از زیرکی و فراست مؤمن بپرهیزید و خود را حفظ کنید که مؤمن با نور الهی به امور نظر می‌کند»^۳، به تو نرسیده است؟

پرسش‌کننده گفت: «آری شنیده‌ام».

حضرت فرمودند: «هیچ مؤمنی نیست مگر آن‌که زیرکی و فراستی دارد و به اندازه‌ی ایمانش و مقدار بینش و دانشی که دارد با نور الهی به امور می‌نگرد و خدا همه‌ی فراست‌هایی را که در مؤمنان پراکنده ساخته، در امامان جمع کرده است».

هـ. ق سرچشمه علم امام، الهی است.

در حقیقت پیامبران و امامان را خدا توفیق می‌دهد و از منبع علم و حکمتش به

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام همان و علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۴ و المناقب، ج ۱، ص ۲۵۳ و بحار الانوار، همان.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام همان.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۰۰.



آن‌ها چیزهایی عطا می‌کند که به دیگران نمی‌دهد، بنابراین دانش آنان بالاتر از دانش اهل زمانشان است.^۱

۱۰. امام، میراث دار پیامبر ﷺ و امامان علیّه
الف. امام، جانشین پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیّه
در واقع امامت... وراثت اوصیا... و جانشینی پیامبر ﷺ و مقام امام علی علیّه و میراث امام حسن و امام حسین علیهما... است.^۲

پیامبر اسلام ﷺ در موارد متعدد بر این مطلب تأکید کردند، از جمله در جریان غدیر خم و انتصاب امام علی علیّه به امامت. سپس این امانت الهی، یعنی خلافت و جانشینی پیامبر ﷺ در سایر ائمه معصومین علیهم السلام تداوم یافت.

ب. سلاح پیامبر ﷺ نزد امام علی علیّه
اسلحه‌ی پیامبر اکرم ﷺ و شمشیر ذوالفقار (امیرالمؤمنین علی علیّه) نزد امام معصوم علی علیّه است.^۳

ج. کتاب جامعه نزد امام
کتاب جامعه نزد امام معصوم علی علیّه است و آن نوشته‌ای است که طول آن هفتاد ذراع (حدود ۳۵ متر) است و در آن، همه‌ی نیازمندی‌های فرزندان آدم وجود دارد.^۴

بر اساس روایات، کتاب جامعه توسط امام علی علیّه تهیه و مطالب دینی و شرعی در آن گردآوری شد.^۵

د: کتاب جفر، نزد امام
کتاب جفر بزرگ و کوچک نزد امام معصوم علی علیّه است که بر پوست بز و گوسفند (نوشته شده) است و در آن، همه‌ی علوم حتی حکم خراش و ضربه‌ی تازیانه و نصف و ثلث آن بیان شده است.^۶



۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۰ و معانی الاخبار، ص ۱۰۰ و الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱ و الغیبة النعمانی، ص ۲۲۱ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷.
۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۱۶ و الکافی، همان، ص ۱۹۸ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷ و الامالی الصدوق، ص ۶۷۴ و الغیبة النعمانی، ص ۲۱۸ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.
۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۱۲ و معانی الاخبار، ص ۱۰۲ و الخصال، ج ۲، ص ۵۲۷ و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸ و بحار الانوار، همان، ص ۱۱۶.
۴. همان‌ها.
۵. بصائر الدرجات، ص ۱۵۱ و الکافی، ج ۱، ص ۲۳۸.
۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۲ و معانی الاخبار، ص ۱۰۲ و الخصال، ج ۲، ص ۵۲۷ و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

براساس روایات، «کتاب جفر» که احکام الهی در آن گردآوری شده است، توسط امام علی (علیه السلام) تهیه شده^۱ و سپس هر امامی آن را به امام بعد از خود سپرده است.

ه. مصحف حضرت فاطمه (علیها السلام) نزد امام (یکون عنده مصحف فاطمه)^۲

در روایات، از کتابی با عنوان «مصحف فاطمه (علیها السلام)» یاد شده که حاصل مکالمات حضرت زهرا (علیها السلام) با فرشتگان است و در هر عصری نزد امام آن عصر امانت است.

۱۱. امام تأیید شده‌ی روح القدس

«در حقیقت امام با روح القدس تأیید می‌شود».^۳

از امام رضا (علیه السلام) حکایت شده است که: «خدای عزوجل ما را با روح الهی تأیید کرده است؛ روح پاک و مطهری که فرشته نیست و با گذشتگان همراهی نکرده است، مگر با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و این روح الهی با امامان از اهل بیت (علیهم السلام) است، آنان را تأیید می‌کند و موفق می‌سازد و آن ستونی از نور است که بین ما و خدای متعال قرار دارد».^۴

۱۲. امامت؛ نور جهان‌افروز و آب حیات

از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند:

امام همچون خورشید جهان‌افروز است و در افق بلندی قرار دارد که دست‌ها و چشم‌ها به او نمی‌رسد. امام؛ ماه فروزان، چراغ روشن‌گر، نور پر فروغ و ستاره‌ی هدایت‌گر در تاریکی‌ها و بیابان‌های خالی و دل دریاهاست. امام، آب گوارای تشنگان و راهنمای هدایت‌پیشه و نجات‌دهنده از پرتگاه‌هاست. امام چون آتشی است بر تپه برای سرمزدگان و راهنمای انسان‌ها در هلاکت‌گاه‌ها است؛ هر کس از امام جدا شود هلاک می‌شود. امام ابر باران زاست؛ بارانی مداوم و خورشیدی

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۵۱ و الکافی، ج ۱، ص ۲۳۸.

۲. عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ج ۱، ص ۲۱۲ و معانی الاخبار، ص ۱۰۲ و الخصال، ج ۲، ص ۵۲۷ و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۸ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.

۳. عیون اخبار الرضا (علیه السلام) همان، ص ۲۱۳ و الخصال، همان، ص ۵۲۸ و کشف الغمّه، ج ۲، ص ۲۹۱ و بحار الانوار، همان، ص ۱۱۷.

۴. عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ج ۲، ص ۲۰۰ و بحار الانوار، همان، صص ۴۸ و ۱۳۴.



فروزنده، آسمان سایه‌دار، زمین گسترده، چشمه‌ی پُر آب، برکه و باغ است.^۱

۱۳. امام، رفیق مهربان و پناهگاه انسان‌ها

امام رضا علیه السلام فرمودند: «امام؛ فردی امین، رفیق و برادری مهربان و پناهگاه مردم در مشکلات عظیم است».^۲

آری؛ رهبر جامعه‌ی اسلامی باید این‌گونه باشد که در عین صلابت و انجام وظیفه، دوست مردم باشد به طوری که مردم در هنگام مشکلات، او را پناهگاه خود بدانند، مشکلات را با او در میان گذارند و از او راهکار و کمک بخواهند.

۱۴. فضایل امام؛ موهبتی الهی

فضایلی که ویژه‌ی امام گشته، همه بدون درخواست او و غیر اکتسابی است؛ این فضایل از طرف فضیلت‌دهنده‌ی بخشنده (یعنی خدای متعال) به امام اختصاص یافته است.^۳



۵۴

رَبِّكَ
مَعْرُوفًا

۱۵. امام دارای شرح صدر الهامات علمی و توفیقات الهی

در حقیقت هنگامی که خدای متعال بنده‌ای را برای رسیدگی به کارهای دیگر بندگانش انتخاب می‌کند، شرح صدر (سینه‌ای گشاده برای تحمل مشکلات) را به او عطا می‌کند، منابع حکمت را در دل او به ودیعت می‌گذارد و علم را به او الهام می‌کند؛ به طوری که از آن پس در پاسخ به مسائل باز نمی‌ماند و حیران نمی‌شود. امام؛ معصوم، مورد تأیید، با توفیق و استوار در انجام وظایف به تأیید الهی است که از خطا و لغزش‌ها مصون است. خدای متعال این ویژگی را به امام بخشید تا حجت خدا بر بندگانش و گواه بر آفریدگانش باشد و این موهبتی الهی است که به هر کس بخواهد عطا می‌کند و خدا دارای موهبتی عظیم است.^۴

سوم: شیوه‌ی شناخت و تعیین امام معصوم

۱. تعیین امام با نصب الهی؛ به دلیل عجز خرد انسان‌های عادی از تعیین امام معصوم

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۹ و الامالی الصدوق، ص ۶۷۴ و الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام همان و الامالی الصدوق، ص ۶۷۷.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام همان و الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۵ و الغیبة نعمانی، ص ۲۱۸.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام همان، ص ۲۲۰ و الکافی، همان و الامالی الصدوق، ص ۶۸۰.

از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است که می فرمایند:
 «قدر و شأن امامت بزرگتر و جایگاه آن بالاتر و خطیرتر و دورتر از دسترس
 است که عقل انسان‌ها به آن راه یابد و در دسترس آرای مردم قرار گیرد و امامی
 را با انتخاب خود منصوب کنند»^۱.
 و نیز از آن حضرت نقل شده است که:

«چه کسی است که به شناخت (کامل) امام دسترسی پیدا کند و بتواند امام را
 انتخاب کند! بعید است، بعید است! عقل‌ها منحرف، خردها مضطرب، خردمندان
 حیران، چشم‌ها حسرت‌زده، بزرگان کوچک‌شده، حکیمان حیران، صبوران قاصر،
 گویندگان در تنگنا، زیرکان ناآگاه، شاعران وامانده، ادیبان عاجز و سخنوران ناتوان
 هستند و به کوتاهی خود اقرار کرده‌اند. چگونه ژرفای وجودی امام را وصف کنند
 یا چیزی از او درک کنند یا جانشین او را بیابند...».

۲. علم و استجابت دعا؛ دو راه اساسی شناخت امام

«دلالته فی خصلتین فی العلم و استجابه الدعوة»^۲

یکی از نشانه‌های امام بر حق، آن است که در قله‌ی علم عصر خویش قرار دارد و
 داناترین و اعلم مردم است.^۳ نشانه‌ی دیگر او آن است که دعاهایش مستجاب است.

۳. ناتوانی عموم مردم از شناخت صفات امام

از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند:

«چگونه ممکن است که مردم امام را برگزینند، در حالی که امام؛ دانایی است که جهل
 در او راه ندارد، دعوت‌کننده‌ای است که کوتاهی نمی‌کند، منبع پاکی و طهارت است و...»^۴.



۵۵

۱۳۳۳
 ۸
 ۳۰

۱. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، همان، ص ۲۱۶ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵ و الکافی، همان، ص ۱۹۸ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

۲. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، همان، ص ۲۱۹ و کمال الدین، همان، ص ۶۷۸ و الامالی الصدوق، ص ۶۷۷ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۵.

۳. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، همان، ص ۲۲۰ و الامالی الصدوق، همان و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷.

۴. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، همان و معانی الاخبار، ص ۱۰۰ و الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

چهارم: ویژگی های پیشوای امت

۱. آگاه‌ترین مردم «اعلم الناس»^۱، «مخصوص بالعلم»^۲؛ «الامام عالم لا یجهل»^۳
امام وظایف سنگینی در رابطه با مردم و دین بر عهده دارد که در این رابطه،
آگاهی از علوم مختلف برای او ضروری است، حتی لازم است که دانشمندترین
فرد زمان خویش باشد و از آنجا که علم او الهی است، با جهل آمیخته نمی‌شود.

۲. داورترین مردم «احکم الناس»^۴
قرآن کریم، مقام داوری را از مقامات پیامبران برشمرده^۵ که البته از مقامات
اجرائی و امامت ایشان است.
یکی از مقامات امام، مقام قضاوت و داوری بین مردم است و امام، قضات
جامعه‌ی اسلامی را نصب و بر اساس عدالت، بین مردم قضاوت و حکم می‌کند؛
از این رو لازم است که امام داورترین مردم باشد.

۳. با تقواترین مردم «اتقی الناس»^۶
تقوای امام، در بالاترین مرتبه قرار دارد، به طوری که ایشان هیچ گناهی مرتکب
نمی‌شوند و به درجه‌ی عصمت رسیده‌اند.

۴. صبورترین مردم «احلم الناس»^۷؛ «موسوم بالحلم»^۸
از ظرفی پیشوای مسلمانان با مشکلات شخصی و اجتماعی زیادی رو به رو
می‌شود؛ از این رو لازم است شکیباترین مردمان باشد. از طرف دیگر بیشترین
خدمات و عبادات را انجام می‌دهد که استقامت زیادی می‌طلبد.



۵۶

۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

۱. عیون اخبار الرضا^ع، همان، ص ۲۱۲ و الخصال، ج ۲، ص ۵۲۷ و بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.
۲. عیون اخبار الرضا^ع، همان، ص ۲۱۹ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸ و معانی الاخبار، ص ۹۸ و بحارالانوار، همان، ص ۱۲۴.
۳. عیون اخبار الرضا^ع، همان، ص ۲۲۰ و کمال الدین، همان و معانی الاخبار، ص ۱۰۰ و الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱ و
بحارالانوار، همان.

۴. عیون اخبار الرضا^ع، همان، ص ۲۱۲ و معانی الاخبار، ص ۱۰۲ و بحارالانوار، همان، ص ۱۱۶.
۵. ص، ۲۶ و مانده، ۴۲ و ۴۸ و نساء، ۶۵.
۶. عیون اخبار الرضا^ع، ج ۱، ص ۲۱۲ و معانی الاخبار، ص ۱۰۲ و بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۶.
۷. همان‌ها.
۸. عیون اخبار الرضا^ع، همان، ص ۲۱۹ و معانی الاخبار، ص ۹۸ و بحارالانوار، همان، ص ۱۲۴.

۵. شجاع‌ترین مردم «اشجع الناس»^۱

رهبر مسلمانان در برابر دشمنان اسلام قرار می‌گیرد، این مطلب شجاعت و شهامت می‌طلبد. حتی رهبر باید رزمندگان و مسلمانان را در برابر دشمن تشویق به مبارزه کند؛ از این رو باید خود، شجاع‌ترین مردم باشد.

۶. بخشنده‌ترین مردم «اسخی الناس»^۲

رهبری امت مستلزم روحیه‌ای بخشنده است. اگر رهبری در مسائل اقتصادی سخت‌گیر و بخیل باشد، مردم به زحمت می‌افتند. سیره‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز حاکی از بخشش و گشاده‌دستی آنان است.

۷. عابدترین مردم «اعبد الناس»^۳

رهبر جامعه باید بیشترین ارتباط را با خداوند داشته باشد و عابدترین مردمان باشد. مطالعه در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام نیز همین مطلب را نشان می‌دهد.

۸. از پدر و مادر به مردم مهربان‌تر «اشفق علیهم من آبائهم و امهاتهم»^۴

امام، از پدر و مادر به انسان مهربان‌تر است؛ چون تا پای جان برای هدایت مردم فداکاری می‌کند.

۹. فروتن‌ترین مردم نسبت به خدا «یکون اشد الناس تواضعاً لله عز و جل»^۵

امام، فروتن‌ترین مردم نسبت به خدای عز و جل است. از آنجا که امام بالاترین معرفت را نسبت به خدای متعال دارد، در برابر او کاملاً فروتن و خاشع است. در قرآن آمده است که: «از میان بندگان خدا فقط دانشمندان از او می‌هراسند» (و در برابر او فروتن و خاشع می‌شوند). «این جاست که سوز و گداز شبانه‌ی امام علی علیه السلام و دعا‌های صحیفه‌ی سجادیه‌ی امام علی بن الحسین علیهما السلام معنادار می‌شود.

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۱۲ و معانی الاخبار، ص ۱۰۲ و بحار الانوار، همان، ص ۱۱۶.

۲. همان‌ها.

۳. همان‌ها.

۴. همان‌ها.

۵. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان و معانی الاخبار، همان و الخصال، ج ۲، ص ۵۲۷ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶.

۶. انما یخشی الله من عباده العلماء؛ (فاطر، ۲۸).





۱۰. فرمانبردارترین مردم نسبت به دستورات الهی

(امام) دستورات الهی را بهتر از همه‌ی مردم می‌گیرد (و عمل می‌کند) و بهتر از همه مردم از موارد منع‌شده، دوری می‌کند.^۱

۱۱. امام نیز انسان است.

(امام) زاییده شده و فرزندان دارد، (جسم او) سالم و بیمار می‌شود و می‌خورد و می‌نوشد و... می‌میرد و دفن می‌شود و مورد زیارت قرار می‌گیرد و...^۲
در قرآن آمده است که خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که: «بگو من فقط بشری همچون شما هستم».^۳

بیان این مطلب در مورد پیامبران و امامان، اولاً گویای بُعد جسمانی و بشری آن‌هاست که آنان از جنس انسان‌ها هستند و از این رو می‌توانند الگوی ما باشند، ثانیاً یادآور بُعد جسمانی و وفات آن‌هاست که از انحراف و غلو مردم نسبت به پیامبران و امامان جلوگیری می‌کند.

۱۲. امام، یگانه‌ی روزگار

(امام) یگانه‌ی روزگار خویش است که هیچ کس با او مقایسه نمی‌شود، هیچ دانشمندی هم‌تراز او نیست، جایگزینی برایش یافت نمی‌شود و همانند و مشابه ندارد.^۴

۱۳. امام از ستمکاران نیست.

از امام رضا علیه السلام روایت شده است که فرمودند:
خدای متعال (در قرآن^۵ خطاب به حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «در حقیقت من تو را امام برای مردم قرار دادم».^۶ ابراهیم خلیل خوشحال شد و گفت: «از فرزندان

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۲ و معانی الاخبار، ص ۱۰۲ و الخصال، ج ۲، ص ۵۲۷ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۶.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۱۳ و الخصال، همان، ص ۵۲۸ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۱۷.

۳. قال أما أنا بشر مثلکم یوحی الی؛ (کهف، ۱۱۰).

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۹ و معانی الاخبار، ص ۹۸ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۸ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۵ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۵. بقره، ۱۲۴: ﴿وَإِذَا ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتْمَنَّنَا قَالَ أَنَّىٰ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمَنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾

۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۶ و معانی الاخبار، ص ۹۸ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵ و الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۳۳ و الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

و نسل من (نیز امام قراده!)» خدای متعال فرمود: «عهد و پیمان من (امامت) به ستمکاران نمی‌رسد». پس این آیه، امامت هر ستمکاری را تا روز رستاخیز باطل اعلام کرد؛ امامت، مخصوص افراد برگزیده شد؛ سپس خدا کرامت کرد و امامت را در نسل افراد برگزیده و پاک قرار داد.

۱۴. امام؛ آگاه به امور سیاسی

«الامام عالم بالسیاسة»^۱

امام، رهبری جامعه‌ی اسلامی را به عهده دارد، از این رو باید در مسائل سیاسی دخالت کند. سیاستی که امامان به دنبال آن هستند، سیاست به معنای نیرنگ‌بازی و سیاسی‌کاری نیست؛ بلکه سیاست به معنای هدایت و مدیریت جامعه‌ی اسلامی در صحنه‌ی داخلی و بین‌المللی و در راستای رسیدن به اهداف الهی و سعادت است.

پنجم: امامت خاصه

۱. دین تمام و کامل؛ با امامت «امام علی (علیه‌السلام)»

از امام رضا (علیه‌السلام) حکایت شده است که فرمودند:

در واقع خدای متعال پیامبرش را به جوار خویش نخوانده بود (و هنوز پیامبر ﷺ فوت نکرده بود) تا این‌که دین او را کامل و قرآن را بر او نازل کرد، که در آن قرآن توضیح هر چیزی بود و مقررات حلال و حرام و قوانین کیفری و جزایی و احکام و هر چه مردم به آن نیازمند بودند را بیان کرد. پس خدای متعال فرمود: هیچ چیزی را در کتاب فروگذار نکردیم.^۲

و در حجة‌الوداع (هنگام بازگشت پیامبر ﷺ در آخرین سفر حج در غدیر خم) در آخر عمر پیامبر ﷺ این آیه نازل شد: «امروز دین شما را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را به عنوان دین برای شما پسندیدم».^۳ مسأله‌ی امامت از مواردی است که دین با آن تمام و (کامل) شد، و هنوز پیامبر ﷺ از دنیا نرفته بود که آموزه‌های دینی را برای امت بیان کرد، راه‌های آن را برای مردم روشن ساخت،

۱. عیون اخبار الرضا (ع)، همان، ص ۲۲۰ و معانی الاخبار، ص ۱۰۰ و کمال الدین، همان، ص ۶۷۸ و الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۲. اشاره به: انعام، ۳۸.

۳. اشاره به: مائده، ۳.



و امت را وا گذاشت به قصد این که راستی و حق را بیابند و امیرالمؤمنین (علیه السلام) را نشانه و پیشوای آنان قرار داد و هر چیزی که امت به آن نیاز داشتند را بیان نمود. پس هر کس بپندارد که خدای متعال دینش را کامل نکرده؛ قرآن را انکار کرده است و هر کس قرآن را رد و انکار کند؛ کافر گشته است».

۲. امامت ائمه (علیهم السلام) به خاطر علم و ایمان و با نصب الهی بود.

از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: پس خدای متعال فرمود: «در حقیقت سزاوارترین مردم نسبت به ابراهیم (علیه السلام) کسانی هستند که از او پیروی می کنند و این پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و کسانی که ایمان آورده اند؛ و خدا سرپرست مؤمنان است».^۱ پس جانشینی ابراهیم (علیه السلام) فقط برای پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) بود. پس آن را به دستور الهی به عهده‌ی علی (علیه السلام) وا گذاشت، بر اساس آنچه خدا لازم کرده بود (بعد از علی (علیه السلام)) در نسل برگزیده‌ی او قرار گرفت؛ (همان) کسانی که به آن‌ها علم و ایمان داد، بر اساس کلام خدای متعال که فرمود: «و کسانی که علم و ایمان به آن‌ها داده شده است، می گویند: حتماً شما بر فرمان خدا تا روز قیامت درنگ کردید».^۲ پس آن (امامت) به صورت ویژه در فرزندان علی (علیه السلام) تا روز قیامت قرار گرفت؛ چون بعد از محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبری نخواهد آمد. (بنابراین امامت تا رستاخیز ادامه خواهد یافت. پس از کجا این جاهلان (رهبر و امام و خلیفه) بر می‌گزینند؟^۳



۶۰

۱۰
۱۱
۱۲
۱۳

۳. امامت؛ فقط در آل رسول (علیهم السلام)

از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: «از کجا مثل این مطلب یافت شد که پنداشتند آن (امامت) در غیر آل رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) یافت می‌شود؟! به خدا سوگند؛ به خودشان دروغ گفتند و سخن باطل بر دوش آنان سنگینی کرد و به جایگاه سخت و لغزنده‌ای رفتند که گام‌هایشان از آنجا به پایین می‌لغزد! مقام امامت را با عقل‌های حیران و ناقص و آرای گمراه‌گر نشانه گرفتند؛ پس از آن دورتر شدند!»^۴

۱. اشاره به: آل عمران، ۶۸.

۲. اشاره به: روم، ۵۶.

۳. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۱۶ و معانی الاخبار، ص ۹۶ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵ و الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۰.

۴. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، همان، ص ۲۲۰ و معانی الاخبار، ص ۹۸ و کمال الدین، همان، ص ۶۷۸ و الکافی، همان، ص ۲۰۱.

۴. امام مهدی (علیه السلام) خواهد آمد.

از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است که از قول پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان من قیام می کند، عیسی بن مریم (علیه السلام) فرود می آید و پشت سر او نماز می خواند و به او اقتدا می کند»^۱.

ششم جدایی از امامت و پیامدهای آن

۱. هر کس از امام جدا شد، به هلاک می افتد:

«الامام و الدلیل فی المهالك، من فارقه فهالك؛ امام راهنمای (انسانها) در هلاکت گاهها است؛ هر کس از او جدا شود، به هلاکت می افتد»^۲.

۲. جدایی از امام؛ موجب سرگردانی و گمراهی و گرفتاری در دام شیطان:

از امام رضا (علیه السلام) در مورد کسانی که امامت را در غیر آل رسول (علیهم السلام) می خواهند، می فرماید:

«در واقع راه مشکلی را دنبال می کنند، تهمت می زنند، به گمراهی منحرف می شوند و در سرگردانی می غلتند؛ چون امام را با آگاهی ترک کردند و شیطان کارهایشان را برای آنان آراست و آنان را از راه خدا بازداشت؛ در حالی که آگاه بودند، از انتخاب راه خدا و پیامبرش روی گرداندند و به انتخاب (هوی و هوس) خودشان میل پیدا کردند»^۳.

۳. پیامدهای غلو کردن در مورد امامان (علیهم السلام):

الف. غلو کنندگان ملعون و کافرند.

در احادیث متعددی از امام رضا (علیه السلام) غلو کنندگان (غلات) مورد نکوهش قرار گرفته اند؛ گاهی امام رضا (علیه السلام) آنها را لعن کرده^۴ و گاهی آنها را کافر خوانده اند^۵.

۱. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۰۲ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۶.

۲. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۱۶ و معانی الاخبار، ص ۹۸ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۷ و الغیبة النعمانی، ص ۲۱۸ و الکافی، ج ۱، ص ۱۹۸.

۳. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، همان، ص ۲۲۰ و الکافی، همان، ص ۲۰۱ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۲۴.

۴. لعن الله الغلاة (عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۰۲ و بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۷۳).

۵. فقال الغلاة کفار (همانها).



۶۱

۳۳
۳۳
۳۳

و شیعیان را از همنشینی و ازدواج با آن‌ها منع کرده‌اند.^۱
ب. مفوضه؛ مشرکاندا!

برخی احادیث از امام رضا علیه السلام بیانگر این است که ایشان با گروه مفوضه هم به شدت برخورد می‌کردند و آنان را مشرک می‌دانستند؛^۲ چراکه آنان نیز از حد تجاوز می‌کردند و برخی مقامات همچون رازقیت و خالقیت را برای ائمه علیهم السلام قایل می‌شدند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

از مطالب این نوشتار روشن شد که امامت از اصولی است که مورد توجه امام رضا علیه السلام بوده است و جایگاهی بلند در احادیث آن حضرت دارد. ایشان صفات و ویژگی‌های امام را به صورت مفصل بیان کرده‌اند، که خلاصه‌ی آن چنین است: امامت، اساس اسلام و امام، رهبر دینی مردم است.

امام، مایه‌ی سربلندی مسلمانان و ضامن اجرای قوانین الهی است.
«امامت»، با قانون‌گذاری و هدایت‌گری، جامعه را نظام‌مند می‌سازد.

«امام»، رهبر سیاسی مردم است که در مواقع ضروری از دین دفاع می‌کند و نقشی دشمن‌شکن دارد.

«امام»، مایه‌ی شفاعت امت در روز رستاخیز، پناهگاه مردم، نماینده‌ی خدا و حجت او در زمین است.

مقام «امامت»، همان جایگاه پیامبران الهی بلکه بالاتر از مقام «نبوت» است.
«امام»، شخصیتی معصوم از گناه و لغزش است که فرشتگان با او سخن می‌گویند و مورد تأیید روح‌القدس است، دعایش مستجاب و از امور غیبی باخبر است.
و در نهایت؛ امام، نور جهان‌افروز و آب حیات است که هر کس از او جدا شود، در گمراهی می‌غلند.

با توجه به صفات مذکور، بشر عادی نمی‌تواند امام معصوم را بشناسد و منصوب کند؛ امامان از طرف خداوند انتخاب می‌شوند.

و نخستین امام، حضرت علی علیه السلام بوده و آخرین آن‌ها، امام مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه الشریف هستند.



۶۲

۲

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۰۳ و بحار الانوار، همان.

۲. همان‌ها.

جلوه اول

نماز در سیره و کلام امام رضا علیه السلام
یعقوب علی برجی

پیش گفتار

نماز، حضور در ضیافت معنوی و پر رمز و راز الهی است.^۱ نماز سکوی پرواز به سوی حق و برترین وسیله تقرّب به خدا^۲ و نزدیک‌ترین حالات بنده نسبت به پروردگار جهانیان است.^۳ نماز ستون دین^۴، محبوب‌ترین اعمال بندگان در محضر الهی^۵، معراج مؤمنان^۶، نور الهی^۷، زینت اسلام و چراغ قلب مؤمنان است.^۸ نماز همچون سری برای پیکر زیبای دین است.^۹ موجب نازل شدن رحمت‌های بی‌کران الهی بر بندگان است.^{۱۰} در دادگاه عدل الهی نخستین سؤال از نماز خواهد بود^{۱۱}، اگر نماز بنده پاکیزه و مقبول باشد اعمال دیگرش نیز مقبول خواهد بود^{۱۲}. مواظبت بر نماز باعث نور و حجت و نجات از آتش می‌گردد^{۱۳}.

ترک نماز، خدا را خشمگین^{۱۴} و اعمال را تباه می‌سازد^{۱۵}. کسانی که به عمد نماز را ترک کنند، از دین‌بهره‌ای ندارند^{۱۶} و آنان که نماز را سبک بشمارند، شیطان بر آنان چیره می‌شود و به گناهان بزرگ گرفتارشان می‌سازد.

و ما در این اثر چگونگی حضور در این ضیافت باشکوه را در تابلوی زیبایی سیره و کلام عالم آل محمد ﷺ، امام رئوف، حضرت رضا علیه السلام به نمایش گذاشته‌ایم و ارادتمندان به آن حضرت را به تماشای این تابلوی زیبا دعوت می‌کنیم.



۶۴

خبره وصال

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۶.
۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۵.
۳. نواب الاعمال، ص ۶۰.
۴. همان، ص ۱۷، ح ۱۲.
۵. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۲، ح ۱۷.
۶. مستدرک سفینه البحار، ج ۶، ص ۳۳۳.
۷. المعجم الکبیر، ج ۱۹، ص ۱۰۶.
۸. جامع الاخبار، ص ۱۸۲.
۹. الفردوس، ج ۴، ص ۱۵۷.
۱۰. غررالحکم، ص ۵۲.
۱۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲، ح ۱۰.
۱۲. همان، ح ۱۳.
۱۳. کنز العمال، ج ۷، ح ۱۸۸۶۲.
۱۴. المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۲۳۴.
۱۵. مسند ابن حنبل، ج ۹، ص ۱۲.
۱۶. عوالی اللالی، ج ۲، ص ۲۲۴.

گفتار اول: اهتمام به نماز در سیره و کلام امام رضا (علیه السلام)

فرصت وصال و نیایش و خلوت با محبوب برای محب و عاشق، بسیار مغتنم و لذت بخش است و نماز یکی از این فرصت های طلایی برای وصال و نیایش با محبوب حقیقی و مطلق هستی است. رجاء ابن ابی ضحاک که مدتی محافظ و مواظب حضرت رضا (علیه السلام) بود و در طول سفر از مدینه تا مرو در رکاب حضرت بود، گزارش مفصلی از برنامه عبادی و نمازهای آن عاشق دلباخته الهی ارائه داده است.

رجاء ابن ضحاک می گوید:

به خدا سوگند، من مردی باتقواتر از او ندیدم، کسی را ندیدم که در تمام اوقاتش بیشتر از او به یاد خدا باشد و خوفش از خدا از او شدیدتر باشد.

همین که فجر طلوع می کرد، نماز صبح را می خواند پس از آن مشغول دعا (تسبیح، تحمید، تکبیر، تهلیل...) بود تا طلوع آفتاب، پس از طلوع آفتاب سجده طولانی می کرد، پس از آن مشغول حدیث و موعظه مردم می شد تا نزدیک ظهر؛ نزدیک ظهر تجدید وضو کرده و به مصالایش می رفت، پس از اذان ابتدا هشت رکعت نافله ظهر می خواند، سپس اذان و اقامه می گفت و مشغول نماز ظهر می شد. بعد از نماز ظهر مشغول دعا می شد و در پایان سر به سجده می گذاشت و صد مرتبه «شکراً لله» می گفت. پس از آن، نافله عصر می خواند و اذان و اقامه می گفت و نماز عصر می خواند. سپس مدت مدیدی تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل می گفت و در پایان سر به سجده می گذاشت و صد مرتبه «حمداً لله» می گفت. وقتی مغرب فرا می رسید وضو می گرفت و اذان و اقامه می گفت و نماز مغرب می خواند. بعد از نماز مدتی دعا می کرد، سپس چهار رکعت نافله مغرب می خواند. به هنگام نماز عشاء، نماز و نافله اش را می خواند و به بستر می رفت. یک ثلث از شب گذشته از بستر بلند می شد، در حالی که زبانش به تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل و استغفار گویا بود. مسواک می زد، وضو می ساخت و به نماز شب مشغول می شد. در هر رکعت، حمد یک بار و «قل هو الله احد» را سی مرتبه می خواند. بعد از آن نماز جعفر طیار را می خواند، وقتی فجر فرا می رسید نماز نافله فجر را خوانده، پس از آن نماز صبح را می خواند.^۱



امام نیایش گران و نمازگزاران، هشتمین اختر تابناک هدایت درباره اهمیت نماز فرمود:

«بدان که افضل واجبات بعد از معرفت خدای - عزوجل - نماز پنجگانه است»^۱.
در زیارت‌نامه آن حضرت علیه السلام می‌خوانیم:
اشهد انک قد اقمت الصلوة و آتیت الزکاة و أمرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و
عبدت الله حتی أتاک الیقین^۲.
«گواهی می‌دهم که تو نماز را اقامه کرده، زکات داده‌ای، امر به معروف و نهی
از منکر کردی، و خدا را عبادت کردی تا به مقام یقین رسیدی».

کیفر سستی در نماز

امام رضا علیه السلام فرموده است:

«تا وقتی که مؤمن نمازهای پنجگانه خود را به موقع و با شرایط به جا آورد، شیطان پیوسته از او ترسان و هراسان است، ولی هرگاه وی نماز خود را ضایع کند، شیطان بر او غالب می‌شود، و او را وارد گناهان بزرگ می‌نماید»^۳.
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«هر که نمازش را سبک بشمارد، با من پیوند و وابستگی معنوی ندارد. ^۴سوگند به خدا، بر حوض کوثر در جوار من وارد نخواهد شد».

امام رضا علیه السلام فرمود:

«هرگاه روز قیامت فرا رسد، بنده را می‌خوانند، پس اولین موضوعی که از او سؤال می‌شود، نماز است. اگر حدود و شرایط نماز را به طور کامل به جا آورده باشد، نجات می‌یابد، اگر نمازش را با شرایط و آداب صحت یا قبولی آن به جا نیاورده باشد، او را به آتش می‌افکنند»^۵.

اهتمام به نماز اول وقت

ابراهیم بن موسی فزاز گوید:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۷۵: اعلم ان افضل الفرائض بعد معرفة الله عزوجل الصلاة الخمس.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۹۱۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۱.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۵، ح ۲۹۲۵.

۵. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۹.



۶۶

نور
وصال

روزی در خراسان در مسجد، در خدمت امام رضا علیه السلام بودم، بر چیزی که از آن حضرت می‌خواستم، اصرار کردم. در این هنگام امام برای پیشواز یکی از جماعت طالبین بیرون رفت. در راه وقت نماز شده و امام به جانب ساختمانی که در آن‌جا بود روی آورد و در زیر صخره‌ای که در نزدیکی آن ساختمان بود، فرود آمد. تنها من در خدمت حضرت بودم. حضرت فرمود: اذان بگو. عرض کردم: منتظر باشید تا اصحاب به ما بپیوندند. امام فرمود: «غفر الله لک! لا تَوَخَّرَنَّ صَلَوةَ عَن اَوَّلِ وَقْتِهَا الی اَخرِ وَقْتِهَا مِن غَیرِ عِلَّةٍ عَلَیکَ اَبداً بَاولِ الوَقْتِ؛ خداوند، تو را بیمارزد! هرگز نماز را از اول وقت آن، بدون علت به تأخیر نمی‌اندازیم، همواره مراقب اول وقت باش!» پس اذان گفتم و نماز خواندیم. پس از نماز، دوباره آن را که از حضرت خواستم، یادآور شدم. در آن هنگام امام با تازیانه‌ای خاک‌ها را کمی کنار زد، ناگاه از زیر خاک‌ها سکه‌ای از طلای ناب پدیدار گشت، امام علیه السلام آن را برداشت و فرمود: این سکه طلا را بگیر، خداوند برای تو در آن برکت قرار دهد و از آن سود ببری و آنچه را دیدی پنهان کن.

ابراهیم گوید:

«خداوند برای من از آن سکه برکت فراوان قرار داد، آن چنان که در خراسان لوازم زیادی خریدم که قیمت آن‌ها به هفتاد هزار دینار طلا می‌رسید، و من از همه‌ی همگان خود توانگرتر و ثروتمندتر شدم»^۱.

حضرت امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه شریفه‌ی: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ﴾^۲؛ مؤمنان کسانی هستند که بر نمازهای‌شان محافظت می‌کنند. فرموده است: «مراد خداوند متعال مواظبت بر اوقات نماز است».

خداوند در قرآن این گروه را مذمت کرده و فرموده است:

﴿قَوْلٍ لِّلْمُصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾؛ وای بر آن دسته از نمازگزارانی که از نماز خود غافل‌اند!^۳

درباره‌ی این آیه نیز امام رضا علیه السلام فرمود:

«مراد از ساهون در این آیه آن‌هایی هستند که غافل از اوقات نمازهای واجب خود هستند»^۴.

به همین دلیل است که امام معصوم علیه السلام می‌فرماید: امتحنوا شیعتنا عند مواقیب

۱. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۴ و بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۹۹ و منتهی الآمال، ج ۳، ص ۱۷۰.

۲. مؤمنون، ۹.

۳. ماعون، ۴ و ۵.

۴. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۲۰.



الصلاة كيف محافظتهم عليها؛ شيعيان ما را در اوقات نماز، آزمایش کنید که چگونه بر خواندن نماز در موعد مقرر محافظت می‌کنند.^۱

امام رضا علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود:

«برای هر نمازی سه وقت است: اول وقت، وسط وقت، آخر وقت. به جا آوردن نماز در اول وقت موجب خشنودی خدا، و در وسط آن عفو پروردگار، و در آخر وقت غفران و آمرزش الهی است و بهترین اوقات، اول وقت است و کسی حق ندارد آخر وقت را برای نماز انتخاب کند. همانا نماز آخر وقت برای کسی مجاز است که بیماری یا عذری داشته باشد، یا این که مسافر باشد».^۲

رعایت آداب نماز

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

«ادب نماز این است که آن را با حضور قلب و فراغت اعضا و جوارح از هر کاری، به جای آوری و با دلّت در مقابل خداوند بایستی و بهشت را در طرف راست خود بینی و آتش را در طرف چپ و صراط را پیش رو و خداوند را در مقابل».^۳

از فرمایشات دُرربار رضوی استفاده می‌شود که نماز آدابی باطنی و ظاهری دارد.



۶۸

نقطه وصال

الف: آداب باطنی

مقصود از آداب باطنی آن دسته از آدابی است که مربوط به قلب و باطن انسان‌هاست.

۱. حضور قلب

در تعریف حضور قلب آمده است:

مقصود از حضور قلب، این است که در هنگام نماز، نزد نماز باشد، نه مشغول به امر دیگری که او را از نماز، غافل می‌کند و همین مقدار که نمازگزار قلبش، متوجه ظاهر و احوال و اقوال نماز باشد، در تحقیق حضور قلب، کافی است.^۴

حضرت امام رضا علیه السلام در فرازهای سخنانش توجه به این چند نکته را در امر

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۵ و بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۵۰.

۳. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۶ و فقه الرضا علیه السلام، ص ۴۳.

۴. اسرار الصلاة، ملکی تبریزی رحمته الله، ص ۱۸۶.

حضور قلب برای هر نمازگزاری ضروری دانسته‌اند:
 نماز را با حضور قلب و فراغت اعضا و جوارح از هر کاری به جای آورد.
 با ذلت در برابر خداوند بایستد.
 بهشت را در طرف راست خود ببیند.
 آتش دوزخ را در طرف چپ خود ببیند.
 صراط را در پیش روی خود قرار دهد.
 خداوند را در مقابل خود مشاهده کند.
 حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل فرموده‌اند:

من روزی در فرع بودم (زمینی واقع در مابین مکه و مدینه) وقت نماز فرا رسید، پس پیاده شدم و به سوی بوته‌ی ثمامه رفتم (در بیابان عربستان گاهی بوته‌هایی که به قد یک درخت وجود دارد که از سایه‌شان به خوبی می‌توان استفاده کرد). همین که به نماز ایستادم و رکعتی خواندم، یک افعی نزدیک من آمد و کنارم قرار گرفت و من متوجه نماز شدم و از آن نکاستم و کم نکردم. افعی به من نزدیک شد و سپس به طرف بوته برگشت. وقتی از نماز فارغ شدم، در حالی که دعا و تعقیباتم را نیز تخفیف نداده بودم، بعضی از یارانم را که همراهم بودند، فراخواندم و گفتم: پشت سر شما زیر بوته افعی است. پس او را کشتند. آنگاه امام علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: «هرکس از غیر خدا نترسد خداوند او را کفایت می‌نماید».^۱

۲. خشوع و خضوع

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «بر تو باد در نماز به خشوع و خضوع و این که در پیشگاه خداوند، چنان خاشع و خاضع باشی که خشیت و خوف از سیمای تو ظاهر گردد».^۲
 خداوند متعال فرموده است: «به راستی مؤمنان رستگار شدند؛ آنان که در نمازهای‌شان خشوع کنندگان‌اند».^۳
 بنده‌ای که برای خدمت و عبادت در پیشگاه خدای متعال می‌ایستد، موظف است که با قلب و تمام جوارح و اعضا اظهار عبودیت و بندگی کند.



۶۹

جلوه وصال

۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۷.

۲. آداب الصلاة، ص ۱۶۲: عليك بالخشوع والخضوع متواضعا به عزوجل، متخاشعا عليك خشية و سيماء الخوف.

۳. مؤمنون، ۲/۱: ﴿قَدْ افلح المؤمنون، الذين هم في صلاتهم خاشعون﴾

ب: آداب ظاهری

امام رضا علیه السلام در سخنان گهربار خود بیان فرموده‌اند:

هرگاه خواستی نماز را به پای داری، پس با بی‌رغبتی و کسالت، خواب آلودگی، عجله و شتاب، بازی و سرگرمی به چیزی، به نماز مشغول نشو، بلکه نمازی به جای آور که سکون و حضور قلب و آرامش و تأنی در آن باشد. بر تو لازم است در نماز خاشع و خاضع باشی، و در پیشگاه خداوند جهان خود را خوار و ذلیل بدانی به طوری که خشیت و خوف از سیمای تو ظاهر شود، و به وسیله آرامش و بر اثر فراوانی ترس و ورعی که بر دلت عارض شده است، دو حالت «ترس» و «امید» در تو آشکار شود. پس در این حالت مقابل پروردگارت همچون بنده‌ی فراری گناهکار، که در مقابل مولایش قرار گرفته، بایست و قدم‌هایت را منظم کن، و خداوند را ناظر بدان زیرا اگر تو خدا را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. با ریش و سایر اعضا و جوارحت بازی نکن، انگشتانت را به صدا در نیاور، بدنت را خارش مده، با بینی ات بازی مکن، با لباس هم بازی مکن، لثام زده نماز نخوان (مبادا چیزی در دهانت باشد که مانع اظهار صحیح کلمات یا مخارج حروف باشد) و برای زنان نیز روا نیست که با نقاب و روپند نماز بخوانند. هنگامی که در نماز ایستاده‌ای، چشمت را به موضع سجده بیفکن و در هنگام نماز از خودت جزع و ترس ظاهر کن و با دارا بودن این حالات ویژه، نشان بده که تو راغب به خدا هستی و به وی عشق می‌ورزی، در حال قیام گاهی به این پا، و گاهی به آن پایت تکیه مکن. همچون کسی که می‌خواهد با نماز وداع کند، نماز بگزار، طوری که دیگر موفق به ادای آن نمی‌شوی. بدان به یقین تو در برابر خداوند جبار هستی. بنابراین، به چیزی از اشیاء مشغول مشو و حدیث نفس مکن (چیزی غیر از یاد خدا را در درونت راه مده) و دلت را از همه چیز غیر از یاد خدا و عبادت او فارغ کن. و باید که فقط به کار نماز پرداز و حق آن را کاملاً ادا نمایی.

در حال نماز، به هنگام قیام دست‌هایت را روی ران‌هایت قرار ده، و در افتتاح نمازت تکبیر بگو و دست‌هایت را تا نریمه‌ی گوش بلند کن، به طوری که انگشت‌های ابهامت از گوش مقابل آن تجاوز نکند، و در قنوت نماز واجب دست‌هایت از سر تجاوز نکند. اما در نماز نافله و وتر مانعی نیست که دست‌ها از سر تجاوز کند.

هرگاه به رکوع رفتی، پس دست‌هایت را بر زانوهایت بگذار و انگشتانت را بگشا و دست‌هایت را جمع کن و از محاذی زانوها و پاها خارج مکن و هنگام برخاستن از رکوع به تمام قامت بایست تا آن که مفاصلت کاملاً به مکان اصلی



۷۰

پیام
وصال

خود برگردهد، و عروق و رگ‌ها جابه‌جا شود و سپس در سجده، پیشانیت و کف را بر زمین بگذارد، و انگشتان دست‌هایت را هنگام سجده ببند، و به طرف قبله قرار ده و هرگاه نشستی، پس به قسمت راست بدن نشین، بلکه طرف راست را بلند کن و بر طرف چپ بگذار و بر پهلوئی خود بنشین و دست روی دست مگذار، بلکه دست‌هایت را آزاد کن و مستقیم بران‌ها بگذار، زیرا دست روی دست گذاشتن، عمل اهل کتاب است.

در هنگام نماز خمیازه مکش، و دست و پا دراز مکن و آروغ زن؛ و هرگاه این دو بر تو فشار آوردند، با سعی و کوشش از بروز آن جلوگیری کن و هرگاه عطسه کردی، پس «الحمد لله» بگو، و در موضع سجده‌ات حرکت نکن، و به جلو و عقب نرو، بلکه ثابت و بی‌حرکت باش!... هرگاه به نماز ایستادی، با تمام توجه قلبی و درونی به خداوند روی آور؛ تا خداوند نیز به تو روی آورد، و برای نماز، وضوی شاداب و کامل بساز! و هرگاه خواستی سجده کنی پیشانی‌ات را بر خاک بگذار! هرگاه به نمازت روی آوردی، با توجه و حضور کامل قلبی به نماز ایستادی، آداب و شرایط نماز را حفظ کردی و با همه وجودت به سوی خدا رفتی؛ او نیز با همه‌ی رحمت و مغفرت و عنایتش به تو روی خواهد آورد. هرگاه از خدا روی گردان شوی؛ خداوند نیز از تو روی گردان شود و تو را به حال خود رها خواهد کرد.^۱ از امام هشتم علیه السلام درباره‌ی کیفیت نماز کامل سؤال شد، حضرت فرمود:

«نماز کامل [که نمازگزار را از آفت فحشا و منکر بازدارد] نمازی است که دارای شرایط زیر باشد: ۱. حضور قلب ۲. فراغت جوارح و اعضا از هر چیز (غیر از یاد خدا) ۳. با کمال ذلت و خاکساری در برابر خدا ایستادن ۴. رسیدن به مرتبه یقین؛ که نمازگزار فرض کند بهشت طرف راست، جهنم سوزان طرف چپ، صراط پیش رو، و ذات اقدس الهی در مقابلش قرار دارد».^۲

اهتمام به نماز شب

در گزارش ابراهیم بن عباس چنین آمده است:
سیره‌ی آن حضرت علیه السلام چنان بود که شب کم می‌خوابید و بیشتر شب را بیدار بود و به عبادت و نوافل مشغول بود.^۳



۷۱

بله وصال

۱. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۰۴.

۲. همان، ص ۲۴۶.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۹۷.

علاوه بر سیره‌ی عملی امام رضا علیه السلام، در بیانات آن معصوم علیه السلام نیز سفارش فراوانی به نافله‌ی شب شده است.

امام رضا علیه السلام فرموده است:

«نماز شب، موجب خوشنودی خدا است».^۱

نیز فرمود:

«بر شما لازم است که در به جای آوردن نماز شب کوشا باشید. هر بنده‌ای در آخر شب برخیزد، و هشت رکعت نماز گزارد، سپس دو رکعت نماز شفع، و یک رکعت نماز وتر به جای آورد، و در قنوت آن هفتاد بار از خدا طلب آموزش نماید، از عذاب قبر و آتش در پناه ایزدی قرار گیرد، و عمرش طولانی شود، و وسعت رزق یابد».^۲

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند:

«خانه‌هایی که در آن نماز شب خوانده می‌شود، بر اهل آسمان‌ها نور می‌دهند، همان‌طوری که ستارگان بر اهل زمین نور می‌دهند».^۳

از امام علیه السلام سؤال شد: «عبودیت چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «در پنج چیز است: ۱. خالی بودن شکم، ۲. قرائت قرآن، ۳. نماز شب، ۴. تضرع در پیشگاه خدا در صبحگاهان، ۵. گریه و زاری از خوف خدا».^۴

«بر نماز شب و تهجد، مراقبت و مداومت کنید؛ زیرا که نماز شب، احترام به ساحت اقدس پروردگار است؛ آن موجب افزایش روزی می‌گردد و چهره‌ها را زیبا می‌سازد و رزق آن روز را ضمانت می‌کند. در نماز وتر درنگ و وقوف بسیار کنید؛ زیرا که در حدیث آمده است که: هر کس در نماز وتر خود، درنگ کند، وقوف و درنگ او در محشر و روز قیامت، اندک خواهد گشت».^۵

گفتار دوم: اسرار و حکمت‌های نماز

حکمت‌ها و اسرار مقدمات نماز

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۱۲: رضوان الله الصلاة باللیل.
۲. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۱، ح ۵۳.
۳. بحارالانوار، ج ۸۷، ص ۱۶۱: انّ البیوت الّتی یصلّی باللیل یزهر نورها لأهل السماء كما یزهر الکواکب لاهل الارض.
۴. الموعظ العدیدیه، ص ۱۵۹: سئل [الرضا علیه السلام] عن العبودیة: قال علیه السلام: العبودیة خمسة اشیاء: خلوّ البطن و قرائة قرآن و قیام اللیل و التضرّع عند الصبح و البکاء من خشیة الله.
۵. نشان از بی‌نشان‌ها، ص ۴۲۷: حافظوا علی صلاة اللیل، فانّها حرمة الربّ، تدرّ الرزق و تحسن الوجه و تضمن رزق النهار و طولوا الوقوف فی الوتر؛ فانّه روی: من طول الوقوف فی الوتر، قلّ وقوفه یوم القیامة.



۷۲

پیوسته
صلوات

الف: طهارت

نماز شرکت در ضیافت خلوت و نیایش با خدایی است که پاکی مطلق، زیبایی مطلق و نور مطلق است و نماز گزار برای آمادگی شرکت در چنین ضیافتی باشکوه باید ابتدا ظاهرش را از آلودگی و باطنش را از پلیدی‌ها و رذایل باطنی پاک سازد و با گرفتن وضو، نورانیت پیدا کرده و با پوشیدن لباس تمیز و شانه کردن سر و صورت و زدن عطر با ظاهری آراسته برای شرکت در این ضیافت خود را آماده کند.

۱. وضو

امام پاکی‌ها و زیبایی‌ها در بیان اسرار وضو به طهارت ظاهر و باطن اشاره کرده و فرموده است:

۱. پاک بودن بنده هنگام ایستادن در مقابل خدا؛^۱
 ۲. پاکیزه شدن از آلودگی‌ها و نجاسات؛^۲
 ۳. در وضو، از بین رفتن کسالت و جلوگیری از حالت خواب آلودگی؛^۳
 ۴. پاک کردن قلب برای حضور در محضر خدای جبار.^۴
- در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

«علت وضو، این است که انسان در نماز، می‌خواهد با اعضای ظاهرش که همان اعضای وضوست در مقابل خداوند بایستد و فرشتگان را ملاقات کند، پس شستن صورت برای سجده و خضوع در آن است؛ شستن دو دست به سبب آن است که آن‌ها را به درگاه خدا بالا می‌برد و پایین می‌آورد و با آن دو کف، رغبت و رهبت و تبتل (حرکت دست، که نشانه خوف و امید و طلب و عبودیت است) انجام می‌دهد و مسح سر و روی دو پا برای این است که ظاهر و آشکار و برهنه است و در جمیع حالات نماز، با این سه استقبال کند و رو به حق بایستد».^۵

۲. غسل

در غسل به شستن تمام بدن امر شده است؛ زیرا پست‌ترین حالات انسان و شدیدترین حالت تعلق دنیوی انسان، حالت جماع کردن است و از آن‌جا که بر

۱. لأن یكون طاهراً إذا قام بين يدي الجبار عند مناجاته.

۲. نقياً من الأدناس و النجاسة.

۳. مع ما فيه من ذهاب الكسل و طرد العاس.

۴. و ترکیبة الفؤاد للقيام بين يدي الجبار.

۵. عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۲، ح ۱.



۷۳

بقره وصال



تمام قسمت‌های بدن، جنابت پخش می‌شود، لازم است برای پاک شدن از این جنابت فراگیر، همه‌ی بدن شسته شود؛ از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ان تحت کل شعرة جنابة!» «همانا زیر هر مویی جنابتی است»^۱.
در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

«علت غسل جنابت، پاکیزگی و نظافت، و پاک کردن انسان خود را از منی و تطهیر کردن سایر قسمت‌های بدن است؛ زیرا جنابت از تمام اعضا خارج می‌شود، پس تطهیر تمام بدن بر او واجب شده است»^۲.

علت غسل عیدین و جمعه و دیگر غسل‌ها آن است که انسان با آن‌ها، پروردگار خود را تعظیم می‌کند و بزرگ می‌دارد و نیز به سبب آن‌ها متوجه به خداوند کریم و بزرگوار خود می‌شود و از خداوند درخواست آمرزش می‌کند و نیز به سبب این که روز عید برای مردم شناخته شده است، خداوند غسل این روزها را بزرگداشت و تفضیل آن‌ها بر دیگر روزها قرارداد و علت غسل جمعه، طهارت و پاکی بنده تا جمعه دیگر است.

علت غسل میت این است که میت را غسل دهند تا از آلودگی‌ها و امراضی که داشته، پاک شود؛ زیرا میت با فرشتگان ملاقات می‌کند و با اهل آخرت همنشین می‌گردد.

علت غسل مس میت، طاهر شدن شخص است از چرک و پلیدی‌هایی که به جهت مس کردن میت به او رسیده؛ زیرا شخصی که از دنیا رفته، روحش از او مفارقت کرده و بیشتر میکروب‌ها در پیکر او باقی می‌ماند، پس باید پس از تماس با او، تطهیر انجام شود.^۳

ب: اوقات نماز

از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است که به فضل بن شاذان فرمود:
«چنانچه کسی بپرسد که چرا نماز در این اوقات (اوقات معین و مخصوص) بدون تقدم و تأخر واجب شده است، جواب این است که این اوقات برای همه مردم روی زمین معلوم و واضح است و عالم و جاهل آن را به چهار وقت می‌شناسند و علت دیگر، این که خداوند دوست داشته که بندگانش قبل از هر

۱. اسرار الصلاة، شهید ثانی، ص ۶۱ و من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱۷۰.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱۷۱.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۱، ح ۱.

کاری، ابتدا طاعت خداوند را انجام دهند؛ پس ایشان را در اول طلوع روز، امر کرده است که به عبادتش بپردازند و سپس در پی کار و روزی خویش روند و چون نیم‌روز شود از کار دست کشند و آن وقتی است که مردم به جای خود بازگردند و لباس از تن به در آرند و بیاسایند و به خوردن مشغول شوند و استراحت کنند و در چنین هنگامی خداوند آنان را امر فرموده که ابتدا به ذکر و عبادت او بپردازند و چون امور شخصی را انجام دادند و خواستند پی کار و کسب خود روند، باز دستور نماز عصر را داده که آن را انجام دهند، و سپس به کاری که در نظر دارند رهسپار شوند و به اصلاح آن امر دنیایی خود بپردازند، و چون شب شد، لباس از تن بیفکنند و به جایگاه و منزل بازگردند، پیش از هر کار باید به عبادت و ذکر پروردگارشان ابتدا کنند و بعد به امور دیگر بپردازند، از این رو نماز مغرب را بر ایشان واجب فرمود، و چون وقت استراحت و خواب آید و از کوشش فراغت یافتند، خداوند دوست داشته است که در آغاز به عبادت و طاعت او بپردازند، سپس در پی اموری که می‌خواهند انجام دهند روند و از این جهت در این وقت، نماز عشاء را واجب کرد. اگر کسی بگوید: وقتی معین برای عصر نیست، مانند اوقات نمازهای دیگر، چرا آن را بین ظهر و مغرب قرار داد و میان عشاء و صبح، یا میان صبح و ظهر قرار نداد؟ جواب این است: برای آن‌که هیچ وقتی برای مردم از ضعفاً و از کار بر کناران و اقویا و کارگزاران آسان‌تر و راحت‌تر و مناسب‌تر برای نماز عصر از این وقت معین نیست؛ زیرا مردم همگی از اول روز به تجارت و معامله و آمد و رفت و کار و کوشش در رفع حوائج خود، و فعالیت در بازارهای کسب مشغول‌اند، پس خداوند نخواست که آنان را از به دست آوردن روزی به کار دیگر مشغول کند نیز مردم همگی قادر به شب‌خیزی نیستند و آن را درست هم درک نمی‌کنند و وقت آن در نیمه‌های شب اگر باشد، بیدار نمی‌شوند، هرچند واجب باشد و امکانش هم برای ایشان بسیار کم است، پس خداوند بر آنان آسان گرفت و نماز عصر را در سخت‌ترین ساعات شبانه روز مقرر نفرمود؛ بلکه وقت آن را در راحت‌ترین هنگام قرار داد، چنان که خداوند - عزوجل - خود فرموده است: «یرید الله بکم البسر و لایرید بکم العسر»^۱.

از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«افضل اوقات سه وقت است: هنگام زوال خورشید (ظهر) و پس از آن، مغرب و هنگام سحر؛ پس خداوند دوست داشت که برای قرب به او در این اوقات سه‌گانه، نماز به جای آورده شود»^۲.



۷۵

پیام وصال

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، صص ۲۳۰ تا ۲۷۷.

۲. همان، ص ۲۳۱.

حکمت‌ها و اسرار نماز

الف: وجوب نماز

محرم اسرار الهی و رحمت و اسعه‌ی حق، امام هشتم در نامه جامع و زیبایی زیر در حد توان ما خاکیان محجوب، پرده از اسرار این ضیافت پر رمز و راز برداشته و گوشه‌هایی از آثار و برکات آن را بیان فرموده است: آن حضرت در نامه‌ای به یکی از اصحاب خود نوشته است:

«همانا علت وجوب نماز، اقرار به ربوبیت پروردگار است و کنار گذاشتن شرک و این که برای خدا مثل و نظیری نیست؛ و ایستادن در برابر پروردگار با ذلت و بیچارگی، و خضوع و اعتراف به وحدانیت او، پشیمانی و طلب توبه از گناهان گذشته، و گذاشتن صورت بر زمین در هر روزی پنج مرتبه برای تعظیم پروردگار؛ و این که بنده متوجه خدا باشد و او را فراموش نکند، و راه سرکشی در پیش نگیرد، و خاضع و خاشع و ذلیل و مشتاق و خواستار زیادی توفیق در دین و دنیا باشد. آثار دیگری که در نماز است، عبارت است از: انزجار از غیر خدا، و مداومت بر ذکر حضرت باری در روز و شب تا بنده، سید و مدبر امور و آفریننده خود را فراموش نکند. چون فراموشی یاد حق، سبب در پیش گرفتن راه سرکشی و طغیان است. همچنین حکمت‌های دیگری که در نماز است، این که بنده به وظایف بندگی خود در پیشگاه خدای خویش، قیام کند و این عبادت، او را از گناهان باز دارد و مانعی برای او از گرایش به فساد و تبه‌کاری باشد»^۱.

امام رضا علیه السلام در بیانات ارزشمند خود، آثار و برکات نماز را بیان فرموده‌اند و ما در این قسمت به توضیح مختصر هر یک از این اسرار و برکات می‌پردازیم.



۷۶

پیوسته
وصال

۱. اقرار به ربوبیت

امام رضا علیه السلام فرموده است:

«علت وجوب نماز این است که نماز، اقرار به ربوبیت خدا و نفی مثل و نظیر برای او است»^۲.

اقرار به یکتایی و ربوبیت خدا، اولین خواسته او از آفریدگان خود است؛ خدایی که: «همیشه بوده و همیشه باشد؛ از همه چیزها بی‌نیاز است و همه چیزها

۱. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۲ و وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴ و ۵ و علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۱۷ و من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۹.

۲. وسائل الشیعه، همان، ص ۵ و من لا یحضره الفقیه، همان، ص ۷۰. علّة الصلاة أنّها اقرار بالربوبیة لله عزوجل و خلع الانداد.

به او نیازمند؛ توانای بر کمال و پادشاه بی‌زوال؛ قدوس بی‌عیب و بی‌مثال، واحد بی‌شریک و بی‌انباز؛ جبار بی‌قهر و نقصان و قهار بی‌عجز و بی‌اعوان؛ رازق بی‌بخل و بی‌ریب و ملک بی‌مونس و بی‌مشیر؛ کریم بی‌طبع و بی‌سجیت و رحیم بی‌دل و بی‌رقت؛ صمد بی‌نقص و بی‌آفت؛ واحدی بی‌تألیف و تجزیت؛ همه خلق را به او آرام و به او نیاز و او از همه بی‌نیاز. هرچه در فهم آید که پادشاه ما چنان است، نه چنان است؛ بلکه آفریدگار آن است که همه‌ی وصف و صفایان و همه‌ی مدح مداحان و همه‌ی توحید موحدان، در کمال و جلال او ناچیز نماید.^۱

۲. خاکساری و تواضع

امام رضا علیه السلام فرموده است: «علت وجوب نماز [ایستادن در پیشگاه خداوند در نهایت خضوع و تواضع و اعتراف به گناهان است].^۲ نپایش به درگاه خداوند توانا، راز و نیازی است که بنده خاکسار، با معبود و آفریدگار خود می‌نماید. در خلوت و تنهایی با تمرکز فکر، توجه خود را به سوی مبدأ و آفریننده موجودات، که ملجأ و پناهگاه دل شکستگان است، معطوف می‌دارد و با خشوع و فروتنی، درماندگی، ناتوانی و پریشان حالی خود را به آستان الوهیتش عرضه می‌دارد.

برای ادای بندگی و عرض حاجت، بهترین چیز این است که شخص با افتادگی و حالت عجز، دست به توسل به سوی خالق گشوده و نماز به جای آورد. حلاوت و شیرینی عبادت «تواضع و فروتنی» است و بی‌آن، نماز لذتی نخواهد داشت.

۳. دوری از گناه

حضرت رضا علیه السلام فرموده است: «[نماز]، موجب مداومت بر یاد خداوند در شب و روز می‌گردد تا بنده، مولا و خالق خویش را فراموش نکند و به سرکشی و طغیان نیفتد و همین توجه به خداوند و ایستادن در حضور اوست که انسان را از گناهان دور می‌سازد و از انواع و اقسام فساد، جلوگیری می‌کند.^۳ «نماز» خود مانعی است بزرگ از این که آدمی به سوی گناه برود: «به درستی

۱. مفتاح النجاة، ص ۱۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵ و من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰: «علّة الصلاة أنّها قیام بین یدی الجبار بالذلّ والمسکنة و الخضوع و الاعتراف.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵ و من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰.



۷۷

جلوه وصال

که نماز، انسان را از فحشا و منکرات باز می‌دارد و مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نتیجه نماز، یاد خدا است»^۱.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «نماز، گناهان را همچون برگ‌های پاییزی می‌ریزد و غل و زنجیرهای معاصی را از گردن‌ها می‌گشاید»^۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است: «آنگاه که بنده خدا به نماز می‌ایستد و همه توجهش به سوی «الله» باشد، در حالی که نمازش پایان می‌یابد که مانند روز تولدش، پاک است»^۳.

۴. تعظیم خداوند

امام رضا علیه السلام فرموده است: «[نماز] هر روز پیشانی بر زمین ساییدن، برای تعظیم پروردگار است»^۴.

صاحب جامع السعادات نیز در تعریف و بیان «تعظیم» می‌نویسد:

«تعظیم حالتی است که از دو معرفت حاصل می‌شود: یکی معرفت جلال و عظمت خدا؛ زیرا هر که به عظمت او معتقد نیست، نفس را به بزرگداشت او و انمی‌دارد و این معرفت از اصل و ایمان است. و دیگر معرفت حقارت و ذلت نفس و دانستن این که بنده مسخر و در تحت قدرت پروردگار است و از سود و زیان خویش ناتوان و از این دو معرفت فروتنی و تواضع و خشوع حاصل می‌شود که آن را «تعظیم» می‌گویند.

و تا هنگامی که معرفت حقارت نفس با معرفت جلاله پروردگار آمیخته نشود، حالت تعظیم و خشوع پدید نمی‌آید؛ زیرا کسی که خود را از غیر بی‌نیاز می‌انگارد و بر خود اعتماد دارد، ممکن است صفات عظمت و جلال و قدرت و کمال را درباره غیر بشناسد ولی نسبت به او خاشع و فروتن نباشد؛ زیرا معرفت نیاز و حقارت نفس، همراه آن نیست»^۵.

۵. یاد خدا

حضرت رضا علیه السلام فرموده است: «[علت و وجوب نماز این است که] آدمی همیشه



۷۸

پیام
رسول

۱. عنکبوت، ۴۵: ﴿أَنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَا وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ﴾

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵ و بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۲۴: «أَنَّهَا [الصَّلَاةُ] تَحْتَثُ الذَّنُوبَ حَتَّىٰ الْوَرَقَ وَتَطْلُقُهَا اِطْلَاقَ الرِّيقِ».

۳. محجة البيضاء، ج ۱، ص ۳۸۲: «إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ، فَكَانَ هَوَاهُ وَقَلْبُهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى، انْصَرَفَ كَيَوْمَ وُلِدَتْ أُمُّهُ».

۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵: [الصَّلَاةُ] وَضَعُ الْوَجْهِ عَلَى الْأَرْضِ كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ، اعْتَظَامًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

۵. جامع السعادات، ج ۳، ص ۴۱۴.

هوشیار باشد تا گرد و غبار فراموشی حق بر دل او سایه نیفکند و مغرور نگردد»^۱. حضرت آیت الله خامنه‌ای «مَذَلَّةُ الْعَالِي» می‌نویسد: «یکی از عمل‌هایی که سرشار از انگیزه یاد خدا است و می‌تواند انسان را یکسره غرق در یاد خدا کند و می‌تواند بیدار باش و به خویش آورنده باشد و می‌تواند همچون شاخص و علامتی، رهروان راه خدا را، بر روی خط مستقیم، [نگه] بدارد و از گیجی و گمی حفظ کند و می‌تواند از لحظه‌ای غفلت در زندگی آدمی مانع گردد...؛ نماز است»^۲.

۶. طلب فزونی در دین و دنیا

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرموده است: «[علت و جوب نماز این است که آدمی] خاضع و فروتن و خواستار افزونی دین و دنیا باشد»^۳. حضرت امام رضا علیه السلام در این فراز از سخنانش، نماز را وسیله‌ای برای فزونی دین و دنیا می‌داند و می‌فرماید که نمازگزار، از طرفی خضوع و فروتنی خود را در نماز نشان می‌دهد و به بندگی و فقر و نیاز خود در برابر خدا اعتراف می‌کند و از طرف دیگر از نماز استعانت می‌جوید و آن را وسیله‌ای در جهت تعالی دینی و دنیایی خود قرار می‌دهد.

خداوند متعال می‌فرماید: «به وسیله‌ی صبر و نماز در مشکلات کمک جوید، به درستی که نماز، بار گران و سنگینی است مگر بر کسانی که در برابر خدا خاشع و تسلیم‌اند»^۴.

در امور دنیوی، نماز به زندگی انسان برکت می‌دهد و رزق و روزی شخص را زیاد می‌کند و به او شخصیت و آبرو می‌بخشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «نماز باعث برکت در رزق و روزی می‌شود»^۵. و شیخ مفید قدس سره روایت کرده است که: «نماز شب، روزی را جلب و آن را زیاد می‌کند»^۶.

نماز، به زندگی انسان نظم می‌بخشد و بدین وسیله بر کارها و برنامه‌های روزانه او تأثیر می‌گذارد و کیفیت و بازدهی وی را بالا می‌برد.



۷۹

بقره وصال

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۹ و من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰. ان یکون ذاکراً غیر ناس و لا بطر.

۲. از زرفای نماز، ص ۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵ و من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۰. و یکون خاشعاً متذلاً راعباً طالباً للزیاده فی الدین و الدنیا.

۴. بقره، ۴۵ و استعینوا بالصبر و الصلاة و آن‌ها لکبیره الأ علی الخاشعین.

۵. الخصال، ج ۲، ص ۵۲۲: الصلاة...برکة فی الرزق.

۶. ثواب الاعمال، ص ۶۹: أن صلاة اللیل تجلب الرزق.

اوقات نماز، طوری تنظیم شده است که نمازخوان عملاً به نظم عادت می‌کند و در تمام شئون زندگی، آن را رعایت می‌نماید.

۷. طلب مغفرت

امام رضا علیه السلام فرموده است:

«نماز، تقاضای عفو و بخشش از گناهان گذشته است»^۱. گناهی که از روی نادانی و غفلت از او سر زده است و اینک شرمنده و پریشان، رو به سوی بزرگی می‌کند و سر به سجده می‌گذارد و یا دستانش را ملتسمانه به سوی آسمان می‌گشاید و طلب مغفرت و عفو می‌نماید.

نمازگزار گناه نمی‌کند و در صورت ارتکاب به گناه، سریعاً توبه می‌کند و از کرده خود به شدت اظهار ندامت و پشیمانی می‌نماید. آن‌گاه نماز می‌گزارد و نماز را شفیع خود قرار می‌دهد و با تمسک به نماز، سعی در پذیرش توبه خود می‌کند؛ آن هم توبه‌ای راستین و نصوح‌وار...



۸۰

نیل
و
وصال

ب: اجزای نماز

۱. اذان و اقامه

آوای دلپذیر و روح‌بخش اذان، دعوت آدمی برای حضور در خلوت‌نگه راز و باریافتن به مقام انس با حضرت محبوب است.

آوای اذان با شور و جذبه دلپذیری که در آن وجود دارد، مسلمانان را به سوی عبادت و پرستش آفریدگار دعوت می‌کند.

بانگ اذان، بانگ رستاخیز عشق و دلدادگی است.

صدای اذان، دلنوازترین نغمه و فرح‌بخش‌ترین سرود آسمانی است.

اذان، اعلام موجودیت و فریاد مسلمانان علیه خدایان خیالی است. این گل‌نغمه توحیدی، با «الله» نام خدای بزرگ، شروع می‌شود و به یگانگی آفریدگار جهان و گواهی به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله اوج می‌گیرد و با دعوت به رستگاری، فلاح، عمل نیک و نماز پایان می‌پذیرد.

عارف ربانی، مرحوم ملکی تبریزی قدس سره می‌نویسد:

«اذان، دعوت برای ملاقات است و همان‌گونه که روز قیامت، مردم برای عرضه شدن به خداوند فرا خوانده می‌شوند، در این دنیا هم مؤذنان، مؤمنان را

۱. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۲.

به مجلس حضور و معراج و زیارت حضرت پروردگار فرا می‌خوانند. پس اگر معرفت انسان، در این دنیا به حدی باشد که از این ندا لذت ببرد، در آخرت نیز از ملاقات حضرت حق بی‌بهره نخواهد بود؛ چرا که معرفت در این دنیا به منزله بذر مشاهده در آخرت است»^۱.

امام هشتم (علیه السلام) برای نمازهای واجب اذان و اقامه می‌فرمودند و به دوستان و یاران خود نیز سفارش می‌کردند که در نماز اذان و اقامه بگویند. عباس بن هلال از حضرت رضا (علیه السلام) نقل کرده که فرمود:

«هر کس هنگام نماز اذان و اقامه بگوید، دو صف از فرشتگان با وی نماز خواهند خواند و اگر اقامه بگوید یک فرشته طرف راست و یکی طرف چپ او نماز خواهند خواند. سپس فرمود: شما هر دو صف را مغتنم بدارید (یعنی اذان و اقامه هر دو را بگویید)»^۲.

امام رضا (علیه السلام) از پدران گرامش نقل کرده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«اذان‌گویان در روز رستاخیز از دیگران به اندازه‌ی یک سر و گردن بلندترند»^۳.
حضرت رضا (علیه السلام) فرموده است:

«مردم به علل زیادی مأمور به اذان شده‌اند؛ از آن جمله: ۱. تذکر مردم ۲. بیداری غافلان ۳. توجه به نماز ۴. ترغیب مردم به یاد خدا و دعوت به یاد خدا ۵. آشکار کردن ایمان به اسلام و...»^۴

در اذان دو شهادت (گواهی به یگانگی خدا، و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله)) قرار داده شده است؛ چنان‌که در سایر حقوق دو شهادت قرار داده شده است (و دو شاهد لازم است). هرگاه بنده‌ای به یگانگی خداوند متعال و رسالت حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قرار کند، همه‌ی مراحل ایمان و مراتب آن را پذیرفته است؛ زیرا اصل ایمان همان شناختن خدا و رسول (صلی الله علیه و آله) است.

علت این‌که در اذان، پس از شهادتین، مردم برای ادای نماز دعوت شده‌اند، این است که اذان برای دعوت مردم به طرف نماز (در مکان مخصوصی) تشریح شده است و مؤذن با گفتن «حیی علی الصلاة» (برای به پاداشتن نماز بشتابید) رسیدن وقت نماز را به نمازگزاران اعلام می‌کند و ندا به نماز یعنی «حیی علی الصلاة» در وسط اذان مقرر شد، زیرا که مؤذن قبل از «حیی علی الصلاة» چهار فصل مقدم

۱. اسرار الصلاة، ص ۲۹۳.

۲. بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۶، ح ۳۷.

۳. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۶۱.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۵.





می‌دارد. دو تکبیر و دو شهادت و بعد از «حیّ علی الصلاة» چهار فصل دیگر می‌گوید، زیرا پس از آن دو بار «حی علی الفلاح» می‌گوید و مردم را به رستگاری و نجات فرا می‌خواند تا آن‌ها به عمل نیک و نماز ترغیب شوند. پس از آن دوبار «حی علی خیرالعمل» می‌گوید تا مردم را به بهترین اعمال که نماز است تشویق کند. پس از آن دوبار، صدای خود را به «الله اکبر» و دوبار به «لا اله الا الله» بلند می‌کند، و کلام را با ذکر و یاد خدا که معبود یکتاست پایان می‌دهد همچنان که با یاد همان نام آغاز نمود.

علت این که آخر اذان، گفتن جمله «لا اله الا الله» مقرر شده است نه گفتن «الله اکبر» این است که: چون «لا اله الا الله» نام خدا در آخر جمله قرار گرفته است و خداوند می‌خواهد در اذان کلام به اسم او خاتمه یابد، چنان که به اسم وی آغاز شده است.

علت این که در پایان جمله‌های اذان، به جای «لا اله الا الله»، «سبحان الله» یا «الحمد لله» یا «الله اکبر» نیامده است، (در حالی که نام خداوند در آخر این اذکار نیز می‌باشد) این است که «لا اله الا الله» اعتراف به یگانگی خدا، و زدودن شرک و نفی همتا و انباز برای خدای متعال است، و این (اقرار) اساس و نخستین شعار ایمان است و از تسبیح گفتن و حمد کردن، مهم‌تر است.^۱

۲. قیام

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «پس در مقابل پروردگارت چون بنده‌ای فراری - و گناهکار، که در مقابل مولایش قرار گرفته است - بایست و قیام کن و قدم‌هایت را منظم کن و خود را برای اطاعت از مولایت مستعد و مهیا ساز و به چپ و راست توجه مکن!...»^۲

۳. تکبیر

حال که آمادگی پیدا کردی و می‌خواهی نماز را شروع کنی، نیت می‌کنی و دست‌ها را به علامت تسلیم بالا می‌بری و تکبیر می‌گویی.
حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «در افتتاح نماز، تکبیر بگو و دست‌هایت را

۱. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۶ و من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹۵.

۲. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۰۴: فقف بین یدیه، کالعبد الآبق المذنب بین یدی مولاه فصفید قدمیک انصب نفسک و لا تلفت یمینا و شمالا...

تا نرمه‌ی گوش بلند کن!»^۱

همچنین فرموده است:

«حرکت دست‌ها در موقع تکبیر، در توجه و ابتهال به خدا و حضور قلب مؤثر است»^۲.

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که فرمود:

«چون تکبیر می‌گویی، جز عظمت خدا [همه چیز] را، کوچک شمار؛ زیرا، خدای تعالی هنگامی که بنده‌ای را تکبیر گویند، در حالی که در قلبش چیزی هست که با حقیقت تکبیر مخالف است، می‌فرماید: ای دروغ‌گو! مرا فریب می‌دهی، قسم به عزت و جلالم از حلاوت و شیرینی یادم، محرومت می‌کنم و از نزدیکی‌ام و سرور مناجاتم، منعت نمایم»^۳.

۴. قرائت

به هنگام خلوت با محبوب مطلق هستی و نماز و نیایش، چگونه خالق و قادر متعال هستی را ستایش کنیم؟ از او چه بخواهیم و از چه خطراتی به او پناه بریم؟ معلم قلم و بیان و قادر متعال و مهربان از سر لطف، چگونگی گفتگو و نیایش با خود را به بندگانش ابلاغ کرده و مخزن اسرار الهی و امام رؤف و مهربان پرده از اسرار آن برداشته است:

«همانا مردم به قرائت قرآن در نماز امر شده‌اند تا قرآن مهجور و ضایع نگردد و نیز به سبب این که قرآن محفوظ باشد و از بین نرود و فراموش نشود؛ و همانا واجب شده که سوره حمد خوانده شود نه سوره‌های دیگر؛ زیرا هیچ سوره‌ای نیست که مانند سوره حمد، جامع تمام خیرات و حکمت‌ها باشد»^۴.

هرگاه بنده‌ای بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم»، خداوند می‌فرماید: بنده من به نام من آغاز کرد و بر من لازم است که کارهای او را به انجام برسانم و به زندگی او برکت دهم، هرگاه بگوید: «الحمد لله رب العالمین» خداوند جل جلاله می‌فرماید: بنده‌ام حمد مرا به جای آورد و دانست نعمت‌هایی که در نزد او می‌باشد، از من است و بلاها را من از وی دفع کرده‌ام؛ اینک گواه باشید که من علاوه بر آن‌ها، نعمت‌های آخرت را نیز به او می‌دهم و او را از گرفتاری‌های

۱. همان: فاذا افتتحت الصلاة، فكبر و ارفع یدیک بحداء اذتیک... .

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۷۷۷.

۳. مصباح الشریعه، ص ۸۸.

۴. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۳۸، ح ۷۲۸۲.



۸۳

نوره وصال

آخرت نجات می‌دهم؛ همان گونه که از بلاهای دنیا نجاتش دادم. هرگاه بگوید: «الرحمن الرحیم» خداوند می‌فرماید: بندهام گواهی داد که من رحمان و رحیم می‌باشم، اکنون او را از رحمت و بخشش‌های خود بهره‌مند می‌سازم. هرگاه بگوید: «مالک یوم‌الدین» خداوند می‌فرماید: من شما را گواه می‌گیرم همان گونه که او اعتراف کرد من مالک روز قیامت هستم، حساب آن روز را برایش آسان خواهم کرد و از گناهانش خواهم گذشت. هنگامی که بنده‌ای بگوید: «ایاک نعبد» خداوند متعال می‌فرماید: بندهام راست می‌گوید و او فقط مرا عبادت می‌کند، اینک شما شاهد باشید که من پاداش عبادت‌های او را می‌دهم تا کسانی که غیر از مرا عبادت کرده‌اند، به حال او غبطه بخورند و آرزوی مقام او را داشته باشند.

هنگامی که بنده‌ای بگوید: «و ایاک نستعین» خداوند می‌فرماید: بندهام از من یاری می‌خواهد و به من پناه آورده است، من در کارها او را کمک خواهم کرد و در سختی‌ها به یاری او خواهم شتافت و در مشکلات دست او را خواهم گرفت. هرگاه بنده‌ای بگوید: اهدنا الصراط‌المستقیم...» خداوند می‌فرماید: بندهام هرچه دلش می‌خواهد سؤال کند. من خواسته‌های او را اجابت می‌کنم و به آرزوهایش می‌رسانم و از هرچه می‌ترسد، او را ایمن می‌سازم و آرامش و سکون به او می‌دهم.^۱

جهر و اخفات

از امام رضا علیه السلام درباره حکمت‌های جهر و اخفات چنین نقل شده است: «علت این که بعضی نمازها باید بلند و بعضی آهسته خوانده شود این است که نمازهایی که باید بلند خوانده شوند، (صبح، مغرب، عشاء) در اوقاتی است که هوا نسبتاً تاریک و واجب است بلند خوانده شوند که اگر کسی از آنجا عبور می‌کند، بداند که جماعتی در آنجا نماز می‌خوانند تا اگر خواست به آن‌ها ملحق شود؛ چون تاریکی مانع دیدن اوست و بلند خواندن باعث می‌شود او صدای نمازگزاران را بشنود. ولی دو نمازی که آهسته خوانده می‌شود (ظهر و عصر) به دلیل این که روز است و عملشان کاملاً قابل رویت است، احتیاج به بلند خواندن ندارد».^۲

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، صص ۲۰۳ و ۲۰۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۸۲، ح ۷۷۴۰۶.

۵. رکوع

«رکوع، نمایشگر و نمودار خضوع انسان است در برابر قدرتی که او را قوی‌تر از خود می‌داند و مسلمان چون خدا را برترین قدرت‌ها می‌داند، در برابر او رکوع می‌کند و چون هیچ موجودی جز خدا را برتر و فراتر از انسانیت نمی‌داند، در برابر هیچ کس و هیچ چیز دیگر سر خم نمی‌کند. در همان حال [که] تن را، در برابر خدا به حالتی خاضعانه درآورده است، زبان را نیز به حمد و ستایش و بیان عظمت او می‌گشاید»^۱.
حضرت امام رضا علیه السلام در سفارشی گوهربار، خطاب به نمازگزاران می‌فرماید:
«بدان به راستی که تو در برابر خداوند جبار هستی. بنابراین به چیزی از اشیاء به بازی مشغول مشو... هرگاه به رکوع رفتی، پس دست‌هایت را بر زانوهایت بگذار و انگشتانت را بگشا و دست‌هایت را جمع کن»^۲.

۶. سجود

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «جزء رسم و راه امامان شما، دوری از گناه، عفت و پاکدامنی، راستگویی، مصلحت‌اندیشی و سجده‌های طولانی است».
سجده، بالاترین مرحله خضوع، والاترین درجه خشوع، بهترین وسیله تقرب، شایسته‌ترین حالت برای استجاب و نیکوترین منزل برای دریافت انوار درخشان حق تعالی و رسیدن به مقام قرب الهی است.
حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی بیان زیبا و جالبی درباره سجود دارند. ایشان می‌نویسند:

«جبهه بر خاک نهادن، نشانه بالاترین حد خضوع انسان است و نمازگزار، این حد نصاب تواضع را شایسته‌ی خدا می‌داند؛ زیرا کرنش در برابر نیکی و زیبایی مطلق است و آن را در برابر هر کس یا هر چیز غیر خدا، حرام و ناروا می‌شمارد. در همان حال که سر بر خاک نهاده و خود را غرق در عظمت خدا می‌بیند، زبانش نیز با این حالت هماهنگی می‌کند و با ذکری که می‌گوید، در حقیقت عمل خویش را تفسیر می‌کند: «سبحان ربی الاعلی و بحمده»؛ پاک و پیراسته است خداوندگار من که برترین است و من ستایشگر اویم؛ خداوندگار برترین، خداوندگار پیراسته و پاک. و تنها در برابر چنین موجودی است که سزاوار است

۱. از زرفای نماز، ص ۵.

۲. بحارالانوار، ج ۸، ص ۲۰۴؛ و اعلم‌انک بین یدی الجبار و لا تعبت بشیء من الاشیاء... فاذا رکعت، فالقم رکبتک براحتیک و تفرجین اصابعک و اقبض علیهما...



انسان، زبان به ستایش بگشاید و جبهه بر خاک بسپارد»^۱.
و شاه در روایتی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت علیه السلام فرمودند:
«نزدیک‌ترین حالات بندگان، هنگامی است که بنده در حال سجده باشد و از
این جهت خداوند در قرآن فرموده است: سجده کن و خود را نزدیک گردان!»^۲

گفتار سوم: نماز جماعت، جمعه و عید

نماز جماعت

نماز جماعت، باشکوه‌ترین، بهترین، بیشترین، پاک‌ترین و معنوی‌ترین اجتماعات
دنیا است.

حضرت رضا علیه السلام فرموده است: «نماز جماعت، بافضیلت‌ترین [عبادات] است»^۳.
«فضیلت هر یک رکعت نماز جماعت برابر با دو هزار رکعت نماز فرادا است»^۴.

اسرار نماز جماعت

پیرامون اسرار و فلسفه‌های نماز جماعت، حضرت رضا علیه السلام فرموده‌اند:
«نماز جماعت واجب شده تا اخلاص، توحید، عبادت و اسلام اظهار شود و همین
اظهار بر اهل عالم حجت را تمام کند و بر منافق و کسی که نماز را سبک می‌شمارد،
اتمام حجت گردد... و نیز شهادت مردم به عدالت یکدیگر جایز و ممکن باشد.
همچنین جماعت، که تعاون برّ و احسان است، بازدارنده از گناهان می‌باشد»^۵.

دو نکته درباره‌ی امام جماعت

۱. حضرت امام رضا علیه السلام فرموده است:
«اگر خواستی پشت امام جماعت قرار گیری، تا وقتی که صف اول خالی است،
در صف دوم قرار نگیر!»^۶



۸۶

نماز و صلوات

۱. از زرفای نماز، ص ۵.
۲. ادعیه و زیارت حضرت رضا علیه السلام، ص ۸۴ و سفینة البحار، ج ۱، ماده‌ی سجده: «أقرب ما یکون الی الله و هو ساجد...»
۳. جامع احادیث، ج ۴، ص ۴۵۰.
۴. بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۴.
۵. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲ و بحارالانوار، ج ۸۸، ص ۱۲.
۶. مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۹۰.

نماز جمعه

یکی از اجتماعات خیلی با ارزش و مهم مسلمانان، نماز جمعه است. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام در ترسیم جایگاه ویژه‌ی نماز جمعه می‌فرماید: «در نماز جمعه، خطبه به این جهت قرار داده شده که چون نماز جمعه یک حضور همگانی است، خداوند چنین اراده کرده تا به حاکم مسلمانان امکان دهد که مردم را نصیحت کند و به اطاعت ترغیب نماید و از معصیت بترساند و آنان را بر آنچه مصلحت دین و دنیایشان است آگاه سازد و آنچه را در نقاط دیگر اتفاق می‌افتد و در سرنوشت آنان موثر است به اطلاع آن‌ها برساند، همچنین دو خطبه قرار داده شده است تا در یکی حمد و ثنای خداوند انجام شود و در دیگری آنچه از فرمان و نهی خداوند که به صلاح جامعه است، اعلام شود».

نماز عید

مأمون از حضرت علیه السلام درخواست کرد که با مردم نماز عید بگذارد تا با ایراد سخنرانی وی، آرامشی به قلبشان فرو آید و با پی بردن به فضایل امام علیه السلام، اطمینان عمیقی نسبت به حکومت بیابند.

امام علیه السلام به مجرد دریافت این پیام، شخصی را نزد مأمون روانه ساخت تا به او بگوید: «مگر یکی از شروط ما آن نبود که من دخالتی در امر حکومت نداشته باشم؟ بنابراین مرا از نماز معاف بدار!» مأمون پاسخ داد که: «من می‌خواهم تا در دل مردم و لشکریان، امر ولایت‌عهدی رسوخ یابد تا احساس اطمینان کنند و بدانند خدا چگونه تو را بدان برتری بخشیده است».

امام رضا علیه السلام دوباره از مأمون خواست تا او را از آن نماز معاف بدارد و پس از اصرار مأمون، شرط کرد که: «من به نماز آن‌چنان خواهم رفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین؛ علی علیه السلام با مردم به نماز می‌رفت».

مأمون پاسخ داد که: «هرگونه می‌خواهی برو».

همین که آفتاب سر زد، امام علیه السلام از جا برخاست، خود را شست و شوی داد و عمامه‌ای سفید بر سر نهاد. آن‌گاه پس از معطر ساختن خویش با گام‌هایی استوار به راه افتاد. امام علیه السلام از کارکنان منزل خویش نیز خواسته بود که همین‌گونه به راه بیفتند.

همه در حالی که امام علیه السلام را حلقه‌وار در برگرفته بودند، از منزل خارج شدند. امام علیه السلام سر به آسمان برداشت و با صدایی نافذ چهار بار تکبیر گفت، چنان‌که



۸۷

پیام وصال

گویی آسمان و در و دیوار شهر تکبیرش را پاسخ می‌گفتند. فرماندهان ارتش و مردم، منتظر ایستاده و خود را به بهترین وجه آراسته بودند. امام علیه السلام با اطرافیان‌ش پابره‌نه از منزل خارج شد، لحظه‌ای دم در توقف کرد و این کلمه‌ها را بر زبان جاری ساخت:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَيْمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَوْلَانَا».

امام رضا علیه السلام این‌ها را با صدای بلند می‌خواند و مردم نیز هم صدا با او تکبیر می‌گفتند. شهر مرو، یک‌پارچه تکبیر شده بود و مردم تحت تاثیر آن شرایط به گریه افتاده، شهر را زیر پای خود به لرزه انداخته بودند.

چون فرماندهان ارتش و نظامیان با آن صحنه مواجه شدند همه بی‌اختیار از مرکب‌ها به زیر آمدند و کفش‌های خویش را هم از پایشان درآوردند.

امام علیه السلام به سوی مصلی نماز حرکت کرد ولی هر ده قدمی که به پیش می‌رفت، می‌ایستاد و چهار بار تکبیر می‌گفت. گویی که در و دیوار شهر و آسمان همه پاسخ‌ش می‌گفتند.

گزارش این صحنه‌های مهیج به گوش مأمون می‌رسید و وزیرش «فضل بن سهل» به او پند می‌داد که اگر امام به همین شیوه راه خود را تا جایگاه نماز ادامه دهد، مردم چنان شیفته‌اش خواهند شد که دیگر ما تأمین جانی نخواهیم داشت؛ بنابراین، بهتر است او را از نیمه‌ی راه برگردانیم.

مأمون نیز همین‌گونه با امام علیه السلام رفتار کرد. یعنی او را از رسیدن به جایگاه نماز بازداشت و پیش‌نماز همیشگی را مأمور خواندن نماز عید کرد.

در آن روز وضع مردم بسیار آشفته شد و صفوفشان در نماز دیگر به نظم نیبوست.



فضائل زیارت

فضایل زیارت امام رضا علیه السلام
احمد مراد خانی

پیش گفتار

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا﴾؛ و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد؛ قطعاً خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند.^۱

از جمله آداب مسلمین که از پیامبر اسلام ﷺ به ارث رسیده است، زیارت قبور به خصوص شهدا و اولیای الهی است؛ چنان که در روایات شیعه و اهل سنت آمده است که، پیامبر ﷺ به زیارت شهدای احد می رفتند؛ و همچنین در قبرستان بقیع برای زیارت قبور حاضر می گشتند. شیعیان و عاشقان اهل بیت علیهم السلام به تبعیت از پیامبر اسلام ﷺ و معصومان علیهم السلام در طی قرن های متوالی تلاش نموده اند که با تمام وجود با هر زحمت و مشقتی که هست این سنت نبوی را زنده نگه داشته و خود را از نعمت عظمای ولایت و توسل و شفاعت محروم ننمایند.

در میان معصومان علیهم السلام زیارت امام هشتم علی بن موسی الرضا علیه السلام از جایگاه خاصی برخوردار است و ائمه ای اطهار سفارش فراوانی به این امر نموده اند، اما این که چه فضایی بر زیارت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام مترتب است، امری است که با توجه به روایات در این مختصر به آن پرداخته شده است.



۹۰

بازار قبور

۱. فضایل و مزایای زیارت امام رضا (ع)

همان‌گونه که در مقدمه بیان گردید، توجه و توسل به اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم‌السلام) بسیار ارزشمند بوده و سفره‌ی رحمتی است که خداوند سبحان برای بهره‌مندی انسان‌ها گسترانیده است، به خصوص در روایات برای زیارت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا (ع)، فضایل و فواید فراوانی ذکر شده است که در ادامه به بررسی و توضیح تک تک روایات پرداخته می‌شود.

۱. زیارت امام رضا (ع) و فضیلت بیشتر آن، از حج و عمره مستحبی.
۲. زیارت امام رضا (ع) همانند زیارت امام حسین (ع) در ثواب.
۳. زیارت امام رضا (ع) همانند زیارت رسول خدا (ص) در ثواب.
۴. زیارت امام رضا (ع) همانند زیارت خداوند در عرش.
۵. زیارت امام رضا (ع) و شفاعت معصومان (علیهم‌السلام).
۶. زیارت امام رضا (ع) و از بین رفتن غم و اندوه.
۷. زیارت امام رضا (ع) و به دست آوردن بهشت.
۸. زیارت امام رضا (ع) و بخشش تمام گناهان.
۹. زیارت امام رضا (ع) و کسب مقام و منبری کنار منبر پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین (علیهم‌السلام).

۱۰. زیارت امام رضا (ع) و استجاب دعا.

۱۱. زیارت امام رضا (ع) و در امان بودن از آتش جهنم.

۱۲. زیارت امام رضا (ع) و کمک و دستگیری زایر در سه جای مهم.

۱۳. زیارت امام رضا (ع) و اعطای پاداش مجاهدان در راه خدا.

۱۴. زیارت امام رضا (ع) و اعطای پاداش شهید در راه خدا.

۱۵. زیارت امام رضا (ع) و همراه بودن با امام (ع) در قیامت.

۱۶. ثواب دو رکعت نماز در کنار امام رضا (ع).

۱.۱. فضیلت بیشتر زیارت امام رضا (ع) از حج و عمره مستحبی

بخشی از روایات مربوط به فضیلت زیارت امام رضا (ع)، روایاتی است که بر برتری و فضیلت بیشتر زیارت ایشان نسبت به حج و عمره دلالت دارد، یعنی عمره وحجی که برای تک تک اعمالش، ثواب فراوان ذکر و نقل شده است در مقابل زیارت امام (ع) با رعایت شرایطش از فضیلت و ثواب کمتری برخوردار





است. این دسته از روایات، خود به شش گروه تقسیم می‌شود که در ابتدا به صورت اجمال و سپس به صورت کامل، روایات هر گروه بیان گردیده است: روایاتی که تنها به ثواب بیشتر زیارت امام رضا علیه السلام نسبت به حج مستحبی دلالت دارد.

روایاتی که ثواب زیارت امام رضا علیه السلام را برابر با هفتاد حج پذیرفته شده نزد خدا می‌داند.

روایاتی که ثواب زیارت امام رضا علیه السلام را برابر با هفتاد هزار حج پذیرفته شده نزد خدا می‌داند.

روایاتی که ثواب زیارت امام رضا علیه السلام را برابر با هزار حج و عمره پذیرفته شده نزد خدا می‌داند.

روایاتی که ثواب زیارت امام رضا علیه السلام را برابر با یک میلیون حج پذیرفته شده نزد خدا می‌داند.

روایاتی که ثواب زیارت امام رضا علیه السلام را برابر با ثواب زیارت صد هزار حاجی و عمره گزار می‌داند.

گروه اول:

محمد بن سلیمان می‌گوید: «از امام جواد علیه السلام در مورد شخصی که به قصد حج واجبش «حجة الاسلام» به مکه رفته است سوال کردم که وی در حالی که مُحَرَّم به احرام عمره تمتع می‌باشد، داخل شهر شده و به لطف و کمک خداوند موفق شده است عمره و حج خودش را انجام دهد. سپس به شهر مدینه رفته و قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را در آنجا زیارت می‌کند. پس از آن در حالی که آگاه به حق امامت و ولایت شماس است و می‌داند که شما حجت خداوند بر خلق خدا و واسطه‌ی فیض الهی هستید، خدمت‌تان رسیده و عرض ارادت و ادب می‌نماید. پس از زیارت قبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ملاقات با شما، به کربلا رفته و در آنجا امام حسین علیه السلام را زیارت می‌نماید. و سپس بعد از زیارت امام حسین علیه السلام به شهر بغداد رفته و امام هفتم علیه السلام را زیارت نموده است و در نهایت به شهر خویش باز می‌گردد. در سال بعد هنگام فرا رسیدن موسم حج، خداوند حج دیگری (حج تمتع مستحبی)^۱ روزی وی نموده است.^۲ کدام عمل با فضیلت تر است؟ این که

۱. حج واجب (حجة الاسلام) برای هر فردی در طول حیاتش یک بار بیشتر نمی‌باشد و حج‌های بعدی مستحبی خواهد بود.

۲. یعنی امکان رفتن به حجسال بعد نیز برایش مهیا گردیده است.

به حج مستحبی برود و آن را به جا آورد، و یا این که برای زیارت پدرتان امام رضا علیه السلام به خراسان برود؟»

امام جواد علیه السلام در جواب فرمودند: «به حج نرو؛ بلکه به منظور زیارت پدر ما، ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام به خراسان برود. زیرا فضیلت زیارت پدرم بیشتر است». امام در ادامه فرمودند: «برای انجام زیارت در ماه رجب برود نه الان؛ زیرا رفتن به زیارت و انجام آن در این زمان، نسبت به ما و شما مورد پسند سلطان نیست»^۱.

گروه دوم و سوم:

گروه دوم و سوم روایاتی است که نه تنها بر فضیلت بیشتر زیارت امام رضا علیه السلام بر اصل حج مستحبی دلالت دارد، بلکه زیارت امام را بالاتر از هفتاد هزار حج می‌داند.

یحیی بن سلیمان مازنی از امام هفتم موسی بن جعفر علیه السلام نقل می‌کند که امام فرمودند: «هر کس قبر فرزند من، علی بن موسی الرضا علیه السلام را زیارت کند نزد خداوند سبحان ثواب هفتاد حج پذیرفته شده را دارد». یحیی بن سلیمان مازنی می‌گوید: «خدمت امام عرض کردم: هفتاد حج؟» امام فرمودند: «بله هفتاد هزار حج (یعنی نه هفتاد بلکه هفتاد هزار حج)». وی می‌گوید: «عرض کردم: هفتاد هزار حج؟» (یعنی در واقع از کلام امام تعجب کردم، از این رو امام علیه السلام برای رفع تعجب من، دلیل این امر را ذکر کردند و) فرمودند: «چه بسا حجی که مورد قبول واقع نمی‌شود (به خلاف زیارت با معرفت امام)». امام علیه السلام در ادامه فرمودند: «هر کس فرزند مرا زیارت کند و شبی را نزد وی بگذراند، همانند کسی است که خداوند را در عرش زیارت نموده است». سپس امام علیه السلام در ادامه فرمودند: «هنگامی که روز قیامت برپا شود چهار نفر از اولین (اولیا و انبیای سابق) و چهار نفر از آخرین (یعنی انبیا و ائمه‌ی معصومین علیهم السلام) بر عرش خداوند رحمان ایستاده‌اند. اما آن چهار نفری که از اولین هستند عبارتند از: حضرت نوح و ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام و آن چهار نفری که از آخرین هستند عبارتند از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی و امام حسن و امام حسین علیهم السلام. سپس خط‌ها کشیده شده



۹۳

زیارت فضیلت

۱. یعنی حکومت مراقب است و در حال حاضر این عمل صورت نگیرد بهتر است. انگار امام علیه السلام دستور به تقیه می‌دهند. البته چنان‌که در جای خود خواهد آمد زیارت امام علیه السلام در ماه رجب از ثواب بیشتری برخوردار است هرچند این امر، منافاتی با تقیهای بودن مسئله ندارد.

و مرزها جدا می‌شود، و افراد دسته‌بندی می‌شوند، پس هر کسی که قبر ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام را زیارت کرده باشد با ما می‌ماند، و کنار ما می‌نشیند، و در میان آنان بالاترین از جهت مقام، و نزدیک‌ترین آن‌ها به حق و اهل بیت علیهم‌السلام، زائران قبر فرزندم علی بن موسی الرضا علیه‌السلام می‌باشند».

این روایت به روشنی بر فضیلت بیشتر زیارت امام رضا علیه‌السلام بر حج مستحبی دلالت دارد.

گروه چهارم و پنجم:

این گروه از احادیث و روایات نیز بر ثواب فراوان زیارت امام رضا علیه‌السلام دلالت می‌کند و می‌توان ادعا نمود که تعیین مقدار خاصی از ثواب، تنها از باب بیان ثواب فراوان و غیر قابل شمارش زیارت است، و بیان عددی خاص در هر ثواب در واقع بیان کثرت ثواب است. در احادیث آمده است.

«علی بن حسن فضال از پدرش نقل می‌کند که امام رضا علیه‌السلام فرمودند: در خراسان قطعه زمین و بقعه‌ای است که زمانی محل رفت و آمد ملائکه می‌شود، به گونه‌ای که دسته‌ای از ملائکه مرتب از آسمان به آن‌جا فرود می‌آیند و دسته‌ای دیگر از آن‌جا به آسمان پر می‌کشند و این رفت و آمد ملائکه تا روزی که در صور اسرافیل دمیده شود و قیامت برپا شود، ادامه خواهد یافت. از امام علیه‌السلام سوال شد که این مکان کجاست؟ امام علیه‌السلام فرمودند: سرزمین طوس (مشهد الرضا). و به خدا قسم که این مکان باغی از باغ‌های بهشت است. پس هرکس مرا در آن محل زیارت کند همانند کسی است که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را زیارت کرده و خداوند برای او ثواب هزار حج قبول شده و هزار عمره‌ی پذیرفته شده می‌نویسد و من و پدرانم شفاعت کنندگان او در روز قیامت خواهیم بود».

احمد بن محمد ابی نصر می‌گوید: «نامه‌ای به خط امام رضا علیه‌السلام خواندم که امام در آن فرمودند که: «به شیعیان من این مطلب را برسان و بگو که زیارت من نزد خداوند سبحان با هزار حج و هزار عمره‌ای که قبول شده است برابر است و سیس می‌گوید: پس از دیدن این نوشته‌ی امام رضا علیه‌السلام خدمت امام جواد علیه‌السلام رسیدم و عرض کردم زیارت پدر شما با هزار حج برابر است؟ (یعنی از سر تعجب این سوال را از امام جواد علیه‌السلام نمود) امام جواد علیه‌السلام فرمودند: بله به خدا قسم با هزار هزار (یک میلیون) حج برابری می‌کند. البته یک شرط دارد و آن این که زیارت امام علیه‌السلام همراه با معرفت به حق امام و امامت باشد».



همین روایت را مرحوم شیخ صدوق نیز به اسناد خودش تا برسد به احمد بن محمد ابی نصر بزنطی عینا نقل می‌کند.^۱

گروه ششم:

همان‌طور که مشاهده شد زیارت عارفانه امام علیه السلام از صدها هزار حج و عمره بالاتر بوده و ثوابی که نصیب زائر امام علیه السلام می‌شود از ثواب صدها حاجی و عمره‌گزار بیشتر است و شاید یکی از حکمت‌های این امر توجه به امامت است، که از اصول دین می‌باشد، و انجام حج هرچند بسیار مهم و دارای فضایل فراوانی است، لیکن در مقایسه‌ی با توجه به امام و امامت اهمیت کمتری دارد، زیرا حجاز فروع دین می‌باشد و حتی حج بی‌ولایت، حج با اصالت و حج واقعی نیست. چنان که در روایاتی از امام رضا علیه السلام آمده است: ان الامامة أسن الاسلام التامی «امامت بن و ریشه‌ی اسلام در حال حرکت و بالنده است».^۲

در واقع اعمال عبادی به خصوص حج که یک عمل عبادی مهم اجتماعی است تنها زمانی نقش اصلی خود را به خوبی می‌تواند ایفا کند که تحت رهبری امامی معصوم و عادل انجام پذیرد، بر این اساس عبادات در جامعه بدون شناخت امام آثار مورد نظر را به همراه ندارد، زیرا از حقیقت حج که وجود امامی عادل است برخوردار نیست.

در روایات دیگری امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

«تمام الحج لقاء الامام؛ کامل بودن حج به این است که امام ملاقات گردد».^۳

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«إذا حج أحدكم فليختم حجه بزيارتنا، لأن ذلك من تمام الحج؛ هرگاه هر یک از شما حج به جا آورد، باید حج خویش را با زیارت ما اهل البيت علیهم السلام تمام کند، زیرا چنین عملی باعث کامل شدن حج است».^۴

پس این دسته از روایات در مقام توجه به مکمل و جوهر و حقیقت حج است و ذکر آن به منظور تکمیل عبادت مهم حج است.

اباصلت علیه السلام می‌گوید: «از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: به خدا قسم هیچ‌یک از ما معصومین علیهم السلام از دنیا نمی‌رود (به مرگ طبیعی) مگر این که کشته شده و

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۱.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۴۹، ح ۲.

۴. علل الشرایع، ص ۴۵۹.



به شهادت می‌رسد. خدمت ایشان عرض شد: ای فرزند رسول خدا ﷺ چه کسی شما را می‌کشد؟ فرمودند: بدترین مخلوقات خداوند در عصر من، مرا به وسیله ی سم می‌کشد و سپس مرا در مکانی دور و شهر غریبی دفن می‌کند؛^۱ بدانید هر کس مرا در غربت زیارت کند، خداوند عزوجل برای او ثواب هزار شهید و هزار صدیق و درستکار، و ثواب هزار حاجی و عمره‌گزار و صد هزار مجاهد را می‌نویسد، در قیامت با ما محشور می‌شود و در درجات عالی بهشت همراه ما خواهد بود».

روایت ذکر شده، در کتاب عیون أخبار الرضا علیه السلام و أمالی شیخ صدوق قدس سره، از پسر متوکل تا برسد به اباصلت قدس سره نقل شده است.^۲

۲.۱. زیارت امام رضا علیه السلام همانند زیارت امام حسین علیه السلام در ثواب

جایگاه ابا عبدالله الحسین علیه السلام در بین ائمه ی اطهار علیهم السلام جایگاه ویژه ای است که در فضیلت و ثواب زیارت این امام همام علیه السلام روایات فراوانی وارد شده است، به گونه ای که در تعیین ثواب و کثرت فضایل زیارت سایر معصومان علیهم السلام، به عنوان ملاک و میزان سنجش ثواب قرار گرفته که از جمله ی آن روایات، روایت زیر می‌باشد:

حسن بن علی و شا می‌گوید: خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم پاداش کسی که قبر یکی از ائمه ی اطهار علیهم السلام را زیارت کند چیست؟ فرمودند همان ثوابی که برای زیارت قبر امام حسین علیه السلام داده می‌شود. عرض کردم پاداش کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟ فرمودند: به خدا قسم بهشت پاداش زیارت امام حسین علیه السلام است.

در این روایت ثواب زیارت هر یک از ائمه علیهم السلام برابر با زیارت ابا عبدالله الحسین علیه السلام قرار داده شده است، که از جمله ی ائمه علیهم السلام خود امام رضا علیه السلام می‌باشد. از این رو زیارت امام رضا علیه السلام نیز مشمول این روایت می‌گردد.

۳.۱. زیارت امام رضا علیه السلام همانند زیارت رسول خدا ﷺ

از جمله فضایی که برای زیارت امام رضا علیه السلام نقل شده است، این است که زیارت ایشان و ثواب آن همانند زیارت پیامبر خدا ﷺ در مدینه است، و این



۹۶

بیت
القدس

۱. یعنی برای نادیده گرفتن عزت و مقام والای ما و بی توجهی مردم به ما، مرا در مکانی طرد و مطرود دفن می‌کند.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۶ و الامالی الصدوق، ص ۶۳.

مطلبی است که خود امام بیان نموده‌اند و حتی حرم خویش را محل رفت و آمد ملائکه توصیف نموده‌اند.

«عبد الله بن فضل هاشمی می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودیم که مردی از اهل طوس داخل شد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا کسی که قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند چه پاداشی دارد؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: ای مرد طوسی؛ هر کس قبر امام حسین علیه السلام را زیارت کند در حالی که می‌داند او از طرف خدای عزوجل امام برحق است و اطاعت او واجب است، خداوند تمام گناهان گذشته و آینده‌ی او را خواهد بخشید و حتی مقامی به او می‌دهد که شفاعت او را نسبت به پنجاه گناهکار قبول خواهد نمود. و هیچ درخواست و حاجتی از خداوند عزوجل نمی‌نماید، الا این که خداوند آن را برآورده می‌کند. راوی می‌گوید در این هنگام امام موسی بن جعفر علیه السلام در حالی که کودکی بیش نبودند، وارد مجلس شد، امام صادق علیه السلام، امام هفتم علیه السلام را روی پای خویش نشانند و بر پیشانی ایشان بین چشمانشان را بوسیدند و سپس به من رو کردند و فرمودند: ای مرد طوسی؛ این فرزندم امام و خلیفه و حجت خدا بعد از من است. به زودی از او مردی به وجود می‌آید که برای خداوند در آسمان و برای بندگانش در زمین رضاست (یعنی هم اسمش رضاست و هم راضی به رضای خداوند است و همچنین موجب رضایت بندگان خداست) او در سرزمین شما (طوس که همان مشهد الرضاست) از سر کینه و ظلم به وسیله‌ی سم کشته می‌شود، و در حالی که در آن سرزمین غریب است (و از اهل و نزدیکان خویش دور است) دفن می‌شود. (ای مرد طوسی) بدان هر کس او را در آن سرزمین غریب، زیارت کند درحالی که می‌داند او پس از پدرش از طرف خداوند عزوجل امام و اطاعت‌اش واجب است، همانند کسی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کرده است.»

۱. ۴. زیارت امام رضا علیه السلام همانند زیارت خداوند در عرش

در برخی از روایات که به آن اشاره شد، آمده است کسی که به زیارت امام رضا علیه السلام می‌رود و شبی را در آن جا بیتوته می‌کند، مانند کسی است که خدا را در عرشش زیارت نموده است. بیتوته نمودن و شب ماندن در مشهد الرضا علیه السلام کنایه از این است که زائران امام رضا علیه السلام در غالب موارد مسافر بوده و از راه دور می‌آیند و تنها به عشق امام علیه السلام تحمل راه دور را نموده و شب را در آن جا می‌مانند،





چنان که در روایت یحیی بن سلیمان مازنی در سابق بیان گردید.^۱

۱. ۵. زیارت امام رضا علیه السلام و شفاعت معصومان علیهم السلام

بحث شفاعت، مهم و اعتقاد به آن یکی از اعتقادات اسلامی محسوب می‌شود که دلایل فراوانی از آیات^۲ و روایات آن را به اثبات می‌رساند. شفاعت انبیا و معصومان علیهم السلام به معنای واسطه شدن نزد خداوند است تا برای افراد گناه‌کار از خداوند طلب بخشش نمایند، و این مطلبی است که در آیات متعدد خداوند سبحان به آن امر نموده است.^۳ در اصل وجود شفاعت در روز قیامت هیچ اختلافی نیست و طرح پاره‌ای از شبهات توسط برخی افراد، خللی در این امر به وجود نمی‌آورد. در روایات آمده است که از امتیازات زیران امام رضا علیه السلام این است که در روز قیامت هم امام علیه السلام و هم سایر معصومان علیهم السلام نزد خداوند از وی شفاعت می‌نمایند، که به نمونه‌هایی از این روایات اشاره می‌شود:

در بخشی از روایتی که در سابق ذکر گردید خود امام علیه السلام فرمودند: «هر کس مرا زیارت کند، من و پدرانم در روز قیامت از او شفاعت خواهیم نمود».^۴

در روایتی از مرحوم صدوق قدس سره آمده است:

«حسن بن علی بن فضال از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند: که شخصی از اهل خراسان خدمت امام رضا علیه السلام رسیده و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم که انگار خطاب به من فرمودند: شما چگونه خواهید بود (چگونه رفتار خواهید کرد) هنگامی که پاره‌ی تن من در سرزمین شما دفن می‌شود، و شما امانت من را نگهداری و حفظ می‌کنید، و ستاره‌ی مرا در خاک خود پنهان می‌کنید (دفن می‌کنید). امام رضا علیه السلام در تفسیر و تعبیر خواب مرد خراسانی فرمودند: من همان کسی هستم که در سرزمین شما دفن می‌شود، و من

۱. یحیی بن سلیمان المازنی عن أبي الحسن موسى علیه السلام قال: ... من زاره ويات عنده ليلة كان كمن زار الله في عرشه؛ الكافي، ج ۴، ص ۵۸۵ و التهذيب، ج ۶، ص ۸۵ و عيون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۹۵ و الامالی الصدوق، ص ۱۲۰.

۲. ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند. (نساء، ۶۴)

۳. ﴿وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ و برای گناه خویش آمرزش جوی و برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن]؛ (محمد، ۱۹) ﴿وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا﴾ هر کس شفاعت بپسندیده کند برای وی از آن نصیبی خواهد بود. (نساء، ۸۵) و آیات دیگر.

۴. عن أبي الحسن علي بن موسى الرضا علیه السلام أنه قال: من زارني في تلك البقعة... و كنت أنا و آبائي شفاعوه يوم القيامة؛ التهذيب، ج ۶، ص ۱۰۸ و من لايحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳۵۱.

پاره‌ی تن پیامبر ﷺ شما هستم، و من همان امانت و ستاره‌ی پیامبر ﷺ هستم که در سرزمین و خاک شما مدفون و پنهان می‌شوم. آگاه باش هر کسی مرا زیارت کند در حالی که آگاه به حق من و واجب‌الاطاعه بودن من است، من و پدران من در روز قیامت شفیعان او خواهیم بود و هر کسی که ما اهل بیت شفیعان او باشیم نجات می‌یابد، هرچند به اندازه‌ی گناهان جن و انس، بار گناه بر دوشش باشد.

محمد بن مشهدی به اسناد خودش به و شاء از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که امام می‌فرمودند: «هر امامی بر ذمه‌ی شیعیانش عهد و پیمانی دارد و انجام کامل وفای به عهد و پیمان توسط شیعیان و انجام و نیکو به جا آوردن چنین عهد و پیمانی، به این است که پس از شهادتشان به زیارت مزار و قبورشان بروند. پس هر کس قبور ائمه‌ی خویش را با میل و رغبت و عشق، زیارت کند و هر آنچه مورد رضایت ائمه‌ی خویش است قبول داشته باشد، و آن را تصدیق نماید، در روز قیامت ائمه‌ی اطهار علیهم السلام شفیعان آنان خواهند بود»^۱.

مجموع این روایات بر شفاعت امام رضا علیه السلام و سایر معصومان دلالت دارد و برای انسان سر و پا تقصیر، چه نعمتی بالاتر از نعمت شفاعت اهل بیت علیهم السلام و نجات از عذاب آخرت است؟! و این نعمتی است که به برکت زیارت معصوم علیه السلام به دست می‌آید.

۱.۶. زیارت امام رضا علیه السلام و از بین رفتن غم و اندوه

از جمله مشکلات بشر امروز، افسردگی و دل‌مردگی او می‌باشد. عوامل مختلفی چنین حالتی را برای انسان ایجاد می‌کند که از جمله‌ی آن آلودگی‌های روحی و ارتکاب گناه می‌باشد. در آموزه‌های اسلامی، چه آموزه‌هایی که از قرآن استفاده می‌شود و چه آموزه‌هایی که از روایات به دست می‌آید، توجه به خداوند و هر آنچه در ارتباط مستقیم با خداوند می‌باشد باعث آرامش و شادابی می‌گردد.

امام باقر علیه السلام از قول پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: به زودی پاره‌ای از تن من (کنایه از فرزند و عزیز پیامبر صلی الله علیه و آله امام رضا علیه السلام است) در شهر خراسان دفن می‌شود، هیچ غم زده و دل‌افسرده‌ای نیست که او را زیارت کند، الا این که خداوند حزن و اندوه وی را از بین ببرد، و هیچ گناه کاری نیست که او را در خراسان زیارت کند الا این که خداوند گناهِش را ببخشد».

توجه: از بین رفتن غم و اندوه از دل زائران معصومان علیهم السلام امری است که در

۱. المزار، ابو عبدالله محمد بن جعفر بن علی المشهدی الحائری و الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷، ح ۲.



روایات متعددی آمده است و افراد زیادی به این امر اذعان و اقرار نموده‌اند: که با کوله باری از غم و اندوه به زیارت معصومان علیهم‌السلام رفته‌اند و پس از زیارت احساس شادی و نشاط به آنان دست داده است و حتی عده‌ای در ارتباط با چنین حالتی دچار شک و تردید می‌شوند، که شاید عارض شدن چنین حالتی نشانه‌ی نبودن توجه و غفلت از واقعیت زیارت است؟ ولی باید بدانند که هر کس با توجه و دقت، آداب زیارت را به جا بیاورد، احساس آرامش و سبکی را به برکت زیارت معصومان علیهم‌السلام پیدا می‌کند، و برخی از علمای اسلامی در کتاب‌های روایی خود بحثی را تحت عنوان «تغریج الکرَب» یعنی گشایش غم و اندوه آورده‌اند.^۱

۱. ۷. زیارت امام رضا علیه‌السلام و به دست آوردن بهشت

«حضرت عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه‌السلام نقل می‌کند که آن امام همام فرمودند: هرکسی که پدرم علیه‌السلام را در سرزمین طوس آگاهانه به حق امامت زیارت نماید بهشت را برای او ضمانت و وعده‌ی حتمی می‌دهم».

«مرحوم صدوق به سند خود روایتی از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل می‌کند که ایشان فرمودند: به زودی پاره‌ای از تن من (فرزندی از فرزندان من) در سرزمین خراسان دفن می‌شود، هیچ اهل ایمان و مسلمانی او را زیارت نمی‌کند الا این که خداوند متعال بهشت را برای او واجب می‌کند و جسمش را بر آتش جهنم حرام می‌کند».^۲

«حسن بن علی وشا می‌گوید خدمت امام رضا علیه‌السلام عرض کردم پاداش کسی که قبر یکی از ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام را زیارت کند چیست؟ فرمودند همان ثوابی که برای زیارت قبر امام حسین علیه‌السلام داده می‌شود. عرض کردم پاداش کسی که قبر امام حسین علیه‌السلام را زیارت کند چیست؟ فرمودند: به خدا قسم بهشت پاداش زیارت امام حسین علیه‌السلام است».^۳

در این روایت ثواب زیارت هر یک از ائمه علیهم‌السلام برابر با زیارت ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام قرار داده شده است از این رو شامل زیارت امام رضا علیه‌السلام نیز می‌گردد. «امام نهم، امام جواد الائمه علیهم‌السلام فرمودند: هر کس در شهر طوس مزار پدر مرا عارفانه به حَقش زیارت کند بهشت را از جانب خدا برای او ضمانت می‌کنم. (یعنی خداوند چنین پاداشی را برای او قرار داده است).»^۴



۱۰۰

بیت
تقریر

۱. ر. ک. کتاب «الزار» شیخ مفید رحمته‌الله.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳. مسند الامام الرضا علیه‌السلام، ص ۱۴۹.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۹.

۸.۱. زیارت امام رضا (علیه السلام) و بخشش گناهان

انجام هر عبادت و به طور کلی هر کار خیری در دنیا، کمترین تاثیری که دارد از بین بردن بدی‌ها و کفاره‌ی گناهان است، چنان که در قرآن کریم آمده است: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ﴾؛ خوبی‌ها بدی‌ها را از میان می‌برد این برای پندگیرندگان پندی است.^۱

حمدان بن اسحاق نیشابوری می‌گوید: خدمت امام نهم (علیه السلام) عرض کردم: پاداش و ثواب کسی که قبر پدر بزرگوار شما امام رضا (علیه السلام) را زیارت کند چیست؟ امام (علیه السلام) در پاسخ فرمودند: هر کس قبر پدر مرا زیارت کند تمام گناهان گذشته و آینده او بخشیده می‌شود.^۲

ایوب بن نوح از ابی جعفر ثانی یعنی امام جواد (علیه السلام) نقل می‌کند که امام (علیه السلام) فرمودند: «هر کس قبر پدر مرا در طوس زیارت کند خداوند تمام گناهان او را می‌بخشد، و هنگامی که روز قیامت برپا می‌شود، در کنار منبر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) منبری برای وی قرار می‌دهند، تا خداوند از حساب بندگانش فارغ گردد».^۳

نعمان بن سعد از امیرالمومنین علی (علیه السلام) نقل می‌کند که امام (علیه السلام) فرمودند: «به زودی مردی از فرزندان من در سرزمین خراسان به وسیله سم مسموم و به شهادت می‌رسد، که اسم او همانند اسم من (علی) است و اسم پدر او، اسم پسر عمران پیامبر یعنی موسی است (علی بن موسی). آگاه باشید که هر کس در غربت او را زیارت کند، خداوند متعال تمام گناهان گذشته و آینده او را می‌بخشد. هر چند مقدار گناهان او به تعداد ستارگان آسمان و قطرات باران، و برگ درختان باشد».^۴

لطایف حدیث:

از جمله ویژگی‌های ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) علم آنان به گذشته و آینده می‌باشد؛ لذا امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) در این روایت از آینده خبر می‌دهد و این که بر سر یکی از فرزندان بزرگوار آن حضرت چه می‌آید، به راستی چه سخت است دانستن حوادثی که در انتظار انسان و یا عزیزان انسان است و این چنین علمی برای مردم عادی قابل تحمل نیست و تاب و تحمل عظیم می‌خواهد که جز در وجود معصومان (علیهم السلام) قابل تصور نیست.

۱. هود، ۱۱۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، الباب ۸۲ من ابواب المزار، ص ۴۳۲، ح ۱.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۵.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۹.





نکته دیگری که امام علیه السلام به آن تأکید دارند بخشش گناهان شخص زایر به هر میزانی که باشد است، لذا امام علیه السلام می فرماید: «ولو گناهان وی به تعداد ستارگان آسمان یا برگ درختان باشد!» یعنی اگر چه مقدار گناهان شخص به میزانی باشد که قابل شمارش نباشد، خداوند به برکت زیارت امام رضا علیه السلام آن‌ها را می بخشد؛ زیرا کسی که امام خویش را با شرط آن یعنی «عارفاً بحقه» زیارت کند در واقع از کارهای بد خویش توبه نموده است، و به برکت چنین زیارتی مسیر خویش را مسیر اهل بیت علیهم السلام قرار داده است و بی تردید دلی که متوجه امام رضا علیه السلام شود با چنین آگاهی و عرفانی، خداوند گناهانش را می بخشد.

یاسر خادم^۱ می گوید که علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: «برای زیارت هیچ قبوری بار سفر نبندید (بسته نمی شود) مگر برای زیارت قبرهای ما اهل بیت علیهم السلام، آگاه باشید که من از سر جور و ظلم به سم کشته می شوم و در سرزمینی دور و غریب دفن می گردم، پس هرکس به قصد زیارت من بار سفر ببندد دعایش مستجاب و برآورده می شود و گناهش بخشیده می شود».^۲

لطایف روایت:

در مکانی که اهل بیت علیهم السلام - چه زنده و چه مرده - حضور داشته باشند، آن مکان محل رفت و آمد ملائکه و زیارتگاه عرشیان است، پس زایر امام رضا علیه السلام بلکه زایر هر یک از ائمه‌ی معصومین علیهم السلام، باید بداند که در جمع ملائکه به زیارت می پردازد و قدر خویش را بیشتر بداند.

امام علیه السلام باز در مقام پاداش زایر خویش می فرمایند: از جمله چیزهایی که نصیب زایر می گردد، ثواب هزاران حج و عمره است و این که در آخرت نیز مورد شفاعت اهل بیت علیهم السلام قرار می گیرد تا گناهانش بخشیده گردد، همان گونه که در قبل از این بیان گردید.

۱. ۹. زیارت امام رضا علیه السلام و کسب منبری کنار منبر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین؛ علی علیه السلام

۱. وی از محدثان شهر قم بوده است و از حضرت رضا علیه السلام روایات فراوانی در اصول دین و فروع و همچنین در آداب و سنن نقل می کند. احمد بن ابی عبدالله برقی در مسائلی از او نقل می کند. رک راویان امام رضا علیه السلام در مسند الرضا علیه السلام، ص ۵۳۶.
۲. الخصال، ص ۱۴۴.

همان طور که در بخش‌های گذشته بیان شد زیارت امام رضا علیه السلام باعث بالا رفتن مقام شخص می‌گردد، یعنی زائر امام رضا علیه السلام در قیامت در کنار رسول و وصی و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله قرار می‌گیرد، چنان که در روایت ایوب بن نوح و حمدان بن إسحاق گفته شد.

۱. ۱۰. زیارت امام رضا علیه السلام و استجاب دعا

از جمله اموری که هر زائری با تمام وجود آرزو می‌نماید، این است که حاجات و خواسته‌های خویش را در هنگام زیارت به برکت ارادت به اهل بیت علیهم السلام مستجاب و برآورده شده ببیند، ولیکن باید توجه داشت که برآورده شدن حاجات تنها به اجابت آن در دنیا نیست، چه بسا اموری که از خداوند سبحان در خواست می‌کنیم ولی به صلاح ما نباشد، و از طرف دیگر هم، گاهی اوقات چیزهایی را دوست نداریم ولی در واقع به صلاح ما می‌باشد چنان که در قرآن آمده است ﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۱؛ و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.



۱۰۳

بازار فضیلت

۱. ۱۱. زیارت امام رضا علیه السلام و در امان بودن از آتش جهنم

حضرت عبدالعظیم حسنی قدس سره^۲ می‌گوید از امام نهم جواد الائمه علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: «هیچ زائری از زائران پدرم امام رضا علیه السلام نیست که در راه زیارت وی مورد اذیت و آزاری مانند بارش باران یا سرما یا گرما، قرار گیرد الا این که خداوند به واسطه‌ی این مقدار از اذیت شدن، جسمش را بر آتش جهنم حرام گرداند (کنایه از این که از آتش جهنم در امان خواهد بود).»^۳

حضرت عبدالعظیم حسنی می‌گوید: از امام علی بن محمد عسکری علیه السلام (امام دهم؛ امام هادی علیه السلام) شنیدم که می‌فرمودند: «اهل قم، اهل آیه‌ی غفران می‌باشند به واسطه‌ی این که آنان جدم علی بن موسی الرضا علیه السلام را در شهر طوس زیارت

۱. بقره، ۲۱۶.

۲. او عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابیطالب رضی الله عنه از عالمان و محدثان جلیل القدر است که حضور سه امام را یعنی امام رضا، امام جواد و امام هادی علیهم السلام را درک نموده و از آن سه بزرگوار حدیث نقل می‌کند، وی در زمان خلافت متوکل از مدینه به شهر ری هجرت و حدود سال ۲۵۰ هـ. ق. درگذشت؛ رک: راویان امام رضا علیه السلام، ص ۲۴۶.

۳. الامالی الصدوق، ص ۶۵۴.



۱۰۴

بیت
البت
عصمت

می‌کنند، آگاه باشید هر کس برای زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام برود و در راه زیارت به مقدار چکیده شدن یک قطره باران بر وی اذیت گردد، خداوند جسمش را بر آتش جهنم حرام می‌گرداند»^۲.

اباصلت هروی رحمته الله نقل می‌کند که از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند: «به درستی که به زودی مظلومانه و از سر کین مسموم شده و به وسیله‌ی سم کشته می‌شوم و در کنار هارون دفن خواهم شد، و خداوند عزوجل تربت مرا محل رفت و آمد شیعیان و اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد. پس هر کس مرا در غربت زیارت کند، بر من واجب است که روز قیامت به دیدنش بروم. و قسم به خدایی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به واسطه‌ی انتخابش برای رسالت، عزیز و با کرامت گردانید و او را از بین تمامی مخلوقاتش برگزید، هیچ یک از شما در کنار قبر من دو رکعت نماز به جا نمی‌آورد، الا این که هنگام ملاقات با خداوند، مستحق مغفرت و بخشش خداوند خواهد بود. قسم به خدایی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برای رسالت انتخاب نمود و ما را به واسطه‌ی امامت، مورد احترام و تکریم قرار داد، و وصایت و جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به ما (ائمه‌ی اطهار علیهم السلام) اختصاص داد. زایران قبر من بهترین و با کرامت‌ترین گروهی خواهند بود که روز قیامت بر خداوند وارد می‌شوند و هیچ مؤمنی نیست که برای زیارت ما بیاید و قطره‌ای باران از آسمان بر وی بچکد الا این که خداوند بدنش را بر آتش جهنم حرام کند (یعنی به واسطه‌ی این مقدار کم از سختی، آتش جهنم را نمی‌چشد)»^۳.

ابوهاشم جعفری می‌گوید: از امام جواد علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: «بین دو کوه سرزمین طوس، قطعه‌ای از بهشت است که هر کس داخل آن شود در روز قیامت از آتش جهنم در امان است»^۴.

۱. ۱۲. زیارت امام رضا علیه السلام و کمک و دستگیری در سه جای مهم

بی تردید بحث از قیامت و مواقف و مکان‌های هول انگیز و خطرناک آن و عبور از هریک از آن ایستگاه‌ها، همواره برای اهل ایمان مهم بوده و می‌باشد.

۱. اهالی شهر قم از همان ابتدا از مریدان و عاشقان اهل البیت عصمت علیهم السلام بوده و هستند و این که امام علیه السلام از آنان با این عنوان یاد می‌کند به علت این است که آنان ساکن ایران بوده و نسبت به شهرهای عراق به مشهد الرضا علیه السلام نزدیکترند و توفیق بیشتری برای زیارت امام رضا علیه السلام داشته‌اند.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۰.

۳. عیون الاخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۲۶، ح ۱.

۴. التهذیب، ج ۶، ص ۱۰۹ و من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۹.

ابراهیم بن اسحاق نهاوندی می‌گوید امام رضا علیه السلام فرمودند: هر کس برای زیارت من و یا قبرم از راه دور بیاید و مرا زیارت کند، من هم در روز قیامت در سه جا به فریاد او می‌رسم و او را از ترس آن سه جا نجاتش می‌دهم.^۱

۱. هنگامی که شخص نمی‌داند کتاب اعمال او به دست راست یا به چپ او داده می‌شود؛

۲. هنگام عبور از پل صراط؛

۳. هنگام سنجش اعمال شخص.

لطایف روایت:

از ویژگی‌های معصومان علیهم السلام، احسان و لطف آنان نسبت به مردم است، که این لطف و احسان در جایی که دیگران در حق آنان احسان و لطفی کرده باشند بیشتر خواهد بود، و منشا چنین رفتاری تربیت و آشنایی با آموزه‌های الهی می‌باشد، همانگونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا﴾^۲، یعنی نه تنها جزا و پاداش کار خیر و احسان، احسان و خیر است، بلکه پاداش آن عمل پسندیده چندین برابر می‌باشد. لذا امام علیه السلام نه تنها زحمت زایر خویش را جبران می‌کند بلکه پاداش چندین برابر به او می‌دهد. زیرا زایری که سختی دوری راه را برای دیدن محبوب و مولای خویش تحمل می‌کند، امام رحمت نیز به چندین برابر جبران می‌کند.

از نکات مهم در پاداش امام رضا علیه السلام توجه به آخرت و مشکلات اساسی انسان‌هاست. زیرا بی‌شک مشکلات دنیوی و ترس‌ها و هول‌هایی که در دنیا برای انسان ایجاد می‌شود، هرچند سخت و بزرگ باشد پس از مدتی از بین می‌رود، زیرا یکی از سنت‌های الهی از بین بردن و رفع سختی‌ها و ترس‌ها می‌باشد. چنان که در قرآن فرموده است ﴿إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾^۳ یعنی با هر سختی و امر ناخوشایندی که برای انسان پیش می‌آید، گشایش و رفع مشکل است و با توجه به عمر کوتاه انسان‌ها، این مشکلات هم کوتاه خواهد بود. اما آن مشکلی که به راحتی قابل رفع نیست و از دیگران کاری بر نمی‌آید، مشکلات اخروی و هول و ترس از بعضی مسایل اخروی است. این حالت انتظار و ندانستن حکم خداوند



۱۰۵

بازار فقهی

۱. التهذیب، ج ۶، ص ۸۵ و الخصال، ص ۱۶۷ و من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۹.

۲. انعام، ۱۶۰: هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] داده خواهد شد.

۳. انشراح، ۶: آری با دشواری آسانی است.



بلا تکلیفی، از اصل حکم خداوند به مردود بودن اعمال، سخت تر است. مانند شخصی که دادگاه قرار است حکم او را صادر کند در حالی که او نمی‌داند چه سرنوشتی در انتظار اوست و این هول و ترس و انتظار بسیار سخت است. لذا امام علیه السلام می‌فرمایند: من در چنین حالتی، کنار زایر عاشقم هستم، زایری که با عشق و معرفت به حق اهل بیت علیهم السلام برای انجام وظیفه و ابراز ارادت از راه دور به زیارت آمده، من هم هنگام غربت و تنهایی او را کمک می‌نمایم.

مکان سخت دوم هنگامی است که شخص می‌خواهد از پل صراط عبور کند. پلی که در وصفش گفته شده است: از مو نازکتر و از شمشیر تیزتر است، و انسان باید با کوله باری از اعمال که بر دوشش سنگینی می‌کند از آن عبور کند. اعمالی که کمر شخص را می‌شکنند. لذا امام علیه السلام می‌فرماید: در این هنگام که بسیار سخت است و از دیگران کاری بر نمی‌آید من به کمک زایر خویش می‌روم.

مکان و موقف سوم، وقت رسیدگی به پرونده‌ی اعمال شخص است و آن هنگامی است که اعمال شخص در کفه‌ی ترازو قرار می‌گیرد آن هم نزد خداوندی که فرموده ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾^۱ خداوندی که در سنجش اعمال مثقال مثقال حساب می‌کند و دقت می‌کند و اعمال خالی از عشق و خلوص را پوچ و سبک می‌داند، لذا وقتی شخص ملاحظه می‌کند اعمال با این دقت محاسبه می‌شود و هیچ حرف و عمل و نیّتی از نظر خداوند مخفی نمانده، ترس و دلشوره سراپای او را در بر می‌گیرد و خویش را بی‌پناه و ضعیف می‌بیند. لذا امام علیه السلام می‌فرماید: ولو زایر من نداند، که چه چیزی باید از ما بخواهد و چه چیزی به صلاح اوست، و یا اصلاً نمی‌داند که مشکلات و خطرهایی که او را تهدید می‌کند چیست! ولی ما در سه جای مهم و سخت آخرت او، حاضر می‌شوم و مشکلات او را حل می‌کنم. اعمال او را از سبکی خارج می‌کنم و چون از سر اخلاص و عشق و صفا به زیارت من آمده است اعمال او را ثقیل و سنگین و با ارزش می‌کنم و از این راه، آن ترس و وحشت و اضطراب زایر خویش را از بین می‌برم.

۱۳.۱. زیارت امام رضا علیه السلام و اعطای پاداش مجاهدان در راه خدا

برخی از آیات نشانه‌ی ایمان و مومن حقیقی، مجاهدت در راه خداوند بیان

۱. زلزله، ۷ و ۸: پس هر که هم‌وزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید و هر که هم‌وزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید.

گردیده است، مجاهدانی که از نعمت‌ها و رحمت خداوند بهره‌مند می‌گردند: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَأُ وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾^۱؛ و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته و کسانی که [مهاجران را] پناه داده و یاری کرده‌اند آنان همان مؤمنان واقعی‌اند برای آنان بخشایش و روزی شایسته‌ای خواهد بود. آنچه در روایت قابل توجه است، میزان و مقدار زیاد پاداش است، چنان که در روایت گفته شده است به زایر امام رضا علیه السلام پاداش صد هزار مجاهد در راه خدا داده می‌شود، و این پاداش تنها بخشی از برکات زیارت امام علیه السلام است. اباصلت هروی از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که امام رضا علیه السلام می‌فرمودند: «آگاه باش هر کسی در غربت مرا زیارت کند خداوند پاداش و ثواب صد هزار مجاهد در راه خدا را برایش می‌نویسد»^۲.

حسین بن یزید می‌گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام که می‌فرمودند: «مردی از نسل فرزندان موسی (امام هفتم علیه السلام) به دنیا می‌آید که هم اسم امیرالمومنین (علی) است، پس در شهر طوس از سرزمین خراسان دفن می‌شود، به وسیله سم کشته می‌شود و در همان سرزمین غریبانه دفن می‌گردد، هرکس او را در حالی که عارف به حق امامتش می‌باشد زیارت کند، خداوند به او پاداش کسی را می‌دهد که در قبل از پیروزی در جنگ، در راه خدا انفاق، و همراه مجاهدان پیکار نموده است»^۳.

۱. ۱۴. زیارت امام رضا علیه السلام و اعطای پاداش شهید در راه خدا

خوشا به حال زایر امام رضا علیه السلام که نه تنها از ثواب مجاهدان و تجهیز کنندگان مجاهدان در راه خدا برخوردار است، بلکه در روایات متعددی آمده است که زایر دلباخته‌ی حرم رضوی از اجر و ثواب شهدای راه خدا که بس عظیم است نیز برخوردار می‌باشد، آن هم نه یک شهید بلکه ثواب هفتاد حتی هزار شهید، و آن هم نه هر شهیدی بلکه ثواب شهدای جنگ بدر که اولین جنگ اسلام و کفر بوده است و شهدای آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. از این رو در ادامه به نقل اخبار وارده در این زمینه می‌پردازیم:

علی بن عبدالله قطرب نقل می‌کند که: «امام رضا علیه السلام از کنار امام هفتم علیه السلام عبور

۱. انفال، ۷۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۴۹.



۱۰۷

زیارت فضیلت

کرد؛ در حالی که امام رضا علیه السلام نوجوانی بودند و دیگر فرزندان امام هفتم علیه السلام نیز در کنار ایشان بودند، در این هنگام امام موسی بن جعفر علیه السلام به امام رضا علیه السلام اشاره نموده و فرمودند: این فرزند من در سرزمینی غریبانه می‌میرد، پس هر کس او را درحالی که مطیع امر او و آگاه به حق اوست زیارت نماید، نزد خداوند عزیز و عظیم، همانند شهدای جنگ بدر می‌باشد.^۱

حمزه بن حرمان می‌گوید که امام صادق علیه السلام فرمودند: «به زودی نوهی من در سرزمین خراسان در شهری که به آن طوس گفته می‌شود، کشته می‌شود، هر کس وی را در آن شهر در حالی که عارف و آگاه به حق اوست زیارت کند، در روز قیامت او را با دستان خودم گرفته و داخل بهشت می‌کنم. هر چند که او در دنیا مرتکب گناهان کبیره شده و اهل گناه بوده باشد. راوی می‌گوید: عرض کردم: جانم فدایت، عرفان و آگاهی به حق امام چیست؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: شناخت حق امام علیه السلام یعنی این که بدانی او امام و رهبری است که اطاعت از دستوراتش واجب است، بدانی که او دور از سرزمین و نزدیکان خویش و غریب است، غریبی که در غربت به شهادت رسیده است، شناخت حق امام یعنی این که بدانی هر کس در حالی که عارف به حق امامت اوست، او را زیارت کند، خداوند عزوجل ثواب هفتاد شهید را به او می‌بخشد، شهادتی که در مقابل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که حقیقت شهادت را درک کرده‌اند کشته شده‌اند».^۲



۱۰۸

بیت
بیت

لطایف حدیث:

در حدیث شریف امام صادق علیه السلام با علم به آینده بیان می‌کند که بر سر فرزندانش چه مصیبت‌هایی در راه خدا وارد می‌شود، چنان که سایر ائمه علیهم السلام نیز به این امور آگاه بوده و با علم و صبر و حلم امامت و ولایت، آن مصایب را در راه خدا تحمل می‌کردند و هیچ‌گاه زبان به شکوه و گلایه باز نکردند، بلکه با تمام وجود راه حق را یافته و با آگاهی به مصیبت‌ها و خطرهای آن مسیر حرکت نمودند تا به شهادت رسیدند.

نکته دیگری که از کلام امام علیه السلام در مورد زائر قبر امام رضا علیه السلام به دست می‌آید، توجه اهل بیت علیهم السلام به عاشقان خویش است، به گونه‌ای که آنان را فراموش نکرده و کار آنان را به شخص دیگری واگذار نمی‌کنند، لذا امام صادق علیه السلام می‌فرماید در

۱. کامل الزیارات، ص ۳۰۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۹.

روز قیامت من خود دست زایران نوهام امام رضا علیه السلام را می‌گیرم و داخل بهشت می‌کنم و این کمال لطف و معرفت اهل بیت علیهم السلام در حق دوستان و شیعیانشان می‌باشد، و ما عاشقان اهل بیت علیهم السلام باید بدانیم که از طرف اهل بیت علیهم السلام هیچ غفلتی و کوتاهی نسبت به پیروانشان صورت نمی‌گیرد و اگر قصور و کوتاهی هست، از طرف ماست، و ما هستیم که با بی توجهی خود را محروم ساخته‌ایم.

گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب‌خانه چیست

از نکات دیگر این روایت امیدی است که امام صادق علیه السلام به عاشقان امام رضا علیه السلام می‌دهند و می‌فرمایند: هر چند که زایر عاشق امام رضا علیه السلام اهل گناه باشد، آن هم گناهان کبیره ولی ما او را رها نمی‌کنیم یعنی لطف اهل بیت علیهم السلام و محبت آنان، تنها نسبت به خوبان عالم نیست بلکه به افراد گناهکاری که از روی غفلت و بی‌دقتی و بی‌توجهی، مرتکب گناه شده‌اند و لو گناه کبیره، نیز توجه می‌کنند و کمک‌شان می‌کنند، و این مژده و بشارتی است به گناهکاران که یک بار دیگر گول شیطان را نخورند و از زیارت و توجه به اهل بیت علیهم السلام که در واقع توجه به پاکی‌ها و اسوه و الگوهای الهی هستند غفلت ننمایند.

از نکته‌های دیگری که در این حدیث شریف وجود دارد، شرط و قیدی است که در روایت آمده است، یعنی همراه بودن زیارت با آگاهی و معرفت به حق امام علیه السلام، یعنی شخص باید بداند که برای رسیدن به سعادت و رستگاری، اطاعت از امام واجب است. و اطاعت از امام یعنی، نه از امام جا ماندن و نه از امام جلو افتادن بلکه همراه امام بودن و قدم جای قدم امام گذاشتن. اطاعت از امام معصوم علیهم السلام یعنی: فهم این امر که معصوم علیه السلام کلامی جز کلام خدا نمی‌گوید و چیزی برای خود نمی‌خواهد.

شناخت حق امامت یعنی فهم این مسئله که برای نزدیک شدن به خداوند باید همان‌طور که امامان گفتند، گفت و همان‌طور که آنان عمل کردند، عمل نمود. شناخت حق امام علیه السلام یعنی آنان را دوست و همنشین خود گرفتن و فرقی بین مرده و زنده‌ی آنان قایل‌نشدن. دانستن این مسئله که ائمه علیهم السلام نه تنها کلام ما را می‌شنوند بلکه به اذن خداوند از نیت ما هم خبر دارند و مشکلات ما را می‌دانند و همان‌طور که خودشان فرموده‌اند: «حاجت نیازمند را قبل از این که بخواهد، برآورده نمایید!»



۱۰۹

بازار فضیلت

۱۵. ۱. زیارت امام رضا علیه السلام و همراه بودن با امام علیه السلام در قیامت

اباصلت هروی در روایت دعبل از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «روزها و شب‌ها به پایان نمی‌رسد، تا این که شهر طوس محل رفت و آمد شیعیان و زائران من می‌شود، آگاه باشید که هر کس در غربتم مرا زیارت نماید، در روز قیامت هم شان و رتبه‌ی من، در حالی که گناهانش مورد بخشش قرار گرفته است، خواهد بود»^۱.

۱۶. ۱. ثواب دو رکعت نماز در کنار امام رضا علیه السلام

یکی از آداب زیارت امام علیه السلام به جا آوردن دو رکعت نماز زیارت است و ثواب چنین نمازی پاک شدن و بخشیده شدن گناهان است، همان‌گونه که در روایت اباصلت هروی از امام رضا علیه السلام بر این امر دلالت می‌کند.

اباصلت هروی نقل می‌کند که امام رضا علیه السلام می‌فرمودند: «به درستی که به زودی مظلومانه و از سر کین و دشمنی مسموم شده و کشته می‌شوم و در کنار هارون دفن خواهم شد، و خداوند عزوجل تربت مرا محل رفت و آمد شیعیان و اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد. پس هر کس مرا در غربت زیارت کند، بر من واجب است که روز قیامت به دیدنش بروم. و قسم به خدایی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به واسطه‌ی انتخابش برای رسالت، عزیز و با کرامت گردانید و او را از بین تمامی مخلوقاتش بر گزید، هیچ یک از شما در کنار قبر من دو رکعت نماز به جا نمی‌آورد، الا این که هنگام ملاقات با خداوند، مستحق مغفرت و بخشش خداوند خواهد بود»^۲.



۱۱۰

بیت
الرضا

۲. فضیلت بیشتر زیارت امام رضا علیه السلام از زیارت امام حسین علیه السلام

یکی از مسایلی که در بخش ذکر فضایل زیارت امام رضا علیه السلام مطرح می‌شود، این است که در برخی از روایات آمده است که فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲. الصدوق، عن ماجیلویه، عن علی، عن ابیه، عن الهروی قال : سمعت الرضا علیه السلام يقول: انی سأقتل بالسم مسموما ومظلوما واقبر الی جانب هارون ویجعل الله عز وجل تربتی مختلف شیعتی وأهل بیتی فمن زارنی فی غربتی وجبت له زیارتی یوم القیامة والذی أکرم محمدا صلی الله علیه و آله و سلم بالنبوة واصطفاه علی جمیع الخلیفة لا یصلی أحد منکم عند قبری رکعتین إلا استحق المغفرة من الله عز وجل یوم یلقاه والذی أکرمنا بعد محمد صلی الله علیه و آله و سلم بالإمامة وخصنا بالوصیة ان زوار قبری لأکرم الوفود علی الله یوم القیامة وما من مؤمن یرزونی فتصیب وجهه قطرة من السماء إلا حرم الله عز وجل جسده علی النار.

از زیارت امام حسین علیه السلام بیشتر است، و این امر ممکن است با توجه به مقام بالای اباعبدالله الحسین علیه السلام سوال برانگیز باشد، هرچند این بحث، بحث مهمی نمی‌باشد، زیرا همه‌ی ائمه علیهم السلام در حکم نور واحدند و هر یک از آن بزرگواران آن‌چه را که بر عهده داشتند به خوبی به انجام رساندند و هیچ سخن و عملی را بدون رضایت خداوند متعال انجام نداده‌اند، اما جهت بررسی و طرح برخی از پاسخ‌ها در این بخش به آن پرداخته می‌شود، والله هو العالم.

علی بن مهزیار می‌گوید: «خدمت امام جواد علیه السلام عرض کردم: جانم فدایت! زیارت امام رضا علیه السلام با فضیلت‌تر است یا زیارت امام حسین علیه السلام?» امام علیه السلام فرمودند: زیارت پدرم امام رضا علیه السلام با فضیلت‌تر است؛ زیرا امام حسین علیه السلام را همه‌ی مردم زیارت می‌کنند؛ اما پدر مرا جز افراد خاصی از شیعیان زیارت نمی‌کنند.^۱

علت فضیلت بیشتر زیارت امام رضا علیه السلام نسبت به زیارت امام حسین علیه السلام یکی از امور ذیل محتمل است:

ممکن است گفته شود که فضیلت بیشتر زیارت امام رضا علیه السلام موقتی بوده و اختصاص به زمانی دارد که تعداد زائران امام رضا علیه السلام به علت دوری راه و غربتی که خود ائمه علیهم السلام در روایات متعدد به آن اشاره داشتند، کم بوده است، زیرا عاشقان اهل بیت علیهم السلام بیشتر در مدینه مستقر بودند و فاصله‌ی مدینه نسبت به عراق هرچند زیاد است اما نسبت به ایران و به خصوص مشهد الرضا علیه السلام بسیار زیادتر می‌باشد و همین امر باعث می‌شود که تعداد کمتری توفیق زیارت امام رضا علیه السلام را پیدا کنند، و امام علیه السلام از غربت خاصی برخوردارگردند، به ویژه طرح ولایت عهدی امام علیه السلام ممکن است، شبهاتی را برای برخی از شیعیان به وجود آورده باشد، و زائران کمتر شود، از این رو از آن‌جا که توجه به ائمه اطهار علیهم السلام و تعالیم روشن آنان، به معنای گم نکردن راه و تشخیص عقاید صحیح و صواب از عقاید باطل و ناصواب می‌باشد، به خصوص، ظهور عقاید و مذاهب مختلفی که به اسم شیعه در آن زمان در حال رشد بودند، اهمیت توجه به امام هشتم علیه السلام را به عنوان نمادی خاص برای شیعه‌ی دوازده امامی در مقابل سایر فرق شیعه دو چندان می‌نمود، و همین امر باعث تأکید بیشتر ائمه اطهار علیهم السلام بر زیارت امام رضا علیه السلام شده است، همان‌گونه که در روایت صحیح‌ه‌ی عبدالعظیم حسنی، به این امر تصریح شده است.

عبدالعظیم حسنی می‌گوید: «خدمت ابا جعفر امام جواد علیه السلام عرض کردم، گاهی



۱۱۱

زیارت فضیلت



۱۱۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اوقات متحیرم در این که به کربلا بروم و قبر اباعبدالله الحسین (علیه السلام) را زیارت کنم و یا به شهر طوس و مشهد الرضا (علیه السلام) بروم و قبر پدرتان را در آنجا زیارت کنم نظر مبارک شما چیست؟ امام جواد (علیه السلام) فرمودند: در جای خود بمان، سپس داخل (اتاق) شدند و در حالی که قطرات اشک بر چهره‌ی امام (علیه السلام) جاری بود برگشتند، سپس فرمودند: زایران قبر اباعبدالله الحسین (علیه السلام) فراوانند؛ در حالی که زایران قبر پدرم در شهر طوس کم هستند»^۱.

همان‌طور که در این روایت مشاهده می‌شود، مقصود از بیان فضیلت بیشتر برای زیارت امام رضا (علیه السلام) ترغیب و تشویق شیعیان به منظور رونق بخشیدن به زیارت امام رضا (علیه السلام) بوده است.

علت دیگری که ممکن است برای فضیلت بیشتر زیارت امام رضا (علیه السلام) بیان داشت، این است که امام رضا (علیه السلام) را تنها شیعیان دوازده امامی (اثنا عشری) زیارت می‌کنند، در حالی که امام حسین (علیه السلام) را در اکثر اوقات، تمام فرقه‌های شیعه اعم از دوازده امامی و غیر دوازده امامی زیارت می‌کنند، در حالی که از نظر شیعه‌ی دوازده امامی آن‌ها فاسد المذهب بوده و اعتقاداتشان مورد قبول نیست، بر فرقه‌هایی مانند زیدیه، اسماعیلیه^۲، قرامطه^۳ و غیر آن شیعه اطلاق می‌گردد، درحالی که شیعه‌ی دوازده امامی نیستند. از این جهت کسانی که امامت ائمه (علیهم السلام) را تا امامت امام هشتم (علیه السلام) را می‌پذیرند، نسبت به امامان بعدی مشکل ندارند و امامت آنان را نیز می‌پذیرند؛ در حالی که سایر فرق این‌گونه نیستند، از این رو چنان که در روایت علی بن مهزیار نیز گفته شد، امام حسین (علیه السلام) را تمام مردم زیارت می‌کنند، در حالی که امام رضا (علیه السلام) را گروه خاصی از شیعیان زیارت می‌کنند.^۴

در روایتی عبدالرحمن بن مسلم از همین مسئله؛ که زیارت کدام یک از ائمه (علیهم السلام) با فضیلت‌تر است از امام کاظم (علیه السلام) سوال می‌کند و حتی اسامی تک تک ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) را ذکر می‌کند و امام (علیه السلام) به صورت روشن به فرق‌نداشتن زیارت ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) تصریح می‌فرماید.

عبد الرحمن بن مسلم می‌گوید: خدمت امام کاظم (علیه السلام) رسیدم و عرض کردم:

۱. عبون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۵۶.

۲. اسماعیلیه نام عمومی فرقه‌هایی است که بعد از حضرت صادق (علیه السلام) به امامت فرزند همیش اسماعیل یا نواده‌اش محمدبن اسماعیل اعتقاد دارند و گاه در شهرهای مختلف به نام‌های گوناگون، مانند باطنیه، تعلیمیّه، سبعیه، حشیشیه، ملاحده و قرامطه خوانده شده‌اند. رک: فرهنگ فرق اسلامی، محمد جواد مشکور، ص ۴۷.

۳. از انتصابات فرقه «اسماعیلیه» منسوب به مردی به نام حمدان بن قرمطه بودند. جهت اطلاعات بیشتر، رک: فرهنگ فرق اسلامی، محمد جواد مشکور، ص ۳۵۸.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۵۸۴ و التهذیب، ج ۶، ص ۸۴.

زیارت کدام یک از ائمه معصومین علیهم السلام با فضیلت تر است؟ زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام یا امام حسین علیه السلام یا ائمه‌ی دیگر (وی می‌گوید اسامی یکایک ائمه اطهار علیهم السلام را نام بردم)؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: ای عبدالرحمن! بدان هرکس اول ما (امام اول علیه السلام) را زیارت کند به درستی که انگار آخرین امام ما را زیارت کرده (یعنی بین زیارت امام اول علیه السلام و زیارت آخرین امام علیه السلام فرقی نیست) و هرکس آخرین امام ما را زیارت کند انگار اولین امام ما را زیارت کرده و هرکس ولایت اولین ما را بپذیرد، انگار ولایت آخرین ما را پذیرفته است، و هرکس ولایت آخرین ما را بپذیرد، انگار ولایت اولین ما را پذیرفته است. و هر کس حاجت و نیاز یکی از دوستداران ما را برآورده کند انگار نیاز و حاجت تمام ما را برآورده است. ای عبدالرحمن! ما را دوست داشته باش و در راه ما دوست داشته باش و برای ما (به خاطر ما) دوست داشته باش، و ما و هر کس که ما را دوست دارد دوست داشته باش، و هر کس ما را دشمن و مورد غضب قرار می‌دهد او را مورد غضب و دشمنی قرار بده! آگاه باش که رد کننده‌ی ما (کسی که ولایت ما را رد می‌کند و نمی‌پذیرد) همانند رد کننده‌ی جد ما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است و هر کس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را رد کند، خدا را رد کرده است. ای عبدالرحمن! آگاه باش هر کس با ما دشمنی کند و ما را مورد غضب قرار دهد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مورد دشمنی قرار داده است و هر کس حضرت محمد صلی الله علیه و آله را مورد دشمنی قرار دهد، خداوند جل و اعلی را مورد دشمنی قرار داده است و هر کس با خداوند جل و اعلی دشمنی کند فرض است بر خداوند (یعنی خداوند حتماً این کار را خواهد کرد) که آتش را به او برساند و او را درون آتش بیاندازد؛ در حالی که هیچ کمک‌کننده‌ای برای او نیست.^۱

با توجه به فرض‌های ذکر شده و همچنین صراحت روایات عبد الرحمن بن مسلم بر فرقداشتن زیارت ائمه‌ی اطهار علیهم السلام، مراد از افضل بودن زیارت امام رضا علیه السلام روشن می‌گردد.



۱۱۳

زیارت فضیلت

استاد دوست

نگرشی بر آثار و آداب زیارت
علی کریمی جهرمی

پیش‌گفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از مراسم عبادی مهم و کارآمد که در جوامع اسلامی به صورت اجمالی و در جوامع شیعی خصوصاً به صورت گسترده رایج و دایر است موضوع زیارت است زیارت کعبه مقدسه و بیت الله الحرام برای تمام مسلمین در همه جای جهان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

زیارت مرقد مطهر پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هر چند واجب نیست بلکه از مستحبات به شمار می‌آید ولی نزد امت اسلامی جایگاهی رفیع و با عظمت دارد به طوری که عملاً (و نه اعتقاداً) همانند زیارت بیت الله الحرام است.

شیعه دنباله، قرآن کریم و مفاهیم عالی‌ه‌ی اسلام ناب است و در خط پیغمبر و اوصیا او یعنی ائمه اهل‌البیت عَلَيْهِمُ السَّلَام حرکت می‌کند زیارت قبور منور آن عزیزان خدا را عبادتی بزرگ، ارزشمند و جامع خیرات دنیا و آخرت می‌داند.

امروز مشهد مقدس و مضجع و مرقد مطهر حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا عَلَيْهِمُ السَّلَام مظهر عظمت خاندان پیغمبر گردیده و جلال و نفوذ بی‌ظنیر و حمایت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در آن مکان مقدس و روضه‌ی مطهر متبلور می‌شود. اجتماعات بی‌ظنیر مشهد مقدس به معجزه‌ای تبدیل شده که جز با اراده‌ی ازلی الهی صورت پذیر نیست و برای احدی جز اهل بیت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصیای آن حضرت - علی و آل علی عَلَيْهِمُ السَّلَام - فراهم نخواهد گردید.

اگر روزی حقیقت و ماهیت زیارت و آداب و شرایط آن کاملاً تشریح می‌شد خدا می‌داند که این مرکز مقدس و این زیارت سراسر نفوذ و جاذبه چه طوفانی و انقلابی به وجود آورد و چه تحوّل‌ی در میان جامعه، خصوصاً نسل جوان ایجاد نماید.

این کتاب حاوی یک مقدمه و سه بخش اصلی و یک بخش پایانی است.

سه بخش اصلی:

۱. مفهوم و ماهیت زیارت و اقسام آن.
۲. نقش زیارت و آثار و برکات آن.
۳. عنایات و کراماتی از حضرت رضا عَلَيْهِمُ السَّلَام.
۴. آداب و شرایط زائر و زیارت



۱۱۶

آستان قدس

و قسمت پایانی امور و مطالبی در رابطه با زیارت و عرض ادب شاعرانه و
نیایش زایران.

امید است که به برکت حضرت رضا علیه السلام این نوشتار ناچیز برای زایران عزیز
تأثیرگذار باشد و مورد عنایات حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام قرار بگیرد.

قم حوزه علمیه
علی کریمی جهرمی



۱۱۷

آستان دوست

بخش اول: مفهوم و حقیقت زیارت و اقسام آن

معنی و مفهوم زیارت

زیارت در لغت به معنای قصد است و گویا کسی که به زیارت کسی می‌رود او را قصد کرده و به قصد وی به راه افتاده است. معنای اصطلاحی زیارت و حقیقت آن، حضور در نزد مقامی و شخصیتی به منظور بزرگداشت و احترام او و انس گرفتن با اوست.

زیارت احیاء

زیارت در مورد احیاء و زندگان از اقوام و خویشان و یا دوستان و انسان‌های با قداست، یک معنای روشن و متداول دارد و در روایات شریفه بابی به عنوان: «باب زیارة المؤمن» و یا «باب زیارة الاخوان» به چشم می‌خورد؛ در آن بخش، روایاتی حاکی از اجر و پاداش فراوانی که برای ملاقات و دیدار انسان‌های با ایمان وارد شده ذکر کرده‌اند که البته هر اندازه شخص زیارت شده دارای مراتب بالاتری از معنویت و فضیلت باشد ثواب و پاداش دیدار و ملاقات او بیشتر و بالاتر است؛ چنانچه نیت و هدف زیارت‌کننده هر اندازه خدایی‌تر باشد و زیارت و دیدار به لحاظ ایمان و فضایل او صورت گرفته باشد در ارزش آن زیارت و ثواب آن زیارت، اثر خواهد گذاشت.

زیارت گذشتگان

در مورد اشخاص متوفی نیز کلمه‌ی زیارت استعمال می‌شود که البته بیشتر به قبر آنان نسبت داده می‌شود.

این مطلب نشأت گرفته از جهان‌بینی اسلام و دید وسیع و عمیق ادیان آسمانی به ویژه اسلام است که حیات و زندگی را منحصر به زندگی این جهان نمی‌دانند و انسان را در چهار دیواری جهان طبیعت محدود نمی‌کنند بلکه ورای این عالم، عالمی گسترده‌تر، جالب‌تر و زیباتر برای انسان قایل‌اند.

اهل ادیان و بالخصوص اسلام، مردگان را فاقد فهم، درک و شعور نمی‌دانند بلکه معتقدند آنان هم حیات دارند؛ نهایت امر این که حیات آنان تغییر شکل داده و تغییر یافته و با توجه به شرایط مخصوص خود، درک و فهمی متناسب دارند؛ از این رو از دیدار زندگان و بازماندگان از منازل و مقابر آنها خوشحال، مسرور و شادمان می‌گردند و از این که از خاطر و ذهن بازماندگان رفته و دوستان و



بستگان، آنان را فراموش کرده باشند و یادی از آنها نکنند نگران و ناراحت و چه بسا گله‌مند باشند و احیاناً به جای دعا نفرین کنند.

امام باقر علیه السلام نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل علیه السلام برای من چنین گفت: خداوند فرشته‌ای را به سوی زمین فرستاد. آن فرشته شروع به راه رفتن کرد تا به در خانه‌ای رسید که مردی آن‌جا ایستاده و از صاحبخانه اجازه‌ی ورود می‌خواست. آن ملک گفت: «با صاحب این خانه چه کاری داری؟» پاسخ داد: «او برادر مسلمان من است. آمده‌ام که برای خدا او را زیارت و دیدار کنم». ملک گفت: «از آمدنت هیچ منظوری جز این نداشتی؟» در پاسخ گفت: «نه! فقط به همین منظور آمده‌ام». آن فرشته گفت: «پس من فرستاده‌ی خداوند به سوی توأم؛ خداوند، سلام می‌فرستد و می‌فرماید: بهشت برای تو واجب و حتمی گردید! و اضافه کرد که خداوند عزوجل می‌فرماید:

هر مسلمانی که مسلمان دیگری را زیارت کند او را دیدار نکرده؛ بلکه مرا زیارت کرده و ثواب و پاداش او بر من بهشت است.»^۱

زیارت قبور علما و بزرگان

زیارت قبور مؤمنان معمولی دارای آن همه اجر و پاداش بود، اکنون اگر انسان به زیارت قبر یک انسان شایسته، صالح و پرهیزکار برود و یا در جوار مزار یکی از علمای بزرگوار شیعه و نواب حضرت بقیة الله علیه السلام با قبر شریف آن عالم بزرگوار و والا مقام، انس بگیرد و از روح بلند و پاکش استمداد کند چه اجر و پاداش‌های بزرگ و چه آثار خیری را به دنبال دارد؟! و چه بسیارند کسانی که در کنار قبر انسان صالح، بزرگوار و وارسته‌ای یا در کنار مزار عالم مهذب و مجتهد و والا مقام و آزاده‌ای به اذن خدا به مراد و مقصد و حاجت خویش دست یافته‌اند و مشکلات زندگی آن‌ها مرتفع گردیده و به آسانی از دست‌اندازهای خطرناک زندگی رها شده‌اند.

بنده‌ی صالح و شایسته‌ای که پیوسته در مسیر بندگی خداوند بوده، رضا و خشنودی معبودش را بر رضای خویش ترجیح می‌دهد و در مقابل اوامر و مقررات الهی، هوای نفس خود را زیر پا گذاشته مورد عنایت الهی قرار بگیرد و خداوند قادر و مهربان به برکت آن انسان صالح و خداجو حاجت کسی که در کنار قبر او به خدا روی آورده برآورده سازد.



۱۱۹

آستان دوسن

زیارت مقابر شهیدان

در میان انسان‌های خداجو و دلدادگان حق، شهیدان از همه، پیش گام‌ترند. این انسان‌های والا و گران‌قدر برای حفاظت و حمایت از دین خدا، مردانه به پا خاستند؛ دشمن غدار را در کار خود حیران ساختند؛ آن‌ها را به عقب راندند و ملت و مکتب مقدس خود را سرفراز نمودند. آنان در این معامله‌ی بزرگ با خداوند، جان عزیز خود را مفتخرانه فدا کردند و بالاترین مقامات جهان ابدی را به دست آوردند. خداوند بهترین مقام، اجر و ثواب را برای آنان قرار داده و ذخیره کرده است. از جمله پاداش‌های پرافتخاری که خدا به آنان عطا فرموده قداست قبر آنهاست؛ مردم به سوی این اماکن و بقاع می‌روند؛ از به خون خفتگان آن مکان‌های مقدس الهام می‌گیرند و صفات برجسته آن فرهیختگان برایشان تداعی می‌شود: آدمی از آن گلزار معطر، غیرت، ایثار، جهاد، فداکاری، پایداری، بزرگواری، پارسایی و سایر صفات عالی‌ه‌ی انسانی را فرا می‌گیرد.

گر بشکافی هنوز خاک شهیدان عشق

آید از آن خاکدان، زمزمه‌ی دوست دوست

زیارت گلزار شهیدان و مقابر نورانی آنان از اهمیت بسزایی برخوردار است خصوصاً به لحاظ آن‌چه که در قرآن کریم آمده است آنان زنده‌اند و نباید حتی تصور، توهم و خیال مرگ آنان را کرد بلکه آنان از رزق و روزی الهی در جهان ابدیت برخوردارند و به آن الطاف و عنایاتی که خداوند درباره‌ی آنان دارد شادمان می‌باشند.

و این صریح قرآن کریم است که می‌فرماید:

﴿وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ إِلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱

و گویا حیات شهیدان نسخه‌ی ممتازی از حیات است و آنان بر سایر مردگان و درگذشتگان، در حیات پس از مرگ، امتیاز دارند، زندگی‌شان سراسر افتخار و همراه با انواع و اقسام لطف و رحمت الهی و قرین عنایات بیکران ذات لایزال او و آمیخته به بهترین شادی‌ها و نشاط‌ها و خرمی‌هاست.

زیارت امامزادگان والا مقام

از انواع زیارت‌ها، زیارت امامزادگان والا مقام است؛ آنان شاخ و برگ



۱۲۰

آستان دوسون

درخت‌های بارور و پر ثمر رسالت و ولایت‌اند و احیاناً بدون واسطه و گاهی با وسائلی چند به امامان معصوم و حجج‌الالهیه علیهم‌السلام متصل می‌شوند؛ پاره‌های تن آن عزیزان خدا به شمار می‌روند و زیارت آن گوهرهای تابناک راهی برای نیل به رضا و خشنودی آبی گرامی و اجداد پاک آن‌هاست.

دستت نمی‌رسد که بچینی گلی ز شاخ باری به پای گلبن ایشان گیاه باش آری! در میان آن امامزادگان والا مقام عده‌ای هستند که در فضیلت، کمالات معنوی، مراتب و مدارج علمی و معنوی و پیروی از آبی گرامی خود سرآمد روزگار و شهره‌ی آفاق و مورد اشاره‌ی پاکان و زبندگان جهان و ملجأ خاصان و مخلصان دربار الهی بوده‌اند و آثار خیر و برکات بی‌شمار از قبور منور آنان بروز کرده و موجب توجه کاروان دل‌ها به سوی حق و حقیقت گردیده است. ما در این مقام چند نفر از آن والامقامان و مکرمان دربار الهی را به عنوان نمونه ذکر کرده و درباره‌ی مقامات عالی و شأن رفیع آنان اشاره‌ای کرده و می‌گذریم:

۱. حضرت فاطمه معصومه علیها‌السلام

مدفون در شهرستان قم، دختر و الایثار حجت‌الله علی‌العباد و ولی‌الله فی‌البلاد حضرت موسی‌بن‌جعفر‌الکاظم؛ امام هفتم شیعه صلوات‌الله‌علیهما. این بانوی معظمه و جوان‌سال، اختری درخشان است که درآسمان ولایت درخشندگی ویژه دارد و چشم و چراغ اهل ولا و دلدادگان آل‌محمد صلوات‌الله‌علیه و علیهم‌اجمعین است؛ او دخت والامقام امام کاظم علیه‌السلام و خواهر گران‌قدر حضرت امام علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام و عمه‌ی پر افتخار امام نهم حضرت جواد الائمه علیه‌السلام است؛ علاوه بر این جهت، از سه امام معصوم روایاتی در مورد زیارت آن بانوی مطهر و ثواب بی‌شمار زیارت آن معظمه‌ی دوران رسیده است و آن سه بزرگوار، حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام، حضرت رضا علیه‌السلام و حضرت جواد علیه‌السلام می‌باشند. از زبان این بزرگواران به طور صریح به زایرین قبر شریفش وعده‌ی بهشت و رحمت واسعه‌ی الهی داده شده است.

۲. حضرت عبدالعظیم حسنی سلام‌الله‌علیه

در شهر ری مدفون است و نسبش با چهار واسطه به حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌رسد: ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.



۱۲۱

آستان‌دوسن



این امامزاده‌ی عالیقدر حضور مکرم سه نفر از ائمه طاهرین علیهم‌السلام؛ یعنی حضرت جواد، حضرت هادی و حضرت عسکری علیهم‌السلام را درک کرده و از فیض حضور آن حجت‌های الهی بهره‌های وافر و فیض فراوان برده است. حضرت عبدالعظیم روایات بسیاری از حضرت جواد و حضرت هادی علیهم‌السلام نقل کرده است؛ او نزد آن بزرگواران محترم بود و او را بسیار دوست می‌داشتند. حضرت عبدالعظیم از رواه و محدثین بزرگ شیعه و از علمای عظیم‌الشان امامیه است.

در فضیلت زیارت آن بزرگوار همین بس که شخصی از اهل ری می‌گوید: بر حضرت ابوالحسن (امام هادی علیهم‌السلام) وارد شدم. حضرت فرمود: «کجا بودی؟» عرض کردم: «به زیارت امام حسین علیهم‌السلام رفته بودم». امام هادی فرمود: آگاه باش که اگر قبر عبدالعظیم را که در نزد خودتان (در ری) است زیارت می‌کردی مانند کسی بودی که حسین بن علی علیهم‌السلام را زیارت کرده است.^۱

۳. سید امیر احمد بن موسی الکاظم (شاه چراغ) علیهم‌السلام مدفون در شیراز نام مبارکش احمد و هم‌نام جد امجدش حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. وی فرزند بلا واسطه‌ی حضرت موسی بن جعفر علیهم‌السلام بوده و در این اعصار اشتهار کامل به شاه چراغ پیدا کرده است. او در ایام مأمون به شیراز آمده و در آن‌جا در گذشته و شهید شده است.

جنید شیرازی می‌نویسد: «او بسیار بزرگوار و کریم النفس و با رأفت بوده به طوری که هزار نفر برده را از عبید و اماء در راه خدا آزاد نمود».^۲ و این همان است که در بعضی از عبارات آمده که: «هزار مملوک از مال خویش آزاد نمود».

و شیخ مفید قدس سره فرموده: «احمد بن موسی علیهم‌السلام؛ سیدی کریم، جلیل، صاحب ورع و مورد علاقه و محبت حضرت ابوالحسن موسی علیهم‌السلام بود و حضرت، او را مقدم می‌داشت».^۳

بعد از شهادت حضرت علی بن موسی الرضا علیهم‌السلام حضرت احمد بن موسی و برادران او که به عزم دیدار و ملحق شدن به امام رضا علیهم‌السلام حرکت کرده بودند

۱. ثواب الاعمال، ص ۱۰۴ و کامل الزیارات، ص ۳۲۴ و وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۴۵۱.

۲. شد الإزار فی حط الأوزار عن زوار المزار، ص ۲۸۹.

۳. الارشاد، ج ۲، صص ۲۴۵ و ۲۴۶.

با شنیدن این خبر دردناک، افسرده خاطر و شدیداً نگران شدند و بالاتر این که تحت تعقیب عوامل حکومت قرار گرفته و یاران‌شان نیز پراکنده شدند. آن بزرگوار از چنگال دژخیمان، گریخته تا وارد شیراز شد و در منزل یکی از دلدادگان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام همین مکان که اکنون بقعه و بارگاه منور اوست پنهان گردید و شب و روز به عبادت مشغول بود تا یک سال گذشت؛ جاسوسان والی فارس مکان او را شناسایی کردند و لشکری برای دستگیری‌اش وارد عمل شدند. آن بزرگمرد یک تنه با آنان مقابله می‌کرد و شجاعتی حیرت‌آور از خود نشان داد تا هنگامی که برای استراحت تکیه به دیوار داده بود از عقب، ضربتی با شمشیر بر سر نازنینش وارد نمودند.

و از طرفی در همان حال، جمعی مشغول خراب کردن خانه بودند؛ از این رو بدن مبارکش زیر توده‌های خاک پنهان شد و بعد بر اثر دشمنی دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام، آن مکان، مرکز زباله‌ها گردید. این وضعیت تا اوایل قرن هفتم هجری که اتابک مظفرالدین در مقام سلطنت فارس قرار گرفت، ادامه داشت. او مردی بسیار صالح بود و در تعظیم شریعت و اهل شرع، سعی فراوان می‌نمود. امیر مقرب الدین از وزرا و مقربین او دستور داد برای عمران و آبادی شهر، آن تل زباله‌دان را از میان بردارند و به جای خانه‌ای که خراب شده بود عمارتی بزرگ برپا کنند. کارگران بسیاری مشغول انجام این کار شدند و زباله‌ها را به خارج از شهر می‌بردند.

روزی در اثنای کار، جسد تازه مقتولی بدون این که تغییری یافته باشد با چهره‌ای بسیار زیبا و فرق شکافته پیدا شد. خبر به وزیر داده شد و بر حسب امر او عده‌ای برای بررسی جریان آمدند و در دست آن جوان، حلقه‌ی انگشتری‌ای را مشاهده کردند؛ این جمله بر خاتم آن نقش بسته بود: «العزة لله احمد بن موسی» با قرائن و شواهدی خصوصاً انگشتر دانستند این جسد مطهر حضرت احمد بن موسی، برادر حضرت رضا علیه‌السلام است که بعد از حدود چهار صد سال این گونه سالم و با طراوت باقی مانده است و این خود موجب استبصار جمعی از مردم که مخالف خاندان پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم بودند گردید.^۱

۴. حضرت سید امیر محمد عابد

ناگفته نماند که در فاصله بسیار نزدیکی از بقعه‌ی مبارکه‌ی شاه چراغ، بقعه‌ی

۱. شب‌های پیشاور، صص ۱۱۸ تا ۱۲۰؛ مرحوم سلطان الواعظین شیرازی جریان شهادت آن بزرگوار را مشروحاً نقل کرده است.



۱۳۳

آستان دوسن

منور برادر ایشان حضرت سید امیر محمد قرار دارد. هاشمیه کنیز رقیه دختر موسی بن جعفر علیه السلام گفته است: من هیچ‌گاه محمد را دیدار نکردم مگر این که این آیه از کتاب خدا را به یاد می‌آوردم:

﴿كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ﴾؛ آنها متقین کمی از شب را می‌خوابیدند.^۱ و^۲ این امامزاده‌ی بزرگوار در کثرت عبادت و مناجات با خدا به جایی رسیده بود که به محمد عابد، اشتها پیدا کرده بود. وی به عنوان نیایشگر و عابد دوران خویش شناخته می‌شد و در شب‌زنده‌داری سرآمد اقران بود. او در نهایت، در شیراز به آبای طیبین خود پیوست و نزدیک قبر برادرش حضرت شاه چراغ، مدفون گردید.

زیارت معصومین و امامان اهل بیت علیهم السلام

بالا‌ترین، ارزنده‌ترین و پر‌فضیلت‌ترین زیارت‌ها زیارت معصومین پاک و امامان از آل محمد علیهم السلام است. زیارت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و زیارت دخت گرامی آن حضرت و ائمه‌ی اهل بیت و خاندان مطهر رسول‌الله صلی الله علیه و آله از بهترین وسایل الی الله تعالی است و با برکت‌ترین زیارت‌ها از نظر آثار، فواید و نتایج به‌شمار می‌آید. بنابراین زیارت امامان معصوم به دیدار آنان رفتن، کنار قبر شریف و در زیر قبه‌ی مبارکه‌ی آن عزیزان بار انداختن، ارتباط مستقیم با آن‌ها برقرار نمودن، با آن ذوات مقدسه راز دل گفتن و سر بر آستان آن عزیزان خدا نهادن است بلکه تنها اظهار راز و غم درون خود را نمودن نیست که رد و بدل شدن سخنان و گفت و شنود است؛ سلام کردن و پاسخ شنیدن و مورد توجه و لطف ولی خدا قرار گرفتن است.

بخش دوم: نقش زیارت و آثار و برکات آن

مصدق بارز آیه‌ی مودت، زیارت امامان است

کسانی که با قرآن کریم در ارتباط‌اند و با مفاهیم عالی‌ی آن آشنا می‌باشند می‌دانند که خداوند در این کتاب آسمانی مردم مسلمان و علاقه‌مندان به دین را به مودت ذوی القربی و نزدیکان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرا خوانده، آن را به صورت مؤکد بر مردم لازم گردانیده و این موضوع را مزد رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده است:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾؛ بگو ای پیامبر! من از شما بر

۱. الدّاربات، ۱۷.
 ۲. منتهی الآمال، ج ۲، صص ۱۵۵ و ۱۵۶.

رسالت‌م درخواست هیچ اجر و پاداشی نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکان و اهل بیت^۱.

مودت و محبت نسبت به خاندان پیغمبر و اهل بیت رسول خدا ﷺ امری مستمر است، در هر عصر و زمانی جریان دارد و اختصاصی به زمان حیات آن بزرگواران ندارد بلکه در دوران وفات و ارتحالشان نیز جاری است.

از مظاهر مودت و دلدادگی به حضرات معصومین علیهم‌السلام این است که انسان از دور یا نزدیک به زیارت قبر شریف آن عزیزان الهی بشتابد؛ کنار مرقدشان عرض ادب کند و نسبت به آن ذوات مقدسه و مظاهر رحمت و واسع‌هی الهیه ادای تعظیم و احترام بنماید.

البته جالب‌ترین و پرافهم‌ترین عرض ادب و ابراز مودت، خواندن همان زیارت‌نامه‌هایی است که در کتاب‌ها ثبت و ضبط شده است و بوی وحی می‌دهد و چون از آثار الهامات غیبیه است به دور از گزاف‌گویی و اغراق‌سرایي است.

زیارت امامان یا وفاداری به پیمان امامت

یکی از نقش‌های سازنده و پر ارزش زیارت، وفاداری انسان به عهد و پیمان ولایت و امامت است.

پیشوای هشتم شیعه حضرت ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه‌السلام می‌فرماید: برای هر امامی عهد و پیمانی برگردن دوستان و شیعیان اوست و به یقین از تمام وفای به آن عهد و پیمان، و نیکو ادا کردن آن، زیارت قبور آنان است؛ پس کسی که از روی رغبت و شوق و علاقه‌مندی و برای تصدیق آنچه را که در آن رغبت دارد آنان را زیارت کند، امامان اوشفیعیانش در روز قیامت، خواهند شد.^۲

زیارت یا اقتدا به معصومین پاک

زیارت امامان معصوم علیهم‌السلام و حجت‌های الهی و رفتن به سوی قبر آن عزیزان و مقربان دربار الهی نوعی اقتدا و پیروی از خود آن بزرگواران و آن انوار باهره‌ی الهی است؛ زیرا در حالات آنان مکرراً نقل شده که به این عمل عنایت داشتند و زیارت قبر معصومی از معصومان و امامی از امامان را انجام می‌دادند که به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم.

۱. شوری، ۲۳.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۱۳۱ و عیون‌الخبر الرضا علیه‌السلام، ج ۲، ص ۲۶۱.





۱۳۶

آشنایان دوسم

۱. در حالات حضرت صدیقه طاهره، فاطمه زهرا علیها السلام نقل شده که در رثای پدر بزرگوار و عالیقدر خود، حضرت خاتم الانبیا صلوات الله و سلامه علیه می خواندند:

اذا ضاق صدري زُرت قبرك باكباً
انوح و ابكى لا اراك مجاوبی
فيا ساكن الغبراء علمتني البكاء
و ذكرک انسانی جمیع المصائب^۱

هنگامی که سینه‌ام به تنگ می‌آید با گریه و زاری به زیارت قبر تو می‌شتابم، نوحه سرایی می‌کنم و می‌گیرم ولی تو را نمی‌بینم که جوابم را بدهی. پس ای که در دل خاک منزل گرفته و آرمیده‌ای، تو گریه را به من آموخته‌ای و یاد تو همه مصایب را از یادم برده است.

از ظاهر عبارات این مرثیه‌ی جانسوز استفاده می‌شود که بانوی اسلام آن را در کنار قبر پدر بزرگوار خود رسول الله صلی الله علیه و آله انشاء کرده و می‌خوانده‌اند.

۲. در حالات حضرت امام حسین علیه السلام آمده که: «امام حسین علیه السلام عصر هر جمعه قبر برادرش امام حسن علیه السلام را زیارت می‌کرد»^۲.

۳ و ۴. حضرت امام زین العابدین علیه السلام و حضرت امام محمد باقر علیه السلام از مدینه به عراق آمده و قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده‌اند.

ابن قولویه قمی رضوان الله علیه از محمد بن مسعود نقل می‌کند: امام صادق علیه السلام را دیدم که آمدند تا به قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و پس دست خود را بر روی قبر پیامبر نهاد و فرمود:

از خداوندی که تو را برگزید و انتخاب نموده و هدایت فرمود و امت را به وسیله‌ی تو هدایت کرد درخواست می‌کنم که بر تو درود بفرستد.

زیارت، عامل آشنایی بیشتر و عمیق‌تر با امامان

یکی از آثار حسنه و از جمله برکات برجسته‌ی زیارت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام آشنایی بیشتر با صاحبان آن قبور منور و مدفونین در آن بقعه‌های مطهر است. انسان زایر هر چند شناختی اجمالی از آن ذوات مقدسه و انوار الهی و آسمانی دارد ولی نوعاً با انجام مراسم زیارت و ورود در آن روضه‌های مبارک شناخت تازه‌ای

۱. بیت الاحزان، ص ۱۴۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۷.

پیدا می‌کند؛ خصوصاً اگر زیارت‌نامه‌های مخصوص و مأثور را قرائت کند جایگاه اصلی و مقام رفیع و شایسته و شأن والای آنان را پیدا خواهد کرد.

هر بار که انسان موفق به زیارت این حجت‌های باهره‌ی الهی می‌شود گامی به سوی معرفت مقام والای آنان فراتر می‌گذارد. روضه‌ی منور هر کدام با حال و هوای مخصوص خود، اثری مخصوص در انسان دارد. صحن‌ها و رواق‌های هر کدام از آن‌ها تأثیری بسزا دارد و حتی مدفن پاک آن امامان محبوب و عزیزی که دارای بقعه، بارگاه، صحن و سرا نیستند در شرایط خاصی که دارند یادآور نکات و مطالب بیشماری هستند و در عین همان سکون و سکوت بهت‌انگیزی که به وسیله‌ی دشمنان دین و متعصبان معاند و از خدا بی‌خبر به وجود آمده صدها و هزارها حکایت را یادآوری می‌کنند.

زیارت امامان و آشنایی با مکتب

یکی از برکات مهم و بازدهی‌های قابل توجه زیارت‌ها و حضور در کنار قبور طیبه پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله و خاندان پاک او و امامان معصوم علیهم السلام این است که در خلال این سفرها، زیارت‌ها و قرائت زیارت‌نامه‌ها آشنایی بیشتری با مکتب برای انسان پیدا می‌شود. آری! منابع پر بار و غنا بخش معنوی و معارف الهی در چهار کلمه خلاصه می‌شود:

یکی قرآن کریم که اصیل‌ترین منبع معارف آسمانی است. و دیگر، دعاها که به شکلی جدی نقش موثری را در این مسیر ایفا می‌کنند. سومین منبع، حدیث است که شامل نهج البلاغه نیز می‌شود. و چهارمین منبع، زیارت‌هاست که راستی یک منبع پرتوان، کاربردی، نافذ و موثر است.

این زیارت‌ها به صورتی مخفی و ناپیدا روح توحید خالص و یگانه‌پرستی کامل را در جان انسان می‌دمد؛ او را با شأن رفیع و پایگاه والای انبیا و پیامبران آشنا می‌سازد؛ امامان معصوم و خاندان جلیل رسول الله را به ما معرفی می‌کند؛ درس دوستی با رجال الهی و مردان خدا و نیز مخالفت و ناسازگاری با طاغوت‌ها و ستمگران از خدا بی‌خبر را به ما می‌دهد؛ صف حق را از صف باطل، ممتاز و جدا می‌سازد؛ انسان را با عدالت، حق‌گویی و حق‌محوری می‌پروراند؛ از او عنصری ضد ظلم، اجحاف‌گری و در ستیز با بدی، ناپاکی، فساد و قساوت می‌سازد.



زیارت، روح انسان را تلطیف می‌کند و از سوئی آن را مقاوم و با صلابت و نیرویی باطل شکن و کفر ستیز می‌نماید؛ صفات عالی‌ه‌ی انسان‌ها و مکرمات‌های اخلاقی را در جان انسان می‌دمد و ریشه‌های رذایل اخلاقی، بدی‌ها و ناپاکی‌ها را از آن بیرون می‌کشد.

اینک، نمونه‌ای از آن معارف عالی‌ه و مکارم اخلاقی و عرفان و توجه به خداوند که در زیارت شریف «امین الله» به کار رفته است:

«اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَ دُعَائِكَ مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً لَتَقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مُشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ تَنَائِكَ؛ خداوند! نفس مرا چنان قرار ده که به تقدیرات تو مطمئن، به قضای تو راضی و خشنود، به ذکر و دعای تو بسیار متمایل، دوستدار بهترین اولیای تو، محبوب در آسمان و زمین، بر نزول بلای تو صابر، نسبت به نعمت‌های گرامی تو شکرگزار، به یاد عنایات و الطاف بیکران تو، به شادمانی ملاقات تو مشتاق باشد؛ چنان کن که برای روز جزا زاد و توشه‌ی تقوا برگیرد و پیروی کننده‌ی روش‌های نیکوی اولیای تو باشد، از اخلاق اعدا و دشمنان تو به دور، از دنیا روی گردانیده و به حمد و ثنای تو مشغول باشد!»^۱



۱۲۸

آشنایان دوازدهمین

ثواب زیارت هر یک از امامان علیهم‌السلام

ابن قولویه با سلسله سند خود نقل می‌کند که زید شحام گفته است: «به حضرت صادق علیه‌السلام عرض کردم: برای کسی که یکی از شما (امامان) را زیارت کند چه چیزی [چه مقام و ثوابی] خواهد بود؟ حضرت صادق علیه‌السلام فرمود: همانند کسی که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را زیارت کرده باشد».^۲

زیارت امام حسین علیه‌السلام

در میان زیارت‌های امامان زیارت امام حسین علیه‌السلام جلوه‌ی خاص و آثار ویژه دارد و مورد ترغیب و تشویق مخصوص از ناحیه‌ی حضرات معصومین علیهم‌السلام واقع شده است.

۱. کامل‌الزیارات، ص ۳۷.

۲. همان، ص ۱۶۳.

محمد بن مسلم می‌گوید: «حضرت ابو جعفر، امام باقر علیه السلام فرمود: شیعیان ما را امر کنید به زیارت قبر حسین علیه السلام بروند؛ زیرا حرکت به سوی قبر حسین علیه السلام روزی را افزایش می‌دهد و عمر انسان را طولانی می‌کند و جریان‌های نگران‌کننده و حوادث بد را برطرف می‌سازد و زیارت قبر آن حضرت بر هر مؤمنی که به امامت حسین علیه السلام اقرار دارد، لازم است.^۱

زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام
زیارت حضرت ابوالحسن امام علی بن موسی الرضا علیه السلام به مقتضای روایات، از ویژگی‌های بسیاری برخوردار است؛ آثار و ثمرات فراوانی در دنیا و نیز در آخرت بر آن مترتب خواهد شد و دارای اجر و پاداش بسیار عظیم و بالایی در جهان ابدی می‌باشد.

یحیی بن سلیمان مازنی نقل می‌کند که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند:

کسی که قبر فرزندم علی [حضرت رضا علیه السلام] را زیارت کند و شبی را در نزد او بماند مانند کسی است که خدای را در عرش وی زیارت کرده باشد.

بخش سوم: عنایات و کرامات حضرت رضا علیه السلام

برکات زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منحصر به عالم آخرت و اجر و ثواب‌های بی‌شمار آن نیست بلکه زیارت ایشان و عرض حاجت در آن روضه‌ی با صفا و کنار قبر مطهر آن سرور اختیار برای اصلاح امور زندگی انسان نیز بسیار مؤثر است. در پرتو زیارت و شفاعت‌خواهی از آن بزرگوار، امور حیات انسان نیز سر و سامان می‌یابد و مشکلات و شداید وی برطرف خواهد شد.

و این از اموری است که علاوه بر روایات، به تجربه‌ی افراد بی‌شماری ثابت و محقق شده و معجزات و خوارق عادات بسیاری در هر سال و ماه و هفته بلکه در هر شبانه روز کانون لطف و صفا و از آن مطهر رحمت و اسعه‌ی الهی ظاهر می‌شود.

ما در این مقام به ذکر چند مورد از موارد بی‌شمار آن اکتفا می‌کنیم:
۱. یکی از دوستان محترم که از معتقدات خوبی برخوردار است و عملاً نیز متعهد و پای‌بند به احکام دینی است. داستان بیماری و شفا یافتن خود را به

۱. همان.





۱۳۰

آشنایان
دومس

برکت حضرت رضا علیه السلام چنین بیان می‌کند: «دچار کسالت شده بودم و تارهای صوتی‌ام اختلال پیدا کرده و سخن گفتن برایم مشکل شده بود به دکتر، مراجعه کردم؛ گفتند باید عمل شود. در شیراز به بیمارستان رفتم و آماده عمل شدم. لباس اتاق عمل را پوشیدم. مرا به اتاق عمل بردند. ناگهان پشیمان شدم و گفتم باید به مشهد بروم و به حضرت رضا علیه السلام متوسل شوم. بالاخره از اتاق عمل بیرون آمدم. به مشهد مقدس مشرف شدم و در جلو بارگاه منور حضرت بسیار گریه کردم و شفای خود را خواستم. ناگهان کسی رسید و کارت غذای حرم را به من داد. من به مهمانسرا رفته و از غذای حضرت استفاده کردم. در همین سفر حالم به کلی عوض شد و صحبت کردنم به صورت عادی برگشت.

۲. جوانی از اهل علم، فضل و تبلیغ از اهل مشهد برای اصلاح امر ازدواجش به حرم مقدس حضرت رضا علیه السلام روی آورده، در مکانی نزدیک به روضه‌ی منور و قبر شریف آن بزرگوار نشسته و مشغول توسل به آن امام همام می‌شود و از حضرت رضا علیه السلام می‌خواهد که فردی مناسب و شایسته برای همسری او مقرر شود. مطلب او بین خود و خدا و حضرت رضا علیه السلام صورت می‌گیرد.

اتفاقاً شخص محترمی در کنار وی مشغول عبادت و توسل بوده و آن طلبه‌ی فاضل محترم را می‌بیند و بدون هیچ سابقه و آشنایی قبلی به آن جوان می‌گوید: «شما نمی‌خواهید ازدواج کنید؟ اگر تصمیم دارید، من دختری دارم و می‌توانید با ایشان وصلت کنید».

آری! همان جلسه توسل به امام هشتم علیه السلام و حضور در کنار قبر آن بزرگوار اثر خود را به جا گذاشت؛ طلبه‌ی جوان را به خواسته‌اش رسانید و امر ازدواج او اصلاح و رو به راه گردید.^۱

بخش چهارم: آداب و شرایط زایر و زیارت

آداب زیارت

زیارت امام علیه السلام یک عبادت الهی است و جنبه‌ی بندگی خدا را دارد و انسان زایر، با ذات اقدس الهی راه و رابطه برقرار می‌کند و از این رو باید زیارت با آداب مخصوص انجام شود و این آداب در کمال و تعالی زیارت انسان اثر به سزا

۱. طلبه‌ی مذکور با صیبه‌ی آن مرد محترم و پرهیزگار که اینجانب سالیان سال او را به صلاح و پاکی می‌شناسم، ازدواج کرد و اینک صمیمیت، وفا و احترام متقابل بر زندگی آن‌ها حاکم است.

دارد. زیارت بدون آداب و احوال مخصوص، اثر چشمگیر و مهمی ندارد و عمل انسان و زیارت او بی‌روح و فاقد ارزش و اعتبار است و یا ارزش آن ناقص و ناچیز است.

مرحوم شهید اول شیخ شمس الدین محمد بن مکی عاملی رضوان الله علیه که از فقهای مشهور به نام امامیه است در کتاب شریف دروس، ضمن درس ۱۲۸ عنوان کرده و فرموده است:

«برای زیارت آدابی است».

آن‌گاه چهارده مطلب را به عنوان آداب زیارت به صورت اختصار ذکر فرموده است و ما هر کدام را طبق ترتیب مذکور یادآور می‌شویم و آن را به اقتضای موضوع پی می‌گیریم:

۱. نخستین مطلب از آداب زیارت این است که زائر پیش از ورود در روضه‌ی منوره، غسل کند و هنگام ورود در حالت طهارت باشد و شیخ مفید فرموده است اگر بعد از غسل محدث شد غسل را اعاده کند و غسل را با خضوع و خشوع به جا آورد و بعد هم جامه‌های طاهر و نظیف بپوشد.

۲. دومین نکته از آداب زیارت، این است که بر در روضه منوره لحظاتی بایستد و دعا بخواند و با همان عبارات و فقراتی که در کتب مربوطه وارد شده اذن دخول بخواهد و آن‌گاه اگر حالت خشوع و رقتی در خود دید، داخل شود و اگر چنین حالتی را در خود احساس نکرد بهتر است که صبر کند و به دنبال زمانی باشد که خشوع و رقت را در خود ببیند و با آن حال وارد شود؛ زیرا هدف مهم‌تر حضور قلب آدمی برای گرفتن رحمتی است که از ناحیه ذات اقدس الهی نازل می‌شود؛ آن‌گاه به هنگام ورود، پای راست را جلو بگذارد همان‌گونه که در وقت بازگشت از حرم مطهر، پای چپ را مقدم بردارد.

۳. سومین ادب زائر این است که در کنار ضریح مقدس بایستد، چه این که خود را بدان بچسباند یا نه؛ و اندیشه این که در نقطه دور دست قرار گرفتن ادب است و هم و خیالی دور از واقعیت است؛ زیرا در اخبار تصریح شده که زیارت کننده بر ضریح مقدس تکیه کرده و آن را بیوسد.

۴. ادب چهارم آن که در حال زیارت، مقابل روی مبارک آن امام معصوم علیه السلام و پشت به قبله قرار بگیرد و پس از فراغت از زیارت، گونه‌ی راست خود را بر قبر مطهر یا ضریح منور بگذارد و در حال تضرع، ابتهاج و زاری دعا کند و خدای را بخواند؛ آن‌گاه گونه‌ی چپ خود را بگذارد و دعا کند و از خدای تعالی مسألت



بنماید به حق ذات مقدسش و به حق صاحب آن قبر شریف وی را مشمول شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و هر چه بیشتر اصرار در دعا و التماس به دربار الهی کند. آن‌گاه از آن‌جا به طرف بالای سر برود و رو به قبله آورد و دعا کند. به اقتضای مکان و حال، شایسته است زائر از خدا بخواهد که به فیض بزرگ شفاعت آن ولی اعظم الهی نایل گردد.

۵. پنجمین مطلب، زیارت کردن به صورتی است که در آثار اهل بیت علیهم‌السلام و علمای بزرگوار شیعه آمده و به دست ما رسیده است و کفایت می‌کند که انسان در آن مکان مقدس حضور پیدا کرده و عرض سلام کند.

۶. ششمین ادب زائر، دو رکعت نماز زیارت بعد از فراغ از زیارت و پایان یافتن آن است؛ حال اگر زائر قبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باشد آن دو رکعت نماز را در روضه پیامبر می‌خواند و اگر زائر یکی از امامان علیهم‌السلام باشد در نزد سر مبارک به جا بیاورد و اگر این نماز را در مسجد آن مکان بخواند کافی است.

۷. هفتمین ادب از آداب زائر این است که بعد از انجام دو رکعت نماز زیارت، دعا کند و دعاهای مأثور و منقول از ائمه و بزرگان دین را بخواند و اگر آن قبیل دعاها میسر نشد هر دعایی که به نظرش آمد در رابطه با امور دین و دنیایش بخواند و دعا و درخواست خیر را تعمیم دهد و تنها برای خودش دعا نکند بلکه دیگران را در دعای خود داخل بنماید که این‌گونه دعا کردن به اجابت نزدیک‌تر است.

یکی از بهترین اعمال در این حرم‌های مطهر و به خصوص بعد از زیارت و نماز زیارت، دعا کردن است؛ زیرا شرایط و ظروف دعا بسیار مساعد و مناسب می‌باشد. ضمناً دعا بر دو گونه است: یکی دعای مأثور و دیگر دعای مُنْشا.

دعای مأثور و زیارات: دعایی است که از خاندان عصمت و طهارت و اکابر دین به ما رسیده و در لابلای کتب ادعیه و زیارات و دیگر کتاب‌ها ثبت و ضبط گردیده است و در دسترس اهل دین و علاقه‌مندان به معنویات قرار دارد. دعای مُنْشا: دعایی است که انسان، خود انشا می‌کند و حوایج و خواسته‌هایش را با الفاظ خویش به خدای تعالی عرضه می‌دارد.

۸. هشتمین برنامه‌ی زائر این است که در نزد ضریح مطهر امام معصوم و حجت‌های الهی، مقداری از آیات قرآن کریم را تلاوت کند و آن را به صاحب ضریح و قبر شریف امامی که به زیارتش آمده هدیه نماید. و کسی که از این عمل بهره‌مند می‌شود خود زیارت‌کننده است و البته در این کار، تعظیم و بزرگداشت



امامی است که زیارت شده است.

۹. نهمین ادب زیارت کننده این است که در تمامی احوالش تا سرحد امکان حضور قلب داشته باشد و از گناهان توبه کند و طلب غفران و آمرزش از خدا بنماید و به کلی خویشتن را از گناه و بدی برگذارد و جدا سازد.

۱۰. دهمین مطلب از آداب زائران این است که به کلیدداران و نگهبانان حرم مطهر انفاق کند و در بزرگداشت و احترام و اعظام آنان کوشش نماید؛ زیرا در گرامیداشت آنان اکرام و بزرگداشت صاحب آن قبر منور و ضریح مطهر است.

۱۱. یازدهمین چیزی که به جاست زائر قبور امامان بزرگوار و معصومین پاک مراعات کند این است که چون زیارت کرد و به منزل خود بازگشت مستحب است تا در آن و شهر زیارتی هست دوباره به روضه منوره حرم مطهر بازگردد و چون هنگام بیرون آمدن از آنجا فرا رسید و عزم مراجعت به شهر خود کرد با عبارات مأثور و منقول از بزرگان دین، آن مضع منور را وداع نموده و دعا کند و از خدای تعالی بازگشت به آن مکان مقدس را در خواست بنماید.

۱۲. دوازدهمین مطلب از آداب مخصوصه آن است که زائر بعد از زیارت بهتر از زمان قبل از زیارت باشد؛ زیرا این زیارت اگر به مرحله قبول برسد و رز و وبال گناهان آدمی را می ریزد.

این نکته بسیار مهم و قابل توجه است و از بهترین و شاخص ترین آداب و وظایف زائر قلمداد می شود.

زیارت کننده باید بکوشد که زمان بعد از زیارت او نسبت به زمان قبل از زیارتش تفاوت داشته و فرق کرده باشد و زیارت قبر شریف ولی خدا او را تکان داده و متحول ساخته باشد.

۱۳. سیزدهمین امر که شایسته است زائر مراعات کند این است که چون به خواسته و مراد خود از زیارت رسید و آن را به انجام رسانید آماده خروج شود و برای رفتن شتاب کند تا عظمت حرمت امام علیه السلام را کاملاً رعایت کرده باشد و شوق و رغبت او نسبت به مرقد مطهر و حرم مقدس سخت و نیرومند گردد.

و در روایت رسیده که هنگام خروج از مضع مطهر ولی خدا حضرت رضا علیه السلام و یا امامان دیگر صلوات الله علیهم اجمعین به صورت قهقرا بیرون بیاید و این گونه مشی را ادامه دهد تا زمانی که از حرم مطهر به کلی دور گردیده و قبر مطهر امام، از نظر او غایب گردد.

پس هنگامی که خارج می شوی پشت خود را به قبر مکن تا زمانی که



خارج شوی.^۱

۱۴. چهاردهمین مطلب از آداب زائر آن است که در آن بقعه‌ی مبارکه به حاجتمندان و مستمندان انفاق کند و آن‌ها را از مال خود بهره‌مند سازد؛ زیرا پاداش صدقه و بذل مال در راه خدا در آن مکان مقدس، چند برابر است به ویژه انفاق و احسان بر ذریه‌ی طاهره یعنی سادات و ذراری حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله.^۲

دیگر آداب مهم برای زائر

ما در اینجا بعضی از آدابی که ظاهراً ذکر نشده یادآوری می‌کنیم:

۱. معرفت و شناخت شخص مزور - یعنی امامی که زیارت کننده به زیارتش آمده - و این عمده‌ی شرایط، حالات و آداب زائر است و مقصود آن است که انسان، صاحب آن قبر شریف را امام مفترض الطاعة و شاهد و ناظر اعمال خود بداند.

۲. شناخت آن مکان مقدس و حرم مطهر؛ یعنی بداند که این بقعه‌ی منور از بیوت الله است که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

﴿فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ...﴾؛ در خانه‌هایی که خداوند اذن در رفعت آن داد؛ خانه‌هایی که نام خدا در آن‌ها برده می‌شود و صبح و شام در آن تسبیح خدا می‌کنند مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و... باز نمی‌دارد.^۳

۳. سخن‌های عَبت و بیهوده و حرف‌های بی‌فایده را ترک کند؛ زیرا این مکان مقدس بیت الله است و بیت النبی صلی الله علیه و آله و بیت خاندان پیغمبر است. زائر در این حرم‌های مطهر در محضر شریف و مقدس امام معصوم سلام الله علیه قرار دارد و با حجت بالغه‌ی الهی مواجه و روبرو می‌باشد؛ بنابراین باید حد اعلای احترام و اکرام نسبت به آن حرم‌های مطهر را رعایت کرد.

۴. از آداب زیارت این است که انسان کفش خود را در محدوده‌ی حرم بلکه نزدیکی‌های آن از پا درآورد؛ این مطلبی است که از قرآن کریم استفاده می‌شود آن‌جا که داستان حضرت موسی و رفتن او به کوه طور را بیان می‌کند می‌فرماید:

﴿إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾؛ پس ای موسی!



۱۳۴

آستان موسی

۱. کامل الزیارات، طبع سابق، صص ۲۵۶ و ۸۴، وداع قبر حسین بن علی علیه السلام.

۲. الدروس الشرعية، طبع مدرسة النشر الاسلامی، صص ۲۲ و ۲۴.

۳. نور، ۳۶ و ۳۷.

کفش‌های خود را بیرون آر که تو در سرزمین مقدس (طوی) هستی.^۱
 حرم منور امامان معصوم علیهم‌السلام از وادی مقدس طوی و کوه طور کمتر نیست؛
 حرم مولایمان حضرت امیر المؤمنین علیه‌السلام و فرزندان پاک او اگر بالاتر از وادی طور
 نباشد کمتر نیست از این رو باید از حول و حوش ضریح مطهر و بقعه‌ی مبارک آن
 عزیزان پای را برهنه ساخت. حتی اگر گنبد و بارگاهی هم نداشته باشند.
 ۵. در آن حرم‌های مطهر و بقعه‌های شریف صدا را بلند نکنید؛ زیرا این حرم‌های
 مطهر مثل خانه و مرقد پیامبر است که خدا درباره‌ی آن می‌فرماید: ﴿لَا تَرْفَعُوا
 اصواتکم فوق صوت النبی﴾؛ صدای خود را بالاتر از صدای پیامبر نگیرید!^۲
 چون انوار طیبیه‌ی امامان، اوصیای آن بزرگوار و پاره‌های تن آن حضرت هستند
 حکمی که در مورد آن حضرت است درباره‌ی آنان نیز جریان دارد. آن عزیزان
 خدا، حاضر و ناظرند؛ بنابراین نباید در حضور ایشان صدا را بلند کرد که این خود
 سوء ادب و خلاف اخلاق فاضله است و نوعی بی‌حرمتی نسبت به آن ذوات
 مقدسه و انوار قدسیه به حساب می‌آید.

بنابراین باید صدای خود را چه در مقام خواندن اذن دخول و زیارت و چه به
 هنگام دعا و مناجات و اذکار مقدس و تلاوت قرآن، پایین آورد.
 ۶. از جمله آداب زایر آن است که در طول سفر یعنی از هنگام حرکت تا رسیدن
 و فرود آمدن در کنار قبه‌ی سامیه از خلاف شرع بپرهیزد و به واجبات الهی سخت
 اهتمام بورزد. به خصوص مواظبت داشته باشد که نمازش در اثنای راه از بین نرود
 و قضا نشود بلکه نمازها را هر کدام سر وقت انجام دهد.
 و نیز در مسیر زیارت از نگاه کردن به نامحرم و نظر نمودن به زنان و دختران
 دیگران و مراوده و گفتگو با نامحرمان سخت اجتناب کند که خطر عظیم او را
 تهدید می‌کند.

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

«باعدوا بین انفس الرجال و النساء فان كانت المعاینة و اللقاء کان الداء الذی لا دواء
 له؛ میان نفس‌های مردان و زنان فاصله ایجاد کنید و دوری ایجاد نمایید پس اگر
 همدیگر را ببینند و با هم ملاقات کنند مرض و بیماری‌ای است که دوا ندارد!!»^۳
 امت اسلامی مواظب دختران و پسران خود باشند؛ مبادا به قصد ثواب و

۱. طه، ۱۲.

۲. حجرات، ۲.

۳. المحاسن و الاضداد جاحظ، ص ۱۵۹.



۱۳۵

آستان دوسن



اندوختن پاداش الهی به زیارت بروند ولی در اثر مراعات نکردن احکام الهی و مقررات مذهبی با کوله باری از گناه بازگردند و به جای تقرب و نزدیک شدن به ساحت قدس ولی خدا، قلب مبارک آن حجت بالغه‌ی الهی را از خود رنجانیده و خویشتن را مضمول نفرین آن بزرگوار قرار داده باشند.

۷. از آداب مهم سفر مقدس زیارتی این که در اثنای مسافرت زیارت و در بین راه از ضایع کردن مال مردم و دزدی از باغات آنان و خلاصه از تصرفات عدوانی باید سخت احتراز کرد؛ هرگز زیارتی که همراه با این کار باشد پذیرفته نخواهد شد و اگر چنین جریانی پیش آمد باید با جدیت تمام در پی جبران آن برآمد. ۸. تا ممکن است تشریف او به حرم مطهر و زیارت، مقصد اصلی و هدف کلی او باشد و آن را با کارهای دیگر مخلوط و ضمیمه نکند بلکه اصل مسافرت خود را مادی ننماید.

۹. این که از ازدحام جمعیت که در نتیجه نمی‌توان نزدیک به ضریح شود نگران نباشد بلکه خدا را شکر کند که دل‌ها این گونه در هوای حضرت رضاست که خداوند ثواب نزدیک شدن و بوسیدن ضریح را به او خواهد داد.

۱۰. بر سر مکان عبادت و زیارت مجادله نکند؛ بلکه ایثار کند و خود در مکان دورتری جا بگیرد و مراعات ادب کند که خداوند اجر بیشتر به او خواهد داد. و نیز در نماز خواندن و زیارت برای کسی ایجاد مزاحمت نکند و آرام‌تر بخواند.

۱۱. و از آداب لازم زایر این است که مردم شهر زیارتی مانند اهل مشهد یا اهل کربلا و نجف و دیگر مراکز زیارتی را احترام کند و با ادب کامل با آنان مواجه شود؛ مبادا از وضع زایران و برخورد ناشایست برخی از آنان به تنگ بیایند و یا از زایری خاطره بدی در ذهنشان بماند بلکه باید چنان با آن‌ها رفتار کرد که همواره ذکر خیر زایران کنند.

بخش پنجم: زیارتی مختصر و پربار از حضرت رضا علیه السلام

در اینجا مناسب است که زیارتی مختصر از مولی‌الوری حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه السلام را ذکر کنیم تا هر جا که هستیم چه در کنار قبر مطهر آن سید ابرار و چه در نقاط دور دست، مولای عزیز خود را بدان زیارت کنیم و اگر مجال زیارت‌های مفصل و طولانی نداریم به این زیارت مختصر اکتفا نماییم. ابن قولویه از علمای بزرگ و متقدم شیعه از ائمه طاهرين علیهم السلام روایت

کرده که فرمودند: چون نزد قبر امام رضا علیه السلام بروی بگو:
اللهم صلّ علی علی بن موسی الرضا المرتضی الامام التقی النقی وحبّبتک علی من
فوق الارض و من تحت الثری الصّدیق الشّهِید صلاة کثیرة تامّة زاکية متواصلة متواترة
کافضل ما صلّیت علی احد من اولیائک.
پیش از این، یعنی در ذیل ادب پنجم از آدابی که شیخ شهید ذکر فرموده بود،
زیارتی مختصرتر نیز برای حضرت رضا علیه السلام ذکر شد.

قم، حوزه‌ی علمیه
علی کریمی جهرمی
ذی القعدة ۱۴۲۸ هـ ق



۱۳۷

آستان دویست

آشنا بہشت

چهل درس زندگی از نگاه امام رضا علیہ السلام
حسین علوی مهر

تقديم:

به ساحت مقدس امام رئوف و پناهگاه همه‌ی شیعیان امام هشتم؛
علی بن موسی الرضا «عليه آلاف التحية والثناء»



۱۴۰

نیمای هشت

پیش گفتار

سخنان اهل بیت علیهم السلام پس از قرآن مهم ترین منبع دینی به شمار می رود. قرآن و سنت، دو یادگار گران بهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای مسلمانان است که پیروی از آنها مانع گمراهی و ضلالت خواهد بود. این احادیث که زوایای پنهان فراوان دارد؛ دنیای بزرگی از دانش و معرفت برای بشریت به همراه دارد و هر جمله‌ی کوتاه آن، درس بزرگی برای انسان‌ها خواهد بود.

نوشتاری که در پیش رو دارید گلچینی است از احادیث امام هشتم؛ علی بن موسی الرضا علیه السلام که در مجموع چهل حدیث و درس زندگی است. در این احادیث، موضوعات متنوعی از جمله دین شناسی، عقاید، زندگی و رفتار با خانواده، اخلاق فردی و اجتماعی، احکام و فلسفه‌ی آن با شرح کوتاهی مورد بحث قرار گرفته است.

قم
حسین علوی مهر



۱۴۱

نشانی پخش

دین و دین داری

۱. ایمان

امام رضا علیه السلام فرموده‌اند: «الإيمانُ عَقْدٌ بِالْقَلْبِ وَ لَفْظٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ، لَا يَكُونُ الإِيمَانُ إِلَّا هَكَذَا؛ ایمان اعتقاد قلبی و جاری کردن آن بر زبان و عمل با اعضای بدن است؛ و تحقق ایمان جز این نمی‌باشد»^۱.

شرح: طبق این روایت، ایمان دارای سه شاخصه است؛ اعتقاد قلبی در مسائل اعتقادی، جاری کردن شهادتین بر زبان و عمل کردن به فرامین الهی، که هر کدام از این موارد نباشد، ایمان شخص دارای اشکال است. با توجه به آیات قرآن و روایات اسلامی، علم و یقین به اعتقادات و مسائل دینی برای ایمان داشتن کافی نیست. برای تحقق ایمان، غیر از علم و یقین و اعتقاد قلبی و شهادتین، تسلیم در برابر خداوند و اجرای تمام فرمان‌هایی که او داده، لازم می‌باشد و منظور، تسلیم شدن ظاهری و باطنی در برابر حق و فرمان‌های او است.

اباصلت از اصحاب امام هشتم علیه السلام، درباره‌ی ایمان از آن حضرت سوال می‌کند و امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «ایمان با سه چیز تحقق پیدا می‌کند؛ اعتقاد قلبی (به خدا، نبوت، معاد و...) و گفتار زبانی (شهادتین) و عمل کردن با جوارح و اگر کسی این سه را نداشته باشد، ایمان ندارد».



۱۴۲

و
ت
ه
ر

۲. حقیقت ایمان

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرمایند: «لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الإِيمَانِ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ خِصَالٌ ثَلَاثٌ: التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَ حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي المَعِيشَةِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرِّزَايَا؛ هیچ بنده‌ای به حقیقت ایمان نمی‌رسد؛ مگر این‌که دارای سه ویژگی باشد: شناخت در دین، برنامه‌ریزی صحیح در زندگی و شکیبایی بر سختی‌ها و ناگواری‌های زندگی»^۲.

شرح: در این حدیث، امام رضا علیه السلام سه برنامه‌ی زندگی را برای رسیدن به حقیقت ایمان بیان می‌فرماید:

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۰.

۲. تحف العقول، ص ۵۲۵ و بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۹ و مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۸۵.
برخی دانشمندان از روایت «طَلَبُ العِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ» نیز همین استفاده را کرده‌اند که بعضی از علوم دینی واجب نفسی یا عینی است و بر هر فردی واجب است و برخی دیگر به عنوان مقدمه‌ی واجب، واجب می‌شود.
رک: استاد شهید مطهری رحمته الله، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۰ تا ۳۲.

شناخت در دین: اسلام، مسلمانی می‌خواهد که نسبت به دین خود آشنا و آگاه باشد؛ مسلمان و مؤمن آگاه، به‌گرد گناه نمی‌رود، شبهات در او تأثیر ندارد و انحرافات فکری ایمان او را سست نمی‌کند.

برنامه‌ریزی صحیح در زندگی و مخارج آن: انسان مسلمان باید برای هزینه‌های زندگی، برنامه‌ریزی مطلوبی داشته باشد و هزینه‌ی زندگی را با نیازهای خود و خانواده تنظیم کند؛ که بهترین راه برای دست‌یابی به این هدف، میانه‌روی و اعتدال در مخارج زندگی است.

شکیبایی و استقامت: از مهم‌ترین پایه‌های ایمان، شکیبایی و استقامت در برابر سختی‌ها است؛ تا جایی که در روایات از آن، تشبیه به سر برای بدن شده است.^۱ راه رسیدن به کمال و بالاترین درجات معنوی از مسیر مشکلات و ناگواری‌های زندگی و صبر در برابر آن‌ها می‌گذرد.^۲ برای رسیدن به حق باید شکیبا بود، اگرچه تلخ باشد؛ پس در برابر عبادت‌ها و اطاعت‌ها، در برابر مصیبت‌ها و در برابر ترک گناه و معصیت‌ها باید همیشه شکیبایی پیشه کرد.

۳. عمل بدون بینش

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الْعَامِلُ عَلَى غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَى غَيْرِ الطَّرِيقِ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةُ السَّيْرِ إِلَّا بُعْدًا عَنِ الطَّرِيقِ؛ آن‌کس که بدون بینش کاری را انجام دهد، همانند کسی است که بیراهه می‌رود؛ هر چه سریع‌تر حرکت کند، از راه صحیح دورتر می‌شود».^۳

شرح: کارهای با شتاب، بدون دقت و برنامه‌ریزی قبلی فرجام خوبی ندارند؛ و پس از انجام کار، روشن می‌شود که خطاهای زیادی در آن وجود دارد که ممکن است برخی قابل جبران نباشد یا به سختی جبران شود. انسان باید در کارهای مهم زندگی همانند خرید خانه یا ماشین، ازدواج، انتخاب شغل و... دقت و بینش کافی به خرج دهد. بینش رمز موضع‌گیری سالم و اصولی است؛ چراکه بینش ضریب خطا را در کارها کاهش می‌دهد و مانع غافلگیر شدن خواهد بود.

۱. الکافی، ج ۲، صص ۸۹ و ۹۰.

۲. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بهبشت با سختی‌ها و صبر پیچیده شده است؛ کسی که بر سختی‌های زندگی در دنیا شکیبا باشد، وارد بهشت می‌شود»؛ الکافی، همان.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۴۴ و فقه‌الرضا علیه السلام، ص ۳۸۱ و بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۶.



۱۴۳

بیت
بینش

عقاید

۴. توحید و شرک

امام رضا علیه السلام می فرماید: «مَنْ شَبَّهَ اللَّهَ تَعَالَى بِخَلْقِهِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَ مَنْ نَسَبَ إِلَيْهِ مَا نَهَى عَنْهُ فَهُوَ كَافِرٌ؛ کسی که خداوند را به مخلوقاتش تشبیه کند مشرک و کسی که صفات ناقص و نهی شده به خداوند نسبت دهد کافر است»^۱.

شرح: یکی از پایه‌های اصلی توحید در صفات، بی‌مانندی خداوند است، یعنی خداوند شبیه و مثل ندارد و نمی‌توان او را به چیزی تشبیه کرد. خداوند از هر نظر نامحدود و بی‌پایان است و هر چه غیر خداست از هر نظر؛ حیات، علم، قدرت، احاطه و... محدود و متناهی است. در نتیجه نمی‌توان خدا را در صفاتش به هیچ موجودی تشبیه کرد و هرگونه تشبیه و تمثیل برای خداوند، محدود ساختن او است و مایه‌ی بُعد و دوری از شناخت حقیقی خداوند خواهد شد.

۵. شناخت؛ آغاز پرستش

امام رضا علیه السلام می فرماید: «أَوَّلُ عِبَادَةِ اللَّهِ مَعْرِفَتُهُ وَ أَوَّلُ مَعْرِفَةِ اللَّهِ تَوْحِيدُهُ؛ نخستین مرحله‌ی پرستش شناخت و معرفت خدا است و پایه‌ی معرفت خداوند، توحید و یگانه‌دانستن اوست»^۲.

شرح:

امام هشتم علیه السلام نخستین مرحله‌ی پرستش را شناخت و معرفت خداوند می‌دانند. شناخت و معرفت از مهم‌ترین پایه‌های دینی به حساب می‌آید؛ به‌گونه‌ای که در زمره‌ی مهم‌ترین واجبات شمرده شده است. اسلام ضمن دعوت به فراگیری شناخت و علم، آن را برای بشر ضروری و لازم می‌داند و در آیات زیادی به آگاهی و شناخت نسبت به صفات خداوند از جمله حکمت، علم، بصیرت، عزت، قدرت و دیگر صفات پروردگار^۳ تأکید شده است.

در برخی از آیات قرآن کریم هدف آفرینش جهان، علم و معرفت دانسته شده؛^۴ اساساً بدون معرفت و علم اسرار هستی قابل درک نیست و همین مسأله موجب



۱. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۵.

۲. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۲.

۳. بقره، ۳ و ۲۰۹ و ۲۳۱ و ۲۳۳ و حدید، ۱۷ و... .

۴. طلاق، ۱۲.

امتیاز و برتری انسان بر سایر موجودات و کلید نجات انسان شده است. شناخت خداوند متعال راه‌های مختلفی دارد و به تعبیری «الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ بِعَدَدِ نُفُوسِ الْخَلَائِقِ؛ به تعداد خلایق راه به سوی خداوند وجود دارد». البته باید توجه داشت که ذات خداوند را نمی‌توان شناخت؛ بلکه شناخت خدا از طریق شناخت صفاتی مانند قدرت، علم، حیات، حکمت، عدالت و... است.

یکی از مهم‌ترین صفات خداوند، توحید و یگانگی او است که امام هشتم علیه السلام نیز به آن اشاره کرده اند؛ زیرا اولاً: توحید زیربنای شناخت تمام صفات خداست و هیچ یک از صفات بدون توجه به اصل توحید قابل درک نیست.

ثانیاً: زیربنای تمام ادیان آسمانی به ویژه قرآن کریم توحید است و غالب بحث‌های قرآن کریم بر محور همین اصل دور می‌زند تا آن‌جا که برخی گمان کرده‌اند قرآن درباره‌ی اصل وجود خدا سخنی ندارد و تمام حرف آن درباره‌ی توحید است.

ثالثاً: تمام عقاید اسلامی، احکام، قوانین آن و مسائل اجتماعی، اخلاقی و عبادی از همین اصل سرچشمه می‌گیرد و سراسر قرآن بازتاب مسأله‌ی توحید است. رابعاً: محور اصلی فعالیت پیامبران الهی نیز توحید و مبارزه با شرک بوده است.

۶. عبادت و تفکر

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةَ الصِّيَامِ وَالصَّلَاةِ وَانَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ؛ عبادت، روزه و نماز زیاد نیست بلکه عبادت، بسیار اندیشیدن در امر خداوند است»^۱.

شرح: یکی از موضوعات مهم دین اسلام دعوت به تفکر و اندیشه است که ارزشمند بلکه از بهترین عبادت‌ها نیز شمرده می‌شود و بهترین نوع آن اندیشه در امر خداوند است. اندیشه در مناظر زیبای آسمان‌ها، در وجود شگفت‌انگیز انسان، در نعمت‌های خداوند، در آفرینش موجودات روی زمین، حیوانات، گیاهان، دریاها، کوه‌ها، جنگل‌ها، شب و روز و... ما را به شناخت آفریننده‌ی قدرتمند، حکیم، مدبّر و زنده می‌رساند و پس از چنین اندیشه‌ای است که انسان تسلیم آفریننده‌ی خود و گوش به فرمان وی می‌شود و در نتیجه؛ نماز، روزه و عبادات

۱. تحف العقول، ص ۸۰۲ و وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۴ و بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۲۲؛ مانند این سخن از امام حسن عسکری علیه السلام در تحف العقول نیز نقل شده است.



۱۴۵

تشیع
پیشین

دیگر را با شناخت انجام می دهد.

در این روایت نکته های دیگری نیز قابل استفاده است:

۱. عبادت منحصر به نماز و روزه بسیار نیست؛ بلکه عبادت کامل تفکر در کارهای خداوند و آفرینش شگفت انگیز اوست، که با آن متوجه می شود جهان هستی عبث و بیهوده نیست و چنین عبادتی است که ارزشمند است.^۱
۲. امام رضا علیه السلام می خواهند که انسان ها اعمال عبادی خودشان را با آداب و شرایط و شناخت کامل انجام دهند.
۳. همین تفکر است که به زندگی انسان جهت مثبت می دهد، انسان را وادار می کند که از فرصت ها بهترین استفاده را بکند، با هدف و معنا زندگی کند، از سرنوشت گذشتگان پند بگیرد و به دنبال فساد و پوچی نرود و در نهایت، زندگی آخرت خود را نیز تأمین کند.

حُسن ظن به خداوند

امام رضا علیه السلام می فرماید: «أَحْسِنِ بِاللَّهِ الظَّنَّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي إِنَّ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَإِنْ شَرًّا فَشَرٌّ؛ به خداوند گمان نیک ببر! زیرا خداوند عزوجل می فرماید: من نزد گمان بنده ام هستم؛ اگر نیک باشد، پاداشش نیک و اگر شر باشد، پاداشش شر خواهد بود».^۲

شرح: زندگی همواره با مشکلات و سختی ها همراه است و چه بسا بسیاری از سختی های زندگی برای امتحان باشد؛ انسانی در زندگی موفق است که با آن ها مبارزه کند و ناامیدی به خود راه ندهد. بنابراین اگر کسی مبتلا به سختی و گرفتاری شد، نباید به خداوند بد گمان شود و تصور کند خداوند او را دوست ندارد و تمام سختی ها فقط برای اوست.

همچنین نباید سختی ها و گرفتاری خود را به شانس و اقبال بد نسبت دهد (چراکه شانس و اقبال امری موهوم و باطل است). در برابر گرفتاری و سختی ها نیاز به اندیشه، صبر، تصمیم گیری به موقع، احساس امید، استمداد از خداوند و در نتیجه برخورد صحیح و معقول با آن ها است؛ چه بسا این آزمایش و زمان سختی، زیباترین و ماندگارترین لحظات زندگی انسان باشد.



۱. بحار الانوار، همان.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۷۳.

پیامبران اولوالعزم علیهم السلام

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا سُمِّيَ أَوْلُو الْعَزْمِ، أَوْلَى الْعَزْمِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا أَصْحَابَ الشَّرَائِعِ وَالْعَزَائِمِ؛ پیامبران اولوالعزم در حقیقت به این سبب اولوالعزم نامیده شده‌اند که دارای آیین و شریعت بوده‌اند»^۱.

شرح: خداوند برای هدایت بشر در طول تاریخ، پیامبرانی را فرستاده است. برخی پیامبران مانند حضرت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی علیهم السلام و محمد صلی الله علیه و آله دارای کتاب و شریعت هستند، برخی پیامبران مانند حضرت داوود علیه السلام تنها صاحب کتاب هستند و شریعت خاصی ندارند و برخی پیامبران دیگر نه کتاب دارند و نه شریعت.

گروه نخست را پیامبران «اولوالعزم» نامیده‌اند. اما در این زمینه که چرا آنان به این نام خوانده می‌شوند و آیا تعدادشان همین پنج نفرند یا بیشتر؟ مطالبی مطرح شده است که به توضیح آن می‌پردازیم:

«عزم» به معنای اراده‌ی محکم و استوار و «اولوالعزم» به معنای صاحبان اراده است. در قرآن کریم، «عزم» در چند معنا به کار رفته است که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره نمود:

عزم به معنای صبر؛ آن‌جا که خداوند می‌فرماید: «كَسَىٰ كَٰفِرًا لَّهُ عِزْمًا فَاذْبَحْ بِهَا وَرَوِّدْ حَتَّىٰ يَلْمِزَكَ عِزْمًا ذُو عُنُقٍ وَخُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقُرْآنُ لِأَنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّذْخَبًا»^۲.

عزم به معنای وفای به عهد؛ مانند: «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِن قَبْلِ فَنسَىٰ وَكَانَ مِن ذُرِّيَةِ عَٰدٍ»^۳.
له عزمًا؛ پیش از این، از آدم پیمان گرفته بودیم؛ اما فراموش کرد؛ و عزم استواری برای او نیافتیم!»^۳.

در آیه‌ی ۷ سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب نیز خداوند متعال چند نفر از پیامبران را نام می‌برد که از آنان پیمان‌های محکمی گرفته است و آن‌ها عبارتند از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت عیسی علیهم السلام. از این پنج پیامبر به‌طور ویژه پس از آن نام می‌برد که از همه‌ی پیامبران الهی به صورت جمع نام برده است.

از مجموع بحث‌های گذشته می‌توان مفهوم سخن امام هشتم علیه السلام را فهمید که فرمودند: «علت نامگذاری آنان به اولوالعزم این است که دارای شریعت و عزم هستند». که این مهم‌ترین ویژگی پیامبران اولوالعزم می‌باشد.

با توجه به آیات و روایات و بحث‌های گذشته می‌توان گفت اولوالعزم کسانی

۱. همان، ص ۸۰، ج ۳ و مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۴۹، ح ۳.

۲. شوری، ۴۳.

۳. طه، ۱۱۵.



۱۴۷

نشانی پخش

هستند که دارای ویژگی‌های زیر باشند:

۱. دارای شریعت جدید و آیین تازه باشند (همان‌طور که در سخن امام هشتم علیه السلام آمده بود).
 ۲. از آن‌جا که هر شریعت و آیین جدیدی با مشکلات خاصی مواجه است و مخالفان بیشتری خواهد داشت، در پیامبران اولوالعزم نیاز به عزم و اراده‌ی آهنین همراه با صبر و شکیبایی بیشتر خواهد بود.
 ۳. عهد و پیمان‌هایی که خداوند از این عده گرفته است، شدیدتر و محکم‌تر از سایر پیامبران الهی است.
 ۴. رسالت آنان جهانی است و به سوی شرق و غرب عالم فرستاده شده‌اند.
 ۵. رسالت آنان هم جن و هم انسان را در برمی‌گیرد.
 ۶. آنان در میان سایر پیامبران دارای برتری هستند و نبوت سایر پیامبران نیز بر محور آنان می‌چرخد.
 ۷. پیامبران اولوالعزم عبارتند از حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی علیه السلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم.
- تعداد پیامبران اولوالعزم نیز طبق دیدگاه معروف میان دانشمندان اسلامی و استفاده از آیات و روایات همان پنج نفر می‌باشد.^۱



آیا معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قابل تکذیب است؟

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «من کَذَّبَ بِالْمِعْرَاجِ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم؛ کسی که معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را تکذیب کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را تکذیب کرده است».^۲

شرح: «معراج» از عروج به معنای بالارفتن است، نیز به معنای سیر روحانی و معنوی آمده است و منظور از آن طبق آیات قرآن و روایات فراوان و معروف میان دانشمندان اسلامی این است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که در مکه بودند به قدرت پروردگار در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی در بیت‌المقدس که (فاصله آن بیش از یکصد فرسنگ است) رفته و در آن‌جا به آسمان‌ها صعود نموده‌اند تا آثار قدرت و عظمت پروردگار را در پهنه‌ی گیتی مشاهده نمایند و همان شب نیز به مکه بازگشتند.

این سیر با جسم و روح توأماً انجام گرفته است؛ به خلاف دیدگاه برخی که آن

۱. در برخی روایات تا عدد ۳۱۲ نفر نیز برای پیامبران اولوالعزم بیان شده است؛ (ر.ک: سیوطی، درالمتنور، ج ۶، ص ۴۵).

۲. صفات الشیعه، ص ۹۲ و مسند الامام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۸۱.

را به معراج روحانی شبیه یک خواب یا مکاشفه‌ی روحی تفسیر کرده‌اند. در دو سوره از قرآن کریم به مسأله‌ی معراج اشاره شده است: در نخستین آیه از سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء که می‌فرماید: «پاک و منزه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب از مسجدالحرام به مسجدالاقصی که گرداگردش را پُربرکت ساختیم، برد تا آیات خود را به او نشان دهیم، او شنوا و بیناست»^۱ در این آیه دو نکته‌ی قابل توجه وجود دارد: یکی تعبیر «عَبْدِهِ» است که بر این دلالت دارد که معراج، سیر جسمانی و روحانی با هم بوده است نه سیر روح به تنهایی و نیز دلالت می‌کند که این افتخار به خاطر مقام عبودیت و بندگی آن حضرت بوده که بالاترین مقام برای انسان است. و دیگری تعبیر «آیًا» است که نشان می‌دهد سیر پیامبر ﷺ از مسجدالحرام به مسجدالاقصی و معراج ایشان در یک شب بوده است.

در سوره‌ی مبارکه‌ی نجم از آیه‌ی ۱۳ تا ۱۸ نیز به سیر آسمانی پیامبر ﷺ و جریان معراج اشاره شده است؛ آن‌جا که در تعبیری می‌فرماید: «مَازَاغَ الْبَصَرِ وَ مَاطَعَى؛ چشم پیامبر ﷺ دچار خطا و انحراف و طغیان نشده است». این عبارت که چشم پیامبر ﷺ دچار خطا نشده است، نشان می‌دهد که حادثه‌ی معراج در بیداری اتفاق افتاده است نه در خواب و حالت مکاشفه؛ بلکه هدف اصلی از معراج این بود که روح بزرگ رسول خدا ﷺ با مشاهده‌ی اسرار عظمت خدا در سراسر جهان هستی به ویژه عالم ملکوت، دید تازه و آگاهی کاملی بیابد تا بتواند با آن، رهبری و هدایت انسان‌ها را به خوبی بر عهده گیرد.

نتیجه این که جریان معراج پیامبر ﷺ امری قطعی است و قابل تکذیب نمی‌باشد و به همین جهت امام هشتم علیه السلام فرمودند: «کسی که معراج را تکذیب کند، رسول خدا ﷺ را تکذیب کرده است»^۲.

طراوت قرآن

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «انَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلِ الْقُرْآنَ لِرُؤْمَانِ دُونَ زَمَانٍ وَ لَأَنَّاسٍ دُونَ نَاسٍ فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ خداوند، قرآن را برای زمان خاص و مردم خاصی قرار نداده است و قرآن در هر زمانی، تازه و

۱. اسراء، ۱.

۲. جهت اطلاع بیشتر رک: تفسیر المیزان، ج ۱۳، صص ۵ تا ۳۴ و تفسیر نمونه، ج ۱۲، صص ۷ تا ۲۰ و تفسیر مجمع البیان، ج ۵ و ۶، صص ۶۰۹ تا ۶۱۲.



۱۴۹

تشی
تشی
تشی

نزد هر جمعیتی، باطراوت است»^۱.

شرح: قرآن ساخته‌ی اندیشه و افکار زودگذر و متغیر بشر نیست تا با گذشت زمان کهنه و فرسوده گردد و نیز برای مردم خاصی نیست تا اگر آن مردم از بین رفتند، محتوای قرآن و ارزش آن نیز از بین برود؛ بلکه از علم و دانش خداوند بزرگی سرچشمه گرفته که وجودش ازلی و ابدی و کلام او هم مانند ذاتش جاودانه است. زبان قرآن اگرچه عربی است اما محتوای آن جهانی است و قوانین و پیام‌هایش؛ همچون عدالت‌خواهی، احسان و... منطبق با فطرت بشر است که همه‌ی انسان‌ها در هر زمان از آن بهره می‌برند و در هیچ زمانی کهنه نمی‌شود، به همین دلیل هر چه آن را بخوانند تازه‌تر و جالب‌تر است و محتوای آن همیشه طراوت دارد.

علت این که قرآن در همه‌ی عصرها باطراوت است، ویژگی‌های خاصی است که در درون آن نهفته است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. هماهنگی قوانین قرآن با خواسته‌های طبیعی و فطری انسان و سایر موجودات و به قول معروف هماهنگی تشریح با تکوین.
۲. وجود لایه‌های پنهان در قرآن؛ به طوری که قرآن دارای ظاهر و باطن است.
۳. اعتبار بخشیدن به عقل.
۴. وجود قواعد و اصول حاکم که می‌تواند حاکم و ناظر بر قوانین دیگر باشد مانند: «قاعده‌ی لاجرح»، «قاعده‌ی یسر و نفی عسر» و...



۱۵۰

ره‌نوشه
۷

امامت سررشته‌ی دین

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْإِمَامَ زَمَامَ الدِّينِ وَنَظَامَ الْمُسْلِمِينَ وَصَلَاحَ الدُّنْيَا وَعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ، الْإِمَامُ الْإِسْلَامِ النَّامِي وَفِرْعَةُ السَّامِي، بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ وَالْحَجِّ وَالْجِهَادِ؛ اِمَام، سررشته‌ی دین و نظم‌دهنده‌ی امور مسلمانان و صلاح دنیا و بزرگ‌مندی مؤمنان است. امام بنیان و ریشه‌ی اسلام است، به واسطه‌ی امام است که نماز، زکات، روزه، حج و جهاد به کمال می‌رسد»^۲.

شرح: امام به منزله‌ی قلب جامعه است؛ هر چه قلب سالم‌تر باشد، بدن انسان سالم‌تر است و اگر در بدن انسان قلب نباشد، بدن هیچ ارزشی ندارد. اساساً جوامع بشری برای بقا و تداوم حیات خود نیازمند رهبر و پیشوای شایسته هستند، هرچه این پیشوا سالم‌تر، عالم‌تر، شجاع‌تر و زیرک‌تر باشد؛ جامعه را بهتر اداره می‌کند.

۱. سفینة البحار، ج ۷، ص ۲۴۹.

۲. تحف العقول، ص ۷۹۶.

امام در واقع همه‌ی جنبه‌های زندگی مادی و معنوی انسان را رهبری می‌کند، به همین جهت امام هشتم به مهم‌ترین ویژگی‌های اجتماعی و فردی پیشوای جامعه اشاره می‌کند که عبارت است از:

امام، سررشته‌ی دین است؛ زیرا آگاه‌ترین فرد در دین می‌باشد که مطالب دینی باید از او گرفته شود و سخن و کردار امام به عنوان قانون زندگی هر مسلمان است.

امام، نظم‌دهنده‌ی امور مسلمانان و صلاح دنیا است.

امام، عزت‌دهنده‌ی مؤمنان است.

امام، ریشه‌ی اسلام، فزاینده و شاخه‌ی آن است؛ امام بنیان و ریشه‌ی اسلام

است زیرا دین با اندیشه‌های امام همچنان زنده و دارای حیات است.

شناخت امامان

امام رضا علیه السلام درباره‌ی معرفت به امامان می‌فرماید: «مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْهُمْ مَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً؛ کسی که بمیرد و امامان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است»^۱.

شرح: طرح مسأله‌ی امامت در شیعه، طرح شخصی نیست بلکه طرحی است برای حرکت فرد و جامعه به سوی کمال و سعادت و منظور از آن، ارائه‌ی رهبران و الگوهای دینی و دنیایی مردم در تمام زمینه‌هاست.

به همین جهت پیروی از آنان بدون شناخت امکان‌پذیر نیست؛ اگر آنان را نشناسیم حقیقت دین را نشناخته‌ایم و اگر کسی نداند دین چیست، گویا دین ندارد. در زمان جاهلیت پیش از اسلام نیز مردم پیشوا و دینی نداشتند، نسبت به احکام و مسائل دینی نادان بودند و در حالت کفر به سر می‌بردند تا این‌که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ظهور کردند و آن‌ها را نجات دادند. راه نجات انسان‌ها پس از نبوت، بهره بردن از وجود امامان معصوم علیهم السلام است تا مردم را به دین صحیح هدایت کنند؛ زیرا به اعتقاد شیعه امام، آگاه‌ترین و عادل‌ترین فرد جوامع است، دارای مقام عصمت و تمام حرکات و سکنات او حساب‌شده و قابل الگوبرداری است.

گریه بر امام حسین علیه السلام

امام رضا علیه السلام خطاب به شخصی (فرزند شیبب) می‌فرماید: «إِنْ بَكَيتَ عَلَيَّ الْحَسَنِ علیه السلام حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَيَّ حُدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ صَغِيرًا

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۰.



كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا؛ اگر بر حسین علیه السلام گریه کردی تا این که اشک بر گونه‌هایت جاری گشت، خداوند هر گناهی را که انجام داده‌ای؛ کوچک باشد یا بزرگ، کم باشد یا زیاد، همه را می‌آمرزد!»^۱

شرح: با اثرترین و غم‌انگیزترین حادثه‌ی جهان اسلام، قیام امام حسین علیه السلام و حادثه‌ی کربلا است که نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود. یکی از راه‌های ارتباط با سیدالشهدا علیه السلام شرکت در مراسم عزاداری ایشان و گریه بر آن حضرت است. از دو جهت بر ما مسلمانان لازم است با این جریان در ارتباط باشیم؛ یکی از این جهت که حسین بن علی علیهما السلام پیشوای مسلمانان و فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند و دیگر از این جهت که این بزرگوار برای حفظ اسلام و امر به معروف و نهی از منکر جان خود را فدا نمودند، به فیض شهادت رسیدند و با شهادت خود؛ دین اسلام را حیات جدیدی بخشیدند و چراغ هدایت و شمع فروزنده جوامع گردیدند.



سه روز هولناک

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَوْحَشَ مَا يَكُونُ هَذَا الْخَلْقُ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ: يَوْمَ يُوَلَّدُ وَيَخْرُجُ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ فَيَرَى الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَمُوتُ فَيُعَايِنُ الْآخِرَةَ وَأَهْلَهَا وَيَوْمَ يُبْعَثُ فَيَرَى أَحْكَامًا لَمْ يَرَهَا فِي دَارِ الدُّنْيَا؛ وحشتناک‌ترین حالت برای مخلوق سه زمان است: روزی که از شکم مادر متولد می‌شود و دنیا را می‌بیند، روزی که می‌میرد و عالم پس از مرگ و اهل آن را مشاهده می‌کند و روز رستاخیز که بار دیگر زنده می‌شود و احکامی را می‌بیند که در دنیا ندیده بود».^۲

شرح: امام هشتم علیه السلام در این روایت به سه روز خطرناک و سرنوشت‌ساز در زندگی انسان‌ها اشاره می‌کنند که هر سه روز آغاز فصل نوینی برای انسان می‌باشد و سلامتی در آن‌ها بسیار مهم است که جز به لطف خداوند میسر نمی‌شود. آن سه روز عبارتند از:

۱. روز تولد: یکی از روزهای هولناک زندگی انسان که کسی به یاد نمی‌آورد زمانی است که نوزاد از عالم جنینی به دنیا منتقل و یک‌باره به یک محیط ناآشنا وارد می‌شود. در اثر این نقل مکان به او هیجان و اضطراب دست می‌دهد به همین علت نوزاد هنگام تولد دارای اضطراب و گریه‌ی شدید است.

۱. همان، ج ۱، صص ۲۶۸ و ۲۶۹.
۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۳۵، ح ۷۵.

۲. روز مرگ: یکی از حالات بسیار سخت و وحشتناک انسان، زمان مرگ اوست. از حالاتی که هنگام مرگ وجود دارد یکی هیجان و اضطراب فوق العاده شبیه حالت مستی است که انسان احساس می‌کند در حال انتقال به جهان ناشناخته‌ی دیگری است و قرآن از آن به «سَكْرَةَ الْمَوْتِ» تعبیر می‌کند آن‌جا که می‌فرماید: «وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ؛ سرانجام سكرات مرگ فرا می‌رسد»^۱. همچنین حالت دیگری در زمان مرگ وجود دارد که بسیار سخت و شدید است و به آن «غمرات» به معنای «شداید مرگ» می‌گویند.^۲

۳. روز رستاخیز: روز رستاخیز روزی است که مردگان بار دیگر جهت حسابرسی اعمال خود زنده می‌شوند؛ این همان روزی است که همه از قبرها سراسیمه و شتابان خارج می‌شوند در حالی که چشم‌هایشان از شدت وحشت به زیر افتاده و پرده‌ای از ذلت و خواری آن‌ها را پوشانده است. این همان روز وحشتناکی است که قرآن می‌فرماید: «مادران شیرده کودکان شیرخوار خود را فراموش می‌کنند و هر زن بارداری حمل خود را بر زمین می‌گذارد و مردم را مست می‌بینی در حالی که مست نیستند، ولی عذاب خدا شدیدتر است»^۳.



۱۵۳

نشانی بهشت

زندگی و خانواده

هدف و زندگی

امام علی بن موسی الرضا علیه السلام می‌فرمایند: «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ إِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا؛ برای دنیای خود به گونه‌ای عمل کن که گویا همیشه می‌خواهی بمانی و برای آخرت آن‌چنان عمل کن که گویا فردا خواهی مرد»^۴. شرح: در جهان هستی هیچ چیز بی‌هدف نیست؛ زیرا خالق آن حکیم است و کار عبث و بیهوده از او امکان ندارد. امام علی علیه السلام در سخنی می‌فرماید: «خدای سبحان شما را بیهوده نیافرید و به حال خود وا نگذاشت»^۵.

۱. ق، ۱۹.

۲. در قرآن آمده است: «و لو ترى اذ الظالمون فی غمرات الموت؛ هنگامی که ببینی این ظالمان در شداید مرگ فرو رفته‌اند» (انعام، ۹۳).

۳. معارج، ۴۳ و ۴۴.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۹.

۵. نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۶۳.

آنچه مهم به نظر می‌رسد شناخت هدف صحیح زندگی است و این‌که انسان بداند برای چه آمده است و به کجا می‌رود؟ و به قول شاعر:

همه روز، فکر من این است و همه شب سخنم
که چرا غافل از احوال دل خویشتم
از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود
به کجا می‌روم آخر، نمایی وطنم

برنامه‌های اساسی زندگی

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ الْإِجْتِهَادِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ حُسْنِ الْجَوَارِ فِيهِدَا جَاءَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ؛ بر شما باد به پارسایی، ترس از خدا، کوشش در طاعت و بندگی، ادای امانت و راستگویی و حُسن همجواری؛ این‌ها اساس رسالت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ است»^۱.

شرح: امام هشتم علیه السلام به چهار برنامه‌ی ارزشمند زندگی که بر اساس رسالت پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ بیان شده است، اشاره می‌نماید تا افراد بتوانند خود را با دین اسلام هماهنگ نموده و زندگی بهتری داشته باشند.

۱. تقوا و ترس از خدا: یکی از مهم‌ترین رازهای سعادت در دنیا و آخرت، پرهیزکاری و ترس از خداست.

۲. ادای امانت: مسلمان باید در جامعه مورد اعتماد و تکیه‌گاه افراد مختلف باشد و منظور از این امانت، تنها امور مادی نیست؛ بلکه شامل راز و گفتار محرمانه نیز می‌شود.

۳. راستگویی: راستگویی در نجات انسان‌ها بسیار مؤثر است؛ زیرا زمینه‌ی انجام کارهای صحیح، رسیدن به هدف، ثبات فکری و ثبات عملی خواهد بود. همچنین راستگویی نشانه‌ی سلامت انسان و مطابق بودن پندار با گفتار یا ظاهر باطن است.

۴. رعایت حق همسایه: رفتار پسندیده و معاشرت نیکو با همسایه‌ها موجب جلب محبت آن‌ها خواهد شد. کمک کردن به همسایگان از مهم‌ترین وظایف هر مسلمان است و چون انسان موجودی اجتماعی است و زندگی همواره با مشکلات و سختی‌ها همراه است، انسان‌ها به کمک یکدیگر نیازمندند و چه کسی بهتر و نزدیک‌تر از همسایه خواهد بود؛ نیک‌رفتاری باعث ارتباط، پیوند مستحکم،



۱۵۴

ر
ه
ن
و
ش
ه

رفت و آمد و از بین رفتن احساس تنهایی و غربت خواهد شد.

تلاش برای زندگی

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكْفُ بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنْ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که به دنبال روزی و فضل خداوند باشد تا هزینه‌ی خانواده‌ی خود را تأمین کند، پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد کند»^۱.

شرح: هر مسلمانی باید برای به دست آوردن روزی حلال و برطرف کردن نیازهای زندگی خود، تلاش کند تا به مردم نیاز نداشته باشد. از نظر اسلام کار و تلاش برای زندگی عبادت است. همه انسانی را که اهل تلاش و کوشش است دوست دارند، میان مردم محبوب است و خداوند نیز او را دوست دارد. لذا انسان در حد توان باید به خود متکی باشد؛ اگرچه برای کسب و به دست آوردن روزی به شهرهای دوردست سفر کند.

مهربانی با خانواده

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِيْمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ الطَّفَهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا الطَّفُكُمْ بِأَهْلِي؛ کسی ایمانش بهتر از دیگران است که اخلاقش نیکوتر و با خانواده‌اش مهربان‌تر باشد و من، مهربان‌ترین فرد نسبت به خانواده‌ام هستم»^۲.

شرح: ایمان دارای مراتبی است که در این روایت به دو مرتبه‌ی آن اشاره شده است؛ یکی اخلاق نیکو با مردم و دیگری مهربانی با خانواده.

اخلاق نیکو از بهترین عباداتی است که اسلام به آن سفارش می‌کند تا جایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله یکی از اهداف بعثت خود را تکمیل اخلاق می‌داند. اخلاق خوب از عوامل ورود به بهشت، آبادی خانه‌ها و طولانی شدن عمر برشمرده شده است.^۳

مهربانی با خانواده رتبه‌ی دیگری برای ایمان است که در تداوم و آرامش زندگی نقش اساسی دارد. اخلاق و رفتار بسیاری از مردم در اجتماع خوب است اما اخلاق و رفتارشان با خانواده مطلوب نیست و همسر و فرزندان‌شان از دست آن‌ها راضی نیستند.



۱۵۵

تشی
بیت

۱. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۹ و میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۱۹، ح ۷۲۰۴.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۸ و صحیفه الرضا، ص ۱۲ و بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۸، ح ۳۴.

۳. اخلاق شیخ، صص ۲۵ تا ۲۷، ترجمه جباران، انتشارات هجرت.

نیکی به پدر و مادر

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكَيْنِ وَلَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ خوش رفتاری با پدر و مادر، اگر چه مشرک باشند واجب است اما پیروی از آنان در امر حرام و گناه صحیح نیست»^۱.

شرح: یکی از زیباترین آموزه‌های دین اسلام نیکی به پدر و مادر است. رعایت حقوق والدین آن قدر مورد اهمیت این دین آسمانی است که در آیاتی از قرآن، پس از دعوت به توحید و پرستش خداوند و دوری از شرک، انسان‌ها را به رفتار نیک با پدر و مادر دعوت می‌کند.

مطالب مهم و ظریفی درباره‌ی نیکی به پدر و مادر وجود دارد که رعایت آن‌ها موفقیت‌های زیادی در طول زندگی برای انسان به ارمغان می‌آورد و به تعدادی اشاره می‌کنیم:

۱. در چهار آیه از سوره‌های مختلف قرآن (آیه‌ی ۱۵۱ سوره‌ی مبارکه‌ی انعام، آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی مبارکه‌ی نساء، آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء و آیه‌ی ۸۳ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره) بعد از مسأله‌ی توحید و دعوت به یگانگی و پرستش خداوند، نیکی به پدر و مادر سفارش شده است و این هم‌ردیف بودن می‌رساند که خداوند تا چه اندازه برای پدر و مادر ارزش قایل است.

۲. در برخورد و نوع سخن گفتن نباید صدای خود را بلندتر از صدای پدر و مادر بُرد.

۳. با آنان باید به نرمی و نیکی سخن بگوییم نه با تندى و فریاد.

۴. سخن تند، توهین‌آمیز، حرف‌های بی‌ادبانه یا به تعبیر قرآن «أف گفتن» در برابر پدر و مادر جایز نیست.

۵. باید مراقب باشیم که هنگام راه رفتن بر والدین سبقت نگیریم و حتی قبل از آنان ننشینیم.

۶. هر انسانی باید احسان به والدین را بی‌واسطه و به دست خود انجام دهد.

۷. فرزند در هر موقعیت و مقامی که باشد باید در مقابل والدین متواضع و فروتن باشد.

۸. در احسان به والدین، مسلمان یا خوش‌اخلاق بودن آنان شرط نیست؛ بلکه حتی اگر مشرک یا بداخلاق باشند، باز هم احترام و احسان به آنان لازم است.

۹. فرمانبرداری از پدر و مادر اگر چه لازم است؛ اما بنا بر فرمایش امام رضا علیه السلام



۱۵۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اگر در مسیر شرک و کفر و بر خلاف دستورات دین دستوری صادر کنند، نباید از آنان پیروی نمود.

۱۰. میان حکم و فرمان هر یک از پدر و مادر تفاوتی نیست.

ارتباط با خویشاوندان

امام رضا علیه السلام می فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُنْسَأَ فِي أَجَلِهِ وَ يُزَادَ فِي رِزْقِهِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ؛ کسی که دوست دارد عمر طولانی داشته باشد و روزی اش بیشتر گردد، صله‌ی رحم نماید و به خویشاوندانش رسیدگی کند»^۱.

شرح: نزدیک‌ترین افراد به انسان، خویشاوندان هستند؛ رابطه‌ی آنها با یکدیگر از نظر اسلام از مهم‌ترین وظایف اجتماعی و به عنوان یک وظیفه‌ی دینی تلقی می‌شود که هیچ قانون اخلاقی دیگری جایگزین آن نمی‌شود. محبت، تعاون و همکاری با خویشاوندان باعث نزدیک‌تر شدن افراد و نسبت‌ها به یکدیگر می‌شود.

صله‌ی رحم یک حرکت انسان‌دوستانه است که قرآن و روایات نسبت به آن اهمیت فوق‌العاده‌ای قایل شده است و فلسفه‌ی آن پیوند بزرگ اجتماعی مسلمانان است؛ چرا که همیشه برای اصلاح، تقویت و عظمت‌بخشیدن به یک اجتماع بزرگ از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و نیز اخلاقی و معنوی باید از واحدهای کوچک آغاز کرد و با اصلاح و تقویت خانواده‌ها، جامعه‌ی بزرگ مسلمانان نیز اصلاح و تقویت خواهد شد.

اخلاق

فروتنی

امام رضا علیه السلام می فرماید: «التَّوَّاضُعُ أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ؛ تواضع در برابر مردم آن است که آنچه را دوست داری دیگران به تو بدهند، تو به دیگران ببخشی!»^۲

شرح:

انسان دوست دارد اگر دیگران می‌خواهند چیزی به او بدهند؛ زاید بر زندگی، دورریختنی و فاسد نباشد؛ بلکه دوست‌داشتنی، زیبا، ارزشمند و قابل استفاده



۱۵۷

فصل
پنجم

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۴۴ و بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۹۱.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۲۴ و بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۳۵ و میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۵۰۳، ح ۲۱۵۳۵.

باشد. بنابراین شایسته است اگر او نیز می‌خواهد به دیگری چیزی بدهد؛ همین ویژگی‌ها را دارا باشد.

نیمی از عقل

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «التَّوَدُّدُ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ؛ محبت به مردم، نیمی از عقل انسان است»^۱.

شرح: بخشی از یک زندگی خوب و موفقیت‌آمیز، برخوردهای معقول و خردمندانه‌ی انسان در زندگی شخصی و در برابر افراد مختلف جامعه است. محبت می‌تواند نقش سازنده‌ای برای خود فرد و آرامش اجتماعی برای مردم داشته باشد و حتی از همیاری و همفکری آنان نیز استفاده نماید. محبت یک اصل کلی است که گاهی با برطرف کردن مشکل، گاهی با همفکری و مشاوره، گاهی با خوش‌زبانی و همدلی و گاهی با خوش‌رویی و مانند آن امکان‌پذیر است و این، همان معاشرت خوب با مردم است که نشانه‌ی خردمندی و عقل سلیم انسان است.



۱۵۸

و
ن
و
ر

دوست و دشمن

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «صَدِيقُ كُلِّ امْرِئٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ؛ دوست هر انسانی خرد او و دشمنش، نادانی اوست»^۲.

شرح: عقل ابزار تفکر و علم است. عقل می‌تواند ثمره‌ها و میوه‌های خوبی داشته باشد؛ انسان را به دانش برساند، از افراط و تفریط جلوگیری نماید و باعث شود تا همیشه سبز روح و سبزو و منشأ خیر باشد. انسان در مقابل چنین دوستی یک دشمن نیز دارد و آن، جهل و نادانی هر فرد است. نادانی می‌تواند ریشه‌ی هر بدی باشد و به فرد و جامعه آسیب برساند.

سه چیز مبعوض خداوند

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ وَ إِضَاعَةَ الْمَالِ وَ كَثْرَةَ السُّؤَالِ؛ خداوند جدال (قیل و قال) و از بین بردن مال و درخواست زیاد از دیگران را دشمن می‌دارد»^۳.

۱. تحف العقول، ص ۵۲۰ و بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۵.

۲. تحف العقول، ص ۸۰۴.

۳. تحف العقول، ص ۴۶۷.

شرح: در حدیث فوق سه چیز موجب خشم خداوند معرفی شده است:
۱. جدال در سخن: جروبحت و قیل و قال هنگام گفتگو که از آن تعبیر به «مراء» و «جدال» می‌کنند؛ باعث درگیری بین دو طرف و تحریک خشم و قوهی غضب انسان می‌شود.

۲. ضایع کردن اموال: بیهوده مصرف کردن و از بین بردن اموال یا اسراف، بی‌توجهی به نعمت الهی و در نتیجه کفران نعمت خواهد بود.

۳. درخواست از دیگران: برخی برای رفع نیازمندی خود شخصیتشان را در مقابل افراد دیگری که خود نیازمندند کوچک می‌کند و با مطرح کردن تقاضاهای غیرضروری نزد این و آن، خود را وابسته و نیازمند می‌سازند و شخصیت انسانی خویش را در هم می‌کوبند. هر درخواست مساوی است با سبک نمودن و خواری شخصیت انسان. درخواست باید از کسی باشد که بی‌نیاز کامل است و او خدا است؛ نه انسانی که تمام وجودش فقر محض می‌باشد.

طرح دوستی و برادری

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ اسْتَفَادَ أَخًا فِي اللَّهِ اسْتَفَادَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ؛ کسی که در راه خدا برادری به دست آورد، خانه‌ای در بهشت برای خود فراهم ساخته است».^۱
شرح: یکی از آداب اجتماعی اسلام انتخاب دوست و برادری باایمان در زندگی است.

دوست مؤمن به خاطر ایمان و اعتقادی که دارد خود را در برابر دیگری مسئول می‌داند، او را به نیکی تشویق می‌کند، از بدی باز می‌دارد، راهنمای اوست، خیانت نمی‌کند، به او ستم روا نمی‌دارد، فریبش نمی‌دهد، در سختی‌ها یاور خوبی است و به وعده‌ای که می‌دهد پایبند است. دیگر این که دوست و برادر باایمان با کارهای خویش، انسان را به یاد خدا می‌اندازد. در واقع صداقت و راستی را به طور کامل مراعات می‌کند؛ چنین دوستی باعث می‌شود انسان به سعادت و بهشت راهنمایی شود.

حیا و شرم

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ؛ حیا از نشانه‌های ایمان است».^۲
شرح: روابط اجتماعی بر اساس موازین خاص صورت می‌گیرد. سخن گفتن با یکدیگر،



۱۵۹

تشیخ
بهرشت

۱. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۲، ح ۶.
۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۳۹.

برخوردها، نوع پوشیدن لباس و... دارای قلمرو خاصی است که باید رعایت شود. به‌ویژه حیا و عفت در زنان از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا بیشتر در معرض طمع و تهاجم مردان فاسد قرار دارند به همین جهت باید در سخن گفتن، پوشش و حجاب خود، عفت و حیای کامل و لازم را رعایت نماید.

اندوه‌زدایی از قلب‌ها

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: مَنْ فَرَّجَ مِنْ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ مِنْ قَلْبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ هر کس که اندوهی از مؤمنی بگشاید، خداوند در روز قیامت، اندوه از قلبش بزداید.^۱ شرح: یکی از ویژگی‌های افراد بزرگ و شایسته این است که تنها به خود فکر نمی‌کنند و به فکر دیگران نیز هستند؛ به‌طوری‌که یکی از مهم‌ترین برنامه‌های آن‌ها گره‌گشایی از کار دیگران، برطرف کردن مشکلی از زندگی آنان، دلجویی، مدارا کردن و زدودن اندوه از قلب و چهره‌ی سایرین است. چنین افرادی دارای روحی بزرگ هستند. گره‌گشایی از کار دیگران ضمن این که بسیار ارزشمند است، آثار و ثمرات فراوان نیز دارد از جمله این‌که: روح انسان را شاداب و قلب دیگری را شاد می‌کند، جامعه‌ی اسلامی از وی راضی و به وجود چنین شخصی افتخار می‌کند.



۱۶۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گناه پنهان و آشکار

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: الْمُدْبِيعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ وَالْمُسْتَتِرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ؛ کسی که گناه را نشر دهد، مطرود است و آن‌که گناه را پنهانی انجام دهد، مشمول آمرزش الهی است.^۲

شرح: پاکی جامعه به پاکی انسان و فرزندان کمک می‌کند، همان‌گونه که آلودگی جامعه در خانواده سرایت می‌کند؛ بر همین اساس، اسلام ضمن آن‌که با ارتکاب گناه در پنهانی مخالف است، با ارتکاب گناه به طور آشکار و در محیط زندگی و جامعه با شدت بیشتری مخالفت و با آن مبارزه می‌کند؛ زیرا گناه فضای جامعه را مسموم و آلوده می‌کند و حرمت آن را از بین می‌برد.

حریم جامعه‌ی اسلامی و حفظ ظواهر آن اقتضا می‌کند که در برابر فساد سد ایجاد شود و از نشر گناه و تجاهر به فسق جلوگیری گردد تا محیط مسلمانان از آلودگی‌ها حفظ شود و سالم بماند.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰ و بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۲۱، ح ۸۸.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۲۸.

شرط مسلمان بودن

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «الْمُسْلِمُ الَّذِي يَسْلَمُ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ لَيْسَ مِنْهُ مَنْ لَمْ يَأْمَنْ جَارُهُ بِوَأْتِقَهُ؛ مسلمان کسی است که مسلمانان دیگر از زبان و دستش آسوده باشند و کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد، از ما نیست»^۱.

شرح: نزدیک‌ترین افراد پس از اعضای خانواده همسایه‌ی انسان است. اسلام برای همسایه جایگاه ویژه‌ای قایل است. از سوی پیشوایان دینی سفارش‌های زیادی بر خدمت کردن و احترام به همسایه رسیده است؛ تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام، ابوذر و سلمان دستور داد تا به مسجد بروند و با صدای بلند بگویند: کسی که همسایه‌اش از شر او در امان نباشد، ایمان ندارد.^۲

بنابراین وظیفه است که از حال همسایه باخبر شویم، در غم و شادی وی شرکت جوئیم و در مشکلات و نیازمندی‌ها او را یاری دهیم.

سپاسگزاری در برابر دیگران

امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعَمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ؛ کسی که از بندگان خدا در برابر چیزی که به او می‌بخشد سپاسگزاری نکند، سپاسگزار خداوند هم نیست»^۳.

شرح: قدردانی و سپاسگزاری در برابر کارهای نیک دیگران وظیفه‌ی هر انسان آگاه است و از نظر تربیتی در روح خود انسان و فردی که کار نیک انجام داده است آرامش روانی و تشویق به انجام کار نیک را به دنبال خواهد داشت. در آیات زیادی خداوند مردم را به شکر و سپاسگزاری دعوت می‌کند و روشن است زنده‌کردن حس شکرگزاری و قدردانی در مردم، موجب افزایش نعمت و آرامش روانی جامعه خواهد بود و سود آن به خود فرد نیز می‌رسد.

نظافت و آراستگی

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ التَّنَظُّفُ؛ نظافت و پاکیزگی، از اخلاق پیامبران است»^۴.

حس زیبایی یکی از مهم‌ترین ابعاد چهارگانه روح انسانی (حس نیکی، حس دانایی

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۶۶.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷.

۴. تحف العقول، ص ۵۱۹ و بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۵.



و حس مذهبی و حس زیبایی) است و روانشناسان معتقدند تمام زیبایی‌های ادبی، شعری، صنایع ظریف هنری و دستی و هر آنچه در زیر مجموعه هنر هست، مولود این حس می‌باشد.^۱

یکی از مصادیق زیبایی، پاکیزگی بدن و لباس است. امام هشتم علیه السلام در حدیث فوق، نظافت و پاکیزگی را از اخلاق پیامبران الهی دانسته اند، حتی در روایات آمده است که هرگاه آن امام بزرگوار برای ملاقات با مردم از منزل بیرون می‌آمدند، خود را آراسته می‌کرده و لباس زیبا می‌پوشیده‌اند.^۲

سکوت مهر آور

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الصَّمْتُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ إِنَّ الصَّمْتَ يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ؛ سکوت دری از درهای حکمت است، سکوت مهر و محبت آور است؛ چراکه بر هر نیکی راهنماست».^۳

شرح: سکوت و خاموشی نشانه‌ی خردمندی و عقل انسان است. موارد بسیاری است که انسان لب به سخن می‌گشاید اما سکوت برتر است. سکوت پشیمانی نمی‌آورد، انسان را به تفکر و تأمل وامی‌دارد و در بسیاری از موارد موجب ایجاد محبت در دل‌های دیگران است به طوری که آنان را جذب می‌کند و چه بسا به سکوت انسان غبطه می‌خورند.

منشأ بسیاری از گناهان نیز زبان است؛ دروغ، تهمت، غیبت، فحش و ناسزا گفتن، هرزه‌زبانی و... هر یک گناهی بزرگ و همه از آفات زبان است. به همین جهت امام هشتم علیه السلام سکوت را دری از درهای حکمت می‌دانند که موجب جلب محبت در دل‌ها و روی آوردن به راه‌های نیک است.

ثروت و انگیزه‌های جمع‌آوری آن

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَصَالِ خَمْسٍ: بِبُخْلِ شَدِيدٍ وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ وَ حِرْصٍ غَالِبٍ وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ وَ اِيْتَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ؛ مال جز با پنج خصلت در یک‌جا جمع نمی‌شود: بخل زیاد، آرزوی طولانی، حرص زیاد، قطع رحم و برگزیدن دنیا بر آخرت».^۴



۱. تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۵۰.
۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۷۸، ح ۱.
۳. تحف العقول، ص ۸۰۲.
۴. تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۶۸، ح ۷.

شرح: ثروت؛ سرمایه‌ی کار و فعالیت و پیشرفت زندگی است اما برخی تصور می‌کنند سعادت و برآورده‌شدن آرزوی آن‌ها تنها در اندوختن مال است، در حالی که در کنار آن‌ها افرادی نیازمند هستند که نیازشان با مقدار کمی سرمایه، همراه با کار و فعالیت برطرف می‌گردد یا افراد فقیری هستند که مشکل آن‌ها با انفاق حل می‌شود. دنیاطلبی، حرص و بخل از انگیزه‌های ثروت اندوزی است؛ زیرا علاقه‌ی زیاد به مال و ثروت و لذت‌بردن از زرق و برق درهم و دینار باعث می‌شود که انسان برای خود بتی به نام پول بسازد. نکته‌ی مهم این است که ثروت‌اندوزی بر اثر برخی صفات و انگیزه‌های ناشایست شکل می‌گیرد که باید از آن‌ها دوری جست.

کمک به ناتوان

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «عَوْنُكَ لِلضَّعِيفِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ؛ کمک به ناتوان، از صدقه‌دادن بهتر است»^۱.

شرح: هر جامعه‌ای دارای افراد متفاوت با ویژگی‌ها و استعدادهای مختلف است؛ برخی توانا، برخی ناتوان، برخی ثروتمند، برخی فقیر، برخی شجاع، برخی اهل بخشش، برخی بخیل و... هستند. این اختلافات باعث می‌شود تا زمینه‌ی نیاز انسان‌ها به یکدیگر فراهم آید و باعث شود تا انسان‌ها با یکدیگر همکاری داشته باشند. یکی از موارد همکاری که در روایت فوق آمده، کمک به ناتوان است. منظور از ناتوانی در این روایت، ناتوانی مالی نیست؛ زیرا حضرت مسأله‌ی صدقه را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند: «کمک کردن به ناتوان برتر از صدقه دادن است». در نتیجه ناتوانی جسمی و ناتوانی در برابر ستم ستمکار را نیز شامل می‌شود. پس انسان نباید با مشاهده‌ی ناتوانی‌ها، تماشاگر افراد ناتوان باشد؛ بلکه باید به یاری ناتوان‌ها بشتابد.

فلسفه‌ی احکام

فلسفه‌ی خواندن نماز

امام رضا علیه السلام درباره‌ی فلسفه نماز می‌فرماید: «لِأَنَّ فِي الصَّلَاةِ الْإِقْرَارَ بِالرُّبُوبِيَّةِ؛ نماز، اقرار به ربوبیت خداوند متعال است»^۲.



۱۶۳

تشیخ
تفسیر

۱. تحف العقول، ص ۴۷۰.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۰.



۱۶۴

ره توشه

شرح: بسیاری می پرسند ما چرا نماز می خوانیم و فلسفه‌ی خواندن نماز چیست؟ نماز یکی از بهترین مصداق‌های پرستش است؛ هم پرستش قولی است و هم پرستش عملی. پرستش قولی است؛ زیرا دارای اذکاری مانند قرائت سوره‌های مبارکه‌ی حمد و توحید، ذکر رکوع و ذکر سجود و تسبیحات می باشد و پرستش عملی است زیرا؛ دارای قیام، رکوع و سجود است، بنابراین پرستشی معنادار و باهدف است و انسان با این شکل از پرستش یعنی نماز، حقیقت بلکه حقایقی را ابراز می‌دارد.

یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های نماز، توجه به ابعاد معنوی آن و ارتباط با خداوند است. قرآن کریم یاد خدا را علت اقامه‌ی نماز می‌داند؛^۱ چرا که نماز اقرار به خضوع و خشوع در برابر معبودی بی‌نظیر است.

حکمت خواندن سوره مبارکه‌ی حمد در هر نماز

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَنْهَى لَيْسَ شَيْءٌ فِي الْقُرْآنِ وَ الْكَلَامِ جُمِعَ فِيهِ جَوَامِعُ الْخَيْرِ وَ الْحِكْمَةِ مَا جُمِعَ فِي سُورَةِ الْحَمْدِ؛ زیرا هیچ چیزی در قرآن و سخنان دیگر نیست که تمام خیر و حکمت در آن جمع شده باشد مانند آنچه در سوره‌ی حمد جمع شده است».^۲

شرح: چرا در هر نماز باید سوره‌ی مبارکه‌ی حمد را بخوانیم و هیچ سوره‌ی دیگری جایگزین آن نمی‌شود؟ در توضیح باید گفت این سوره در میان سوره‌های قرآن کریم از نظر محتوا، آهنگ و تأثیر روحی و روانی درخشش فوق‌العاده‌ای دارد.

در روایات آمده است که سوره‌ی مبارکه‌ی حمد؛ اساس قرآن است،^۳ همچنین آمده است که در هیچ کتاب آسمانی دیگری نظیر تورات، انجیل یا زبور مانند این سوره نازل نشده است.^۴

با نگاهی به هدف و محتوای سوره‌ی مبارکه‌ی حمد، روشن می‌شود که مهم‌ترین اهداف سوره‌های دیگر در این سوره آمده است و آن، اثبات ربوبیت و عبودیت است که هدف اساسی قرآن نیز همین است.^۵

به همین جهت خداوند این سوره را با حجم کوچک خود در برابر تمام قرآن قرار داده است؛ زیرا می‌فرماید: «ای پیامبر! ما به تو «سبع‌المثانی» - یعنی سوره‌ی

۱. می‌فرماید: «اقم الصلوة لذكرى»؛ (طه، ۱۴).

۲. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۴.

۳. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳ و مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۸۷.

۴. مجمع‌البیان، همان.

۵. همان.

مبارکه‌ی حمد که هفت آیه است - و قرآن داده‌ایم»^۱.

ویژگی دیگر این سوره این است که تبلوری از ارتباط بدون واسطه میان انسان و خداست؛ جمله‌های زیبای آن مانند: «خدایا! تنها تو را می‌پرستم و تنها از تو یاری می‌خواهم! ما را به راه راست هدایت نما!» تعبیراتی است که انسان را به طور کامل به خداوند نزدیک می‌کند، به‌ویژه این‌که انسان آن را به طور مکرر در شبانه‌روز تکرار نموده و از این طریق، رابطه‌ی خود را با خدا قوی‌تر می‌نماید.

این سوره، اساساً با سوره‌های دیگر از نظر لحن و آهنگ، تفاوتی روشن دارد؛ زیرا سوره‌های دیگر همه به عنوان سخن خداست اما این سوره از زبان بندگان است و در آن، خداوند شیوه‌ی مناجات و سخن گفتن با خود را به بندگان می‌آموزد.^۲

تلاوت این سوره با محتوای بزرگش، آثار زیر را در بردارد:

۱. باعث نزدیکی انسان به خدا می‌شود.
 ۲. روح ایمان را در انسان تقویت می‌کند.
 ۳. باعث اتکا و اعتماد انسان به خداوند یگانه می‌شود.
 ۴. اراده‌ی انسان را نیرومند و تلاش او را برای اعمال صالح و امور دین بیشتر می‌کند.
- میان گناه و انحراف فاصله می‌اندازد.

چرا ارث زن نصف مرد است؟

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «عَلَّةُ اعْطَاءِ النِّسَاءِ نِصْفُ مَا يُعْطَى الرَّجَالَ مِنَ الْمِيرَاثِ لِأَنَّ الْمَرْأَةَ إِذَا تَزَوَّجَتْ أَخَذَتْ وَ الرَّجُلُ يُعْطَى فَلِذَلِكَ وَفَّرَ عَلَيَّ الرَّجَالُ؛ علت این که سهم زنان نصف سهم مردان از ارث است این است که زن هنگامی که ازدواج می‌کند، مخارج و هزینه‌ی زندگی خود را می‌گیرد و مرد می‌پردازد و به همین علت، سهم بیشتری به مردان داده شده است»^۳.

شرح: از نظر اسلام هر یک از زن و مرد ارث می‌برند اما ارث زن نصف ارث مرد است. اسلام این نظریه را در عصری مطرح کرده است که مردم طبق سنت‌های جاهلی هیچ ارزشی برای زن قایل نبودند و زن به‌طور کلی از ارث

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، صص ۳۹ و ۴۰ و البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، صص ۹۹ و ۱۰۰، ح ۱ و ۳ و ۵ و التهذیب، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲.

۳. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۵.



محروم بود و هیچ گونه استقلالی نه از نظر اجتماعی و نه اقتصادی و نه سیاسی و... نداشت. اسلام در ابعاد مختلف به زن ارزش داد، مسأله‌ی ارث زن و حقوق اقتصادی وی را مطرح کرد و به زن استقلال در مالکیت داد و علت این که نفقه و مهریه لزوماً بر عهده‌ی مرد گذاشته شده به خاطر توانایی، روحیات اجتماعی، طبیعت جسمی و ملاحظات روحی و روانی خاص مرد و زن است.

شرط امر به معروف و نهی از منکر

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ إِذَا امْكَنْ وَ لَمْ يَكُنْ خَيفَةً عَلَى النَّفْسِ؛ امر به معروف و نهی از منکر دو واجب الهی است، در صورتی که ممکن باشد و ترس از ضرر جانی در آن نباشد»^۱.

شرح: جامعه‌ی مطلوب، جامعه‌ای است که در آن نظارت و کنترل باشد. جامعه‌ای که بدون هدف در مسیر فساد حرکت کند، نتیجه‌اش تباهی و نابودی است؛ زیرا با رواج گناه و فساد منجر به تکذیب حقایق، گسترش باطل، جهالت و حاکمیت ظالمان و اهل باطل بر مردم خواهد شد. به همین جهت، امر به معروف و نهی از منکر سبب کنترل جامعه از گناه و فساد می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر دو مرحله دارد؛ یکی مرحله‌ی فردی که وظیفه‌ی عموم مردم است و هر فرد موظف است به تنهایی ناظر اعمال دیگران باشد و دیگری مرحله‌ی دسته‌جمعی که امتی موظف‌اند برای پایان دادن آلودگی‌ها و نابسامانی‌های اجتماع، دست به دست هم دهند و با یکدیگر تشریک مساعی داشته باشند.

فقر، مانع ازدواج نیست.

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِذَا خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيَتْ دِينَهُ وَ خَلَقَهُ فَرَوْجُهُ وَ لَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ وَ فَاقْتَنَهُ وَ إِنْ خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيَتْ دِينَهُ وَ خَلَقَهُ فَرَوْجُهُ وَ لَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ وَ فَاقْتَنَهُ؛ وقتی مردی به خواستگاری می‌آید و اخلاقش رضایت‌بخش بود، دخترت را به ازدواج او در بیاور؛ فقر و نداری وی تو را از این کار منع نکند»^۲.

شرح: در روایت فوق امام رضا علیه السلام به دو شرط اساسی برای مرد اشاره می‌کند که دختران باید هنگام ازدواج با همسر دلخواه خود، این دو شرط را مد نظر



۱۶۶

ره‌نوشته

۱. عبون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۳.
۲. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۷۲ و میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۸۰، ح ۷۸۵۰ و فقه الرضا علیه السلام، ص ۲۳۷.

داشته باشند؛ یکی دین‌داری و دیگری اخلاق نیک. مرد دین‌دار، زندگی خود را بر اساس قوانین خوب و زیبایی دین اداره می‌کند، مرد دین‌دار به همسرش ستم نمی‌کند، غذای حرام در زندگی خود وارد نمی‌کند، خیانت نمی‌کند، همسرش را فریب نمی‌دهد و حقوق همسر خود را بر اساس موازین دینی رعایت می‌کند، اما از آن‌جا که تنها دین‌داری کافی نیست؛ حضرت اشاره می‌فرمایند که مرد زندگی باید اخلاق خوب نیز داشته باشد. چه بسا فردی دین‌دار باشد اما بد اخلاق باشد که در این صورت، این مرد برای زندگی خوب و همیشگی زجرآور خواهد بود.

شراب، منشأ فساد

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ الْخَمْرَ لِمَا فِيهَا مِنَ الْفَسَادِ وَ بُطْلَانِ الْعُقُولِ فِي الْحَقَائِقِ وَ ذَهَابِ الْحَيَاءِ مِنَ الْوَجْهِ... وَ هُوَ يُورِثُ مَعَ ذَلِكَ الدَّاءَ الدَّفِينِ؛ خداوند شراب را حرام کرد برای آن‌که منشأ فساد اجتماعی است و عقل را از درک حقایق باز می‌دارد، حیا را از روی شرابخوار می‌برد (و در مواجهه‌ی با دیگران شرم نمی‌کند) و با این‌همه، باعث بیماری نهانی در اعضای داخلی بدن می‌شود»^۱.

شرح: یکی از گناهان قطعی و محرمات در دین اسلام خوردن شراب است که در آیات و روایات به عنوان «خمر» آمده است. «خمر» در اصل به معنای پوشش است و در اصطلاح شرعی به هر مایع مست‌کننده‌ای گفته می‌شود، خواه از انگور، کشمش، خرما یا چیز دیگر و یا از هر نوع مشروب الکلی باشد. به طور کلی مشروبات الکلی زبان‌های فراوانی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

زبان به عمر انسان: طبق آمارهایی که از کشورهای غربی رسیده، حد متوسط عمر معنادان به الکل بین ۳۰ تا ۵۰ سال است.

زبان اخلاقی: در شخص الکلی با خوردن مشروبات الکلی عاطفه‌ی خانوادگی، محبت نسبت به همسر و فرزندان و تعاون و همکاری در جامعه، یا به طور کلی از بین می‌رود و یا این ویژگی‌ها در او ضعیف می‌شود.

زبان رساندن به نسل‌ها: انعقاد نطفه در حال مستی باعث انتقال عوارض الکلیسم



۱۶۷

بیت

۱. الکافی، ج ۶، ص ۴۰۵ و مستدرک الوسائل ج ۳، ص ۱۳۷ و مشابه این روایت در عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۰۵، ج ۲ آمده است.

و برخی بیماری‌های مزمن به فرزند می‌شود و اگر زن و مرد هر دو مست باشند تا صد درصد عوارض و بیماری‌های حاد به فرزندان منتقل خواهد شد.

زیان اجتماعی: ضرب و جرح، سرقت‌ها و جرایم جنسی مربوط به الکلی‌ها بیش از دیگران می‌باشد.

زیان اقتصادی: خرید و فروش شراب اگرچه برای کمپانی‌ها و بسیاری از دولت‌های غربی سودهای هنگفت به همراه دارد، اما خسارت‌های ناشی از آن بسیار زیادتر از این سودهاست.



۱۶۸

نیمه ملی
پهشت

حکایت

نامه طلایی امام رضا علیه السلام
یعقوب علی برجی

پیش‌گفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

بهداشت و سلامت از دغدغه‌های اساسی بشر در طول تاریخ بوده و هست و خواهد بود، بنابراین اگر بهداشت و سلامت انسان در خطر قرار گیرد، گویا همه فعالیت‌های انسان در معرض خطر قرار گرفته است. از این رو انسان به بهداشت و درمان خود اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌دهد. این مسأله‌ی مهم مورد توجه دین و رهبران الهی نیز قرار گرفته است. از این رو می‌بینیم که قرآن کریم در مورد بهداشت و درمان به اصول کلی بهداشت مثل: لزوم استفاده از غذاهای پاک و پاکیزه^۱ و پرهیز از اسراف در غذا خوردن و آشامیدن^۲ اشاره کرده و به خواص درمانی برخی غذاها مثل عسل مستقیماً اشاره کرده است.^۳

در روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام نیز به بهداشت و سلامت انسان توجه شده است که این گونه احادیث آنان تحت عنوان «احادیث طبی» گردآوری شده است.^۴

از جمله آن‌ها «رساله ذهبیه» امام رضا علیه السلام است که گاهی تحت عنوان طب الرضا علیه السلام منتشر می‌شود. اما برای فهم این احادیث و استفاده از آن‌ها لازم است به چند نکته اساسی توجه کنیم.



۱۷۰

صحیفه‌ی صحیح

۱. کُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ؛ (بقره، ۱۷۲).

۲. وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا؛ (اعراف، ۳۱).

۳. فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ؛ (نحل، ۶۹).

۴. رک: الاحادیث الطبیة، محمد محمدی ری شهری و نیز کتاب‌هایی که تحت عنوان طب النبی صلی الله علیه و آله، طب الصادق علیه السلام و... منتشر می‌شود که از مهم‌ترین آن‌ها «الطب النبوی» ابن جوزیه (۶۴۱ ق) و «رساله ذهبیه» امام رضا علیه السلام است.

فصل اول: کلیات

اول: لزوم توجه به هدف دین و امامت:

هدف اساسی دین و قرآن، هدایت مردم است^۱ ولی به عنوان هدف فرعی مقدماتی به مسایل بهداشت و درمان پرداخته است، اگر سلامت جسم انسان تأمین نشود، زمینه فعالیت علمی، دینی، اجتماعی و سیاسی او فراهم نمی‌شود.

هدف اساسی امامان معصوم علیهم‌السلام نیز همان هدف دین و قرآن کریم است. یعنی برای هدایت مردم به سوی خدا تلاش می‌کنند، ولی در همین راستا گاهی با درخواست مردم، توصیه‌های بهداشتی و درمانی می‌نمایند؛ تا ره صد ساله عقل و علم را یک روزه طی کنند، و از خزانه‌ی علم الهی برخی از اصول و قوانین و اسرار پزشکی را دریافت و عمل کنند.

پس هر چند علم ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام گستره‌ای وسیع دارد^۲ ولی هدف امامان آن نیست که جزئیات علوم پزشکی و غیر آن را برای ما بیان کنند، که هر علم متخصص خود را دارد، بشر به صورت طبیعی رشد علمی خواهد کرد و بسیاری از اسرار طبیعت و بدن خود را کشف می‌کند و به علل بیماری‌ها و رمز پیشگیری از آنها دست می‌یابد. پس توصیه‌های بهداشتی و درمانی پیامبر و ائمه اطهار علیهم‌السلام از باب فضل به مردم است.

نامه طلایی (رساله ذهبیه) امام رضا علیه‌السلام نیز به درخواست مأمون در مورد مسایل بهداشتی و سلامت و درمان به رشته تحریر در آمد. این نامه با نام خدا شروع می‌شود و بعد از تمسک به عنایت الهی، مسایل پزشکی را به عنوان سنت‌های الهی بیان می‌کند.

«بسم الله الرحمن الرحيم، اعتصمت بالله، و اعلم ان الله عزوجل لم يبتل الجسد بداء حتى جعل له دواء يعالجه و...»^۳

دوم: لزوم توجه به نقش زمان، مکان و مخاطب در فهم احادیث:

احادیث طبی از چند جهت قابل تقسیم و بررسی است:

الف: احادیثی که اصول کلی بهداشت و درمان را بیان می‌کند:

۱. شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ؛ (بقره، ۱۸۵).

۲. در مورد علم ائمه اطهار علیهم‌السلام و گستره‌ی آن ر.ک: بصائر الدرجات، ص ۱۴۷ و بحار الانوار، ج ۲۶، صص ۱۸ تا ۱۱۰.

۳. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶ (رساله ذهبیه).



در رساله ذهبیه از امام رضا علیه السلام نقل شده که فرمودند: «سلامت و بیماری بدن وابسته به غذای آن است».

و نیز:

«آب سرد بعد از غذای گرم ننوشید»^۱.

این گونه احادیث همانند اصول کلی بهداشت و درمان که در قرآن آمده (مثل: لزوم پرهیز از اسراف و شفا بودن غسل) قابل استفاده برای همگان است. ولی در این مورد نیز باید توجه داشته باشیم که هر اصل و قاعده کلی بهداشتی و درمانی، همیشه موارد استثناء دارد. چرا که جزئیات ترکیبات بدن همه افراد بشر همواره یکسان نیست. بلکه گاهی افراد ویژگی‌های خاص دارند. در مورد غسل نیز همین گونه است یعنی قاعده کلی که در مورد شفا بودن غسل در قرآن بیان شده است^۲ در مورد غالب مردم و اکثر غسل‌ها صحیح است. اما گاهی ممکن است کسی به یک نوع غسل حساسیت داشته باشد یا یک نوع خاص غسل در اثر سهل‌انگاری زنبورها یا زنبورداران آلوده شده باشد. بنابراین آن نوع خاص غسل زیان‌آور خواهد بود. همان طور که امام رضا علیه السلام در «رساله ذهبیه» به چند قسم از غسل‌های زیان‌آور اشاره فرموده است و آن‌ها را سم‌کشنده معرفی کرده‌اند.^۳

در مورد قواعد کلی که در رساله ذهبیه آمده نیز به همین صورت است یعنی ممکن است قاعده «وابستگی سلامت و بیماری بدن به غذای آن» در مورد برخی افراد استثناء داشته باشد. مثلاً شخصی بیمار شود اما بیماری او ناشی از ناراحتی‌های روحی و عصبی باشد نه غذا.

ب: احادیثی که موارد خاص را بیان می‌کند. (احادیث فی الواقعه):

برخی از احادیث مسایل بهداشتی یا درمانی را نسبت به فرد خاص بیان می‌کند. یعنی امام علیه السلام دارویی را برای مخاطب خاص توصیه می‌کند. و یا با توجه به مناطق گرمسیر یا سردسیر تجویز می‌کنند. این گونه احادیث در حقیقت مثل نسخه‌های پزشک است که برای دیگران چندان قابل اجراء و عمل نیست. چون قواعد و اصول کلی را بیان نمی‌کند و تشخیص این که افراد و موارد از چه جهاتی مورد توجه امام علیه السلام بوده‌اند غالباً روشن نیست تا بتوان به موارد مشابه تسری داد.



۱۷۲

صحبته و صحاح

۱. همان.

۲. فیہ شفاءً للأنس؛ (نحل، ۶۹).

۳. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶ (رساله ذهبیه).

برای مثال در موارد متعددی نقل شده که فردی گرفتار سردرد یا زکام یا ضعف دید چشم و درد شکم بود و به امام صادق علیه السلام مراجعه کرده و حضرت داروها یا دستورات درمانی به آن‌ها داده‌اند.^۱

روشن است که این گونه موارد قابل تسری به دیگران نیست چون از باب نسخه پزشکی است که دستورات درمانی جزئی برای فردی خاص بیان می‌کند که خصوصیات بیمار حاضر و منطقه آب و هوایی و... لحاظ شده است. به این گونه احادیث در علوم حدیث «احادیث فی الوقعه» گویند که قابل استناد و استنباط مطلب برای دیگران نیست.

ج: مطالب طبی که بر اساس ادبیات پزشکی عصر خاص بیان شده است. برخی مطالب که در احادیث طبی ائمه علیهم السلام بیان شده است بر اساس ادبیات پزشکی آن عصر بیان شده است.

برای مثال در عصر ما اگر پزشکی بخواهد از حالات یک بیمار گزارش بدهد، به فشار خون، گروه خونی، ترکیبات بدن که در آزمایش خون و ادرار به دست آمده است و... را بیان می‌کند، و از نام داروها و ترکیبات شیمیایی مواد غذایی و خواص آن‌ها سخن می‌گوید.

ولی پزشکان قدیم از صفراء، سوداء، بلغم و... سخن می‌گفتند. همان طور که سردی و گرمی غذاها را بیان می‌کردند و گاهی از ماه‌های رومی و فصول سال نام می‌بردند. یعنی نظام پزشکی و اصطلاحات خاص خود را داشتند.

حال اگر کسی بخواهد در هر عصر دستورات بهداشتی و درمانی بیان کند لازم است ادبیات پزشکی آن عصر را لحاظ کند و گرنه مخاطب او مطلب را به خوبی دریافت نمی‌کند.

پس کاربرد این اصطلاحات به معنای تأیید همه لوازم پزشکی آن‌ها نیست. از این روست که می‌بینیم در رساله ذهبیه امام رضا علیه السلام و احادیث طبی دیگر گاهی از این اصطلاحات برای بیان توصیه‌های بهداشتی و درمانی استفاده شده است.

و حتی از امام رضا علیه السلام نقل شده که در مذاکره‌ای که قبل از نگارش رساله ذهبیه با مأمون و دانشمندان داشته است فرمودند:^۲
نزد من نیز تجربیات و اطلاعاتی هست که بر اثر مرور زمان و آزمایش‌های



۱۷۳

صحبتهای صحیح

۱. طب الرضا علیه السلام و طب الصادق علیه السلام، صص ۲۴۹ تا ۲۵۱.

۲. طب الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی نصر الدین امیر صادقی، ص ۱۴.

گوناگون به صحت و درستی آنها یقین کرده‌ام به اضافه آنچه از گذشتگان بر آن توفیق یافته‌ام از چیزهایی که انسان نمی‌تواند آنها را ندیده بگیرد و متروک بگذارد، ولی آنها را به صورت یک کتاب جمع آوری خواهم کرد.

سوم: لزوم بررسی سندی و محتوایی احادیث طبی:

هرگاه جنس گرانمایی در بازار عرضه شود، شبان تلاش می‌کنند که بدل آن را بسازند و طلای تقلبی را به عنوان طلای اصلی به مردم عرضه کنند تا سودجویی نمایند. احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام: نیز هم چون طلایی است که در بازار اندیشه عرضه شده و افرادی تلاش کرده‌اند که با ساختن احادیث جعلی، به اعتبار آنها ضربه بزنند یا سودجویی کنند. از این رو لازم است احادیث طبی از نظر سند و محتوا بررسی شود.

لازم به یادآوری است که بعد از احراز صحت سند حدیث، بر اساس قواعد فقه الحدیث، هر حدیثی با محکمت چهارگانه مخالفت داشته باشد، کنار گذاشته می‌شود. یعنی معیارهای نقد محتوایی احادیث عبارتند از:

الف: مخالفت با قرآن کریم

ب: مخالفت با سنت قطعی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام:

ج: مخالفت با عقل (برهان‌های قطعی عقل)

د: مخالفت با یافته‌های علمی قطعی.

بنابراین هر کدام از احادیث طبی که از نظر سند ضعیف باشد یا از نظر محتوایی مشکل داشته باشد کنار گذاشته می‌شود.

آیه الله محمدی ری شهری با تقسیم احادیث طبی به سه دسته اعجازهای درمانی پیشوایان دینی با اذن الهی، احادیث مربوط به پیشگیری بیماری‌ها و احادیث درمان بیماری‌ها (شامل درمان خواستن به وسیله دعا و قرآن و یا درمان از طریق دارو) عوامل مطرح شده در احادیث را علت تامه نمی‌داند و توصیه می‌کند داروهای مطرح شده در احادیث قبل از بررسی در آزمایشگاه مورد عمل قرار نگیرد.^۱

چهارم: سند نامه طلایی امام رضا علیه السلام «رساله ذهبیه»

نگارش نامه طلایی امام رضا علیه السلام (رساله ذهبیه) داستانی دارد و با سندهای مختلف نقل شده است در این‌جا نخست داستان نگارش آن را از مقدمه‌ی علامه عسگری



۱۷۴

صحنه‌ی سخن

۱. دانشنامه‌ی احادیث پزشکی، محمدی ری شهری، ج ۱، صص ۱۸ تا ۲۳ با تلخیص.

در مورد رساله ذهبیه نقل می‌کنیم:^۱

در اوایل قرن سوم هجری، هنگام خلافت بنی عباس که در تاریخ اسلام به قرن طلایی معروف است، مأمون یکی از خلفای عباسی در خراسان عهده‌دار خلافت شد و حضرت رضا علیه السلام از آل محمد صلی الله علیه و آله را به ولایت‌عهدی برگزید ایشان ضمن انجام امور مسلمانان، طبق دستور خلیفه انجمنی از بزرگان علم در نیشابور تشکیل دادند، در یکی از مجالس علمی که مأمون دانشمندترین خلیفه عباسی آن را بیشتر برگزار می‌کرد دستور داد علمای بزرگ آن زمان را از نقاط مختلف در آن جلسه حاضر کنند تا در حضور آنان در دریای علوم و معارف آن زمان شناور شوند و غوامض آن علوم را آشکار نمایند و حقایق آن‌ها را کشف کنند.

هدف مأمون این بود که می‌خواست برای پی بردن به حقایق علمی رغبت علما را به بحث و جدل زیاد کند و ضمناً به واسطه‌ی جمع کردن دانشمندان مشهور آن زمان نام خود را هم در اطراف و اکناف جهان معروف کند.

برخی مجالس علمی را از سلسله فلاسفه و علمای علم پزشکی تشکیل می‌داد تا آن‌ها در این مجالس درباره مزاج‌های مختلف انسان و طب ابدان بحث کنند و حاضرین در این مجالس عبارت بودند از:

۱. مأمون خلیفه عباسی
۲. حضرت امام رضا علیه السلام ولیعهد خلیفه
۳. یوحنا فرزند مالویه طبیب معروف آن زمان
۴. جبرئیل فرزند بختیشوع پزشک نصرانی
۵. صالح فرزند سلهمه هندی فیلسوف و عده دیگری از صاحبان علوم فلسفه نظری و کلام.

در این مجالس درباره علم پزشکی و از آن‌چه که سلامتی و قوام بدن انسان به آن بسته است بحث می‌کردند و این بحث‌ها مأمون و سایر حاضرین در جلسه را مشغول می‌کرد.

در یکی از جلسات بحث بر این بود که خداوند این جسد آدمی را چگونه و با چه حکمتی ترکیب داده و چه عناصر متضادی از طبایع چهارگانه «سودا، صفرا، بلغم و خون» در آن جسد قرار داده، همچنین درباره نفع و ضرر غذاها به بدن آدمی بحث می‌کردند، در این میان حضرت امام رضا علیه السلام ساکت بودند و سخنی نمی‌گفتند.

لذا مأمون رو به حضرت گفت ای ابو الحسن نظر شما در باره مسائلی که در

۱. طب الرضا علیه السلام و طب الصادق علیه السلام، ترجمه‌ی کاظمی خلخالی، صص ۱۳ تا ۱۶.





۱۶۶

صحیفه ی صحیحین

این جلسه مطرح شده چیست؟ حضرت پاسخ دادند نزد من درباره علم طب و ابدان چیزهایی هست که من شخصاً آن‌ها را تجربه کرده‌ام و درستی آن‌ها را به وسیله آزمایش به مرور زمان دریافته‌ام.

ضمناً به اطلاعاتی که گذشتگان ما در این باره داشته‌اند آگاهم چون دانستن همه این‌ها برای هر انسانی لازم است و در جهل آن‌ها عذر کسی مسموع نیست من این مسائل را با معلومات خود برای تو جمع آوری می‌کنم تا هنگام نیاز از آن‌ها استفاده کنی.

پس از خاتمه آن جلسه مأمون ناچار به مسافرت به شهر بلخ شد و از شهر بلخ نامه‌ای درباره مسائل پزشکی نوشت و از حضرت خواست که به وعده خود وفا کند. حضرت هم نامه‌ای به شرح زیر در پاسخ مأمون نوشت که در آن موارد درخواست مأمون تشریح شده است.

نامه طلایی امام رضا علیه السلام (رساله ذهبیه) در حدود سال ۲۰۱ هجری قمری برای مأمون نوشته شد. مأمون آنقدر از نامه امام رضا علیه السلام خشنود شد و به نظرش جالب آمد که دستور داد آن را با آب طلا بنویسند از این رو این نامه به نام نامه طلایی (رساله ذهبیه یا مذهبه) معروف شد.^۱

سند مشهور «رساله ذهبیه» این‌گونه نقل شده است:^۲

رساله ذهبیه یا مذهبه به اسناد مختلفی در کتاب‌های روایات نقل شده از جمله موسی بن علی بن جابر سلامی گوید که استاد بزرگوار ما سدید الدین یحیی بن محمد بن علیان خازن می‌فرمود ابو محمد حسن بن جمهور برای من نقل کرد که پدرم از ملازمان خاص حضرت علی بن موسی الرضا و اکثراً در خدمت او و از احوالش باخبر بود از جمله در سفر از مدینه به خراسان ملازم خدمت بود تا وقتی که حضرت در طوس شهید شد می‌گفت: زمانی مأمون به نیشابور مجلسی ترتیب داد و از حضرت رضا علیه السلام و جماعتی از اطباء و فلاسفه دعوت کرد از جمله یوحنا بن ماسیوه و جبرئیل بن بختیشوع و صالح بن سلهمه هندی حضور یافتند، سخن از هر جانب به میان آمد تا به رشته‌ی طب و معالجات بدن کشید.

پنجم: گزارشی از محتوای نامه طلایی امام رضا علیه السلام:

رساله امام رضا علیه السلام که یکی از نوادر زمان خود می‌باشد در بیان مطالب بسیار شیوا و رساست و شامل نصایح طبی گرانمایی است که اگر هر عالمی از علمای

۱. طب الرضا علیه السلام، ترجمه نصر الدین امیر صادقی، ص ۱۴.

۲. همان، ص ۱۳.

طب بخواد این رساله را تشریح کند و یا تعلیقی بر آن بنویسد، مسلماً بر تألیف چندین کتاب پر حجم نیازمند خواهد شد باز هم نخواهد توانست حق مطالب دقیق این رساله را ادا کند و این رساله پر مغز و علمی به طور اختصار شامل تعدادی از علوم طبیعی مانند:

۱. علم تشریح
۲. علم زیست‌شناسی
۳. علم وظایف الاعضاء (فیزیولوژی)
۴. علم امراض و پاتولوژی
۵. علم حفظ بهداشت و علم پیش‌گیری
۶. علم غذاها
۷. علم شیمی^۱

ششم: فواید یادآوری و توجه به احادیث طبی:

احادیث پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام: میراث گرانبغی است که به دست ما رسیده است و لازم است در شناخت، پالایش و استفاده صحیح از آن‌ها بکوشیم. این احادیث فواید و تأثیرات زیادی دارد از جمله:

۱. فایده عملی:
برخی از این احادیث اصول و قواعد کلی بهداشت و درمان را بیان می‌کند که عمل به آن‌ها زمینه‌ساز سلامت انسان است.
برخی از این دستورات و توصیه‌ها، در عصر ما نیز مورد تأکید پزشکان قرار گرفته است. مثل آداب غذا خوردن، آداب خواب و مسافرت، حجامت و ...
۲. فایده اعتقادی:

برخی از این احادیث در حد شگفتی یا اعجاز علمی است یعنی در بردارنده مطالبی است که قرن‌ها بعد از عصر ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام: در علوم پزشکی کشف شده است، و به صورت طبیعی در آن عصر در دسترس علم بشر نبوده است.

۳. نظریه‌پردازی‌های علمی:^۲
برخی از این احادیث پیشگویی‌های علمی است که هنوز کشف نشده است. یعنی ممکن است برخی احادیث طبی به اسرار از غذاها و بدن انسان و ... اشاره می‌کند



۱. طب الرضا و طب الصادق، ترجمه‌ی کاظمی خلخالی، صص ۳۲ و ۳۳.

۲. اصطلاح نظریه‌پردازی در این مورد با تسامح به کار می‌رود و گرنه احادیث حقایق علمی را بیان می‌کنند نه نظریه را.

که هنوز پزشکان عصر ما بدان‌ها دسترسی پیدا نکرده‌اند.

هفتم: رابطه‌ی احادیث طبی و اعتقادات:

احادیث معتبر اسلامی که در حوزه‌ی اصول عقاید باشد از باب ارشاد نسبت به دلایل عقلی پذیرفته می‌شود، و احادیث معتبری که در باب احکام و جزئیات عقاید (مثل جزئیات معاد و عرش و کرسی و...) بیان شود مورد قبول و تعبد واقع می‌شود و در حوزه احکام بدانها عمل می‌شود. ولی احادیثی که در حوزه‌ی طبیعی، کیهان‌شناسی، پزشکی و مانند آن‌هاست اگر معتبر باشد در صورتی که مخالف معیارهای نقد محتوایی حدیث (مخالفت با قرآن، و سنت، عقل و علم قطعی) نباشد پذیرفته می‌شود. و اصولاً در این حوزه تعبد راه ندارد، بلکه این‌گونه احادیث یا حقایق علمی مربوط به بدن انسان و جهان را بیان می‌کند یا پیشگویی‌های علمی است که هنوز علم آن‌ها را کشف نکرده است و در هر صورت هرگاه یکی از این احادیث با واقعیت خارجی مطابقت نداشت تعبد به آن لازم نیست.^۱



۱۷۸

صحیفه‌ی صحیح

هشتم: مفهوم‌شناسی بهداشت و سلامت و درمان:

الف: بهداشت:

بهداشت از دو کلمه «به» به معنای صفت «خوب» و «داشت» مصدر مرخم «داشتن» ترکیب شده است. بهداشت در لغت به معنای نگاه داشتن تندرستی، حفظ صحت و وسیله‌های نگاهداری سلامت است.^۲ و معادل انگلیسی آن «Hygiene» است.

از نظر اصطلاحی تعریف‌های متعددی از «بهداشت» شده است، از جمله کمیته متخصصان بهداشت جهانی بهداشت را این‌گونه تعریف کرده‌اند:

«علم و هنر پیشگیری از بیماری، افزایش طول عمر، ارتقای سلامت و کارایی از طریق تلاش‌های سازمان یافته اجتماعی برای بهسازی محیط زیست، مبارزه با بیماری‌های عفونی قابل انتقال، آموزش بهداشت فردی به افراد، سازمان‌دهی خدمات پزشکی و مراقبتی برای تشخیص سریع بیماری و درمان پیشگیرانه بیماری و ایجاد نظام اجتماعی برای تضمین یک استاندارد زندگی مناسب برای حفظ سلامتی و در نتیجه سازمان‌دهی این مزایا، به تربیتی که شهروندان را قادر به

۱. تفسیر تسنیم، ج ۱، صص ۱۵۶ و ۱۵۸.

۲. لغت‌نامه‌ی دهخدا، ج ۴، واژه‌ی بهداشت.

درک حقوق مسلم بهداشتی و عمر طولانی سازد»^۱.

ب: سلامت:

واژه‌ی سلامت به معنای تندرستی و مترادف کلمه «Health» است و طبق تعریف سازمان جهانی بهداشت، سلامت فقط نبود بیماری یا معلولیت نیست بلکه عبارت از رفاه کامل جسمی، روانی و اجتماعی می‌باشد.^۲ بنابراین انسان سالم، انسانی است که از نظر جسمی سالم و از نظر فکری بی‌عیب و از لحاظ روانی شاد و از نظر اجتماعی فعال و از نظر سیاسی آگاه و از نظر اقتصادی مولد و از نظر فرهنگی مسئول باشد.^۳

ج: درمان:

بیماری حالتی ناخوشایند و دارای نشانه‌های مشخص است که ممکن است همه یا قسمتی از بدن را فراگیرد.^۴ و عواملی مثل موجودات زنده همچون باکتری‌ها، ویروس‌ها و عوامل فیزیکی مثل گرما و سرما، عوامل شیمیایی مثل رنگ‌ها و سموم و عوامل تغذیه‌ای مثل کمبود ویتامین‌ها و عوامل ارثی و عوامل روانی و اجتماعی مثل فشارهای روحی و عامل پیری و عوامل ناشناخته مثل سرطان‌ها دارد.^۵

فصل دوم: بهداشت و پیشگیری

مقدمه:

امور پزشکی که با سلامت انسان در ارتباط است به دو دسته اساسی تقسیم می‌شود:

نخست امور بهداشتی که مربوط به پیش‌گیری از بیماری‌هاست یعنی دستورات و مقرراتی غذایی و... که زمینه‌ساز سلامت جسم و جان آدمی است. این امور در قرآن و احادیث به صورت آداب غذا، خواب، حمام و... بیان شده است.

و دوم امور مربوط به درمان که بعد از مرحله پیشگیری و بهداشت است یعنی

۱. درسنامه‌ی طب پیشگیری و پزشکی اجتماعی، ک. پارک، ترجمه خسرو وفائی، شیر پاک، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲. درسنامه‌ی جامع علوم پزشکی و بهداشت، دکتر مهدی خزعلی، ج ۱۲، ص ۱، انتشارات حیان، تهران، ۱۳۸۵.

۳. کلیات بهداشت عمومی، دکتر علی صادقی حسن‌آبادی، ص ۳۸، کوشامهر، شیراز، ۱۳۷۵.

۴. بهداشت عمومی، آموزش و پرورش، ص ۵، شرکت چاپ و نشر کتاب درسی ایران، تهران، ۱۳۸۳.

۵. همان، ص ۶ و درسنامه‌ی جامع علوم پزشکی و بهداشت، پیشین، ج ۱۲، ص ۳.



۱۷۹

هنگامی که انسان گرفتار بیماری شد با داروها و راهکارهایی به معالجه‌ی او می‌پردازند.

اول: بهداشت:

الف: بهداشت خواب:

«بدان که خواب بر مغز مسلط می‌شود و بدن را نیرو و استقامت می‌بخشد پس وقتی که اراده‌ی خواب کردی اول بر پهلوئی راست دراز بکش آن‌گاه به طرف چپ برگرد همچنین هنگام برخاستن از طرف راست شروع کن چنان که موقع خوابیدن از همان طرف آغاز کردی»^۱.

مغز سر مرکز اعصاب است، علایم حیاتی بدن به وسیله‌ی اعصاب صورت می‌گیرد یعنی حس و حرکت کار آن‌ها است. در مورد چگونگی خواب همیشه میان دانشمندان اختلاف نظر وجود داشته اما عقیده به تسلط خواب بر اعصاب و مغز از کشفیات کنونی علوم پزشکی محسوب می‌شود ولی این حقیقت را امام هشتم علیه السلام قرن‌ها قبل بیان فرموده است.

خواب یک استراحت طبیعی و ضروری است که اعصاب را آرامش می‌دهد و نیرو را برای ساعات بعد ذخیره می‌نماید.^۲
خواب و هضم غذا:

برای این که از مزایای طبیعی خواب بهتر بهره‌مند شویم و به خصوص در کار هضم غذا از آن کمکی گرفته باشیم نیکو است به دستوری که در متن حدیث بیان شده رفتار کنیم.

وقتی به پهلوئی راست بخوابیم غذا به انتهای معده می‌ریزد و چون به پهلوئی چپ برگردیم کبد روی معده قرار گرفته سبب زیادی حرکت و تسهیل عمل هضم می‌گردد.
شب‌نشینی

«خود را عادت بده که پاره‌ای از شب را بنشینی»^۳.

عبارت فوق را به چند نحو می‌شود معنی کرد:

۱. در اولین ساعتی که هوا تاریک می‌شود در بستر خواب نروید بلکه ساعتی



۱۸۰

صحیفه‌ی صحیحین

۱. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶ (رساله ذهبیه).

۲. طب الزّیاض علیه السلام، ترجمه نصیر الدین امیر صادقی، ص ۱۹۶ (با تصرف در عبارت).

۳. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶ (رساله ذهبیه).

را بیدار باشید.

۲. تا آخرین ساعت را نخوابید بلکه یک ساعت زودتر بیدار شوید.

۳. مقداری از شب را که در بستر خواب هستید بنشینید و تمام را دراز نکشید.

۴. ممکن است اشاره به هنگام نماز شب و فضیلت آن باشد.

احتمال دارد که قعود به معنای نشستن (معنای حقیقی) یا بیدار بودن (معنای مجازی) و یا بیداری در حال قعود باشد و نیز ممکن است منظور نشستن بعد از غذای شام باشد که موجب تمدد اعصاب می‌شود.^۱

دستشویی قبل از خواب

«قبل از خواب» به دستشویی برو، به قدری که نیازت برطرف شود در آن جا بمان. زیاد در دستشویی درنگ نکن چون مکث زیاد در آن جا موجب بیماری می‌شود».^۲

تخلیه‌ی مرتب روده در شبانه‌روز از شرایط مهم تندرستی است. یبوست مزاج که آن را ام‌الامراض باید نامید همان چیزی است که علاوه بر ایجاد درد و ناراحتی مولد بیماری‌های خطرناک می‌باشد.

بیشتر از مقدار حاجت نباید در دستشویی مکث کرد زیرا طولانی کردن مکث موجب ناراحتی‌ها و امراض مختلف می‌شود.

افکاری که از مکان آلوده و اعصاب غیر منظم پدید می‌آید آلوده و غیر منظم است. بهترین اوقات برای تخلیه معده شب هنگام خوابیدن است زیرا خوابی که پس از عمل تخلیه بوده باشد گواراتر و رؤیا را شیرین می‌کند، اعصاب را آرامش می‌دهد، قلب را مضطرب نمی‌کند. و موجب بدخوابی نمی‌شود.^۳

ب: بهداشت دهان:

۱. مسواک زدن:

«بدان که بهتر وسیله‌ای که به آن می‌توانی دندان را مسواک کنی لیف اراک است»^۴ چرا که مسواک دندان را جلا می‌دهد، دهان را خوشبو می‌کند، لثه‌ها را محکم می‌کند و آن را نیرومند می‌گرداند و در صورتی برای مواد دندان سودمند است که

۱. طب الرضا علیه السلام، ترجمه نصیر الدین امیر صادقی، ص ۱۹۸.

۲. بحار الانوار، همان.

۳. طب الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۰۰ و ۲۰۱ (با تصرف در عبارت).

۴. مقصود از لیف اراک ممکن است لیف درخت خرما یا اراک یا همان چوب معروف اراک باشد و در نسخه دیگر است که: «ان خیر ما استکت به الاشیاء المقیضة التي یكون لها ماء» یعنی بهترین مسواک، چوب تر است.



۱۸۱



به اعتدال مسواک کنند و زیاد روی در آن عاج دندان را می‌برد و آن را می‌لغزاند و ریشه‌هایش را سست می‌کند»^۱.
چوب درخت مخصوصاً چوب تازه علاوه بر عمل مسواک خاصیت ضد عفونی دارد.

این خاصیت از جهت داشتن ماده‌ی اسید فرمیک است که مزه چوب‌های سبز را تلخ می‌گرداند و چون خشک شود اگر همه این ماده از بین نرود به مقدار قابل توجهی هم در آن نمی‌ماند مگر در درخت اراک از این رو باید گفت لیف درخت اراک بهترین مسواک محسوب می‌شود.^۲

۲. جلوگیری از پوسیدگی دندان با شیرینی:

کسانی که به دندان خود علاقمندند قبل از خوردن شیرینی کمی نان بخورند.^۳
فلسفه این کار این است که ریزه‌های خمیر نان میان دندان‌ها و ریشه‌ها را پر می‌کند و نمی‌گذارد مواد شیرین به آن‌ها صدمه بزنند.

ج: بهداشت مسافرت:

۱. هواشناسی:

مسافر در هنگام مسافرت به وضع هوا توجه کند و در هوای معتدل حرکت کند.^۴

۲. غذای مسافر:

وقتی در هوای گرم ناچار به مسافرت شد شکم خود را از غذا پر نکند و نیز با شکم خالی حرکت نکند در غذا خوردن رعایت اعتدال را بنماید. در هوای گرم غذای سرد و مرطوب بخورد و از گوشت تازه روغن زیتون و سرکه و آب غوره و نظیر آن‌ها استفاده کند.^۵

۳. حرکت با توجه به وضعیت جسمی:

در هوای بسیار گرم راه پیمودن برای بدن‌های لاغر به ویژه هنگامی که شکمشان از غذا خالی باشد زیان‌آور است ولی برای بدن‌های فربه سودمند است.^۶

۱. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶ (رساله ذهبیه).

۲. طب الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی نصیرالدین امیر صادقی، ص ۲۰۲ (با تصرف در عبارت).

۳. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶ (رساله ذهبیه).

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان.

۴. آب مصرفی:

برای حفظ مسافر از ناراحتی‌ها، مصلحت مسافر به آن است که از آب هیچ مکانی ننوشد مگر این که قبلاً آن را با آب مکان سابق مخلوط کند.^۱

د: بهداشت حمام کردن:

۱. فواید حمام:

«حمام فواید زیادی دارد، مزاج آدمی را به اعتدال می‌کشاند چرک و پلیدی را بر طرف می‌کند، رگ‌ها و پی را نرم می‌کند؛ اعضای بزرگ بدن را تقویت می‌نماید، مواد زاید بدن را بر طرف و عفونت‌ها را نابود می‌سازد».^۲

۲. نوشیدن آب قبل از ورود به حمام:

«هنگامی که خواستی داخل حمام شوی و گرفتار دردسر و گیجی آن نگردي قبل از ورود در گرمخانه یا فرو رفتن در آب گرم پنج جرعه از آب نیم گرم بیاشام که به خواست خدای تعالی از درد سر و شقیقه سالم می‌مانی».^۳

۳. با شکم پر داخل حمام نشوید:

«داخل شدن حمام با شکم پر موجب درد قولنج می‌باشد».^۴

غذا برای این که هضم شود و جذب بدن گردد محتاج به مقداری حرارت است این حرارت درون معده و روده روی غذا تأثیر می‌کند. وقتی حرارتی از خارج بدن را گرم کند حرارت داخلی بدن کم می‌شود کم شدن این حرارت اختلالاتی در معده و روده و عمل هضم ایجاد می‌کند که طب قدیم از آن به قولنج ایلاووسی تعبیر می‌کند.^۵

۴. مراقب:

پیش از آن که به حمام داخل شوی مراقب باش تا در قسمت سر و گردن خود ناراحتی نداشته باشی، اگر چنین احساسی در خود یافتی موقتاً از استحمام صرف نظر کن.^۶

ه: بهداشت ازدواج:

۱. در اول شب چه زمستان و چه تابستان باشد همبستری مکن زیرا در اول شب

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. طب الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی نصیر الدین امیر صادقی، ص ۲۳۸.

۶. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶ (رساله ذهبیه).



۱۸۳

صحیحی و صحت



۲. معده و عروق پر است و در این حال مجامعت ناپسند است.
۲. وقتی که اراده همبستری داشتی نیکوست آخر شب را بدان اختصاص دهی این وقت برای بدن بهتر است و امید به تولید نسل بیشتر است و فرزند را هوشمندتر می‌سازد.
۳. قبل از همبستری با همسر خود بازی و شوخی و... کن.
۴. با زنان در حال عادت ماهیانه همبستری (جماع) مکن.
۵. در هنگام همبستری از خروج منی جلوگیری نکنید.
۶. بعد از همبستری فوری برپا نایست و منشین بلکه قدری به سمت راست خود بخواب یا تکیه کن آن‌گاه برای دفع بول از جای برخیز.
۷. بعد از همبستری غسل کن.^۱

توضیح:

۱. آمیزش در هنگام حیض سبب طولانی شدن دوره‌ی حیض و ایجاد درد و سوزش و ناراحتی‌های بعدی می‌شود و ممکن است به دستگاه تناسلی زن صدمه بزند و موجب نفوذ حیض به آلت تناسلی مرد شده مقدمات بیماری‌هایی را فراهم کند. فساد دستگاه تناسلی مرد و زن روی فرزند تأثیر دارد زیرا نمی‌تواند نطفه سالمی را به رحم تحویل دهد و رحم نیز نمی‌تواند نطفه را سالم در خود پیرواند.^۲
۲. بول نکردن بعد از عمل مجامعت سنگ به وجود می‌آورد (والجماع من غیر اهراق الماء علی اثر یوجب الحصاة).^۳ مایعی که هنگام آمیزش از مرد خارج می‌شود شامل دو قسمت است، قسمت عمدۀ آن اسپرماتوزئیدهاست قسمت دیگر مایع لزجی است که حامل اسپرماتوزئید می‌باشد، این مایع از ترشحات غدد تناسلی ایجاد می‌گردد.

بعد از اتمام آمیزش غالباً کمی از منی در قسمت آخر مجاری می‌ماند هنگامی که مجاری ادرار تحریک می‌شود اسپرماتوزئیدها به سوی کیسه منی بر می‌گردند و چون راهی نمی‌یابند به جدار مجاری می‌چسبند و پس از مدتی می‌میرند و به واسطه‌ی ترشح غلیظی متحجر شده به صورت سنگ در می‌آیند چنان‌چه بعد از تعطیل عمل مکانیکی دستگاه تناسلی شخص ادرار کند و فرصتی به

۱. همان.

۲. طب الرضا، ترجمه‌ی نصیر الدین امیر صادقی، صص ۲۴۲ و ۲۴۳.

۳. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶ (رساله ذهبیه).

ارتجاع اسپر ماتوزئیدها ندهد ادرار مجاری را اسیدی کرده و بقایای آن‌ها را بیرون می‌فرستد در نتیجه شخص از این جهت مبتلای به سنگ نمی‌شود فایده ادرار بعد از مجامعت مشروط به انزال منی نیست زیرا همین قدر که دستگاه دفع مجهز شد اسپر ماتوزئیدها از محل خارج می‌شوند.^۱

۳. آمیزش پی در پی صحیح نیست بی آن که غسلی میانش فاصله شود به فرزند ارثی از جنون می‌دهد. (والجماع بعد الجماع من غیر فصل بینهما بغسل یورث للولد الجنون).^۲

در میان بیماری‌های وراثتی چیزی که از همه وجودش ثابت‌تر است انتقال جنون و اختلافات عصبی است و لازم نیست پدر دیوانه‌ی رسمی و دایمی باشد بلکه جنون موقت او هنگام آمیزش بر طفل اثر دارد و به هر اندازه‌ای که جنون شدیدتر باشد اختلالات عصبی کودکش زیادت‌تر است.^۳

دوم: غذاها (چه چیزی بخوریم و چه چیزی نخوریم):

۱. غسل:

از امام رضا علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شد که فرمود: اگر در چیزی شفا باشد در حجامت و نوشیدن غسل است.^۴

از امام رضا علیه السلام از پدرانش از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شد که فرمودند: به هر کس از شما که غسل تعارف کردند رد نکند. (بگیرد و بنوشد)^۵

توضیح: غسل غذای شیرینی است که اغلب به صورت مایع بوده و از زنبور عسل به دست می‌آید. در قرآن کریم از مواد غذایی مختلفی نام برده شده است اما تنها در مورد غسل است که آن را «شفا» نامیده است.

«و پروردگار تو به زنبور عسل «وحی» و الهام غریزی نمود که: از کوه‌ها و ثمرات و گل‌ها بخور و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است به راحتی بپیم؛ از درون شکم نوشیدنی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود. که در آن شفا برای مردم است».^۶

۱. طب الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی نصیر الدین امیر صادقی، صص ۲۴۴ تا ۲۴۵ (با تصرف در عبارت).

۲. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۰۶ (رساله ذهبیه).

۳. طب الرضا علیه السلام، ترجمه‌ی نصیر الدین امیر صادقی، ص ۲۴۶ (با تصرف در عبارت).

۴. همان، صص ۲۴۲ تا ۲۵۵.

۵. همان.

۶. نحل، ۶۸ و ۶۹.





نکات تفسیری:

آیات فوق نکات ارزنده‌ای را در مورد زنبور عسل یاد آور می‌شود، مثل وحی به آنان که در این جا با توجه به ریشه لغوی (اشاره مخفی سریع) آمده است (یعنی وحی اصطلاحی که توسط جبرئیل بر پیامبران نازل می‌شود، مقصود نیست) و یا مسئله خانه‌سازی زنبوران که از محل بحث ما خارج است.^۱

قرآن کریم در آیه‌ی فوق از عسل به عنوان «شراب» یاد کرده است. و در آیه دیگری که در مورد بهشت است سخن از «جوی‌هایی از عسل مصفی»^۲ و «انهار من عسل مصفی»^۳ می‌گوید.

تاریخچه:

عسل از زمان‌های قدیم مورد توجه بشر بوده است. و علاوه بر جنبه غذایی آن در زمان «بقرات» و در متون «تورات» به عنوان یک ضد عفونی کننده در بیماری‌های پوستی و زخم‌ها مورد توجه بوده است.^۴

در کتاب مقدس می‌گوید: «همواره در اراضی مقدسه شیر و عسل جاری است»^۵ فقیرترین و بی‌چاره‌ترین مردم عسل را توانند خورد.^۶

حکمت‌ها و اسرار علمی:

بسیاری از صاحب نظران، مفسران و پزشکان در مورد اهمیت غذایی و دارویی (شفابخشی) عسل سخن گفته‌اند. و بر قرآن کریم آفرین گفته‌اند که آن را «شفا» خواند. در این میان یکی از کاملترین تحقیقات در این زمینه را از نظر می‌گذرانیم. و به برخی دیگر اشاره خواهیم کرد:

«دکتر عبد الحمید دیاب و دکتر احمد قرقوز» نتایج تحقیقات، تجارب و آزمایشات علمای جهان به ویژه در روسیه و آمریکا را جمع‌آوری کرده‌اند و این گونه گزارش می‌کنند:

اول: مواد تشکیل دهنده عسل: عسل دارای بیش از ۷۰ ماده مختلف است:

۱. عسل مهمترین منبع مواد قندی طبیعی است و تا کنون ۱۵ نوع قند در آن کشف گردیده است که از مهمترین آن‌ها می‌توان به فرکتوز (قند میوه) به نسبت ۷.۴۰٪ و گلوکز (قند انگور) به نسبت ۳۰٪ و قند نیشکر به نسبت ۴۰٪ اشاره کرد. در

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۵۹.

۲. محمد ﷺ، ۱۵.

۳. طب در قرآن، ص ۲۰۳.

۴. سفر خروج، باب ۳، آیه ۱۷.

۵. قاموس کتاب مقدس، مستر هاکس، ص ۶۱۲.

مجموع یک کیلوگرم عسل ۳۲۵۰ کالری حرارت می‌دهد.

۲. عسل به لحاظ داشتن برخی انواع از مواد تخمیری در تبادلات غذایی و کمک به هضم غذا در میان خوراکی‌ها بالاترین مرتبه را دارد. مهمترین مواد تخمیری موجود در عسل عبارتند از آمیلاز (Amylase) که مواد نشاسته‌ای را مبدل به قند می‌کند و اینورتناس (Invertase) که قند معمولی را به قند انگور و قند میوه مبدل می‌سازد و نیز کاتالاس (Catalase)، پروکسیداز (Peroxidase) و لیپاز (Lipase).

۳. عسل دارای ویتامین‌های بسیار است که از جمله مهمترین آن‌ها ویتامین B_۱، B_۲، B_۵، (اسید نیاسین)، B_۶ (پرووکسین)، ویتامین C، ویتامین K، ویتامین E و ویتامین A. هر چند مقدار این ویتامین‌ها در عسل زیاد نیست، ولی کافی و مفید می‌باشد و عسل مکان مناسبی برای حفظ این ویتامین‌هاست. البته مقدار این ویتامین‌ها بستگی به نوع شیرهای دارد که زنبور از گل‌ها می‌گیرد.

۴. عسل دارای انواع پروتئین، اسیدهای آمینه و اسیدهای آلی مثل اسید فورمیک (Formic Acid)، مشتقات کلروفیل، مقادری آنزیم و محرک‌های حیاتی (Biostimulators) و رایحه‌های معطر می‌باشد.

۵. املاح معدنی در عسل فراوانند از جمله: کلسیم، سدیم، پتاسیم، منگنز، آهن، کبر، فسفر، گوگرد و ید. املاح موجود در عسل ۰.۰۲٪ وزن آن را تشکیل می‌دهد.

۶. بسیاری از محققین تأکید دارند که عسل دارای عوامل قوی ضد میکروب می‌باشد. همچنین اعتقاد بر این است که عسل دارای هورمون نباتی و نوعی هورمون جنسی (از مشتقات استروژن) است. می‌بینیم که عسل ماده‌ای است بسیار پیچیده و البته ممکن است با توجه به نوع گل‌هایی که زنبورها از آن تغذیه می‌کنند، عسل مناطق مختلف اندک تفاوتی با هم داشته باشند.^۱

دوم: خاصیت ضد میکروبی و ضد عفونی عسل: دانشمندان تأکید دارند که میکروب‌هایی که عامل بیماری انسان‌ها هستند قادر به ادامه حیات در عسل نیستند و عملاً عسل آن‌ها را از بین خواهد برد. برای این خاصیت عسل نظریات بسیاری

۱. رک: طب در قرآن، صص ۱۹۶ تا ۱۹۷ و نعمت صدقی و معجزة القرآن، صص ۸۳ تا ۸۷ که خواص عسل را با ذکر آیات آن بررسی می‌کند. همچنین دکتر صادق عبدالرضا علی، القرآن و الطب الحدیث، ص ۱۰۰ به بعد؛ ایشان پس از ذکر آیه ۶۸ سوره نحل مواد تشکیل دهنده و انواع عسل (السنط، الزعور، البرتقال، الحنطة السوداء، الزیفون) را بررسی می‌کند. استاد آیت الله معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، صص ۱۷۵ تا ۱۷۸؛ ایشان خواص عسل و مواد آن را ذکر و نکاتی علمی در این مورد بیان کرده‌اند و آن را حاوی بیش از ۷۰ ماده می‌دانند، همچنین از دکتر نزار الدقر، کتاب مع الطب فی القرآن الکریم، صص ۱۸۲ تا ۱۹۱ مطالبی را آورده‌اند.





ارائه گردیده که از جمله آن‌ها موارد زیر را می‌توان نام برد:
۱. وجود اسید فورمیک (Formic Acid) در عسل که یک ماده ضد میکروب است.

۲. بالا بودن میزان مواد قندی موجود در عسل که ۸۰٪ از ترکیب آن را در بر می‌گیرد. خرما نیز به دلیل داشتن ترکیبات قندی بالا همین خاصیت را دارد و میکروب در آن رشد نمی‌کند.

۳. وجود موادی که مانع از رشد میکروب می‌شوند (Antibactereril Inhibitore) این مواد توسط زنبور ساخته می‌شود و در عسل‌های مصنوعی وجود ندارد. این نظریه نسبت به سایر نظریه‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.
۴. وجود آب اکسیژنه در عسل (Hydroxyen Peroxide ۰۲) که ماده‌ای است میکروب کش.

واقعیت این است که خاصیت ضد میکروبی عسل در نتیجه وجود تمام عوامل یاد شده می‌باشد.

اما خاصیت ضد عفونی عسل، درست عکس اغلب مواد غذایی از قبیل شیر و عصاره‌های گیاهی و غذاهای پخته است و هیچ‌گونه قارچی در آن رشد نمی‌کند، فاسد نمی‌گردد، رنگ، بو و طعم آن عوض نمی‌شود مشروط به این که آن را دور از رطوبت نگهداری نمایند.^۱

سوم: عسل و طب اطفال: عسل برای کودک هم یک ماده غذایی است^۲ و هم یک داروی بسیار ارزشمند زیرا:

۱. گلبول‌ها قرمز خون را افزایش داده و رنگ آن را شفافیت می‌بخشد.
۲. حال عمومی کودک را به نحو قابل ملاحظه‌ای بهبود می‌بخشد، به ویژه کودکانی که از نارسایی‌های دستگاه گوارش از قبیل اسهال، نارسایی در جذب مواد غذایی و یا سوء تغذیه و کم خونی رنج می‌برند.
۳. خاصیت ضد میکروبی آن کودکان را از خطر ابتلای به بیماری‌های انگلی و عفونی مصون می‌دارد.

۴. باعث بهبودی کودکان بیمار شده و وزن آن‌ها را افزایش می‌دهد.
۵. به در آمدن دندان کودکان کمک کرده و از پوسیدگی آن‌ها جلوگیری می‌نماید.

۱. رک: طب در قرآن، ص ۱۹۷ و دکترالسید الجمیلی در کتاب الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۱۹۷ به بعد و دکتر عبدالحمید محمد عبدالعزیز در کتاب الاعجاز الطبی فی القرآن الکریم، ص ۷۰ به بعد، مطالب مشابهی دارند.

۲. دکترالسید الجمیلی در کتاب الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۱۹۷ به بعد، مطالب مشابهی دارند اما آن را مخصوص عسل سفید می‌کنند.

۶. نیاز کودک را به ویتامین B₆ مرتفع ساخته و به سوخت و ساز کلسیم و منیزیم در بدن کمک می‌کند و به همین دلیل، اکثر پزشکان توصیه می‌کنند که مقداری عسل به غذای روزانه کودک در تمام مراحل رشد اضافه شود. زیرا این عمل به رشد آن‌ها کمک کرده و از ابتلای آن‌ها به بیماری‌های خطرناک از قبیل اسهال و سوء تغذیه پیشگیری می‌کند.^۱

چهارم: عسل و پیشگیری از عوارض تابش انواع اشعه و سرطان: گاهی پرتو درمانی مستمر، هم برای بیمار و هم برای کارکنان مراکز درمانی و پزشکانی که با این وسیله سروکار دارند مضر است. عوارض زیان‌آور این امر به صورت کم خونی، کاهش گلبول‌های سفید خون، سردرد، ضعف عمومی، استفراغ، تب و... ظاهر می‌شود و ثابت گردیده که تنقیه این افراد با محلول عسل موجب برطرف شدن سریع این عوارض می‌گردد. اگر قبل از مرحله درمان با اشعه، مقداری عسل به بیمار خورانده شود، از عوارض یاد شده مصون خواهد ماند.

آمار نشان می‌دهد که به نسبت سایر حَرَف، زنبور داران به ندرت به سرطان مبتلا می‌شوند هر چند تا کنون دلیل علمی برای این امر اثبات نگردیده است. طبق این آمار نسبت ابتلای کارکنان شاغل در کارخانه‌های مشروب‌سازی و زنبور داران به سرطان ۱۳ به یک است.^۲

پنجم: کاربرد درمانی عسل: تأثیر بهی بخشی عسل کاملاً مدلول صریح آیه قرآنی است که می‌فرماید: «فیه شفاء للناس».^۳ و هنگامی که انسان بر قدرت این داروی الهی در بهبود بخشیدن بسیاری از بیماری‌ها از جمله بیماری‌هایی که دانش بشری تا کنون نتوانسته درمان مؤثری برای آن‌ها بیابد، پی ببرد، واقعاً شگفت‌زده می‌شود. مهمترین ویژگی که عسل را به عنوان یک دارو از سایر داروها متمایز می‌سازد، نداشتن عوارض زیان‌آور جنبی بر سایر اندام‌های بدن است.

۱. عسل و بیماری‌های پوستی (Dermatoljy):

درمان بیماری‌های پوستی به ویژه جوش‌های چرکی و زخم‌های کهنه و عفونی با عسل از قدیم الایام یعنی از زمان بقراط و متون تورات گرفته تا دوران ابن سینا که معتقد بود عسل در درمان دمل‌ها و زخم‌های عمیق عفونی بسیار سودمند است، رایج و متداول بوده است.

۱. طب در قرآن، ص ۲۰۰.

۲. دکتر السید الجمیلی نیز در کتاب الاعجاز الطبی فی القرآن، ص ۱۴۶ به عسل و تأثیرات ضد سرطانی آن اشاره می‌کند، ولی آن را مخصوص عسل سفید می‌داند.

۳. نحل، ۶۹.





در عصر حاضر نیز پزشکان بسیاری کاربرد عسل را در درمان این قبیل بیماری‌ها آزمایش کرده‌اند. نتایج بدست آمده از این آزمایشات بدین شرح بوده است:

* عسل به دلیل داشتن ماده‌ی گلوکوناس التیام زخم‌ها را سرعت بخشیده و آن‌ها را از وجود میکروب پاک می‌کند.

* عسل داروی مؤثر و مناسبی برای معالجه زخم‌های پوستی مزمن می‌باشد. به ویژه اگر ترکیبی از عسل و وازلین باشد (وازلین ۱/۵٪، ۴/۵ عسل).

* عسل در درمان زخم‌های چرکی از قبیل دمل‌ها و جوش‌های خوش خیم سودمند است زیرا رشد میکروب‌ها را متوقف ساخته، پوست و اعصاب را تغذیه می‌نماید.

* در زخم‌های عمیق ناشی از گلوله هر چند توأم با شکستگی استخوان نیز باشد، کاربرد عسل به صورت پماد بسیار نافع بوده و بهبودی را تسریع می‌نماید.

* در ضمد زخم‌های ناشی از برخی اعمال جراحی که احتمال عفونت در آن‌ها وجود دارد (مانند عمل برداشتن فرج)، سودمند می‌باشد.

بسیاری از دانشمندان ضرورت کاربرد وسیع عسل را چه به تنهایی و چه به همراه سایر ادویه در زمینه درمان بیماری‌های پوستی حاد و مزمن به صورت کرم یا مرهم و... پیشنهاد کرده‌اند.^{۱، ۲}

تزریق موضعی عسل:

عده‌ای از پزشکان تأکید دارند که از عسل می‌توان به صورت تزریق موضعی برای درمان خارش‌های حاد و مزمن پوستی استفاده کرد و نتیجه مطلوب گرفت.

۲. عسل و بیماری‌های گوارشی:

عناصر گوناگون شیمیایی موجود در عسل به نوعی است که قادر است تأثیرات نیکویی بر برخی از بیماری‌های دستگاه گوارش بگذارد. برای مثال:

* به دلیل داشتن آنزیم‌های گوارشی، به هضم غذا کمک می‌کند.

* عسل از شدت ترش کردن معده می‌کاهد (افزایش ترشحات اسیدی معده را تعدیل می‌کند). برای زخم معده و التهاب معده مفید است. کاهش ترشحات اسیدی معده را تعدیل می‌کند، و در حقیقت می‌توان گفت عسل نقش مؤثری در تنظیم اسیدهای معده دارد. دانشمندان بر این عقیده‌اند که عسل به طور مضاعف روی زخم معده تأثیر می‌گذارد، یک تأثیر موضعی که باعث التیام سریع زخم و

۱. طب در قرآن، صص ۲۰۳ تا ۲۰۴.

۲. در مورد کاربردهای درمانی وسیع عسل مراجعه کنید به: دکتر عدنان الشریف، من علم الطب القرآنی، ص ۲۱۹ به بعد.

تعدیل اسیدهای معده می‌گردد و یک تأثیر کلی که بر اثر آن حال عمومی بیمار بهتر شده و دستگاه عصبی او آرامش می‌یابد.

* حسن تأثیر فعال عسل در درمان عفونت‌های روده‌ای به ویژه نزد اطفال، کاملاً روشن و اثبات شده می‌باشد. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز نقل گردیده که در موارد بسیاری خوردن عسل را برای درمان اسهال سفارش فرموده‌اند.

* عسل به دلیل داشتن اسید فورمیک مانع از تخمیر می‌گردد زیرا این ماده روی میکروب‌های امعاء مؤثر می‌باشد.

* عسل مانع به وجود آمدن یبوست است، به ویژه یبوستی که بعد از اعمال جراحی عارض می‌شود زیرا دارای اسانس‌های فراوان است که باعث افزایش فعالیت روده‌ها می‌گردد. همین طور عسل دارای ماده گلوکوسید استرآستیل است که در امعاء تبدیل به اوکسی متیل انتراکینون شده و مانع از ایجاد یبوست می‌گردد. * در اکثر بیماری‌های کبدی و کیسه صفرا اگر عسل را جزء رژیم غذای بیمار قرار دهند، مفید و مؤثر خواهد بود زیرا عسل برای بافت‌های کبد یک ماده مغذی است و ذخیره مواد قندی در کبد را افزایش می‌دهد.

اگر عسل را با گرده گل و شاه‌انگبین (غذای ملکه زنبورهای عسل) ممزوج کنند، به دلیل داشتن املاح معدنی، ویتامین‌ها، هورمون‌ها، اسیدها و... در اکثر بیماری‌های کبد مؤثر بوده و فعالیت تبادلات مواد قندی کبد را افزایش می‌دهد. دکتر کُخ این قدرت تأثیر در عسل را مرهون ماده‌ای به نام (Glueatilic Factory) می‌داند که تأثیری ویژه بر کبد و دستگاه جریان خون و قلب دارد.

۳. عسل و بیماری‌های تنفسی:

* در بیماری سل: عسل تأثیر مفیدی بر بیماری سل دارد و شاید این حسن تأثیر در نتیجه این باشد که عسل مقاومت بدن را در مقابل التهاب سلولی افزایش می‌دهد.

* سیاه سرفه و التهاب حنجره و گلو: از بیماری‌هایی هستند که عسل در بهبودی آن‌ها بسیار مؤثر است.

* التهاب ریه: مصرف عسل در التهاب ریه و بر طرف کردن سرفه سودمند است.

* در بیماری‌های آسم و ذات الریه، عسل به صورت شربت به همراه کلروکلسیم و محلول دیمدرول مصرف می‌شود.

۴. عسل و درمان بیماری‌های چشم:

۱. طب در قرآن، صص ۲۰۵ تا ۲۰۶ و العمید الصیدلی عمر محمود عبدالله، الطب الوقائی فی الاسلام، صص ۱۷۲ تا ۱۷۶.



عسل را از قدیم الایام در معالجه بیماری‌های چشم به کار می‌برده‌اند و به نتایج مطلوبی نیز دست می‌یافتند. امروزه تجارب و آزمایشات بی‌شمار تأثیر و فایده عسل را در درمان بیماری‌های زیر ثابت کرده است:

* التهاب پلک‌ها.

* انواع التهابات قرنیه از قبیل التهاب سلی چشم، سیفلیس و تراخم.

* آلودگی و زخم قرنیه.

* انواع سوزش‌های چشم، (با به کارگیری ترکیبی از عسل با روغن ماهی).

۵. عسل و درمان بیماری‌های زنان و زایمان:

* درمان استفراغ‌های دوران بارداری. از نظر علمی ثابت گردیده که اگر محلول ملکائین عسلی (عسل نوکائین) را فقط ۲ تا ۳ بار به صورت تزریق وریدی بکار برند، اکثر حالات استفراغ دوره بارداری را از بین می‌برد.

* تزریق وریدی محلول تصفیه شده عسل (۴۰ درصد) شرایط زایمان کم درد و راحتی را برای زائو فراهم می‌کند.

* در التهاب مهبل، عسل را به مدت ۶ روز به جداره مهبل، گردن رحم و قسمت‌های خارجی دستگاه تناسلی می‌مالند. البته قبل از مالیدن عسل موضع را باید با آب اکسیژنه شستشو داد. نتایج مثبت پس از گذشت فقط یک روز با برطرف شدن خارش و سوزش آشکار می‌شود و پس از ۲ تا ۳ روز میکروب‌های مهبل از بین می‌روند.

* خارش فرج: در معالجه‌ی خارش‌هایی که ریشه نامشخصی دارند و معالجات معمولی درباره‌ی آن مؤثر نمی‌باشد، عسل دارویی است مؤثر که ارزش تجربه را دارد.

* دکتر کابلون معتقد است که تزریق محلول ۳۳ درصد عسل و ۰/۵ درصد نوکائین در مثانه بهترین روش درمانی برای معالجه التهاب حاد مثانه می‌باشد.

* پس از انجام اعمال جراحی زنان به ویژه در قسمت فرج استفاده از عسل از هر نوع پماد دیگری مؤثرتر و در التیام سریع زخم‌ها مفیدتر است.

۶. عسل و درمان بیماری‌های گوش، حلق و بینی:

* عسل و انواع سرما خوردگی: از قدیم گفته شده که سرما خوردگی‌ها (زکام، انفلوآنزا و گریپ) بدون معالجه در مدت هفت روز و با معالجه در یک هفته!! بهبود می‌یابند (کنایه از این که دارو تأثیر چندانی در بهبودی سریع این بیماری‌ها



ندارد). ولی گویا عسل این قاعده را تغییر داده است، زیرا تجربه ثابت کرده در صورت مصرف عسل همراه با شیر داغ و یا با عصاره لیمو و یا با چای، مدت بیماری به سه روز تقلیل می‌یابد.

* التهاب پنهان مجاری تنفسی: مانند التهاب پنهان بینی و حلق که با معالجات معمولی بهبود نیافته باشند. در این گونه موارد عسل را به صورت محلول رقیق شده در آب در آورده و استنشاق می‌نمایند. این عمل نتایج بسیار خوبی در پی خواهد داشت.

* التهاب مزمن سینوس‌ها و التهاب چرکی مزمن گوش میانی اگر با محلول عسل شستشو داده شوند، بهبود می‌یابند، زیرا استفاده از محلولی که ۳۰٪ آن را عسل تشکیل دهد، برای متوقف ساختن رشد انواع میکروب‌ها کفایت می‌کند.

* زکام حاد (Rhinitis) و التهاب حلق و نایژه‌ها را بر طرف می‌سازد.

* در التهاب خشک بینی و حلق، معالجه با عسل نتایج سودمند و امیدوار کننده‌ای در بر خواهد داشت.

* التهاب دهان (Aphthose) در برابر معالجه موضعی با عسل به مدت پنج روز، واکنش مساعد نشان می‌دهد.

۷. عسل و درمان بیماری‌های قلبی:

عسل باعث می‌شود خون بیشتری به عضله قلب برسد و از طریق مواد قندی موجود در آن انرژی بیشتری به قلب می‌دهد. همچنین باعث انبساط شریان‌های اکلیل قلب شده و در تنظیم ضربان نامنظم قلب نیز مؤثر می‌باشد. مهمترین بیماری‌های قلبی که عسل در درمان آن‌ها مؤثر است عبارتند از:

* التهاب دیفتریایی قلب که گاهی نیز توأم با نامنظم بودن ضربان می‌باشد.

* پس از اعمال جراحی به عنوان تقویت کننده.

* خنق سینه یا سوزش قلب.

* ناتوانی توأم با پایین آمدن ضربان قلب چه همراه با سوزش سینه باشد و چه نباشد.

۸. عسل و بیماری‌های کلیه:

در مواردی که فعالیت کلیه دچار نارسایی گردد، از عسل به دلیل دارا بودن مقدار اندکی پروتئین و املاح معدنی می‌توان به عنوان رژیم غذایی استفاده کرد و به عنوان داروی مؤثر نیز نتیجه‌بخش خواهد بود.

۹. عسل و دستگاه عصبی:





۱۹۴

صحبتهای صحیح

عسل در حالات زیر مفید خواهد بود:

* گرفتگی مویرگ‌های مغزی.

* در درمان داء الرقص (chorea).

* به عنوان آرام‌بخش دستگاه عصبی.

* التهاب عصب سیاتیک با استفاده از ملکاتین (Malcatin).

و در پایان، عسل در درمان کم خونی مفید بوده، گلبول‌های قرمز و هموگلوبین را افزایش می‌دهد و خاصیت ضد خونریزی دارد و از این بابت می‌تواند نقص ویتامین k بدن را جبران کند.

در خاتمه بحث در باره این داروی جادویی، لازم به تذکر می‌دانیم که معالجه با عسل باید زیر نظر پزشک معالج انجام شود نه سر خود، زیرا ممکن است که نتیجه مطلوب به دست نیاید.

بحث در باره عسل در این مختصر نمی‌گنجد و شاید اسرار بسیاری وجود

داشته باشد که هنوز کشف نشده زیرا « و ما أوتینم من العلم الا قليلاً »^۱

از امام رضا علیه السلام نقل شده که در مورد عسل‌های زیان‌آور هشدار داده و می‌فرماید:

«عسل نیز دارای نشانه‌هایی است که به آن‌ها سود و زیانش از هم شناخته می‌شود عسلی که بوییدن آن‌ها تولید عطسه می‌کند و آن‌ها که نوشیدنش سکر و مستی می‌آورد و آنهایی که چشیدنش گلو را می‌سوزاند این انواع از عسل خوب نیست بلکه سم و کشنده است»^۲.

عسل سالم‌ترین خوراکی‌ها است به شرطی که از اول سالم به عمل آمده باشد.

۲. آب‌های گوارا و ناگوار:

الف. آب‌های گوارا:

بهترین آب‌ها برای نوشیدن آبی است که چشمه آن از سمت مشرق و سبک و روشن باشد.

گرمای‌ترین آب‌ها علاوه بر صفات فوق آن است که محل پیدایش و خروج آن

۱. آنچه از علم به شما دادند بسیار اندک است؛ (اسراء، ۸۵).

تذکر: در مورد عسل روایات متعددی از طریق اهل بیت علیهم السلام وارد شده است؛ (رک: بحار الانوار، ج ۶، صص ۲۹۲ به بعد و ج ۶۲، صص ۳۲۴ به بعد). برخی از یزشکان و صاحب‌نظران دیگر نیز مطالب جالبی آورده‌اند و مکرراً از آن به عنوان اعجاز علمی قرآن یاد کرده‌اند؛ (رک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۵، صص ۱۲۹ به بعد و اسرار خوراکی‌ها، صص ۲۷۲ به بعد و اسلام، پزشکی بی‌دارو، صص ۱۱۴ به بعد) و طب در قرآن، صص ۱۹۵ تا ۲۱۰ و دکتر عبدالعزیز اسماعیل پاشا، اسلام و طب جدید، صص ۱۶۶ تا ۱۶۸، ترجمه‌ی سید غلامرضا سعیدی.

۲. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۲۴.

در تابستان از طرف طلوع خورشید باشد.
سالم‌ترین و بهترین آن‌ها آبی است که از محل خود بجوشد و مجرای آن شکاف تپه‌ها و کوه‌های خاکی باشد.^۱
آب با وصف مذکور در زمستان سرد و در تابستان ملین است.

ب: آب‌های ناگوار:

آب شور و آب‌های سنگین موجب یبوست معده می‌شود. آب برف و آب یخ برای غالب مزاج‌ها زیان‌آور است. اما آب دره‌ها و گودی‌ها گرم و غلیظ‌اند خصوص در تابستان چون راکد است و آفتاب دائماً بر آن می‌تابد و گاهی خوردن چنین آبی باعث غلبه و تحریک صفراء می‌شود.^۲

ج: آب‌های مشروط:

آب باران سبک و گوارا و صاف است و برای کلیه اجسام نافع است به شرطی که زیاد نماند و در مخزن خود زمانی دراز حبس نشود.
اما آب چاه شیرین و صاف است و سودمند می‌باشد به شرطی که همیشه جریان داشته باشد و در زمین محبوس نشود.^۳

۳. شیر و ماست:

در رساله‌ی ذهبیه، از امام رضا علیه السلام نقل شده که به نوشیدن شیر اهمیت دهید به ویژه در اواخر خرداد و تیرماه، و نیز به خوردن ماست اهمیت دهید به ویژه در اواخر مرداد و شهریور.

«والالبان والمسک الطری»^۴

«از شیرها و ماهی تازه استفاده کنید».

شیر غذای کامل است که از هر غذایی بیشتر کلسیم دارد. بعد از شیر و پنیر، ماست یک غذای کامل است و عمده مزیت ماست خاصیت ضد عفونی طبیعی آن است.

۱. همان.

تذکر: کوه‌های خاکی همچون فیلتر عمل می‌کنند و موجب می‌شود که آب به نوعی تصفیه شود.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.



۴. ماهی تازه:

«هر کس از سردرد و شکم درد می‌ترسد خوردن ماهی تازه را به تأخیر نیندازد».^۱
ماهی‌ها آن‌چه از املاح و مواد معدنی وارد بدن آن‌ها شود دست نخورده به ما تحویل می‌دهند زیرا آن‌ها ترکیبات بدن خود را از آب می‌گیرند و آب محلولی به آن‌ها می‌دهد که رسوب نمی‌کند لذا ماهی‌ها در صف گیاهان و میوه‌های شفا بخش به شمار می‌آیند.

ماهی تازه به خصوص اگر از دریای آزاد و آب شیرین گرفته باشند بسیار لذیذ و سرشار از املاح معدنی و فسفر است ید و منگنز در ماهی زیاد یافت می‌شود.

۵. تخم مرغ زیاد نخورید:

«زیاد تخم مرغ خوردن موجب بزرگی سپرز و بادها در سر معده می‌شود پر کردن شکم از تخم مرغ کبابی باعث ضیق نفس و تنگی سینه می‌گردد».^۲

نباید خوردن تخم مرغ مستمر باشد در یک وعده هم نباید زیاد خورد خصوص اگر با پوست کنار آتش پخته باشد. تخم مرغ خام خوردنش خوب نیست پخته و سفت شده‌ی آن مطلوب نیست بهترین شیوه پختن، نیم‌پز کردن آن است (عسلی). برای عسلی کردن تخم مرغ نباید آن را در آب جوشانید بلکه باید در آبی که نزدیک به جوش باشد آن را به عمل آورد.^۳

۶. گوشت گاو و شکار زیاد نخورید:

«زیاد خوردن گوشت گاو و حیوانات وحشی موجب کمی عقل و سرگردانی فهم و کند ذهنی و زیادی فراموشی می‌گردد».^۴

همه ضررهای گوشت در زیاده‌روی آن است و گرنه گوشت در قبال مضرات، منافع زیادی هم دارد از جمله میل جنسی و اعصاب مغز را بیدار می‌کند، نازک بینی‌های شعرا و ظریف کاری‌ها، عشق‌ها، عاطفه‌ها، ابتکارات علمی و فنی همه در اثر تحریک اعصاب است.

۷. سیر بخورید:

آنان که از بادهای دردناک و شدید در بدن خود می‌ترسند، هفته‌ای یک بار سیر بخورند.^۵



۱۹۶

صحیفه‌ی صحیحین

۱. همان.

۲. همان.

۳. طب الزّضا، ترجمه‌ی نصیر الدین امیر صادقی، ص ۲۴۷.

۴. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۲۴.

۵. همان.

۸. سرکه بخورید:

از امام رضا علیه السلام از پدراننش از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شد که فرمودند: مداومت بر خوردن سرکه خوب است؛ اهل خانه‌ای که در آن سرکه باشد، فقیر نمی‌شوند.^۱

۹. گوشت بخورید:

از امام رضا علیه السلام از پدراننش از علی علیه السلام نقل شده که: به مصرف گوشت عنایت کنید که موجب رشد گوشت بدن شما می‌شود و هر کس چهل روز خوردن گوشت را ترک کند بداخلاق می‌شود.^۲

۱۰. برنج بخورید:

از امام رضا علیه السلام از پدراننش از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که غذای خوب اهل دنیا و آخرت گوشت و برنج است.^۳

۱۱. کدو بخورید:

از امام رضا علیه السلام از امام علی علیه السلام حکایت شده که فرمود: به کدو عنایت داشته باشید که موجب افزایش دماغ (مغز و هوش و...) می‌شود.^۴

۱۲. بهتر است کلیه حیوانات را نخورید:

از امام رضا علیه السلام از پدراننش از امام علی علیه السلام نقل شد که فرمودند: «پیامبر صلی الله علیه و آله همواره از خوردن کلیه‌ها پرهیز می‌کرد؛ چون به (مجرا و محل) بول نزدیک است ولی آن‌ها را حرام نکرد»^۵

تذکر: روشن است که کلیه‌ها محل تصفیه مواد بدن است از این رو در معرض سموم آن‌هاست.

سوم: روش غذا خوردن:

۱. از کدام غذا شروع کنیم؟

«هنگام شروع به طعام اول به سبک‌ترین غذا بپرداز خوراکی‌هایی که بدنت می‌تواند از آن‌ها تغذیه کند به مقداری که عادتت بر آن جاری شده و مزاج و معده‌ات تحمل آن دارد و خوشی و نشاطت به آن باقی است»^۶.



۱۹۷

صحیفه‌ی صحت

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۳۴.

۲. همان، ص ۲۵۹.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. همان ص ۱۰۹.



۲. قبل از غذا کمی نمک بچشید

از امام رضا علیه السلام از پدانش از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شد که فرمودند: «هر کس غذا را با نمک آغاز کند هفتاد بیماری از او رفع می‌شود.»^۱
تذکر: نمک حالت ضد عفونی کننده برای دهان و مجاری دارد و مصرف با اعتدال آن برای بدن مفید و ضروری است البته برخی افراد که بیماری‌های خاص دارند باید از مصرف نمک پرهیز کنند.

۳. چه موقع دست از غذا بکشیم:

«و ارفع یدیک من الطعام و انت تشتهیه»^۲
دست از طعام بردار در حالی که هنوز اشتهایت باقی است.»
«در حالی که هنوز گرسنگی باقی و میل و اشتها برقرار است دست از طعام بردار که این چنین غذا خوردن برای معده و بدن اصلح و برای عقل پاکیزه‌تر و بر جسم و تن باری سبک‌تر است.»^۳

۴. آب سرد بعد از غذای گرم ننوشید:

«آشامیدن آب سرد بعد از طعام گرم و شیرینی دندان‌ها را فاسد می‌کند.»^۴
خوردن و آشامیدن غذای سرد بعد از خوردن غذای گرم یا گرم بعد از سرد موجب ترکیدن مینای دندان و فساد آن می‌گردد.
وقتی دندان شکاف برداشت مواد شیمیایی غذاها شکاف را توسعه داده تا به ریشه دندان یا به رشته‌های عصبی فک می‌رساند رسیدن آن مواد به رشته‌های عصبی باعث تحریک آن‌ها و دردهای سخت می‌گردد گاهی در میان شکاف‌ها بقایای غذا مانده تبدیل به میکروب می‌شود و میکروب‌هایی هم که با غذا وارد دهان می‌گردند داخل شکاف‌ها شده شروع به رشد و فعالیت می‌کنند در این موقع است که بیماری‌های مختلف دهان و دندان پدید می‌آید.^۵

۱. طب الرضا علیه السلام، ص ۲۶۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۳۲۴.

۳. همان.

۴. همان.

۵. طب الرضا علیه السلام، همان، صص ۲۵۱ تا ۲۵۰.

۵. در بین غذا، آب نوشید

«کسی که می‌خواهد به درد دل (معهه) مبتلا نشود در بین غذا آب نیشامد زیرا آشامیدن آب میان غذا بدن را مرطوب و معده را ضعیف می‌گرداند در نتیجه عروق خاصیت غذا را نمی‌گیرد ریختن آب بر غذا معده را دچار اختلال می‌کند»^۱.

غذا وقتی که وارد دهان و مری و معده می‌شود تحت تأثیر اعمال مکانیکی جهاز هضم و مواد شیمیایی غدد هاضمه است. غده‌هایی که در زیر زبان و در معده وجود دارد با ترشحات خود نقش عمده‌ای را در هضم غذا به عهده گرفته‌اند، هر چقدر غذا خشک‌تر باشد غده‌ها بیشتر تحریک شده و زیادتر ترشح می‌کنند، نوشیدن آب بین غذا از فعالیت غده‌ها می‌کاهد و خاصیت اسیدی ترشحات آن‌ها را کم می‌کند در نتیجه کار هضم را به تأخیر می‌اندازد پس بهترین وقت برای آشامیدن آب حداقل یک ساعت بعد از غذا است.

۶. گوشت را با حبوبات و ادویه‌جات بخورید.

«ویستعمل فیه اکل اللحوم بالتوابل؛^۲ و گوشت را با ادویه‌جات و حبوبات مصرف کنند».

ادویه جات که عبارت از سائیده‌ی ساق و دانه‌ی گیاه‌های خوشبو و مفید است بهترین وسیله طبیعی برای ضد عفونی کردن معده و روده‌ها است. معمولاً ادویه‌ای که در طبخ غذا به کار می‌برند و یا با آن میل می‌کنند عبارت است از نمک، فلفل، زرد، چوبه، دارچین، میخک، گلپر، هل، ریشه‌ی جوز، زعفران، کنجد، خشخاش، تمره‌ندی، رازیانه، زنجبیل، زیره، سیاه دانه و

حبوبات علاوه بر آن که سرشار از مواد سفیده‌ای هستند دارای باکتری‌هایی نیز می‌باشند که به کمک آن‌ها ازت کاملاً جذب می‌شود، از ضررهای گوشت آن است که از جذب ازت جلوگیری می‌کند و این به علت آن است که از سایر غذاها بیشتر حرارت می‌خواهد و ایجاد حرارت می‌کند اما گوشتی که با حبوبات پخته می‌شود این خسارت را به بار نمی‌آورد.

آنچه که با گوشت و غذا مصرف می‌شود شامل انواع چاشنی‌ها مانند: سرکه، غوره، آلوچه، گوجه‌فرنگی، گوجه ایرانی، سماق، رب انار و آب انار و لیمو و



۱۹۹

صحیفه‌ی صحت

۱. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۲۴.

۲. همان.



۲۰۰

صحیفه ی صحیح

نظیر آن‌ها می‌شود.^۱

تذکر: استفاده از گوشت به همراه ادویه و حبوبات به ویژه در پاییز سفارش شده است.

۷. بعد از غذا شربت شیرین بنوشید:

«باید شربتی را که می‌نوشی پس از طعام و در پی آن باشد، از شراب کهنه‌ای که نوشیدنش حلال باشد».^۲

شربت شیرین غلیظ در عمل هضم غذا مؤثر است. البته شربتی بعد غذا خوب و مفید است که حلال و مطابق دستور باشد نوشابه‌های الکلی نه تنها منظور را به طور کامل تأمین نمی‌کند خطرهای بزرگی را نیز متضمن است.

چهارم: رژیم غذایی متناسب با فصول و ماه‌های سال:

تغییرات فصول، در شئون حیاتی انسان‌ها مؤثر می‌باشد، بنابراین لازم است که هر فرد هم به منظور تکمیل این تأثیرات خود را برای مقابله با این تغییرات آماده کند، تا هم جسم خود را از ضررهای این تغییرات حفظ نماید و هم از منافع و خوبی‌های این فصول بهره‌مند شود و آن‌ها را کامل‌تر کند.^۳

در رساله ذهبیه از امام رضا علیه السلام حکایت شده که فصول و ماه‌های سال را نام برده و خصوصیات هر کدام را بیان کرده و برای هر ماه و فصل غذای مناسب را معرفی کرده است.

«هر خوراکی سرد در تابستان و گرم در زمستان مناسب است و غذاهای معتدل در فصل بهار و پاییز و میزان مصرف خوراکی‌ها (یا مقدار حرارت و برودت آنها) نیروی طبیعی بدن و میل آن است».^۴

پنجم: غذای سازگار با بدن بخورید تا سالم باشید:

«طعامی را بخور که موافق بدن توست. جسد مانند زمینی پاک است، وقتی آن

۱. طب الرضا علیه السلام، همان، ص ۱۶۱ (با تصرف در عبارت).

۲. همان.

۳. طب الرضا علیه السلام و طب الصادق علیه السلام، ص ۵۲ و ۵۴.

۴. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۲۴.

زمین را آباد کردی و تخم کاشتی و آب دادی البته آب به میزانی که نیاز دارد نه زیاد که آن را تباه کند و نه کم که زمین تشنه بماند مسلماً آن زمین آباد می ماند، زراعتش خوب و محصولش زیاده تر می شود اما اگر از عمران و آبادی آن زمین غفلت شود آن زمین فاسد می گردد و گیاه در آن نمی روید، پس جسد هم مانند آن زمین است که باید در غذا دادن به آن تدبیر به کار رود.

وقتی که بدن را با غذا و مشروبات گوارا تغذیه و مراقبت کردی سالم می ماند و همه‌ی اعضای آن وظایف خود را به خوبی انجام می دهند پس نگاه کن بین چه چیزی موافق معده توست و بدنت را تقویت می نماید همان را بخور»^۱.

ششم: غذا و آب به اندازه‌ی نیاز (نه افراط) بخورید تا سالم بمانید:

«بدان هر کس غذا را بیش از حد لزوم بخورد، جسدش را صحیح تغذیه نکرده است پس باید غذا را به اندازه نیاز خورد نه کم و نه زیاد، آب هم به همین اندازه باید خورده شود پس بهترین طریق برای غذا خوردن این است که به مقداری که برای یک روز کفایت می کند قانع شوی و هنگامی که کاملاً سیر نشده از غذا دست بکشی.

البته در وجود تو نسبت به غذا شهوت و میل هست، ولی نباید در پیروی از این میل کاذب افراط کنی، بلکه میانه‌روی در غذا خوردن، معده و بدن تو را سالم نگه می دارد، عقل را پاک می کند و جسمت را نیرومند می سازد»^۲.

توضیح: افراط درباره دو احساس گرسنگی و سیری و بد عمل کردن در مورد آن‌ها بدون شک موجب عدم تعادل در بدن می گردد، زیرا خوردن غذای زیاد که بیش از قابلیت بدن باشد در وهله‌ی نخست سنگینی معده می آورد، علاوه بر این زیاده‌روی در طعام نتایج مستقیمی هم دارد از جمله:

۱. سوء هاضمه

این مرض از تلاش زیاد جهاز هاضمه و به خصوص معده و کبد، به واسطه‌ی زیاده‌روی در غذا و عدم رعایت شرایط بهداشت به وجود می آید.

۲. چاقی

این بیماری را می توان علت اصلی بیماری‌ها دانست وقتی که جهاز هاضمه

۱. همان.

۲. همان.



گنجایش معینی داشته باشد ولی صاحبش در خوردن غذا افراط کند، در نتیجه مواد چربی که در معده آب نمی‌شوند، مقداری داخل خون می‌شوند و مقداری هم در جاهای غیر مناسب بدن مثل عضله‌های قلب و کبد رسوب می‌کنند و این عمل برای بدن بسیار خطرناک است و مرض‌های متعددی مثل عاجز شدن قلب، پاره شدن شریان‌های حساس مثل مغز، بروز امراض مفصلی را به وجود می‌آورد.

فصل سوم: درمان

مقدمه:

در این بخش برخی از احادیث و کلمات حکایت شده از امام رضا علیه السلام را نقل می‌کنیم که به داروها و روش صحیح درمان دردها اشاره دارد البته این موارد به دو صورت بیان شده است: اصول کلی درمان و موارد خاص که به داروهای مخصوص اشاره دارد.



۲۰۲

صحیفه‌ی صحیحین

اصول کلی درمان:

۱. هر دردی، دارویی دارد:

«آگاه باش که خدای متعال هیچ بدنی را به دردی مبتلا نمی‌سازد مگر این که برای آن دارویی قرار داده است، و برای هر قسمتی از دردها، قسمتی از داروها (است که نیازمند) مدیریت و انگیزش است»^۱.

توضیح: توجه و به کارگیری اصل فوق زمینه‌ساز بسیاری از تحقیقات علوم پزشکی می‌شود. یعنی به پزشکان و داروسازان یادآوری می‌کند که هیچ بیماری را لاعلاج ندانند و به دنبال داروی آن باشند چون هر دردی را که بشر بدان مبتلا شود خدای متعال برای آن دارویی قرار داده است که باید در طبیعت، یا عوامل روانی و روحی او جستجو کرد.

۲. دستورات پزشکی و بهداشتی را از افراد متخصص بگیرید نه پزشک‌نماها:

«اشخاصی که به صحت و سلامتی خویش علاقه‌مند هستند باید در کسب دستورات بهداشتی احتیاط را رعایت کنند و به سخنان کسانی که نه در مکتب درس خوانده‌اند و نه در سایه ریاضت نفس، کمالی اندوخته‌اند گوش ندهند،

چنان که می‌شنوید بعضی از این اشخاص می‌گویند: فلان غذایی را خوردم به من ضرر نرساند و یا این که فلان کاری را کردم زینانی ندیدم. گوینده این قبیل سخنان، به منزله‌ی چهارپای نادان و کوتاه فکری است که هنوز به سود و زیان خودش آگاه نیست و نتوانسته نیک را از بد تشخیص بدهد.^۱

۳. بیماری‌های کوچک را به خوبی معالجه کنید تا بیماری‌های بزرگ از راه نرسد:
«بیماری را باید قبل از به وجود آمدن در هم شکست و نباید از سبکی و یا کوچکی آن فریب خورد، تا مبادا زمان حمله‌اش برسد و روزگار آدمی را تباہ کند».^۲

۴. سلامت و بیماری بدن وابسته به غذای آن است:
«پس به درستی که صلاح بدن و پایداری آن به خوردنی و نوشیدنی است و فسادش نیز به آن‌ها است. پس اگر آن دو را نیکو تغذیه کنی بدن سالم می‌شود و اگر بد تغذیه کنی بدن بیمار می‌گردد».^۳
توضیح: بدن از موادی تغذیه می‌کند که از آن‌ها درست شده باشد و هر کدام که در ترکیبات بدن به قدر کافی داخل نشود بدن به کمبود آن ماده دچار شده و مقاومت خود را برابر امراض از دست می‌دهد.
مطلب فوق یکی از چیزهایی است که علم امروز کشف کرده ولی در هزار و چند سال قبل امام هشتم شیعیان این حقیقت را بیان فرموده است.

۵. حرکت و کار و ورزش زیاد پسندیده است:
«و حرکت و کار و تمرین و ورزش فراوان در آن پسندیده است».^۴
این مطلب یکی از عوامل سلامتی انسان و راه مبارزه با بیماری‌هاست. امام رضا علیه السلام بر این مطلب به ویژه در ماه اسفند تأکید می‌کند که طبیعت در آستانه‌ی بیداری و نشاط بهاری است و بدن انسان نیز نیازمند تحرک، فعالیت، نشاط و حیات دوباره است.



۲۰۳

صحیفه‌ی صحت

۱. همان.
۲. همان.
۳. همان.
۴. همان.



۶. کم خوردن غذای شب، راهکار سلامتی و مبارزه با چاقی:

«کسی که می‌خواهد سالم باشد و بدنی سبک و کم گوشت داشته باشد از غذای شب بکاهد»^۱.

غذایی که روز می‌خوریم علاوه بر آن که مواد سوختی بدن ما را تهیه می‌کند کسری‌های بدن ما را نیز تأمین می‌نماید ولی غذای شب چیز قابل توجهی از آن داخل ترکیبات بدن نمی‌شود بیشتر آن می‌سوزد و قسمتی از آن در بدن رسوب می‌کند. رسوبات در بدن بافت‌های گوشتی و عضلی را از هم باز می‌کند و وجود این رسوبات و باز شدن و باد کردن بافته‌های عضلی و خارج نشدن مایعات اضافی شخص را چاق نشان می‌دهد.

اگر غذای شب کم و به قدر ضرورت باشد تمام آن می‌سوزد و رسوبی از آن نمی‌ماند.

پس بهترین رژیم برای لاغری معتدل و حفظ و تقویت بدن آن است که حتی الامکان غذای شب ما کم و سبک بوده باشد.^۲

۷. تأخیر در دستشویی عامل بیماری:

«کسی که می‌خواهد از ناراحتی مثانه شکایت نکند بول خود را نگه ندارد و ولو این که سوار اسب باشد»^۳.

بیشتر سوزش‌های مجرای، تسلسل بول - تقطیع بول - اختلاط با خون، اختلالات مثانه، ورم پروستات و غیره بر اثر حسب بول است.

ادرار خاصیت اسیدی دارد و چنانچه دفع نشود ایجاد زخم و بیماری‌های بسیار می‌کند خصوصاً اگر وارد مجرای دفع شده باشد و از این جهت بعد از تخلیه‌ی ادرار هم به ترتیبی باید بقایای آن را که در مجری مانده است بیرون فرستاد و برای آن که ذراتی از ادرار در مجری باقی نماند نباید ایستاده بول کرد زیرا در حال ایستاده کیسه‌ی ادرار (مثانه) بر مجاری دفع مسلط نیست و قطراتی که مثانه آن را جواب کرده هم چنان باقی می‌ماند و عوارض فوق را به وجود می‌آورد اما در حال نشستن به قدر ضرورت به مثانه فشار وارد می‌شود و تقریباً چیزی از بقایای بول در آن نمی‌ماند.^۴

۱. همان.

۲. طب الرضا علیه السلام، همان، صص ۲۶۹ تا ۲۷۰.

۳. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۲۴.

۴. طب الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۵۷.

۸. خوردن گوشت پخته عامل بیماری:

«خوردن گوشت خام در معده تولید کرم می‌کند»^۱
معده انسان نمی‌تواند گوشت خام را درست هضم کند و گوشتی که در معده هضم نشود آلبومین آن در روده‌ی بزرگ متعفن شده و تولید سم‌های جدیدی می‌کند و عامل عمده کرم‌های معده عفونت است و عفونت‌های معده، عمده علت آن‌ها مواد گوشتی به خصوص گوشت‌های خام و نیمه‌پز است.
در گوشت سمی است به نام کاسترل که امراض خطرناکی را به وجود می‌آورد البته در صورتی که زیاد و مدام خورده شود ولی در گوشت خام این سم به مقدار زیاد و زنده است لذا خوردن گوشت خام هر چند کم باشد خطرناک خواهد بود.^۲

۹. درمان ضعف حافظه:

«کسانی که به ضعف حافظه دچارند، بهتر است همه روزه هفت مثقال کشمش سیاه (مویز) ناشتا بخورند و روزانه هم سه تکه زنجبیل در عسل خوابانده (زنجبیل پرورده) با کمی خردل ضمن غذای روزانه خود بخورند، هم‌چنین برای تقویت نیروی فکری خوب است همه روزه سه هلیله با نبات کوبیده بخورند».^۳

۱۰. حجامت:

حجامت یکی از راه‌های درمان بیماری‌هاست.
از امام رضا علیه السلام در رساله‌ی ذهبیه حکایت شده که به حجامت توصیه کردند و شرایط و مقررات آن را بیان کرده به ارتباط حجامت با حرکت ماه (تأثیر نیروی جاذبه ماه بر گردش خون بدن) اشاره کردند و فرمودند:
«حجامت یک عمل لازم برای بدن انسان می‌باشد پس وقتی که شما تصمیم به این کار می‌گیرید، لازم است که از دوازه تا پانزده هر ماه را برای عمل حجامت انتخاب کند چون در ایامی که ماه به تکامل (بدر) خود نزدیک باشد خون در بدن قرار عادی دارد، به این سبب خون گرفتن صالح‌تر و شایسته‌تر است ولی اگر ماه به ایام آخرش برسد. حجامت نکن چون هر چه هلال ماه کوچک شود خون در بدن انسان پرجوش و خروش می‌شود، به همین جهت حجامت و خون دادن به



۲۰۵

صحیفه‌ی صحت

۱. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۲۴.

۲. طب الرضا علیه السلام، همان، ص ۲۴۸.

۳. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۲۴.



صلاح نزدیک نیست مگر این که مقتضیات مزاجی انسان ناگهان عمل حجامت را ایجاب کند، در این صورت مانعی ندارد.

در انجام حجامت باید سنین زندگانی افراد رعایت شود، مثلاً یک جوان بیست ساله می‌تواند هر بیست روز یک بار حجامت کند، سی ساله‌ها هر سی روز یک بار می‌توانند حجامت را تکرار کنند و همین طور چهل ساله‌ها هر چهل روز یک بار و هر چه بالا رود باید با این نسبت انجام شود.

شما باید بدانید که حجامت بر روی رگ‌های مویی که در تمام اعضای بدن پخش و پراکنده هستند انجام می‌شود تا موجب سستی و ناتوانی بدن نشود اما عمل «فصد» که از ورید خون می‌جهد، مسلماً قوای بدنی را کاهش می‌دهد و حجامت «نقره»^۱ برای سنگینی سر نافع است و همچنین حجامت «اخذعین»^۲ ناراحتی‌های چشم و صورت را بر طرف می‌کند و به جریان خون در عضلات و عروق سر حالت عادی می‌بخشد.

گاهی هم عمل فصد به جای این حجامت‌ها، از این عوارض جلوگیری می‌کند، برای علاج «قلاع»^۳ گاه و بیگاه از زیر چانه خون می‌گیرند و حجامت زیر چانه برای دردهای دهان و فساد لثه‌ها درمان خوبی است و حجامتی که از میان دو کتف می‌شود بدن انسان را از خفقان و التهاب نجات می‌بخشد البته منظور از این خفقان و التهاب خفقانی است که از سنگینی معده و زیادی حرارت بدن به وجود آید. حجامتی که از روی ساق‌های پا انجام می‌شود برای خفقانی که از امتلا^۴ به وجود آید، نافع است به علاوه برای دردهای کهنه کلیوی و اختلال مثانه و رحم و به ویژه «ریزش خون حیض» این حجامت بسیار سودمند است، اما نباید فراموش نمود که خون‌گیری از ساق پا بدن را ضعیف و نحیف می‌سازد. پس از حجامت نباید بلافاصله به زنان نزدیک شد، به علاوه مقرر است که انسان حجامت شده از حرکت زیاد و خشن و هیجانات عصبی بپرهیزد»^۵.

۱. «نقره» حفره‌ی کوچکی است که در انتهای ستون فقرات در پشت گردن قرار دارد. فاصله‌ی این حفره تا ستون فقرات، چهار انگشت است.

۲. «اخذعین» آن دو رگ را گویند که در پشت گردن به چپ و راست کشیده شده‌اند.

۳. «قلاع» جوش‌های کوچکی است که در دور دهان و زبان ظاهر می‌شوند و رفته رفته زیاد می‌گردند.

۴. سوء هضم به علت پر بودن معده را امتلا می‌گویند.

۵. بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۳۲۴.

توضیح: طب جدید درباره بسیاری از بیماری‌ها حجامت را تجویز و گاهی هم ضروری و لازم می‌داند و آن را یک معالجه مؤثر معرفی می‌کند.



۲۰۷

سجده‌ای صحت

